

حریم ریحانه



اولین و تنها دائرة المعارف و اطلس پوشش و عفاف در کشور
نگاهی جامع (درون دینی و برون دینی) به موضوع پوشش و عفاف



يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

(احزاب/ ۵۹)

■ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط) نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است.

■ زن به دلیل زیبایی ها و جاذبه هایی که دارد ، همواره بیشتر از مرد مورد توجه دیگران قرار می گیرد و اگر در جامعه طوری ظاهر شود که این زیباییها به شکل ارزان و راحت در اختیار دیگران قرار بگیرد، و به شدت این جاذبه ها افزوده شود، آنچه مورد توجه دیگران قرار می گیرد، زیبایی این جذابیتها خواهد بود ولی اگر با پوشش در جامعه ظاهر شود، افراد به بعد انسانی و جاذبه های درونی او توجه خواهند کرد و در واقع انسان بودن زن شناخته می شود و زن مورد آزار قرار نمی گیرد.

عنوان و نام پدیدآور : حریم ریحانه : اولین و تنها دائرةالمعارف پوشش و عفاف کشور ؛ نگاهی جامع (درون‌دینی و برون‌دینی) به موضوع پوشش و عفاف/ تحقیق و پژوهش نعیمه اسلاملو ... [و دیگران] ؛ تدوین و ویراستاری محمدحسن زمان‌وزیری. مشخصات نشر : کرج: موسسه فرهنگی هنری کاربردی خیبر، تلاوت آرامش، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۳۲ص. - مصور(رنگی): ۲۱×۲۴×۲۴س.م.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۹۷-۰-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : تحقیق و پژوهش نعیمه اسلاملو، الهه افضلی، لیلا مدیرروستا، سمیه عظیمی، زهرا اسلاملو، صدق صادق، مطهره محرابی، افسانه ابراهیمی، لیلا خدابنده لو، کبری خدابنده‌لو، سیده فاطمه شریفی، سیده‌حلیمه میرتقی، فهیمه حسن‌راجی، مهدیه بقایی.

یادداشت : کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان « حریم ریحانه: کتابچه پوشش و عفاف: نگاهی جامع (درون‌دینی و برون‌دینی) به موضوع پوشش و عفاف» توسط انتشارات نگار نور در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است.

عنوان دیگر : حریم ریحانه: کتابچه پوشش و عفاف: نگاهی جامع (درون‌دینی و برون‌دینی) به موضوع پوشش و عفاف.

موضوع : حجاب اسلامی

موضوع : حجاب -- تاریخ

شناسه افزوده : زمان‌وزیری، محمدحسن، ۱۳۵۵ -، ویراستار

رده بندی کنگره : ۱۳۸۹/ح۴/۱۷/۲۳۰BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۲۰۴۶۹

حریم ریحانه

اولین و تنها دائرةالمعارف پوشش و عفاف کشور

نگاهی جامع (درون دینی و برون دینی) به موضوع پوشش و عفاف

تحقیق و پژوهش :

خاتم ها نعیمه اسلاملو ، الهه افضلی، لیلا مدیر روستا، سمیه عظیمی ، زهرا اسلاملو ، صدق صادقی، مطهره محرابی، سیده فاطمه شریفی، لیلا خدا بنده لو، افسانه ابراهیمی، سیده حلیمه میرتقی، فهیمه حسن راجی، مهدیه بقایی، کبری خدا بنده لو

تدوین و ویراستاری: محمد حسن زمان‌وزیری

طرح جلد و صفحه آرا: مهدی شاهوردی

ناشر: انتشارات تلاوت آرامش

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۹۷-۰-۴

فهرست

- ۲ تاریخچه پوشش و عفاف در کشورهای جهان
- ۲۳ تاریخچه پوشش و عفاف در دوره های مختلف ایران
- ۳۸ پوشش و عفاف در کلام بزرگان و مشاهیر جهان
- ۴۵ سیمای حجاب در شعر پارسی
- ۵۰ پوشش و عفاف در ادیان الهی (مسیح، یهود، زرتشت)
- ۶۳ پوشش و عفاف در اسلام
- ۶۳ سیمای عفاف در قرآن کریم
- ۶۸ حجاب و عفاف در احادیث و روایات معصومین (ع)
- ۷۵ احکام پوشش و عفاف
- ۸۳ فقط همسر
- ۸۸ بررسی شبیهات حجاب
- ۹۳ خون نوشته ها
- ۹۵ عفاف در حبس (داستان غم انگیز کشف حجاب در ایران)
- ۱۱۲ هجوم خاموش (بررسی شبیخون فرهنگی دشمن پیرامون حجاب و عفاف)
- ۱۱۸ علم هم تجربه کرده است (اثرات عفاف و حجاب از نگاه علم)
- ۱۲۲ از زبان آمار (آمار آثار بی عفتی در جهان)
- ۱۲۴ حجاب در قرن ۲۱
- ۱۲۷ بخاطر حجاب (حجاب، جنبه جهانی زنان مسلمان)

این کتاب ارزشمند که در زمان تولیدش در نوع خود بی نظیر و منشاء اثرات زیادی در جریانسازی فرهنگی در حوزه ترویج عفاف و حجاب در سطح کشور شد، در مجموع در ۲۸ نوبت چاپ و در تیراژ ۱۰۰ هزار نسخه منتشر گردیده و بدین ترتیب وارد باشگاه ۱۰۰ هزارتایی‌های کتاب کشور شد. نسخه جدیدتر این کتاب، تحت عنوان «**جواهرانه**» توسط همین ناشر منتشر شده است. فایل PDF این کتاب بمنظور ترویج فرهنگ الهی حجاب بصورت رایگان و توسط انتشارات تلاوت آرامش منتشر شده ولی حقوق مادی و معنوی این کتاب، همچنان متعلق به انتشارات تلاوت آرامش و موسسه فرهنگی هنری کاربردی خیبر بوده و هرگونه بازنشر این اثر در قالب، کتاب، پویانمایی، بروشور، نرم افزار و ... منوط به اجازه کتبی از ناشر است.

۰۲۶-۳۲۷۷۷۰۶۶

تلفکس:

آدرس سایتها و فضای مجازی:

۳۱۳۵-۱۱۱ پستی کرج، صندوق

www.Reihane.ir

www.Efafcollege.ir

www.telavatearameh.ir

@javaherane

@miras_zkh

@aafshun

@reihane_kheybar

@telavate_arameh



تلاوت آرامش



تقدیم به

چادر خاکی مادرمان زهرا سلام الله علیها

پیشگفتار

با اینکه پوشش و عفاف امری است فطری و توجیه عقلی و منطقی دارد، از مصرحات و مسلمات دین مبین اسلام نیز هست. در واقع عفاف و حجاب یکی از محورهای زندگی قرآنی است. ولی این مهم همواره مورد هجوم دشمنان واقع شده است. مقاطع مختلف تاریخ گویای این مطلب است. گاهی زور و سرکوب زنان محجبه ابزار این تهاجم بوده مانند داستان پر غصه کشف حجاب در ایران و الجزایر، گاهی با ایجاد محدودیت های قانونی و حقوق شهروندی مانند وضع قوانین منع حجاب در کشورهای غربی و در اغلب اوقات با ایجاد شبهات و طرح سوالات و به دام انداختن ذهن نویای بسیاری از جوانان و نوجوانان. گویی امروز موضوع حجاب و عفاف آمیخته با ناخالصی ها و در پس پرده است و اصل ماجرا در گیرودار کشمکش ها گم.

لذا برآن شدیم با تحقیق و پژوهش حول موضوع عفاف و حجاب، گرد و غبارها را بزدایم تا نور روشنی بخش دستور قرآن کریم مبنی بر لزوم حجاب و عفاف بر قلبها بیشتر بتابد، تا دلها بیشتر روشنی یابد و عفت، حیا و حجاب سکه رایج تری گردد.

محور این گفتمان، نگاه جامع به موضوع دانستن است فلذا با طرح مباحث درون دینی و موضوعات برون دینی، سعی شده تا شناخت بیشتر و بهتری برای خواننده ایجاد شود.

نظرات اساتید و صاحب نظران قطعاً در ادامه این حرکت موثر خواهد بود.

تاریخچه پوشش در جهان

تاریخچه پوشش و عفاف

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملتها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است. ولی هیچگاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به تدرت از اقوام بدوی که زناشایان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند.

دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند. کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می‌نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود، و به این دلایل، عقیده عدماهی که می‌گویند «مذهب» موجد حجاب می‌باشد صحیح ندارد. ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است. (شمیم یاس، شماره ۲۲-عباس رجیبی، به نقل از علی اکبر علویقی زن در آینه تاریخ)

پوشش در کشورهای شرقی

آسیا مرکزی



زنان ترکمن

آسیا



زنی از دمشق



زن بوریاتی (لباس برای رفتن به کلیسا)





زنان سارتی



■ بر اساس مجسمه های برجای مانده، کتیبه ها و نقش برجسته های تاریخی چنین استنتاج کرده اند که گرما و سرما عامل اصلی اختیار پوشاک نبوده بلکه علت آن حیا بوده است .

مجله پیام زن ، مقاله انسان ، پوشش و ریشه های تاریخی، ش ۱۹، ص ۶۹



زن و مردی از ارمنستان شوروی



زنهای تاتاری از کازان (روسیه آسیایی)

روسیه

ژاپن



مردان و زنان ژاپن

■ به نظر می رسد از وجود حجاب در میان دیگر امت ها و رعایت آن به گونه ای نزدیک به آنچه اسلام آورده، می توان نتیجه گرفت که این سنت دینی ریشه ای در فطرت و ساختار وجودی انسان دارد.
(حجاب آزادی یا اسارت، ص ۲۰۷)





پوشاک محلی روسیه



زن و مردی از کالوگا



فرماندار تامسک و زن کیر قزی



لباس تابستانی زنان در ترشکو

■ اگر تنها سرما و گرما انگیزه
[پوشش] بود، این تفاوتها
[تفاوت پوشش زنان و مردان]
قابل تحلیل نبود.

آسیب شناسی حجاب، ص ۴۵



لباس زمستانی زنان در ترشکو





■ پوشش زن در یونان و روم باستان:

دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی سرخ بودند. سخن درباره حجاب در لابلای کلمات قدیمی‌ترین مولفین یونانی نیز به چشم می‌خورد، حتی «نیلوب» (همسر پادشاه عولیس فرمانروای ایதாக) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند، بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با تکه می‌پوشاندند. این تکه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند بینند. نقش‌هایی که بر جای مانده، حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده ولی صورت‌هایشان باز بوده است، و وقتی به بازر می‌رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند، خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سایبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانیای حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد. (همان - به نقل از دایره المعارف القرن العشرين، ۱۹۳۲)

- ویل دورانت، تاریخ نویس مشهور نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است.
- او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می‌گوید: «آرتمیس»، الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می‌آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته است. (همان به نقل از ویل دورانت تاریخ تمدن، ص ۵۲۰)
- همچنین درباره مردم یکی از قبایلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کردند، آورده است: «بالاخر از ارمنیان و در کنار دریای سیاه، «سکاه» بیابانگردی می‌کردند. آن‌ها مردم درشت اندام قبایل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند. (همان ص ۳۳۶)
- زنان فقط در صورتی می‌توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند. (همان ص ۳۴۰)
- همچنین از قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل می‌کند: نام یک زن پاکدامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت. (همان)

ژاپن



بازیزگران زن



■ عفاف و پوشش ملل جهان در گذر تاریخ

یونان باستان ۱۵۰۰- سده اول ق.م
 هیماتیون شالی بزرگ به ابعاد ۱۳۵ × ۲۷۰ سانتیمتر بود که زنان و مردان آن را به دور بدن خود می پیچیدند (تاریخ لباس، روت ترنر ویل کاکس، ترجمه: شیرین بزرگمهر، ص ۴۱)



در این دوره مردان پیراهن کوتاه، و زنان پیراهن بلند برتن می کردند.
 (تاریخ لباس، ص ۵۹ و ۶۰)



«هیماتیون» شالی بزرگ به ابعاد ۱۳۵ در ۲۷۰ سانتیمتر بود که زنان و مردان آن را به دور بدن خود می پیچیدند.
 (تاریخ لباس، ص ۴۱)



▲ مردم اروپای شمالی نخستین سده های میلادی در این دوران مردان پیراهن کوتاه، و زنان پیراهن بلندتر تن می کردند.
 (همان، ص ۵۹-۶۰)
 زنان دو پیراهن روی هم می پوشیدند، که زیرین آستین بلند و از پارچه پشمی بود و کار زیر پوش را می کرد. دومی بلند و راسته، و دنباله دار با آستینهای بلند و گشاد. (همان، ص ۶۰)
 روی آنها شنلی داشتند که در جلو یا روی یک شانه بسته می شد و روسری که سر و شانه را می پوشاند. (همان، ص ۶۰)



ایتالیا قرون میانه

در ابتدا پوشاک اصلی بلیاد بود، تونیک استین بلند که نوع زنانه آن تا روی پا و مردانه آن تا بالای زانو می رسید. روی آن پوشش دیگری می آمد. به نام پالیوم به شکل ردا که از روی شانه ها به جلو آمده با قلاب یا سنجاق سینه بزرگ بسته می شد. (همان، ص ۶۶)

پوشش سر زنان در قرون میانه پارچه ای بود به شکل مستطیل یا نیم دایره که روی سر می انداختند و تا شانه ها و یا پایین تر از آن را می پوشاند. این، در واقع نوعی پالای رمی بود به نام (کورشف) یا ویمیل اغلب زنان ثروتمند تاج خود را روی ویمیل، بر سر می گذاشتند. (همان، ص ۶۸)
کلاههای به شکل عمامه، برگرفته از دوران بیزانس، مورد استفاده خانمها ونیزی بود. (همان، ص ۶۹)



رم باستان سده اول قبل از میلاد تا پنجم میلادی
توگا پارچه ای پشمین بود به شکل مستطیل، به پهناي ۲۲۵ سانتیمتر و درازی ۵۴۰ سانتیمتر، که دور بدن پیچیده می شد. (همان، ص ۴۷)

بیزانس سده چهارم میلادی تا قرون میانه

در این دوران به دلیل نفوذ مسیحیت، بدن کاملا پوشیده می شد. مرد و زن پیراهن های بلند و راسته با آستینهایی بلند از ابریشم یا کتان می پوشیدند. (همان، ص ۶۲)

زنان روی پیراهن خود شال بلندی چون پالا، یا استولای رومی بر دوش می افکندند، و گاه نیز آن را بر سر می انداختند. (همان، ص ۶۴)



ایتالیا در دوران رنسانس

تأثیر رنسانس بر لباس مردان بیش از زنان بود. در اوایل دوران، پوشاک زنان بیشتر تحت تأثیر اندیشه های مذهبی یا سنتی بود. به دلیل گسترش صنعت چاپ در نیمه سده پانزدهم، مدارک معتبری به دست آمده که می تواند راهنمای شناخت دقیق پوشاک آن دوران باشد (همان، ص ۹۹).
 مردان از جوراب شلواری تنگ و چسبان، که از کمر تا پنجه پا را در خود می گرفت. استفاده می کردند. (همان، ص ۱۰۰)



رم و ساینه



فلورانس و پدوا



انگلستان قرون میانه

در اوایل این دوران مردان و زنان انگلیسی همچنان سه لباس اصلی، استولا، یا لباس زیر، بلیاد یا لباس رو، و پالا یا شتل، که همگی همان پوشاک اصلی یونانی-رومی بود، می پوشیدند. (همان، ص ۹۱)

مردان باشلق ساده ای بر سر می گذاشتند، در حالی که زنان موی خود را زیر روسری، یا هدریل از جنس پارچه کتان پنهان می ساختند. این روسری، دایره، مربع یا مستطیل بوده و مانند روسری چانه پوش ایرانیان و رمیها، ضمن پوشاندن سر، به دور گردن پیچیده می شد. تاج را، در صورت استفاده، روی این روسری قرار می دادند.

در حدود سال ۱۲۰۰، زنان موی خود را در بالای سر جمع می کردند. آنها از چانه بند و ویمل که هر دو از کتان لطیف تهیه شده بود، استفاده می کردند. (همان ص ۸۷)



انگلستان در دوران رنسانس

- در زمان شکسپیر زن حق نداشت که روی صحنه بیاید، نقش زنان را پسران بازی می کردند و گاهی تماشاگر عهد الیزابت پسری را در صحنه می دید که در نقش زنی بازی می کند که با جامه پسر یا مردی در آمده است. (ویل دورانت، تاریخ تمدن - ج ۷ - ص ۹۵)
- جامه های بلند زنان، که از پارچه های لطیف ساخته شده دارای طرح پیچیده ای بودند، ساق پاها را می پوشاندند، پوشیدن جورابهای ابریشمی به وسیله ملکه (الیزابت) مرسوم شد و زنها دامنها را روی زمین می کشیدند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن؛ ج ۷ - آغاز عصر خرد - ص ۶۷)
- زنان تا سال ۱۵۵۰ پوشش عجیبی برای سرشان به کار می بردند، که مانند شیروانی شیب دار بودو تمام مو را می پوشاند، گیل هود، یا کتل و یا پدی منتال نام داشت. شللهای زنانه بلندی که جلو آن باز بود، و نیز ردهای بزرگ و گشاد با آستینهای پف دار، عرضه گردید. (همان، ۱۵۷)
- چنانچه گویند ماسک مخمل سیاه ویژه زنانی بود که دارای مرتبه اجتماعی برتری بودند و به هنگام پیاده روی یا سواری به کار می رفت. (همان، ۱۷۴)





نجا، قرن ۱۷ و ۱۶

انگلیستان قرن ۱۷

دامنها بلند و پف دار بودند. آستینها تا آرنج، و یا مچ دست بود. (همان، ۱۹۲)
در این دوران نوعی لباس سوار کاری عرضه گردید که شامل یک کت بلند که سراسر جلو آن دکمه داشت، دامنی گشاد و بلند (تصویر ۶ از فصل ۲۶) یک نیم تنه یا دابلت که زیر کت پوشیده می شد. (همان، ص ۲۳۱)

انگلیس قرن ۱۹

زنان انگلیسی محافظه کار برای اینکه اندامشان از زیر پیراهن نمایان نشود، چندین زیر دامنی از پارچه کتان و ململ با حاشیه های توردوزی می پوشیدند. روی پیراهنهای یقه باز خود، یقه ای متشکل از چندین ردیف تور چین دار یا بتسی یادگار ملکه الیزابت می پوشیدند. (همان، ص ۳۰۹)
قد دامن ویژه روز یا شب تا مچ پا و یا اندکی بالاتر از زمین بود از سال ۱۷۹۶ تقاضا برای پارچه فلانل انگلیسی، به منظور تهیه شال و روسری روبه ازدیاد گذاشت. ویژگی پوشاک این دوره، وجود بالاپوشی گشاد یا ردینگوت از پارچه ضخیم بود و اختصاص لباسهای متفاوت برای موقعیتهای متفاوت بود.
هنگام بازی گلف، بلوز کوتاه، دامن و شل گلف، و یا کت نورفولک می پوشیدند. (همان، ص ۳۷۲)





آلمان قرون میانه

پیراهنهای مردانه تا میج پانو زنانه تا روی زمین بود. (همان، ص ۹۳)
در اواسط سده چهاردهم، کت هاردی مردانه عرضه شد؛ با این تفاوت که قد دامن آن بلند، و تا روی زمین می رسید. (همان، ص ۹۴)
در آن زمان زنان لوازم آرایش مصرف نمی کردند. (همان، ص ۹۵)



آلمان قرن ۱۸

ویل دورانت در مورد زنان آلمانی در عهد مزدیک می گوید: «اواز زنگ» اثر شیلر تصویر کمال مطلوب «یک زن خانه دار» را ترسیم می کند که «بسیار با عفت بود، با عقل و درایت محفل خانوادگی را اداره می کرد، به دختران آموزش می داد، ... کلیه لحظات فراغت را با دوک ریسندگی می کرد.» زن تابع شوهر ولی معبود اطفال بود. در خارج از خانه، به جز دربارها، مردان معمولاً زنان را از زندگی اجتماعی خود مستثنی می دانستند.
(ویل دورانت، تاریخ تمدن، روسوو انقلاب، جلد ۱۰، بخش دوم، ص ۶۸۷، ۶۸۶ / عهد فردریک، امپرنشینها)





زنان آلمانی



زن دهقان



اشراف



مدیر بیمارستان شهروندی از کلن دختر خدمتکار





لباس جشن و لباس زمستانی



لباس تشریفاتی زنان

سوئیس



ماری ملکه اسکاتلند



اسکاتلند و انگلیس

جامه های بلند زنان ، که از پارچه های طیف ساخته شده دارای طرح پیچیده ای بودند، ساق پاها را می پوشانند، پوشیدن جورابهای ابریشمی به وسیله ملکه (الیزابت) مرسوم شد و زنها دامنها را روی زمین می کشیدند. (تاریخ تمدن ، ویل دورانت، ج. ۷، آغاز عصر خرد، ص ۶۷)



نروژ و دانمارک



نجیب زادگان



هلند

پوشش زنان و مردان همیشه متفاوت بوده و زنان از پوشش بیشتری استفاده می کردند. اگر تنها سرما و گرما انگیزه بود، این تفاوتها قابل تحلیل نبود. (اسیب شناسی حجاب، ص ۴۵)



اسپانیا در قرون میانه

نمونه های اولیه لباسها ساده از دو قطعه تشکیل یافته بود. یکی بلند تا مچ پا، راسته، و بدون آستین، که گاندورا نام داشت، و دیگری که روی آن پوشیده می شد، گشادتر، با آستینهای بلند و فراخ و کمربند. پیراهنی نیز متصل می گردید، مجموع این دو پیراهن برنوس خوانده می شد. امروز نیز مورد استفاده عربهاست. مرد و زن همراه با پیراهنها، شلوار نیز می پوشیدند. ردا، با منشا ایرانی، به پوشاک مردان افزوده شد. ردا آستینهای تنگ و بلند داشت، که گاه تا زانو می رسید قد آن متفاوت بود، و اغلب دستاری روی آن بسته می شد. این ردا، شلوار هم می پوشیدند. زنان دامنی پر چین و کوتاه تا زانو، و زیر آن، شلوار می پوشیدند. چادر بزرگ می پوشیدند؛ چادری که تنها شکافی برای دیدن داشت. پوشاک مسیحیان اسپانیایی قرون میانه شبیه مردم ایتالیا بود. (همان، ص ۱۳۸)



اسپانیا در سده شانزدهم

در زمان فیلیپ دوم که به سال ۱۵۵۶ به تخت نشست، عفاف و عصمت زنان نه تنها به وسیله مذهب و قانون، بلکه به وسیله شرافت حفظ می شد زنان عقیف مانند زنان مسلمان تقریباً در انزوا و عزلت به سر می بردند. دور از مردها غذا صرف می کردند و بندرت همراه آنان در انتظار ظاهر می شدند. و هنگامی که از خانه قدم بیرون می نهادند، در کالسکه های در بسته می نشستند. خواستگاراها در میان کوچه برای دوشیزگان که پشت پنجره های مشبک بودند نغمه سرایی می کردند و بندرت اجازه دخول در منازل آنها را به دست می آوردند، مگر آنکه پدر و مادر هر دو طرف به توافق رسیده باشند. (تاریخ تمدن، فصل دهم، عظمت و انحطاط اسپانیا، ص ۲۲۵-۲۷)

زیر دامنی چتری، باب روز بود و اندام به ویژه از کمر به پایین در آن چندان مشخص نبود (همان، ص ۱۳۳)
داشتن حجاب که از دوره مسلمانان در اسپانیا متداول شده بود، کم و بیش در انتظار عموم رعایت می شد. (همان، ۱۵۰-۱۵۱)





«علیا مخدرات» (همه زنان علیا مخدره بودند) همه چهره خود را به استثنای چشم‌ها از مردان می‌پوشاندند و پاهای خود را چنان محجوبانه از انظار پنهان می‌داشتند که اگر عاشقان می‌توانستند لحظه‌ای آن‌ها را ببینند، یکی از شورانگیزترین آرزوهای خود را برآورده می‌دیدند.

(تاریخ تمدن، فصل دهم، عظمت و انحطاط اسپانیا ص ۳۲۵، ج ۷)
 زنان در تماشاخانه‌ها حضور می‌یافتند ولی در قسمت مخصوص می‌نشستند و صورت خود را با تور می‌پوشاندند
 (تاریخ تمدن، عمر طلایی ادبیات اسپانیا، فصل ۱۱، ص ۳۶۱)



فرانسه قرون میانه

در اوایل قرون میانه مردان و زنان فرانسوی همچنان لباسهای طرح رومی را، که شامل دو پیراهن و یک شل بود، می پوشیدند، زنان انتهای شل خود را با دست می گرفتند و یا به دور بدن خود می پیچیدند (همان، ص ۷۵)
در سده پانزدهم، سر پوش عمامه ای شکل نیز مورد استفاده قرار گرفت، که موها را می پوشاند، و تشکیل شده بود از عمامه های تو پر، که گاه به شکل قلب ساخته می شد و روی ویمبل بر سر می گذاردند. (همان، ص ۷۸) ▼



فرانسه در دوران رنسانس

دو نوع شل وجود داشت که هر دو فراخ و دارای حلقه آستینهای گشاد بود. (همان، ص ۱۱۳)
مردان موی خود را دور تا دور، در امتداد خط چانه، بلند می کردند، زنان، به شیوه ایتالیایی و شبیه به حضرت مریم، موی خود را از میان سر باز، و در پشت گردن می بستند؛ و روی آن یا شلخی که بر گره هایی در کناره ها و پشت داشت بر سر می گذاشتند. مو اغلب در کیسه ای ابریشمی پنهان می ماند. زنهای اشراف شلخی از پارچه مرغوب داشتند که به دور اندام خود می پیچیدند، و با قلاب، تسمه و زیانه یا سنجاق سینه، آن را در جلو گردن می بستند. (همان، ص ۱۱۴)
ماسک مخمل سیاه با آستر ساتن سفید مورد استفاده زن و مرد بود، زنها در خارج منزل، و در تئاتر برای پنهان ساختن هویت شان بر چهره می زدند. ماسکی که تیمی از چهره را می پوشاند نیز متداول بود. نوع تمام چهره دکمه ای در پشت داشت که آن را با دندانها نگاه می داشتند تا ماسک بر چهره بماند. (همان، ص ۱۱۹-۱۲۰)
زنان به هنگام سوار کاری، در زیر پیراهن خود نوعی دابلت و همچنین شلوازی کوتاه و پف دار می پوشیدند که کال سان نام داشت (همان، ص ۱۲۹)

در نیمه دوم سده شانزدهم تمام زنان خوش پوش اروپایی از یک نوع ردا استفاده می کردند؛ ردای بلندی تا لبه پایین دامن، یقه دار، با آستینهای کوتاه پف دار، که فقط یقه آن با قلابی بسته می شد. (همان، ص ۱۳۱) ◀





فرانسه قرن ۱۷

در زیر دامن گشاد پیراهن، که تا روی زمین می رسید، یک زیر دامنی چتری نه چندان بزرگ پوشیده می شد. هنگام سوار کاری و یا پیاده روی بر چهره خود ماسک می زدند. (همان، ۲۰۴)

دامنها بلند و پر چین بود و نوعی رودامنی به نام (مانتو) روی آن پوشیده می شد. (همان، ۲۱۰)

زنان برای آنکه راحت بر اسب بنشینند، دامنی پيله دار می پوشیدند. (همان، ۲۲۲)

به دنبال حکمی که ریشلیو، مرد نیرومند مذهب و سیاست فرانسه، در سال ۱۶۲۵ نمود، لباسها به مراتب ساده تر از گذشته شد. (همان، ۱۷۸)

شنل نسبتا بلند به صورتهای گوناگون روی شانه انداخته و آن را مانتو می نامیدند. (همان، ص ۱۸۱)

فرانسه قرن ۱۸

از سال ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۰ وقار بیشتری در آنها به چشم می خورد. پوشاک سوار کاری زنان، مانند پوشاک مردان، شامل کت، جلیقه، همراه با دامنی گشاد روی پنی بر، کلاه سه گوشه، یا تری کورن پوشیده می شد. (همان، ص ۲۴۱)

انواع مانتیلا، شالهایی بزرگ شبیه به ردا با حاشیه های چین دار مورد استفاده بود. به نظر می رسید که استفاده از شال در سالهای دهه ۷۰ این حکومت، رایج گردید. نوع تابستانی آن کوتاه و زمستانی آن بلند بود. برخی از آنها سوراخی برای بیرون آوردن دست و بعضی، سرپوشی از پارچه نرم داشت. نوع بلند زمستانی آن که مانته نامیده می شد سراسر جلوی آن با دکمه بسته می شد. نوع تابستانی مانتیلا، یا ماتل، روی سر انداخته و به حالت آزاد در جلو گردن بسته می شد. و یا دو سر آن از روی سینه به شکل ضربدر به پشت سر برده شده و به هم بسته می شد. (همان، ص ۲۴۲)

ماکارونیا گروهی از جوانان بی بندو بار انگلیسی بودند. که پس از بازگشت از سفری سیاحتی در ایتالیا، باشگاه ماکارونی را در انگلستان بنیاد نهادند، و از آن پس لباسهایی که شکل و طرح افراطی و یا غیر متفاوت داشت، به آنها متناسب گردید (ص ۲۵۲)

روپوش زنان، انواع کلاه، باشلق، و عمامه از پارچه های تور و کرب بود. باشلق به سر پوشی اطلاق می شد که با برگه یا بند در زیر چانه بسته شود. (همان، ص ۲۷۷)

زنان زیر لباس خود، زیر پوش، زیر دامنی و جوراب بلند می پوشیدند. بالاپوشی بلند با چندین لایه شنل سرشانه بود که برشی همانند برش پیراهن داشت. (همان، ص ۲۸۵)



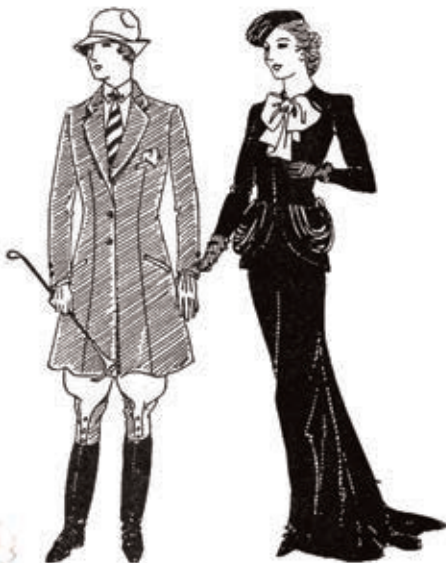
در زیر دامن سوارکاری، شلواری چسبان از تریکو، تا روی پنجه پا، پوشیده می شد، که در پایین آن نواری دوخته شده بود که از زیر کفش می گذشت. (همان، ص ۲۹۹)
 قد دامن بلند تا مچ پا و یا تا روی زمین بود. پنج تا شش زیر دامنی در زیر دامن اصلی پوشیده می شد.
 در سالهای دهه ۴۰، همراه با لباس شب، روسری شرقی را به شکل عمامه به دور سر می پیچیدند. (همان، ص ۳۲۳)
 لباس سوارکاری زنان شامل کت و دامنی بود از پارچه دودی موسوم به لندن سموک دامن، بلند و پر چین، و کت، کوتاه. زیر کت پیراهنی پوشیده می شد. زیر دامن، چندین زیر دامنی، و همچنین شلواری از کتان لطیف سفید با چینهایی به عرض ۵ سانتیمتر در دم پا پوشیده می شد. در این دوره برای نخستین بار کت و دامن زنانه به بازار آمد. (همان، ص ۳۲۴) ▼



فرانسه قرن ۲۰

کت و دامن پوشیدن در خیابان اختصاص یافت. (همان، ص ۳۹۸)
از همان سال به بعد دامنها کوتاه تر شد تا به زانو رسید. و این امری بی سابقه در تاریخ پوشاک به شمار می رفت.
(همان، ص ۴۱۹)

در این دهه طرح لباسها چنان بود که اندام صاف و بدون برجستگی می نمود. (همان، ص ۴۲۰)
زنان سوارکار شلواری می پوشیدند بلند تا مچ پا که تا زانو گشاد و از زانو به پایین تنگ بود و به درون چکمه فرو می رفت.



برهنگی به بهانه پیشرفت

سال ۱۹۴۷ و جلوه های نو

در دوران جنگ جهانی دوم برای صرفه جویی در مصرف پارچه و راحتی در حرکت قد لباسها کوتاه بود. (همان، ص ۴۴۷)
 در سال ۱۹۵۰ شلوار برمودا که مردان انگلیسی از آن در مناطق گرمسیری استفاده می کردند، متداول گردید و در سال ۱۹۵۳ به آمریکا راه یافت و در کنار دریا، مناطق گرمسیر و حتی در شهر نیویورک به هنگام تابستان مورد استفاده قرار گرفت (همان، ص ۴۸۲)
 از زمانی که « کلارک گیبل » هنر پیشه آمریکایی، در یکی از فیلمهای سالهای دهه سی، پیراهن خود را از تن بیرون آورد و تماشاگران دیدند که او زیر پیراهن بر تن ندارد، نوشیدن زیر پوش در میان جوانان متداول گردید. (همان، ص ۴۸۳)



منابع این فصل:

۱. کتاب زن در آینه تاریخ، علی اکبر علایقی
۲. تاریخ تمدن ویل دورانت، جلدهای ۷، ۹، ۱۰
۳. تاریخ لباس، روت کاکس، شیرین بزرگمهر



تاریخچه پوشش در ایران

مقدمه

تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب معرفی کرده اند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸)

انسان در آغاز برای پوشاندن بدن خود از چیزهای طبیعی استفاده می کرد. نخستین بار حضرت آدم و حضرت حوا برای پوشاندن برهنگی های بدنشان از برگ درختان استفاده کردند شکارچیان عصر یخ در ۲۵ هزار سال پیش، با به هم دوختن پوست جانوران خود را گرم می کردند. (کتاب کلید دانش ص ۱۹۶-۱۹۷)

"مودودی" به شدت به افرادی که می پندارند انسان های نخستین نیز همانند حیوانات به صورت عریان زندگی می کردند و زنان در آن هنگام حجاب نداشته اند، می تازد و چنین می نویسد: « آنها تصور کرده اند که فطرت انسان نیز همانند حیوانات است » (مودودی، الحجاب ص ۱۴۰، حجاب اسارت یا آزادی، ص ۱۰۲)

شهید مطهری می گوید: قبل از اسلام، در میان بعضی ملل حجاب وجود داشته است. در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است. (کتاب حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۵)

فرهنگ حجاب و پوشاندن بدن برهنه، فرهنگی است که از زمانهای باستان تاکنون پاییده است و هر گاه ما عمیقاً به پیشینه ی تاریخی و فرهنگی خود مراجعه نمائیم ملاحظه می کنیم که فرهنگ درست پوشاندن تن و بدن، متناسب با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی مساله ای است که نیاکان ما به آن می اندیشیده اند و در باور آنها تخطی از این فرهنگ گناهی بزرگ محسوب می شد.

"استرابون" می نویسد: «ایرانیان اگر بخشی از بدنشان برهنه باشد آن را بی شرمی می دانند و همیشه لباس بلند می پوشند؛ بیشتر مردم قبیای می پوشند که تا ساق پا را می پوشاند.» (تاریخ اقوام ایرانی، ص ۱۲۴)

در مهر بسیار ظریف و زیبا که در موزه لوور پاریس موجود است ملکه ای با لباس و تاج و جادر زنان هخامنشی بر مسند شاهانه ای تکیه زده و پاهایش بر روی چهار پایه ای کرسی مانند قرار دارد. (اقوام ایرانی ص ۱۴۰)

ایرانیان نخستین کسانی بودند که کت استین دار و نوعی شلوار ابتدایی برای سوار کاری طراحی کردند. زنان ایرانی پیش از اسلام حجاب داشتند؛ ولی حدود حجاب اسلامی، پس از اسلام رایج شد. زنان مسلمان عرب از پوششی به نام (جلباب) استفاده می کردند که شبیه روسری بلندی بود که تا کمر را می پوشاند؛ اما ایرانیان جادر را ترجیح دادند که سنت دیرین آنان بود. زنان در ایران باستان خارج از منزل، لباس گشاد بر تن می کردند یا جادر بر سر می کردند. از دوره های پیش از اسلام داشتن پوشش روی سر، به صورت های عمامه، دستار، کلاه و تاج در بین مردان و روسری، چارقد، جادر، مقنعه و لچک در بین زنان، متداول بود. البته در هر دوره، شکل و نوع این پوشش تغییر کرد. (کتاب کلید دانش ص ۱۹۶-۱۹۷) حجاب سخت و شدیدتری در ایران باستان حکمفرما بود حتی پدران و برادران نسبت به زن شوهر دار نامحرم شمرده می شده اند. (کتاب حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۶)



پوشش ایرانیان پیش از پارسیان

"جیمز لیور" می نویسد: «در نقش برجسته هایی که در نینوا یافت شده است چهره ی زنها به ندرت دیده می شود. گو اینکه لباس مردان فراوان در این نقش برجسته ها به چشم می خورد؛ اما برخی مجسمه های خدایان زند یافت شده اند که ردهای چین دار بلندی به تن دارند؛ دانستن این نکته جالب است که به موجب قانونی که حدود هزار و دویست سال قبل از میلاد وضع شده بود زنان شوهردار آشوری مجبور بودند در ملاء عام نقاب (روبنده) به چهره داشته باشند و این قدیمی ترین سابقه عرفی است که در آن نواحی پاییده است.»

تن پوش آزاد (بدون فرم و ساده و در حقیقت بدون دوخت) مانند تن پوش مصری ها ، آشوری ها، رومی ها و یونانی ها نشانه ای از بزرگی و تمدن در آن دوره بوده است و تن پوش های چسبان و دوخته شده نوعی توهین و بی تمدنی و ابتدایی تلقی می شده است. حتی رومی ها کسانی را که تن پوش قالب تن می پوشیدند مجرم شناخته و برای آنان مجازات اعدام قایل می شدند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۲)

تن پوش بلند زنانه،
لباس سلطنتی، تلو،
موزه لوور پاریس



تصویر برجسته صخره ای کورنگان،
کوه های یختیاری، از روی کتاب
هنر در جهان

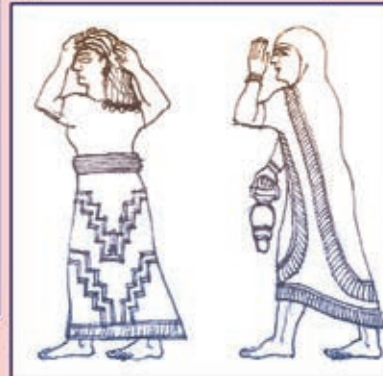


مجسمه زنی که می گویند
باید عشتار باشد.

خدای ایلامی، شوش، از روی
کتاب مجموعه موزه لوور



مجسمه بانوی ایرانی



لباس دو زن اسیر آشوری، دوره آشور
نصیر بال، طراحی از روی لباس مصر قدیم،
بین النهرین و ایران، ماری، ج. هیستون





پوشش در دوران مادها

پیراهن مادها، پوشش بلندی بود که تا زانو می رسید. این پیراهن دارای آستین بلندی است که با ملایمت از سرشانه، به سوی میج دست تنگ شده چسبان و اندکی چین دار می شود. شلوارها، یک راسته بوده و تا میج پا و روی کفش می رسیده است. این شلوار که از بالا به پایین به تدریج به تنگی گراییده است بر میج آن نواری است که بر روی جلوی دهانه کفش، گره دار شده و دم پای شلوار را جمع و تنگ می کند. مردم ماد طبق نقوش سنگی تخت جمشید شنلی دارند که مستطیل است و قد آن از جبه بلندتر است و تا نزدیک میج پا می رسد، بر دو گوشه بالای شنل دو بند تعبیه شده که در جلوی سینه به هم گره زده می شده است. این شنل در اغلب نقوش تخت جمشید بر دوش قوم ماد به چشم می خورد.

طبق نقوش برجسته و مجسمه های قبل از میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل با کمی تفاوت با پوشاک مردان یکسان بوده، مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود داشته از هم تمیز داده می شدند. (حجاب آزادی یا اسارت ص ۷۹)

پوشش در دوران پارس ها (هخامنشیان)

در کیش آریایی زنان محترم، محبوب بوده اند؛ زنان محترم ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز که آنان را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز می دهد، صورت خود را می پوشانند و گیسوان خود را پنهان نگه می داشتند (ویل دورانت؛ حسن صدر، حقوق زن در اسلام، اروپا ص ۷ و ۱۵؛ حجاب اسارت یا آزادی ص ۷۸) در زمان داریوش، زنان طبقات بالایی اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان رویوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان رفت و آمد کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر و برادرشان باشد ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده است صورت هیچ زنی دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد. (حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۸؛ ویل دورانت تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲) حداقل در ابتدای دوره هخامنشی، ملکه های پارسی از انتظار به دور بودند. پلوتارک در شرح پادشاهی اردشیر (۴۰۴-۳۵۹ ق.م) می نویسد که ملکه استاتیرا مورد علاقه عامه مردم بود، چرا که پرده های کالسنکه وی همواره بالا زده می شد. بنابراین عموم زنان اجازه ملاقات و دیدار او را داشتند. (پوشاک در ایران زمین ص ۴۲۲)

اخیراً در مقبره های پازیریک واقع در اتحاد جماهیر شوروی سابق قطعه فرش کوچکی مشتمل بر مربع هایی بدست آمده که یکی از مستشرقین روسی بنام روتکه آن را متعلق به عهد هخامنشی می داند.

این فرش ظریف که هر سانتیمتر مربع آن از یکطرف دو گره و از طرفی دیگر بیست و چهار گره است نشان می دهد که زنان آن عهد چهره خود را نمی پوشانند ولی چنانکه این فرش نشان می دهد زنان آن عهد از پارچه شنل ماندنی که روی سر می انداخته و حالتی شبیه به چادر داشته است، استفاده می کردند. (پوشش زن در گستره تاریخ، طیبیه پارسا، ص ۶۵؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۰-۱۳۱)

پارس ها از نظر لباس مانند مادها بودند. کورش، لباسهای مادی را به خصوص از این جهت که عیب پوش بود اقتباس کرده بود. پس کوروش لباس کوتاه و تن نما را نمی پسندیده و لباس قومی او نیز همان لباس پارسی چین دار بوده و آن را بلند می گرفته اند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای چین و آستین کوتاه است و به زنان دیگر از آن دوره نیز برمی خوریم که اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده اند. (علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی (انتشارات یاقوت ۱۳۷۸)، ص ۱۰۴، ۱۱۵؛ حجاب اسارت یا آزادی، ص ۸۰)

سر پرستی سایکس در مورد پوشش پارسها چنین می نویسد: طبقات عالیه نسوان خود را از انتظار عمومی مخفی نگه می داشتند در مسافرتها برای آنان تخت روان به کار می بردند که اطراف آن را پرده ها مستور می داشت و در کتیبه ها و حجاریها هیچ وقت تصویر زن دیده نمی شود. (تاریخ ایران، ج ۱ ژنرال سر پرستی سایکس، ص ۲۲۵؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۱)

مردان پارسی مانند زانثان از نمایش بدن برهنه خود احساس شرم می کردند و جز دو دست، نمایش برهنه هر یک از قسمت های بدن را خلاف ادب می شمردند از این رو سر تا پای آنها با سرپند و کلاه و جبه و ردا و پاپوش (شلوار یا جوراب شلواری و کفش) پوشیده می شد حتی در زیر لباس فراخ و برجین شان لباسی سفید که شامل یک نیم شلواری سفید (شورت کوتاه) همچنین یک پیراهن سفید چسبان بود می پوشیدند که طبق نوشته های استرابون از پارچه نرم و سفید چسبان بوده است. این همانند نیم شلواری بوده است که به قول استاد ذکاء در میان آشوریان به نام شلوار پاکدانی (عفت) رواج داشته است. زنفون در وصف لباس کوروش هنگام رفتن به پرستشگاهی در بابل می نویسد: او یک نیم شلواری در زیر قبایش پوشیده بود که رنگی تند داشت. (بنابر این پوشش زیر تن پوش پارسها همیشه سفید نبوده است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۲۴)





■ صحنه ضیافت، کنده شده بر صفحه ای از جنس عاج برگرفته از دمتریاس



■ زن اسب سوار



■ بانوان سلطنتی



■ زن اسب سوار



■ نقش بانوی پارسی بر روی مهر آن دوره (از کتاب پوپ)



■ زوج ایرانی



■ صحنه ضیافت، کنده شده بر صفحه ای از جنس عاج برگرفته از دمتریاس





■ نقش برجسته خدمتگذار پارسی



■ سنگ گوهرنشان از سنگ یمانی آبی رنگ، موزه اشمولین، آکسفورد



■ سرپوشی زنانه، برگرفته از کورگان، پازیریک



■ زنان هخامنشی با چادر، پارچه پشمی از پازیریک، از روی کتاب گنجینه های گمشده ایرانی، ولادیمیر لوکوتین و آنتولی ایوانف



■ تندیس کوچک برنزی، نپاوند، احتمالاً تن پوش یک الهه زن را می نمایاند، سده اول تا دوم پ.م. موزه ملی بران، تهران، کتاب شکوه ایران.



■ صحنه ضیافت، برگرفته از تابلو سنگی ساتراپ، موزه باستان شناسی استانبول



پوشش در دوران پارتها (اشکانیان)

زنان بندرت در حجاریهای پارتی به تصویر کشیده شده اند. ظاهراً لباس اصلی آنها مرکب از تن پوشی است پر چین و بلند با کمربندی در ناحیه کمر که بر روی قوزک باها یا چینهای ظریف و فراوان می افتد. این جامه از تونیک گشاد مردانه، فقط از روی بلندی اش قابل تشخیص است. جزء دیگر جامه زنان پوششی بود که عقب سر را می پوشانید. چنین پوششهایی در سر تا سر خاور نزدیک و کرانه اژه از دوره هخامنشی تا دوره پارت ها رواج داشته است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۷۹)

در این دوران گاهی زنان با اشارب هایی که دور سرشان پیچیده شده و روی شانه هایشان افتاده، به تصویر کشیده شده اند. (پوشاک در ایران زمین ص ۱۶۴)

همه زنان ایرانی بالاخص در تبریز، ردهای مردانه را از روی سر می پوشیدند که تمام اندامشان را می پوشانید. اینها ردهایی بودند از جنس ابریشم، انواع پارچه های جگری، پارچه های پشمی، مخمل و پارچه هایی از طلا... (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۰)

زنان با تن پوشهای بلندی که جلوی تن تا پایین پا آمده، دیده می شوند؛ با آستینهایی که برش و اندازه آنها متغیر است و حداقل یک لایه یا شاید هم بیشتر از یک پوشش بر روی آن قرار گرفته است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۶)

بسته به پیش زمینه و موقعیت اجتماعی، سر با یک حجاب ضخیم سفید یا شفاف که تا پشت بدن، پایین می افتاد، یا به شیوه باشلق و کلاه بارانی، یا شالی سبک تر با رنگ تیره که به دور سر، گردن و شانه ها پیچانده می شد، پوشانیده می گردید. (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۶)

گاهی اوقات یک شال اضافی نشان داده شده، که به صورت دستمال گردنهای سفید یا رنگی در پشت سر بسته شده و تا پشت باها می افتاد یا آنکه ظاهراً توسط یک قطعه منجوق یا جواهر در زیر چانه محکم می شد. بعضی وقتها نیز نوعی روسری باد بزن شکل، که ظاهراً در جلو گره می خورد و سپس روی گردن می افتاد، دیده می شود. (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۸)

زنان پارتی با شلوارهای چین دار و پیراهن های دراپه دار و بلندتر از تونیک مردان و کلاه ها و تاج هایی که بسیار متفاوت با دوران قبل از خود بود و چادر به صورت کامل آن در قرن اول میلادی در نقوش باقی مانده از این دوران مطرح می شوند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۸۹)

این حقیقت که زنان خاندان سلطنتی در کالسکه های پرده دار حمل می شدند در مضامین حکایتهای ادبی فارسی ریشه دارد و مشهورترین این مضامین، داستان ویس و رامین، با ارائه اسناد تاریخی از عصر پارت ها است. در این داستان ویس نه تنها در پشت پرده نشست، بلکه نقابی نیز بر صورت دارد. (پوشاک در ایران زمین، ص ۴۲۲)

چادر زنان اشکانی

چادر در قسمت پشت سر به کلاه بلند و مخروطی شکل و مطبقی وصل می شده است که مانند تور عروس از پشت سر آویزان بود؛ زنان اشکانی در پوشش سر و استفاده از چادر بسیار پیشرفته تر از زنان هخامنشی بودند؛ و کلاه عمامه وار آنان تقریباً بیش تر موهای آن ها را می پوشانید.

استاد ضیاء پور می نویسد: «چادرهایی که در مجسمه ها و نقش ها بوده، پارچه ای مستطیل شکل که به صورت استوانه ای در می آورده اند. بوده است.» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۹۲)

چادر زنان اشکانی به رنگهای ارغوانی و سفید بوده است. مجسمه اشکانی زنی از المیر در موزه دمشق، پوشش زنان این دوره را به وضعی بسیار روشن نشان می دهد. این بانو نشسته و چادری او را پوشانده است. نقاشیهایی که بر دیوار معبد زئوس شهر دورا اوروپوس در بین النهرین کشیده اند مربوط به اشکانیان است و عده ای را با لباس مخصوص در حال برگزاری مراسم مذهبی نشان می دهد در آن میان زنانی را نیز ساخته اند که پوشش آنان با رنگ آمیزی هایش مدرکی جالب برای شناسایی بیشتر با لباس بانوان آن عهد است. در این نقاشی ها زنی را نشان می دهد که چادری ارغوانی و بزرگ به سر افکنده که سرتاسر بدنش را پوشانیده است. زنی دیگر بر این دیوار نقاشی کرده اند که روی پیراهن ارغوانی خود چادری سراسر سفید پوشیده و بر روی آن یک تکه پارچه ارغوانی افکنده است. (پوشاک باستانی ایرانیان، جلیل ضیاء پور، ص ۲۰۱؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۳-۱۳۴)

بانوان پارچه ای را همچون شل از روی دوش های خود می آویختند و یا از آن مانند چادر استفاده می کردند و گاه آن را مانند آنچه که اکنون در میان قاسم آبادی ها معمول است به دور کمر خود می بستند. سر بند زنان مانند سر بند و شمله های کنونی زنان کرد و لر بسیار بزرگ بود. چادرها معمولاً به صفحه ای فلزی نقش دار در روی شانه یا جلوی سینه، بند می شده است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۹۲)

تن پوش زنان پالمیری به گونه ای دیگر بود؛ آنها پیراهن زبری را با آستین های گشادتری انتخاب می کردند که یقه آن از زیر گردن بند های چسبیده به گردن، پیدا بود ولی پیراهن رویی بسیار پر چین بود و چادر قسمت های بیش تری از بدن را پوشش می داد. کفش ها بسیار ساده بود ولی در تزئین کلاه و پیراهن ها دقت بیشتری داشتند کلاه عمامه وار آنها مزین به جواهرات قیمتی بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۹۳)



نقاشی دیواری معبد زئوس
در دورا اریوپوس،
زن پارتی با چادر و کلاه



مجسمه زنی با شلیته و پیراهن نیمه بلند



سکه بلاش دوم و ملکه



مجسمه زنی
به نام اوبال از شهر هاترا



مجسمه سربى الهه مادر



مجسمه پرنسس واشفاری (دختر اشک دهم)
موزه بغداد





پوشش در دوران ساسانیان (قبل از اسلام)

حاصل پژوهش و بررسی بشقاب‌های نقره نشانگر این است که چادر برای زنان ساسانی از عناصر مهم پوشش تن و سر بوده است که به صورت گوناگونی آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. گاهی آن را مانند زنان روستایی ما به دور کمر یا پایین تر می‌بستند (کوزه موجود در موزه ارمیتاژ که تصویر زنی را با لباس حریر نشان می‌دهد که چادری بر روی کمر بسته است) و یا مانند بالاپوش، بر روی دوش خود می‌انداختند؛ بلندی چادر تا وسط پا می‌رسید. البته در طاق بستان در صحنه شکار گراز سربند ها و دستارهایی نیز بر سر زنان نوازنده چنگ مشاهده می‌شود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۴۳)

باید دانست شغل نیز که به عنوان بالاپوش از عناصر مهم پوشاک زنان ساسانی از نظر اجتماعی محسوب می‌شد، شبیه چادر بود و ما آن را بر دوش آنها به عنوان یک مقام والا و حیات بخش در طاق بستان مشاهده کرده ایم. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۴۴)

در کتاب «تمدن ساسانی» چنین آمده است: حتی لباس هنر پیشگان زن، مانند لباسهای بلند سایر بانوان تا پشت پا کشیده شده است. (علی سامی، تمدن ساسانی ج ۱، ص ۱۸۶)

بلندی دامن پیراهن ها به قدری بود که مانع دیدن کفش می‌گردید. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۴۵)

چادر زنان عهد ساسانی

زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین به سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب های نقره ای ساخته شده نشان می‌دهد که هر یک از بانوان چادری به خود پیچیده اند.

در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می‌شده است، زنان همچنان دارای حجاب کامل بوده اند. در مورد پوشاک زنان این دوره چنین آمده است: چادر که از دوره های پیش (از زمان پارسی ها به بعد) مورد استفاده بانوان ایرانی بوده است، در این دوره نیز به صورتهای مختلف مورد استعمال قرار گرفته است. (پوشاک زنان ایرانی، جلیل ضیاءپور، ص ۱۱۴)

متون کلاسیک فارسی، اشارات زیادی دارد که طی آن زنان دوره های مختلف و نیز طبقات گوناگون اجتماعی، پوشیده یا چادر یا سایر اشکال پوشش سر، معرفی می‌شوند. مثلاً، زمانی که مکالمه شیرین با پادشاه جدید و ناپسندی اش، شیرویه، به پایان رسید، شیرین چادر خود را بر می‌دارد تا ثابت کند این زیبایی اش بوده که شاه فقید، خسرو پرویز را مسحور خود ساخته است - چهره ای که تا آن لحظه توسط دیگران رؤیت نشده بود - و نه چیز دیگری.

حجاب محدود به زنان نمی‌شد، بلکه پادشاهان ایرانی نیز حجاب داشتند. ابن اسحاق (حدود ۱۵۰ ق. ۷۶۷ م.) در سیره خود نقل می‌کند که خسرو انوشیروان (۵۳۱-۷۴ م.) برای استقبال از زوزین (zuyazan) یعنی، با حجاب وارد تالار شرفیایی گردید و تنها وقتی که بر روی سر بر پادشاهی و زیر تاج آویخته جلوس کرد، حجابش را کنار زد. خسرو پرویز نیز زمانی که به خانه یعنی جایی که طی آخرین روزهای حیاتش محبوس بود، آورده شد حجابی بر سر داشت. (پوشاک در ایران زمین، ص ۴۲۲)

پوشش در دوران ساسانیان (بعد از اسلام)

پس از فتح ایران توسط عمر دختران کسری پادشاه ایران، حتی پس از اسارت حاضر نشدند روپوش صورت خود را بردارند بلکه علی رغم فریادهای خلیفه وقت، عمر، از کنار زدن آن خودداری نمودند... (حجاب آزادی یا اسارت، ص ۳۹. رک حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۲)

در دوره اسلامی، چادر یا چادر به شکل تن پوش رویی، بی آستین، گشاد و محیط بر بدن، توسط زنان در ایران با توجه به ضوابط پوشاک اسلامی، انتخاب گردید این پوشش در عربی (ملحفه) یا (ملحفه) نیز نامیده می‌شود. حجاب در بین زنان ایرانی پیش از اسلام متداول بوده است و ممکن است برخی فشارهای اعمال شده بر آنها در اوایل دوره اسلامی نمودی از تلاوم رسوم پیش از اسلام بوده باشد. چادر صرفاً به عنوان یکی از انواع تن پوشهای مورد قبول بر اساس معیارهای اسلامی بوده و همواره شکل یکسانی نداشته است. آثار ادبی، این احتمال را می‌رساند که چادر در اصل روبنده یا تن پوشی بوده که کل بدن و صورت را در بر می‌گرفته است (آیات فردوسی و استاد اسدی در دهخدا ذیل چادر). ظاهراً چادر روزگاری از دو قسمت بالایی و پایینی تشکیل می‌شده و اکثر مواقع از پشم دوخته شده است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۴۲۵)

ملکه آذرمیدخت با تاج و چادر،
از روی کتاب مشرق زمین در
شعر، هنر و زندگی



مجسمه آنهایتا در طاق بستان کرمانشاه





پیراهن زنان ساسانی، بیشاپور موزائیک کف ایوان، سده چهارم میلادی، موزه ملی ایران، عکس از روی موزائیک در موزه

پوشش ایرانیان بعد از اسلام

از تن پوش زنان در قرون اولیه (قرن اول و دوم هجری قمری) اطلاع چندانی نداریم ولی آثار باقی مانده (دیوارنگاره ها؛ نقش برجسته ها و غیره) و همچنین نوشته های پراکنده مورخان و نویسندگان (زیرا بیش تر آنان در مورد تن پوش زنان سکوت کرده اند) می توان دریافت که تن پوش زنان در قرن اولیه تن پوش محلی بوده که ادامه همان تن پوش زنان دوره ساسانی است و عناصر اصلی لباس زنان در دوران مختلف (طاهریان تا ایلخانیان) تقریباً یکسان بوده ولی مقنعه و چادر از عناصر اصلی و مهم پوشش زن در خارج از خانه در این دوران بوده است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۳۸)

زنان در این دوره از دامن یا شلوار گشاد و پیراهن آستین دار که بلندی آن تا سر زانو می رسید (تونیک) و پیراهن دیگری که کوتاه و بی آستین بود و روی پیراهن زیری پوشیده می شد (احتمالاً به تقلید از زنان دوره ی ساسانی) استفاده می کردند؛ این پیراهن (روبی) جلو باز بود و به وسیله ی دکمه بسته می شد و کمربند و شالی هم زینت بخش آن بود و یک چادر سیاه رنگ سراسری که تمام بدن را می پوشانید. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۷۸)

پوشش سر

پوشش سر در دوران اولیه اسلامی شامل: تاج و دیهیم و کلاه و عمامه و مقنعه و چادر بود و گاهی نیز از پیشانی بندهایی استفاده می کردند که مزین به جواهر بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ۲۴۴)

مقنعه

مقنعه نیز از دیگر انواع پوشش سر بود که در دوران بعد از اسلام رایج بوده و در تصاویر، گوناگونی انواع آن را مشاهده می کنیم. در آثار ادبی این قرون و در اشعار شاعرانی چون ظهیر قاریابی و سنایی از مقنعه نام برده شده است. در کتاب التریاق تصویر زنی با مقنعه دیده می شود (تاریخچه پوشش سر در ایران، ص ۷۸، پیشین). زنان در قرن هفتم، دور مقنعه نواری می بستند و در شاهنامه مکتب شیراز (سال ۷۴۲ هجری قمری) نیز تصویر زنی با مقنعه آورده شده که مربوط به دوره غزنوی است (تاریخچه پوشش سر در ایران ص ۷۱، پیشین). در کتاب مقامات حریری تصویر زن پیری را با مقنعه آبی مشاهده می کنیم که علاوه بر شانه ها تمام سینه او را پوشانیده است مقنعه به رنگهای مختلف به ویژه سرخ (تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۳، رواندی، ج هفتم، پیشین) در آن دوران رواج داشت. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ۳۴۸)

چادر

پیش از اسلام این کلمه به پوشش سراسری اطلاق می شده است و همان طور که قبلاً گفتیم در دوره هخامنشیان این پوشش همراه با تاج یا دیهیم به کار برده می شد؛ در بعد از اسلام که صورت معرب آن شوهر به معنی چادر در فارسی مورد استفاده قرار گرفت، همان معنی از آن استنباط می شود؛ یعنی پوشش سراسری که زنان برای پوشاندن وستر و حجاب برتر به کار می بردند؛ این پوشش در دوران اولیه اسلامی و بعد از آن یعنی در دوران تمام حکومت های ایرانی از طاهریان تا ایلخانیان به رنگ های زرد و آبی و سیاه نیر کاربرد داشت؛ در کتاب خانم شهبهانی تصویر زنی آمده است با پوشش سر مروراید دوزی شده که به عقیده ایشان حالت چادری را دارد که از روی شانه آویزان است این طرح از نقش پارچه ای مخملی اقتباس شده است. (ر.ک.به کتاب تاریخچه پوشش سر در ایران ص ۶۷ پیشین) و مربوط به قرن ششم یا پنجم هجری است. به نظر می آید که این پوشش سر جدا از چادری است که بر روی شانه انداخته شده و چیزی شبیه برنس است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی ، ص ۳۴۹)

زنان یک حجاب سراسری داشتند که در واقع چادر سیاهی بود و هنگام خروج از خانه روبندی نیز از پیشانی آویزان می کردند. زنان این دوره از شلوار گشاد و سفید رنگ و پیراهن کوتاه (تونیک) با آستین های کوتاه و قبای رنگین با آستین های بلند استفاده می کردند که جنس آن ها غالباً از ابریشم یا زریفت بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۸۵) همراه چادرها از روبندهای ابریشمی هم استفاده می شد؛ مینیاتوری از یک نسخه ی بسیار قدیمی در کتابخانه ی ملی پاریس موجود است که ترکان خاتون مادر سلطان محمد خوارزمشاه و حرم های او در لشکر مغول را می نمایاند که دو زن یکی با چادر سفید و دیگری با مقنعه و چادر سیاهی نقاشی شده اند. آقای دکتر چیت ساز نیز به رواج چادر به عنوان پوشش اصلی در میان زنان دوره های مختلف تا ایلخانیان اشاره کرده اند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی ، ص ۳۵۰)



پوشش در دوران ایلخانیان

نقاشی مینیاتور روی ابریشم، کتاب بررسی هنر ایران، ج ۹، پوب



پوشش سر

زنان در این دوره از انواع کلاه، چار قند، روسری سه گوش (لچک)، نوار، عرق چین، روسری توری، روبنده و چادر برای پوشش سر و بدن استفاده می کردند کلاویخو می نویسد: «خاتون بزرگ به چهره نقابی نازک و سفید داشت بر روی سرش چیزی شبیه کلاه خود قرار داشت که از پارچه ی قرمز تهیه شده بود و در کنار آن بر روی شانه هایش افتاده بود. قسمت پشت کلاه، بلند و با مروارید هایی گرانبها آرایش شده بود؛ علاوه بر آن با سنگ های گرانبها و لعل و بدخشان و فیروزه و غیره تزئین یافته بود.»

«استفاده از روبنده های شفاف و باشلق ها، روشی بود برای کاستن از پوشش های حجیم سر اما گاهی اوقات یک شال اضافی نشان داده شده، که به صورت دستمال گردن های سفید یا رنگی در پشت سر بسته شده و تا پاها می افتاد یا آنکه ظاهراً توسط یک قطعه منجوق یا جواهر در زیر چانه محکم می شد. بعضی وقت ها نیز نوعی روسری باد بزن شکل، که ظاهراً در جلو گره می خورد و سپس روی گردن می افتاد دیده می شود.» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۹۷)

چادر

کلاویخو در جای دیگر از سفرنامه اش اضافه می کند که: «زنهای شهری معمولاً روی پوشیده اند و عجب آنکه چادر سفید داشته اند و نقاب سیاه؛ واقعاً مثل ماه زیر میغ رفته اند...» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۹۷)

روسری یا لچک

در بیشتر تصاویر باقی مانده از آن دوران انواع روسری کوچک و بزرگ با نوار یا تاجی همراه بود نوار بر روی روسری کوچک لچک مانند و تاج زیر روسری بزرگ (مقنعه مانند)؛ و گاهی نیز کلاهی در زیر یا روی لچک های سه گوش به کار برده می شد.

مقنعه

در این دوران مقنعه از پوشش های اصلی سر به شمار می آمد مقنعه ها را نیز به شکل های گوناگون مورد استفاده قرار می دادند؛ با نوار یا بی نوار؛ با کلاه یا بدون کلاه؛ زنان روستایی نوازی به دور آن می بستند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۰۱)



بخشی از یک صفحه از کتاب جامع التواریخ رشیدالدین، مکتب تبریز، کتاب هنر ایران، ج ۹، پوب



کلاه و قیای زنان در دوره سلجوقی و خوارزمشاهیان
کاسه نقاشی شده با لعاب شفاف، کاشان،

موزه هنر سینسیناتی



پوشش در دوران صفویان

در زمان شاه عباس جز زنان بزرگان و رجال کشور که بسیار کم از خانه بیرون می آمدند، زنان سایر طبقات در کوچه و بازار دیده می شدند و حتی برای آنکه زنان هم از تماشای چراغان و آتش بازی و جشن های شبانه محروم نمانند، ایشان را در این گونه تفریحات وارد می کردند و یک یا چند شب از چراغان آتش بازی ها را مخصوص زنان می ساخت. (ص ۸۲ کتاب حجاب اسارت یا آزادی؛ طیبیه پارسا، پوشش زن در گستره تاریخ، انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۷، ص ۷۱ تا ۷۴) پیتر دو لواله، جهانگرد اروپایی، درباره ی شرکت زنان در شکارهای شاهی می نویسد: «شاه عباس گاه با زنان خود تنها به شکار می رفت و در این گونه شکارها، زنان با روی باز بر اسب می نشستند و مانند مردان با تیر و کمان و تفنگ به شکار می پرداختند.»

چون زنان به هنگام سفر همراه شاه با روی باز و بدون حجاب بودند لذا مردان، مسیر مرکب شاه و حرم را ترک و خواجگان آن جا را قرق می کردند؛ و البته سزای کسی که سر از این امر می پیچید و در مسیر خانم ها قرار می گرفت اعدام بود؛ تاورنیه و پیتر دو لواله در سفر نامه شان به این مسئله اشاره کرده اند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۷۰)

زن ها در خلوت حرم، تن پوش های تنگ با یقه باز و بی آستین (دکولته) و چین دار که از زیر آستین های بلند دیده می شد، به تن می کردند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۵۷) لباس بیرون عبارت بود از یک چادر سفید بلند که تا زمین می رسید و تمام اندام را می پوشانید که با روینده سفید یا نقابی سیاه، بافته شده از موی اسب، هم حجب و حیا را می رساند و هم تنگ را امکان پذیر می ساخت. (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۰۱)

روینده

روینده پارچه چهار گوش (مستطیل دراز) بود که در بالای پیشانی به کلاه یا روسری و یا چادر وصل می شد و در محدوده چشم، شکافی افقی برای دیدن تعبیه می کردند. زنان این دوره صورت خود را با روینده ها می پوشانیدند.

در ظاهر، تن پوشهای زنانه با هم تفاوتی نداشتند و آن چادر بود که سر تا پای آنان را می پوشاند. البته جنس چادرهای آنان نیز متفاوت بود و بستگی به منصب همسرانشان داشت. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۵۷)

چادر

«زنان برای خروج، چادر سفید و بنفش بر سر می کشیدند که سراسر بدن آن ها را می پوشانید. چادر را با قیطان یا بندی نکه می داشتند.» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۵۳۳) اولتاریوس می نویسد: «زنان سر خود را کاملاً می پوشانند و روی آن پارچه ای می اندازند که روی شانه هاشان می افتد و از جلو، گردن و گلو و سینه هاشان را می پوشاند (مقتمه) و آنگاه که آهنگ بیرون رفتن می کنند با چادر سفید سراسر اندام خود را از سر تا پا می پوشانند و رویشان را چنان زیر نقاب پنهان می دارند که جز مردمک چشمان چیزی دیده نمی شود. زنان ایرانی چهار پوشش جداگانه دارند که از دو تایی آن ها در خانه و از دو تایی دیگر بیرون از خانه استفاده می کنند.»

باید توجه داشت که آنچه که در بیشتر سفرنامه ها به آن اشاره شده است پوشش چادر است البته نوعی مقتمه نیز رواج داشت که علاوه بر موها تا روی سینه را می پوشاند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۷۰)

صفحه ای از کتاب آثارالباقیه
بیرونی، آخرین کپی از نسخه
ادینبرو، کتابخانه ملی، کتاب
بررسی هنر ایران، ج ۹، پوب



بخشی از نقاشی
سده هشتم هجری
که مقتمه زنان را می نمایاند.





لباس بیرون از خانه

لباسهای اندرونی

تصویری از کلیجه کوتاه که در موزه رضا عباسی موجود است. از روی کتاب ایران، توکیو شیمبون



بخشی از یک مینیاتور، که مقنعه را با روپنده می نمایند



بخشهایی از دیوارنگاره چهلستون که چادر و مقنعه زنان را می نمایند



بخشی از یک مینیاتور که چادر دوران صفوی را می نمایند. از روی کتاب ایران، توکیو شیمبون



تصویر از سفرنامه شاردن



تصویری از سفرنامه شاردن که کلیجه زیر قبا را می نمایند



دختری یا ساغر، مرقوم معین مصور، از روی مینیاتورهای ایرانی، فرهنگسرای یساولی





نقاشی اواخر سده دوازدهم ه. ق. از روی کتاب چاپ شده توسط سفارت ایتالیا در تهران



نقاشی رنگ روغن از روی کتاب چاپ شده توسط سفارت ایتالیا در تهران



پوشاک اندرونی یک زن و مرد، نقاشی مینیاتور منسوب به آقا باقر، شاگرد معروف علی اشرف، رونوشت یک نسخه دست نویس دیوان حافظ، مجموعه خصوصی تهران، از روی کتاب شکوه ایران



از روی مانیاتورهای ایرانی، یساولی، زنی با چادر، رضا عباسی



لباس اندرونی بانویی با خرگوش و طوطی، رنگ روغن روی بوم، تهران تصویر از کتاب «پوشاک در ایران زمین»



پوشاک اندرونی زنان، رونوشتی از یک نقاشی مینیاتور، خمسه نظامی، مجموعه خصوصی تهران، از روی کتاب شکوه ایران



«شاهزاده خانم نشسته»، لباس اندرونی، منسوب به میر سید علی



انتر شومیکر
قلب شرق ایران



زن زرتشتی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری
انتر: هائری رنه دالماتی



زن ایرانی
انتر: دیولافوا
سفرنامه دوره قاجار



زن ایرانی در حال پوشیدن چاقچور
انتر: سایکس (ایران و مردم آن)

پوشش در دوران قاجاریه

لباس بیرون زنان، چادر سفید با روبنده بود، همراه با شلوار گشاد (چاقچور) یا بدون شلوار. مع هذا تا نیمه های قرن مزبور، چادرهای تیره تر به رنگ سیاه یا آبی تیره و اغلب با گلدوزی طلایی استفاده می شد. (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۲۰)

س. ج. و. بنجامین (S.G.W. Benjamin) که در سال ۱۸۸۰م. در ایران بوده، چادر کمرداری را در مقابل نوع عادی لخت آن، که با شلوار چین دار (چاقچور) پوشیده می شد توصیف کرده است. چادر، حتی از دید خارجی با درایت، به میزان کمی درک می شد. ولز (wills) زن ایرانی را که چادر پوشیده به (چیننده ای اندر لفاف) تشبیه نموده است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۲۵)

به طور کلی پوشش اصلی دوره زنان اول و دوم قاجاریه در خارج از خانه چادر بود. چادر انواع گوناگون داشت که عبارت بود از چادر چیت، کرباس، مخمل و اطلس و یا چادر کرباس چهارخانه به رنگ های آبی و قهوه ای که آن را چادر شب هم می گفتند. تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۵۹۸

چادر سیاه یا بنفش ریشه دار بنیه ای یا ابریشمی که در یزد بافته می شد و بسیار با دوام بود. زنان اشراف، اطراف این چادرهای سیاه را با گلابتون دوزی و حاشیه ی نقره ای تزیین می کردند و بعد این کار منسوخ شد و به جای آن حاشیه سر خود به رنگ های آبی، قهوه ای و سفید به عرض دو انگشت در اطراف چادر مشکی معمول گردید؛ سابقاً جلوی چادر مشکی را بندی می دوختند که هنگام سر کردن چادر، آن را به زیر گردن می انداختند ولی سپس بند را به قسمت جلوی چادر دوخته و دو سر آن را آزاد می گذاشتند که هنگام سر کردن آن را در پشت کمر محکم می کردند و امروز نیز کاربرد چنین چادری برای رها شدن دست ها در میان زنان ما دیده می شود.

و بالاخره گاهی نیز چادرهایی عیابی از بغداد می آوردند که بسیار گرانبها و مخصوص زنان اعیان و اشراف بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۵۹۸)

چرا حرم سرا؟

حرم واژه ای عربی و به معنی مقدس و مورد احترام است، چنانکه محل عبادت و آرامگاههای مقدسین نیز حرم نامیده می شود. از آنجا که زنان بایستی از چشم نامحرم به دور می ماندند، معمولاً خانه ها، بویژه منازل افراد مشهور و منتفذ دارای دو بخش بود که بخشی از آن معمولاً در قسمت جلو خانه قرار می گرفت و محل رفت و آمد مهمانان و بازدید کنندگان بود و بخشی دیگر در عقب خانه واقع بود و حرم نامیده می شد. و هیچ کس غیر از شوهر و فرزندان اجازه رفت و آمد به آن بخش را نداشت. واژه حرم به مرور زمان چنان تحولی یافت که مترادف و معادل واژه زوجه و همسر گردید، تا آنجا که در گفته ها و نوشته به جای آنکه بگویند همسر فلان آقا یا زوجه شاه، می گفتند حرم فلان آقا یا حرم شاه. البته این عنوان بیشتر در مورد زنان افراد مشهور و منتفذ که زنان متعددی داشتند استعمال می شد. (زن در تاریخ نگاری صفویه، ص ۴۲-۴۳)



لباس اندرونی،
سفرنامه از خراسان تا بختیاری،
اثر: هانری رنه دالماتی



زنان ایرانی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری
اثر: هانری رنه دالماتی



زنان و مردان زرتشتی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری
اثر: هانری رنه دالماتی



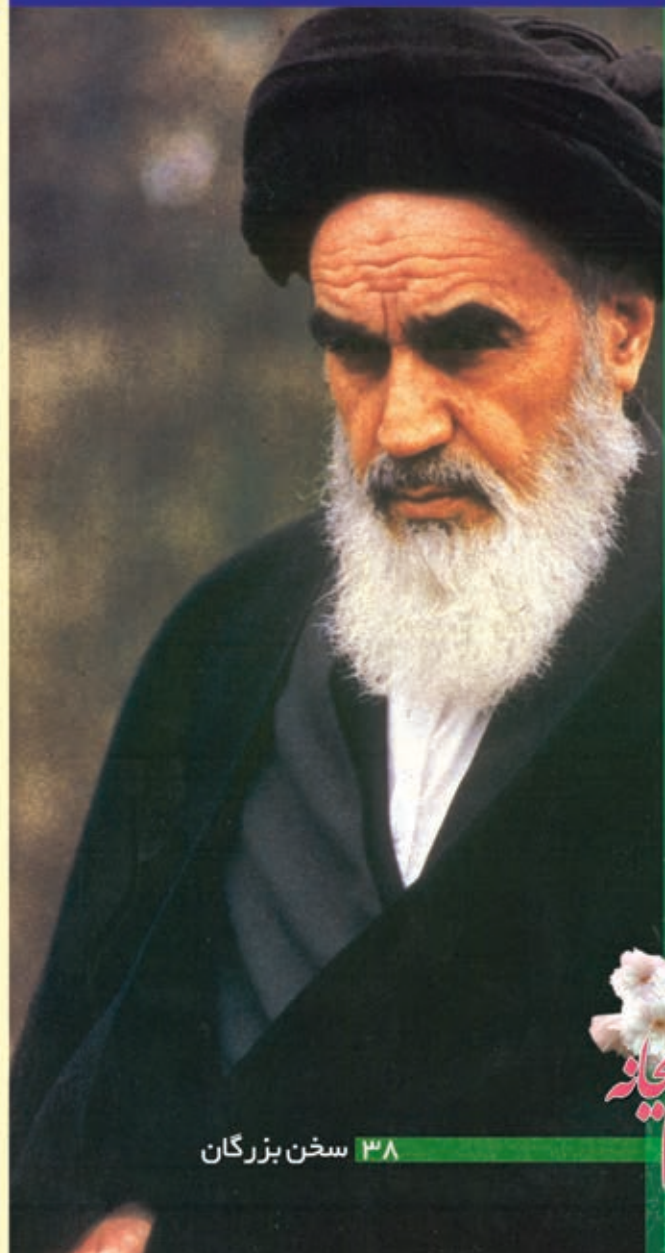
خاتم حاکم کاشان
سفرنامه دوره قاجار
اثر: دیولافوا



یک پرده نقاشی، منسوب به محمد
زن اشرافی با چادر شب که
روبنده اش را کنار زده



سخن بزرگان



♦ جایگاه و حقوق زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

هر چه را که خدا دستور فرموده است، چه برای مرد چه برای زن، برای این است که آن ارزشهای واقعی که شما دارید و ممکن است به وسوسه های شیطانی با دستهای فاسد استعمار پایمال شوند، این ارزشها زنده بشوند. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان آن جامعه نشأت می گیرد. (روز زن در جمع بانوان، ۶۳/۱۲/۲۱)

— آنچه دین گریزان برای زن قائلند، چیزی جز تباهی و ملعبه شدن نیست. (صحیفه نور، ج ۱۵ ص ۲۵۷)

— ما می خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعبه در دست مردها باشد در دست اراذل باشد. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۷)

— اسلام زن را مثل مرد در همه شئون، همانطور که یک مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد. همانطور که مرد باید از فساد اجتناب کند، زنها نباید ملعبه دست جوانهای هرزه بشوند. زنها نباید مقام خودشان را منحن کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انتظار مردم فاسد قرار بگیرند. زنها باید انسان باشند، زنها باید تقوا داشته باشند، زنها مقام کرامت دارند، زنها اختیار دارند، همانطور که مردها اختیار دارند، خداوند شما را باکرامت کرده است، آزاد خلق کرده است. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۳)

◆ مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی):

- زن ایرانی راهبه نیست، اما از راهبه پاک تر است و طیبه و طاهره است. سرباز نیست، اما به قدر سرباز میدان جنگ شجاعت دارد و با این که جهاد در میدان های رزم بر او واجب نیست، اما به قدر یک جهادگر در راه خدا تلاش می کند و در تمام صحنه ها حضور دارد. (دیدار با نمایندگان خواهران فرهنگی سراسر کشور ۶۳/۱۱/۷)

- حجاب اسلامی وسیله حفظ و صیانت عفاف انسانی است. شخصیت انقلابی زن مسلمان به او اجازه نمی دهد که از راه نشان دادن پیکر برهنه خود، از راه در معرض گذاشتن و به نمایش نهادن زیور و زینت و آرایش خود، خود را نشان دهد. (خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۱۳)

- حجاب به معنای چادر نیست، اما چادر نزد ما ایرانی ها که زنان ما از قدیم داشتند، بهترین نوع حجاب است. بدون چادر هم حجاب ممکن است. حجاب به معنای پوشیدن سالم، نه پوشیدنی که از پوشیدن بدتر است.

- حفظ حجاب به زن کمک می کند تا بتواند به آن رتبه معنوی عالی خود برسد دچار آن لغزشگاه های بسیار لغزنده ای که سر راهش قرار داده اند نشود. (دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۷۰/۱۰/۴)

- اسلام در باب پوشش حجاب را معین نکرده است. مقصود این است که دیدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آنها به صورت روزمره تبدیل به یک عامل تحریک نشود و این هدف اسلام است. (مصاحبه با مجله شاهد بانوان، ۶۷/۲/۲۸)

- مسئله حجاب به معنای متزوی کردن زن نیست اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، این کاملاً یک برداشت غلط است. مسئله حجاب معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است، زیرا اختلاط بی قید و شرط هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد به خصوص به ضرر زن است. حجاب برای زن به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیتهای سیاسی و اجتماعی نیست و دلیل علمی این ادعا هم خود شما هستید، شاید عده ای تعجب می کردند و هنوز هم تعجب می کنند از اینکه یک خانمی در سطح بالای علمی هر رشته ای ... وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی منطبق کند و از جمله با مسئله حجاب.

- شما خانمها پیامی دارید، این پیام را دقیق و مسجّل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست، بلکه بیشتر پیام عملی است، زنهای ایران، به خصوص کسانی که در رشته های گوناگون دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهمتر از همه مسئله حجاب توانسته اند حرکت کنند. بایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی بند و باری نیست، و لازمه تحصیل علم بی قیدی به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست بلکه می توان با رعایت کامل این موازین علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید. وجود شما می تواند به عنوان یک نمونه از پیام مبانی اسلام نشان داده بشود..... (سخنرانی در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۶۸/۱۰/۲۶)

- حجاب و حفظ عفاف مخصوص خواهران نیست ای برادران مسلمان! و ای برادران جوان! شما هم مراعات عفاف و حجاب اسلامی را بکنید شما هم با لباس شایسته در محیط کار و در محیط جامعه ظاهر بشوید. (خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۳)





◆ علامه شهید مرتضی مطهری:

– وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض آنها شوند. و از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر (پوشش) را مراعات کند، پسندیده تر است. (مسئله حجاب ص ۱۶۸ و ۱۷۷)

– عفاف یعنی آن حالت نفسانی یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن. یعنی جزء آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می گیرند بی اختیار می شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن. این معنی عفاف است (تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۶)

– عجا به بهانه اینکه حجاب، نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است. با بی حجابی و بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند. (مسئله حجاب، ص ۹۸)

– در مورد غریزه جنسی و برخی غرایز دیگر برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می میراند ولی طبیعت را هرزه و بی بند و بار می کند. در این مورد هر چه عرضه بیشتر گردد هوس و میل به تنوع افزایش می یابد. (مسئله حجاب، ص ۱۰۳)

– تا در جهان حکومت شهوت برقرار است هرگز امنیت ناموسی وجود نخواهد داشت. (مسئله حجاب، ص ۴۴)

– غیرت، نوعی پاسیانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسلها در وجود بشر نهاده است. (مسئله حجاب، ص ۵۵)

– اختصاص یافتن استمناعات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود. (مسئله حجاب، ص ۸۱)

– فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالیکه در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانیان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود. (مسئله حجاب ص ۸۱)

– اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی زن یا مرد را مقید می سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی توان نامید و آن را منافی حیثیت انسان و اصل «آزادی» فرد نمی توان دانست. (مسئله حجاب، ص ۱۰۱)

– حیا و عفاف از ویژگیهای درونی انسان است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش بر می گردد، تفاوت باطن و ظاهر یا روح و جسد یا گوهر و صدف را می توان به عنوان تمثیل در این زمینه به کار برد. به گمان ما اینها دو حقیقت هستند و میزان وابستگی این دو نیاز به تأمل دارد. (مسئله حجاب، ص ۵۲ تا ۵۷)

– پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

– اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقارتر و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مردم نگذارد بر احترامش افزوده می شود.

– حجاب در اسلام یک وظیفه ای است که بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مردم باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز بر حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب می شود. (مسئله حجاب، ص ۹۳)

– شرافت زن اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین سنگین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زیاندار لباس نباشد، زیاندار راه نرود، زیاندار و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات زست ها سخن می گویند، راه رفتن انسان سخن می گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می زند. (مسئله حجاب، ص ۹۳)

– از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. (مسئله حجاب، ص ۷۶)

– آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادها ی اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد؛ بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است و نه فعالیتهای اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بی عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل باز آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع هست آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. (مسئله حجاب، ص ۸۴)

– جامعه ای که از زینت عفاف و حیا و پوشش کامل زنان و غیرت مردان برخوردار باشد و نمایش جاذبه های زنانه محدود به خانه و همسر باشد، از یک سو ارزش و منزلت و موقعیت زنان در نظر مردان فوق العاده بالا می رود و از سوی دیگر قدرت میل و حرص مردان به جاذبه ها و زیبایی های زنان افزایش می یابد. مردان از آنجا که در خارج خانه به زنان دسترسی ندارند، طبیعتاً به همسران خویش و جاذبه های آنان جذب می شوند که همین امر مایه گرانها شدن آنها، تداوم بخش محبوبیت آنان و استحکام خانواده خواهد بود. (آسیب شناسی شخصیت زن، ص ۲۵۶)

– آنچه اسلام به عنوان یک امر اخلاقی توصیه می کند این است که: تا حد ممکن اجتماع مدنی غیر مختلط باشد. (مسئله حجاب، ص ۲۱۶)





◆ علامه جوادی آملی

– (قرآن) به زنان دستور داد که هم خوب حرف بزنند و هم حرف خوب بزنند تا مردانی که قلبشان مریض است طمع نکنند. این مرض در قلب مرد است چه اینکه زن آنچنان نیست که صدای مرد را بشنود. طمع کند. او از سلام دل برخوردار است. مگر آنکه بیماری تبرج در او پدید آید.

صغرای قیاس این است که زنان نوعاً از سلامت دل برخوردارند. کبرای قیاس این است که: در قیامت صاحبان و سالمندان سالمند «الا من اتی الله بقلب سلیم» نتیجه آن است که: زنان موفق ترند. اگر قرآن فرمود: این کتاب شفا در دل است ... بعد فرمود: طمع در نامحرم مرض است و بعد فرمود این مرض در مرد است و در این بخش سخنی از مرض زن به میان نیامده است معلوم می شود زنان از این بیماری مخصوص سالمند اند. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۵۰)

– دنیای کنونی، زن را در معرض نمایش آورد و درندگی جامعه بیشتر شد. اما دنیای اسلام، زن را در صحنه می آورد تا جامعه را مسخر عواطف زن کند نه مسخر غریزه ی زن. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۷۲)

– زن باید این مسئله را کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم. حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم. حجاب زن مال خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، حجاب زن، حقی است الهی. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۲۳)

– حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد نه مال شوهر و نه ویژه برادران و فرزندانش می باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است. ... حجاب زن حقی است الهی عصمت زن حق الله است ... زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است. (زن در آئینه جلال

و جمال، ص ۴۲۳)

– اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود و دنیای کنونی، حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان ملعبه به بازار بیاید و غریزه را تأمین کند. زن وقتی با سرمایه غریزه به جامعه آمد دیگر معلم عاطفه نیست، فرمان شهوت می دهد نه دستور گذشت. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۷۲)

– «عفاف» زنان، مهمترین کار را برای حفظ ادیان ابراهیمی عهده دار بودند و در بخش علم نیز، زنان در حد مردان جزء کلمات الهی بودند که آدم را نجات دادند. «فتلی آدم من ریة کلمات» (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۱۳۰)

– بارگاهی را تصور کند که به این بارگاه بدون اذن ورود، نمی شود وارد شد، اگر در آن بارگاه رفیع، کسی زن را شش سال زودتر از مرد راه بدهد معلوم می شود که این زن پیش از مرد مورد عنایت صاحب بارگاه مقدس رفیع است ... منتهی زن باید موقعیت خود را درک بکند، آنگاه دیگر به فکر زینت نیست، به فکر پوشیدن و نوشیدن نیست ... (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۲۸)

– بر این اساس بلوغ یک شرافت است. آنها که اهل راه اند می گویند ما مشرف شده ایم نه مکلف و زن شش سال قبل از مرد به این شرافت می رسد (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۵۴)

– اگر کارهایی که زنان لهاذگونه در جنگها و صحنه های سیاسی اسلام کردند، ده ها بار گفته می شد، به صورت فیلم تبلیغی در می آمد، و ده ها بار کتاب در آن زمینه نوشته می شد، آنگاه مشخص می شد که زنان در بیشتر مسائل نظامی در صدر اسلام همچون لهاذ و مالک اشتر بودند. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۹۴)



◆ استاد رحیم پور ازغندی

– اگر اسلام به زن می گوید حجاب داشته باشد می خواهد زن در جامعه حضور داشته باشد، البته حضور انسانی نه حضور مؤنت. – حجاب حریمی برای زن ایجاد می کند تا بتواند در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... حضور داشته داشته باشد.



◆ دکتر علی شریعتی

– خانم گاندی با آن ساری که سه هزار سال، چهار هزار سال پیش که می پوشد و با همه رهبران بزرگ دنیا ملاقات دارد، وارد سازمان ملل که می شود ۵۰۰ نماینده بلند می شوند و نیم ساعت برایش دست می زنند هرگز احساس حقارت نمی کند ... او با آن ساری می خواهد بگوید که من تمدن غرب، فرهنگ دختر شایسته، زن روز، بوردا و ... را خوانده ام (اما) با این لباس به فرانسه، آلمان غربی، نیویورک، دیوان لاهه و سازمان ملل می آیم که بگویم: شما دو قرن آمدید تلاش کردید، جان کنید که ما را مثل خودتان کنید! من به عنوان مظهر زن امروز هستم، با لباس خود آمده ام تا به شما بگویم که همه تلاشهایتان بیهوده بوده و من خودم هستم. (مجموعه سخنرانی ها)



از نگاه دیگران

♦ فرانسیس فانون (جامعه شناس و فیلسوف فرانسوی) در مورد انقلاب الجزایر



– هر چادری که دور انداخته شود افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع بوده در برابر او می گشاید و پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن استعمار ده برابر می شود.

– دیدن در برخورد با زن محجبه، یک طرفه است و طرف مقابل نمی تواند او را ببیند و زنی که دیده نمی شود تسلیم نمی گردد و خود را عرضه نمی کند. (انقلاب الجزیره یا بررسی جامعه شناسی یک انقلاب، فرانسیس فانون، ص ۱۴)

♦ خروشچف (رئیس جمهور سابق اتحاد جماهیر شوروی)



– آینده شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امید بخشی ندارند، چرا که بی بندوبار و اسیر شهوات گشته اند. (محمد قطب، اسلام و تجدید حیات معنوی، ص ۲۰۳)

♦ تولستوی (فیلسوف روسی در کتاب موسوم به حکم النبی محمد ص)



– ازدیاد و انتشار طلاق در اروپا که افکار عامه را متوجه به خود کرده، مسبب آن، تمدن فاسد و اختلاط جنسی و نبودن حجاب است که زن به واسطه معاشرت با مردی که موافق میل اوست، از زوج اولی بی میل می گردد و محبت صادقانه که اساس رابطه عائله است، در اروپا نادر است. به همین قیاس، قانون طلاق در ازدیاد و رواج است. از این بیان معلوم است که کثرت طلاق به سبب حجاب نیست، غالباً طلاق مستند به این است که شوهر از انس و محبت زن خود دست کشیده و برای خود، کس دیگری را رفیق و طرف عشق قرار دهد که آن هم از آثار بی حجابی است نه از آثار حجاب. (حجاب آزادی یا اسارت، ص ۱۹۶)

♦ هولاک آلیس



بدون وجود پاکدامنی، نه می توانیم آن خلوص و صفای نابی را که تجلی نهائی عشق است به دست آوریم و نه می توانیم ارزش آن را به درستی درک کنیم. (کتاب فمینیسم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۱)

♦ ماهاتما گاندی (رهبر انقلاب هند)



زن با اینکه به ظاهر در صدد آزادی برآمد ولی در خطر جدیدی قرار گرفت و آن خطر بازیچه قرار گرفتن و وسیله هوسرانی های مرد شدن است. من ترجیح می دهم که نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل زن یا ظرفترین مخلوق الهی به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد، از هر حیوانی بیست تر گردد. اگر من زن بودم علیه دعوی مرد داور بر اینکه زن به دنیا آمده تا بازیچه او باشد سخت عصبان می کردم. ای زنان اگر

آرایش کردن شما به خاطر جلب شهوت مردها است از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید. (کتاب روح بشری، ص ۲۱۱)

♦ ادوارد یاکوب (جهانگرد و طبیب آلمانی)



در ایران در بازار به زنانی پا چادر برمی خورید که به هنگام صحبت کردن از طرز تکلم آنها می توان به مقام بلندشان پی برد. زنان ایرانی در خروج از منزل آزادی بسیاری دارند و علی رغم چادر مستور خود به همه امور اعمال نفوذ دارند حتی در کارهای سیاسی، در سقوط برخی حکام و وزرا سرنخ را باید از آنها جست.

♦ چارلی چاپلین (کارگردان و بازیگر)



– دخترم هیچکس و هیچ چیز دیگر را در این جهان نمی توان یافت که شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند...

– برهنگی بیماری عصر ماست به گمان من تن عریان تو باید از آن کسی باشد که روح عریانش از آن توست. (چارلی چاپلین پدر تو (نامه ای به دخترم))

♦ ویلیام جیمز



– مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بدون آنکه بداند، حس می کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می دهد. حیا (و در نتیجه عزیز بودن زن و معشوق واقع شدن او برای مرد) پاداش های خود را پس انداز می کند و در نتیجه نیرو و شجاعت مرد را بالا می برد و او را به اقدامات مهم و امی دارد و قوایی را که در زیر سطح آرام حیات ما ذخیره شده است بیرون می ریزد. (به نقل از لذات فلسفه (ویل دورانت) و به نقل از اخلاق جنسی (استاد مطهری))

♦ ایمانوئل کانت (فیلسوف)



در عشق جنسی، عاشق معشوق را تنها به دید یک شیء اشتها آور می نگرد. به محض آنکه معشوق در اختیار قرار گرفته شد و آن رغبت آرام گردید، دیگر دور انداخته می شود، مثل دور انداختن لیمونی که کاملاً مکیده شده یعنی رابطه جنسی به تنهایی و بدون عشق (حقیقی) تحقیر طبیعت انسانی است. (فمینیسم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۳۵)

♦ خانم ساجیکور مور آتا (دکترای الهیات اهل ژاپن)

لطف زن به با حجاب بودن اوست، اصولاً طبع هر انسانی طالب کشف تنوع هاست. وقتی زنان به شکل امروزی بی حجاب باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی گذارند. هر چیز بااهمیتی هر گاه چندین بار رویاروی قرار گیرد، اهمیت خود را از دست می دهد این موضوع در تحکیم روابط زناشویی نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. (کتاب بهشت و جوانان، ص ۲۶۳، عبدالله محمدی نیا، به نقل از کتاب حجاب گل، ص ۳۸)



♦ مری پایفر (روانشناس آمریکائی)

امروز دختران بسیار بیشتر تحت ستم قرار دارند، آنان در فرهنگی بسیار خطرناکتر، تحت سیطره رسانه ها، و روابط جنسی قرار دارند، یا به سن می گذارند... و در حالی که زندگی پر خطری را سپری می نمایند، از حفاظت کمتری برخوردار می گردند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۱۸)



♦ ویل دورانت (مورخ معروف)

– زنان دریافتند که دست و دلبازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند. (به نقل از کتاب مسئله حجاب شهید مطهری، ص ۷۰ و ۷۳)

– حیا یکی از لطیف ترین دلفریبی های زن است. زنان بی شرم و حیا جزء در موارد زود گذر، برای مردان جذاب نیستند. (به نقل از کتاب قرآن و مقام زن، سید علی کمالی، ص ۲۳۳)

– آنچه بجوییم و نیابیم عزیز می گردد. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد. میل با اقتناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می گردد.

– ما میراث اجتماعی خود را با این فساد انبوه به هدر خواهیم داد. (به نقل از کتاب مسئله حجاب شهید مطهری، ص ۷۰ و ۷۳)



♦ پلینت روث

رواج فرهنگ برهنگی نه تنها آن را به صورت عادی و یک چیز بی اهمیت در نمی آورد، بلکه به عطش روحی را افزایش می دهد.

♦ دیوید هیوم (فیلسوف)

– پاکدامنی ضامن مقام پدری مردان برای فرزندانشان می باشد. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۴)



♦ ژان ژاک روسو (فیلسوف)

شبیبه شدن زنان به مردان، باعث تسلط مردان بر آنها می شود. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۷، به نقل از کتاب مشهور امیل)



♦ جان اف کندی (رئیس جمهور اسبق آمریکا)

– نسل جوان اروپایی و آمریکایی هوسبازند و من برای نسل آینده آمریکا پیمناکم.



♦ آلفرد هیچکاک (کارگردان)

– زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روپندی که به کار می بردند، خود به خود جذاب می نمودند و همین مسئله، جاذبه نیرومندی به آنها می داد، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود.



– من معتقدم زن باید مانند فیلمی پرهیجان و پر آنتیک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را از کمتر نشان دهد و بگذارد مرد برای کشف او بیشتر به خود زحمت دهد. (به نقل از مسئله حجاب، شهید مطهری، ص ۷۳)

♦ مستر همفر (جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی)

وی که سالهای زیادی از طرف انگلیس برای محو اسلام در کشورهای مسلمان جاسوسی کرده، می گوید:

باید زنان مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید – با این بیان که چادر یک عادت است از خلفای عباسی و یک برنامه اسلامی نیست – پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد. (آنچه باید یک زن بداند، ص ۴۵۸)

♦ سیمون دوبوار (فیلسوف و همسر ژان پل سارتر که یکی از رادیکال ترین فمینیست ها محسوب می شود)

وی پاکدامنی را امری طبیعی می دانست و معتقد بود پاکدامنی یکی از چند خصوصیت زنانه ای هست که حقیقتاً اساس بیولوژیکی دارد و زنان را حفاظت می کند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۷)



♦ ویکتور هوگو (نویسنده معروف)

– می گویند بردگی در اروپا از بین رفته است اما بردگی همچنان ادامه دارد و بر زنان تحمیل می شود و نامش فحشاست. (کتاب تسیح هزار دانه)

– اصولاً زن عفیف، زیبا و دلپسند است، وجاهت توأم با وقار و عفت، به زن قدرتی می دهد که قوی ترین مردان را یارای مقاومت در برابر او نیست، بلکه آنها را به خضوع و تعظیم در مقابل خویش وادار می سازند.



♦ ترولوپ (رمان نویس)

یکی از دلایل نویسنده شدن او این بوده که به دختران پیاموزد که عفت گوهری است که ارزش حفاظت دارد. (کتاب زندگینامه، به نقل از کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۸)



♦ خانم اوریزان ماروث

مرد فطرتاً طالب دختری است که مانند بنفشه محبوب و سلیم الطبع و در عین سادگی و عفاف، دارای کمال، لطف و دلبری باشد، زنی که دارای صفات و ملکات فاضله بوده و نام زن شایسته اوست، هرچا و به هر حالت که باشد مورد تقدیس و احترام مرد واقع می شود. (زن در عصر جدید ص ۱۰۲)

♦ جیمز اتلس

در حالی که در عصر ویکتوریا بر خواهش های نفسانی مردم سرپوش گذاشته می شد، در عصر ما این خواهش ها تا مرز خشونت پیش رفته است. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۶)



♦ جرجی زیدان (نویسنده معروف)

اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع پیش از اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطی، در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است. (تاریخ تمدن اسلام)



♦ خانم ایفیلین کوبالاد (نویسنده انگلیسی که بالاخره به

اسلام گروید)

در مقام و بزرگی زن در اسلام همین بس که مسلمین او را «حرم» که از احترام و حرمت گرفته شده می خوانند (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳)

♦ سالی کلاین (فمینیست)

... در حقیقت آنچه (در سالهای اخیر) به دست آمد آزادی زیاد زنان نبوده بلکه مشروعیت بخشیدن زیاد به بی بندوباری مردان بوده ... (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۶۳)



♦ برتراند راسل

از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی بتوان به زنان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیر ممکن گردد.



♦ شارل ژردن (جهانگرد و فیلسوف فرانسوی (قرن ۱۸-۱۷)

مشکل می توان تشخیص داد که آیا بانوان آریا برای آزدن و عفت یا به منظور افتخار و عزت یا غرور و تکبر به سوی حجاب می روند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳)

♦ فرانسس بنتون

قواعد و مقررات در رابطه با حفظ پاکدامنی ممکن است متغیر باشد ... اما پاکدامنی یک مفهوم ثابت و مطلوب است. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۷۳)

♦ شلیت (فارغ التحصیل فلسفه از امریکا)

- امروز رعایت وقار در پوشش همانند واخوره بودن در زمینه مسائل جنسی تلقی می شود و زنان برای اینکه اثبات کنند این گونه نیستند، مجبورند از پوشش های نامناسب استفاده کنند در حالی که زنان هنگام استفاده از پوشش های نامناسب در مقابل غریبه ها معمولاً احساس ناراضی می کنند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۳۶)

- پاکدامنی ثابت می کند که اخلاقیات بهتر از بی بندوباری می تواند به روابط جنسی کمک کند پاکدامنی حتی می تواند فرمان خداوند باشد، زیرا این مفهوم را می رساند که ما انسانها به گونه ای طراحی شده ایم که هرگاه مانند حیوانات بی هیچگونه خویشتن داری و پایبندی به اصول رفتار نماییم، همانند آنها لذت نمی بریم. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۶۳)

- زنانی که می خواهند برای اثبات آزادی مثل مردان هرزگی کنند در نهایت صدمه می خورند.

- زنان پاکدامن علاوه بر زیبایی درونی، از زیبایی عینی و بیرونی بیشتری نسبت به بقیه زنان برخوردار هستند. افرادی که در برابر غریبه ها تقریباً برهنه هستند چیزی برای نشان دادن به محبوب خود باقی نمی گذارند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۱)

- گرچه پاکدامنی در ادیان مختلف ممکن است متفاوت باشد، اما تمام آنها با این موضوع که پاکدامنی و تقدس به طور تنگاتنگ در هم تنیده شده اند، اتفاق نظر دارند. همگی معتقدند در حضور قدسی، باید خود را پوشاند.

- این بازگشت به پاکدامنی در پوشش، تنها متعلق به کشورهای اسلامی نیست. چنین به نظر می رسد که در امریکا نیز یک انقلاب متقابل در زمینه پوشش از حدود سال ۱۹۸۹ آغاز شده است. مجله تایم از موج عظیم گرایش به پاکدامنی سخن به میان می آورد و نشریه پوشش زنان گزارش می دهد که تقاضا برای لباسهای پوشیده، سال به سال افزایش می یابد و این افزایش به سبب تغییراتی است که در حال و هوای اجتماعی پدید آمده. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۷۰)

- گمان نمی کنم در دورانی زندگی می کنیم که در آن شرم و حیا وجود ندارد. ما انسان هستیم و انسانها همیشه از چیزی خجالت می کشند. فقط موضوع مناسب را اشتباه گرفته ایم. از سیگار کشیدن خجالت می کشیم ولی از لباس های نازک دختران جوان خجالت نمی کشیم. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۸)





◆ دلدادگی سودابه بر سیاوش

بر خواهران و فغستان خویش
پر از خون دلست و پر از آب چهر

برو بر ترا مهر صد مادرست
که خون و رگ و مهر نتوان نفقت
چو سودابه خود مهریان مادرست

زمانی بمان تا کنند آفرین
همی کرد خیره بنو در نگاه
بکوشید تا دل بشوید ز گرد
پژوهد همی تا چه دارد بسر
هشیوار و بینا دل و بدگمان

فرستش بسوی شبستان خویش
همه روی پوشیدگان را ز مهر

بدو گفت شاه این سخن در خورست
سپهد سیاوش را خواند و گفت
پس پرده من ترا خواهرست

پس پرده پوشیدگان را بین
سیاوش چو بشنید گفتار شاه
زمانی همی با دل اندیشه کرد
گمائی چنان برد کو را پند
که بسیار دان است و چیره زبان

◆ آمدن زال به نزد مهراب کابلی

چنین گفت کای پهلوان جهان
که رویش ز خورشید روشن ترست
برخ چون بهشت و ببالا چو ساج

یکی نامدار از میان مهان
پس پرده او یکی دخترست
ز سر تا بپایش بکردار عاج

◆ رفتن بیژن به دیدن منیژه دختر افراسیاب

بجوشید مهرش دگر شد بخوی
که رو زیر آن شاخ سرو بلند
سیاوش مگر زنده شد گر پرست

ببرده درون دخت پوشیده روی
فرستاد مر دایه را چون نوند
نکه کن که آن ماه دیدار کیست

◆ آمدن بیژن به سرا پرده منیژه

خرامید زان سایه سرو بن
پیاده همی گام زد بارزوی
میانش بزرین کمر کرده بند

نماید آنگهی جایگاه سخن
سوی خیمه دخت ازاده خوی
ببرده در آمد چو سرو بلند

◆ تهمینه در برابر رستم می گوید:

نه هرگز کس آوا شنیدی مرا

کس از پرده بیرون ندیدی مرا



◆ یوسف بخشی خوانساری

عریان مکن ای دختر زیبا تن خود را
جمعند در اطراف تو مردان هوس باز
در راه تو بس اهرم‌ناند به هر کوی
زنهار به تقلید زن و دختر غربی
آلوده مکن با هوس هرزه درایان
مردی که تو را می برد از راه به اندرز

◆ پادشاه خاتون صقوه الدین

من آن زخم که همه کار من نکو کاری ست
... درون کله عصمت که تکیه گاه من ست
جمال سایه خود را دریغ می دارم

◆ فخری عادل خلعت بری

جمال زن نه خط و زلف پرشکن باشد
نه ژوب اطلس ونه جامه کرب زورژت
جمال زن به حقیقت کمال عفت اوست

◆ محمود خان افشار یزدی

به شناعت کسی افکند گرت تیر نگاه
ور به خیره نگران گشت به رویت ز آن بیش
گوهر عشق به هر عاشق وفاسق منما
زینتی نیست به از زینت عفت به زنان
دختری را که جز آرایش خود سونا نیست
خلق دریا ، تو مسافر و پدر کشتی بان
مادر از حالت دختر خبرش بیش بود
پس اگر دختری افتاد به راه کج و بد

برده زنهار میفکن ز رخ چون قمر
قمرت گفتم و تشبیه خطا کردم از آنک
... غازه بر روی مکن رسمه بر ابروی مکش
... بهترین زینت دختر نه مگر عفت اوست

◆ محمدرضا آقاسی

ای عاشق مدهای رنگارنگ
ای فریفته لباسهای روشن و تنگ
در خیابان چهره آرایش مکن
از جوانان سلب آسایش مکن
زلف خود از روسری بیرون مریز
در مسیر چشمها افسون مریز
یاد کن از آتش روز معاد
طرزه گیسو مده در دست باد
خواهرم دیگر تو کودک نیستی
فانش تر گویم عروسک نیستی



خواهرم ای دختر ایران زمین
یک نظر عکس شهیدان را ببین
خواهر من این لباس تنگ چیست؟
پوشش چسبان رنگارنگ چیست؟
خواهرم اینقدر طنازی مکن
با اصول شرع لجبازی مکن
در امور خویش سرگردان نشو
نوعروس چشم نامردان نشو

◆ پروین اعتصامی

کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود
زیور و زر پرده پوش عیب نادانی نبود
جامه عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود!
پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود
وای اگر آگه ز آیین نگهبانی نبود
عزت از شایستگی بود از هوسرانی نبود
زان که می دانست آن جا، جای مهمانی نبود
توشه ای و رهنوردی جز پشیمانی نبود
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود؟

کس چو زن لئیر سیاهی قزنها منزل نداشت
سادگی و پاکی و پرهیز؛ یک یک گوهرند
از زر و زیور چه سود آن جا که نادان ست زن
عیبها را جامه پرهیز پوشانده ست و بس
زن سیکساری نبیند تا گرانسنگ ست و پاک
زن چو گنجورست و عفت گنج و حرص و از؛ دزد
جلوه صد برنیاں، چون یک قیای ساده نیست
اهرمن بر سفره تقوی نمی شد مهمان
یا به راه راست باید داشت کاندر راه کج
چشم و دل را پرده می بایست، اما از عفاف

◆ دکتر قاسم رسا

خاصه آن که مهربان باشد
می کند زن چو کاردان باشد
بهترین نعمت جهان باشد

کشاند از بلندی سوی پستی
که مردان را کند ساقط ز هستی

راحت مرد از وجود زن ست
مرد را بی نیاز از هر چیز
همسر خوب و مهربان و عقیف

زنان بوالهوس را مدیریت
ز گیتی مد پرستی محو با

◆ میرزاده عشقی

ز آن عالمه لوند بهتر
ز آن میوه که کرده گند بهتر
کلینته نیم بند بهتر

آن زن که عقیف و بی کمال ست
آن میوه که بو ندارد اصلاً
ز آن دوست ، عهد با عدو بند

◆ دکتر دلفی

گاه صفا دل تو چو جام جهان ناست
رنده می بری تو دل از خلق و این خطاست
دیدار او هزار غم و درد را دوست
بر بیکر شریف تو بسیار نارساست
این شعرها یکی ز هزاران هزاراست
زن، ای که حسن روی تو آینه خداست

زن ای که حسن روی تو آینه خداست
با برنیاں بیکر نازکتر از سمن
- زن چون عقیف گشت و سخندان و پارسا
این جامه های شعر و ادب ای زن عقیف!
در وصف سیرت تو هر آنچه سروده اند
باید صفای روح بیابی که کیمیاست



◆ اسماعیل دهقان

دختر! می کنم از مغلطه کاران خبثت
تا خبر دار شوی یا به قلم یا تبلیغ
ای شکر خنده بر آن تنگ شکر روی بیوش
آخر از جنس لطیفی تو، نظر هاست کثیف
- زبور و زینت خود جز به محارم منمائی
- ای درخت چمن انس چوات میوه رسید
- علم آموز ولی علم زنان نی مردان
- نه ز دهقان ولی از دکتر افشار شنو

◆ مهیندخت دارایی

بسا زن را که سوء رسم و رفتار
بود در خانه تا همصحبیت شوی
چو یک بیگانه از در باز آید
دهد زینت به روی و موی خود زود
لباس مندرس پوشد به منزل
نیبند تا بود در توی خانه
چو پیش آید یکی مهمائی و سور
زهی آرایش بی ارز و مقدار
خود آرایی زنان را گرچه نیکوست
اگر زن صاحب روی نیکوست
خوشا آن سرخی اندر روی زنها

اگر زن آبروی خود تبه کرد
یکی: از راه عفت دور گشتن
دوم: بر سر نیاوردن امانت

◆ نصرت عبدالحسین (منشی)

زن نیکو ، طراز هر نکویی ست
- خوش آزادی که از عفت بزاید
نکوهیده زنائی ز این ترانه
بدین هم نیز لختی بفرزودند

◆ ژاله اصفهانی

جلوه حسن تو ای زن به خود آرای نیست
آن گل تازه به گلدان بلورین هرگز
گرد الوان چه زنی بر رخ پاکیزه خویش
روی گلگون تو گر ساده نباشد، ای مه!
سرو، مشهور چمن گشت ز آزادی طبع
ژاله دانش بطلب تا بفرزود جان

که مبادا ببرند از ره عفت به درت
برده چادر ز تو بنهند کلاهی به سرت
تا که موران ننمایند طمع بر شکرت
رخ بیوشان و بر آن بد نظران در نظرت
تا که بیگانه نندزد ز تو یکتا گهرت
باش هشیار که طراز نچیند ثمرت
فرض شد علم ز پیغمبر نیکو سیرت
«برده زینهار میفکن ز رخ چون قمرت»

نماید برسبه بختی گرفتار
نشیند بی نشاط و تند و اخمو
سر شوخی و لطف و ناز آید
که باید پیش مهمان پاک رو بود
که چرکین می شود بیننده را دل
رخش صابون و مویش روی شانه
بیراید خودش را شاد و مسرور
که می باشد برای کوی و بازار
بهین زینت ولیکن عفت لوست
رخ نیکوی آن از آن شویست
که از شرم و حیا گردد هویدا

همانا ارتکاب دو گنه کرد:
زدرگاه خدا منفور گشتن
نمودن همسر خود را خیانت

به نیکویی سزای هرچه گویی ست
نه آزادی که عفت را زداید
همه کردند آزادی بهانه
همه زلف عبیر افشان زدودند

نیست گر ساده جمال تو تماشایی نیست
جلوه گر همچو گل و لاله صحرائی نیست
روغن و رنگ تو رامظهر زیبایی نیست
عاشق نرگس مستت دل سودایی نیست
ورنه فخرش به خود آرای و رعنائی نیست
که فروزنده تر از مشعل دلبائی نیست

◆ نسرین پرومند

نمی خواهم که جز من با نگاری آشنا باشی
نمی خواهم که باشی شمع در هر مجلس و محفل
نمی خواهم کسی را جا دهی جز من به قلب خود
نمی خواهم نگاهت را به کس جز چشم من دوزی
بر آید این سخن همراه آه از سینه نسرین

◆ اوحدی مراغه ای

نمی خواهم کسانی را که امروزند و فردا نه
از آن خویشی کند با تو دل بیخود که در پرده

از عفت و طهارت و پاکی و روشنی
دنیا چو خانقاست تراه بر سر دو راه
خوش چشمه ایست طبع تو در مرغزار تن

◆ محتشم کاشانی

وز شرم کس نکرده نگه در رخس درست
در خواب نیز تا نتواند نظر فکند
نیود عجب اگر کند از دیده ذکور
خود هم به عکس صورت خود گر نظر کند
فرمان دهد که عکس پذیری به عهد او
آن مریم زمان که به عفت سرای او

معصومه ی ستیزه که ستار واحدش
از عفتش فزون نتوان یافت عفتی

◆ صائب تبریزی

سرمه را هم محرم چشم سیاه خود مکن
قبلی من! عکس در شرع حیا نامحرم است

◆ ملک الشعرای بهار

زلف سترده مده به باد که در شهر
جادوی افتد میان مرد و زن اندر



با شاعران پارسی ۴۷

نمی خواهم چو غم در کلیه هر بینوا باشی
نمی خواهم چنین طناز و مست و دلریا باشی
نباید با چو من یاری از این پس بی وفا باشی
نمی خواهم چو من مست دو چشم کهریا باشی
که هر جا می روی آخر نگار، مال ما باشی

ترا خواهم که دی بودی و امروزی و فردایی
ترا رخ هاست کان رخ ها به غیر خویش نمای

دایم وجود خویشتن اندر حصار دار
این خانه در تصرف خود مستعار دار
این چشمه را ز خاک طمع بی غبار دار

از بس که دارد از نظر مردم اجتناب
نامحرمی بر آن مه خورشید احتجاب
معمار کارخانه احساس منع خواب
ترسم که عصمتش کند اعراض در عتاب
بیرون برد قضا هم از آئینه هم ز آب
بوی کسی نبرده نسیمی به هیچ باب

در هفت پرده کرده ز چشم جهان نهران
الا عفاف سیده آخرالزمان

گر توانی، آشنایی با نگاه خود مکن
خلوت آینه را هم جلوه گاه خود مکن

◆ دکتر محمد حسین میمندی نژاد

ترا دوست دارم
با کمال میل سر در قدمت می نهیم
می خواهم برای تمام عمر،
اسیر گیسوی تو باشم
حاضرم زندگی ام را فدای تو کنم
به شرط آن که...

گلهای بهار نازنجی را که تقدیمت می کنم،
بپذیری
در این گلها رازی نهفته است ،
تصور می کنم بی میل نباشی آن راز را
کشف کنی
آیا بوی پاکدامنی و عفت به مشامت
نمی رسد؟



بهار

محبوب همیشه در حجاب



◆ صائب تبریزی

مرو از پرده برون بر اثر نکبت زلف

از حجاب حسن شرم آلوده‌ی لیلی، هنوز
گریمها در پرده دارد عیشهای بی‌گمان

◆ عطار نیشابوری

جانا بسوخت جان من از آرزوی تو
چندین حجاب و بنده به ره بر گرفتمای
چون مشک در حجاب شدی در میان جان

ای در حجاب عزت پنهان شده ز غیرت
تو همچو آفتابی در پرده‌ها نشسته
ای جان ما چو آدم شادی هشت جنت

◆ فروغی بسطامی

تو در حجاب رفته به چندین هزار ناز
می‌گیرد آفتاب ز دود درون ما

◆ خاقانی

چندان که مجاور حجابی

دردا که چو گل پرده‌ی خلوت بدرید



◆ حافظ

همه عالم گواه عصمت اوست
پرده دار حریم حرمت اوست

◆ محتشم کاشانی

چشم ترگس چون شود در فتنه‌سازی بی‌حجاب
سرو چون نازد به خوبی در بهارستان ناز
دامن گل در چمن بلبل چو آلابد به اشک

ای ماه چارده ز جمال تو در حجاب
خورشید در مقدمه‌ی شب کند طلوع

از من نهفته مانده به بزم از حجاب حسن

میسوختی چو ز آتش می پرده‌های شرم

آن کایستاده به رویت نقاب بود

در پرده عذار او در بسته گلستانی

◆ فخرالدین عراقی

کی برون آیی ز پرده آشکار؟
چند رو گردانی از سرگشتمای؟

دمی از پرده بیرون آیی، باری
دمی از پرده بیرون آیی، باری

من ز عشق تو پرده بلریده
تو ز من فارغ و من از غم تو

عفت عشق و صلح یار نگر

یاری است مرا و یاری پرده
این پرده مرا ز تو جدا کرد

از حجاب ترگس فتن من یاد آورید
از سهی سرو نگارستان من یاد آورید
از من و از یاکای دامان من یاد آورید

حیران آفتاب رخت چشم آفتاب
بعد از غروب اگر ز جمال افکنی نقاب

روئی که آن نهفته نمی‌گردد از نقاب

آن کایستاده به رویت نقاب بود

آه کجاست تا کند بر طرف این حجاب را

در رمز دهان او سر بسته معمائی

چند روی خوب را پنهان کنی؟
عاجزی را چند سرگردان کنی؟

که کلی پرده‌ی صبرم دریدی
که جمله بستگی‌ها را کلیدی

تو نشسته درون پرده به ناز
کرده هر لحظه نوحهای آغاز

حسن تدبیر و ختم کار نگر

انوار رخس سوی پرده
این است خود اقتضای پرده





◆ شهریار

دارد متاع عفت از چار سو خریدار
جز وصف پیش رویت در پشت سر نگویم

من شاه کشور ادب و شرم و عفتم

او در حرم هفت سرا پرده‌ی عفت
در گلشن دل آب و هوایی است بهشتی

نالدیم پای که چند از پی یارم بدوایی
من سراپا همه شرمم تو سراپا همه عفت
چشم خود در شکن خط بنهفتم که بزدی
به غزل چشم تو سرگرم بدارم من و زیباست

او در حرم هفت سرا پرده‌ی عفت

◆ اوحدی مراغه‌ای

چيست آن شهریار در پرده؟
پرده از روی برگرفت آن ماه
همه گلها از او شکفته و باز
پرده داری بدوستان دادست
از پس پرده جمله حیرانند
همه را رخ به خون دیده نگار

تا به کنون پردمشین بود یار
خود به طلب دیدم و راهی نبود
یار من از پرده همی کرد زور
چون که دل پردمشین چندگاه

غنجگان را گر چه بر گل پرده پوشی عادتست

پرده‌ی صد دل به درین به جور

◆ جلی

بازار خودفروشی این چار سو ندارد
رو کن به هر که خواهی گل پشت و رون دارد

با من کدام دست در آغوش می‌کنی

خواهی تو بدو بنگری ای دیده حیا کن
گل باش و در این آب و هوا نشو و نما کن

من بدو میرسم اما تو که دین نتوانی
عاشق یا به فرارم تو که این درد ندانی
یک نظر در تو ببینم چو تو این نامه بخوانی
که غزالی به نوای نی محزون بچرائی

خواهی تو بدو بنگری ای دیده حیا کن

شور در شهر و یار در پرده
همچنان روی کار در پرده
گل او غنچهوار در پرده
و آنکه آن پرده دار در پرده
کس ندارد گزار در پرده
نیست کس با نگار در پرده

هیچ در آن پرده نمی‌داد یار
راه طلب داشتیم از پرده دار
دل ز پی پرده همی گشت زار
بر درش آویخته شد پردهوار

عاقبت هم بخیمای بر روی کار انداختند

پرده‌ی رخسار در آویختن

کز چشم دلت بدو نگاهی‌ست



◆ مولوی

که پس گل مشبک دو هزار منظر آمد

هیچ اندریند خویش و خودنمایی نیستم

اندر پس پرده راد باشیم

شکران و ماه رویان همه همچو مه مطهر

دردی بریخت بر رخ گلزار شرم تو

چه بتها می‌نگاری اندر این دل
به غایت آشکاری اندر این دل

ز حجاب گل دلا تو به جهان نظارهای کن

در غم آنم که او خود را نماید بی‌حجاب

بر چهره یوسفی حجابی است

تن تو حجاب عزت، پس او هزار جنت

صافی شرم توست نهان در حجاب غیب

چه کارستان که داری اندر این دل
حجاب عزت از بستی ز بیرون

◆ شیخ محمود شبستری

پس از وی حکمت و عفت شجاعت
شده ، همچون خمود از وی شده دور

اصول خلق نیک آمد عدالت
به عفته شهوت خود کرده مستور

◆ سعدی

فته می‌جویی نقابی برفکن

تصرف مکن در کز و راستم

اندکی پیدا و دیگر در نقابت دیدمی
کاش پنهان از رقیبان در حجابت دیدمی

صعقه می‌خواهی حجابی در گزار

چو ظاهر به عفت بیاراستم

ور چو خورشیدت نبینم کاشکی همچون هلال
از منت دائم حجابی نیست جز بیم رقیب



پوشش در ادیان

□ پوشش در ادیان الهی

پوشش در ادیان تلاشی است تا نشان دهد که همه ادیان الهی، بشر را به عفاف و پوشش نه تنها دعوت، که امر کرده اند. گرچه تحریف در کتب مقدس باعث شده تا جوانی از این امر مورد افراط و تفریط قرار گیرد.

□ پوشش در آیین زرتشت

در کتاب گاتا چند اصل اساسی است که اصول آموزشی زرتشت محسوب می شود. از جمله آزادی مطلق انتخاب، امنیت کامل و ...

تاکید و سفارش موبدان به حفظ پوشش و حجاب برگرفته از اصول اساسی این آیین در کتاب آسمانی گاتا زرتشت است اصولی چون امنیت کامل ایجاب می کند که پیروان این آیین پوشش و حجاب را رعایت کنند اصل آزادی اقتضاء می کند جهت عدم سلب آزادی دیگران و عدم تهییج قوه شهویه دیگران پوشش و حجاب را رعایت کنند.

"اشو زرتشت" نه تنها با تقریر و تنفیذ خود بر حدود و کیفیت رایج حجاب و عفاف صحنه گذاشته بلکه برای تعمیق آن با پندهای کوشیده است تا ریشه‌های درونی حجاب را مستحکم نماید. (علی محمدی آشنائی، حجاب در ادیان، ص ۱۳۷).

از اندرزه‌های "اورداد ماراپسند" موبد موبدان: دختر با حیا را دوست بدار و او را به مردی هوشیار و دانا به عروسی ده، زیرا مرد داناو هوشیار مانند زمین نیکی است که چون تخم در آن بکارند حاصل نیک و فراوان به عمل آید یا زن فرزانه و با حیا عروسی کن او را دوست بدار زن دیگری را فریب مده که رواست گناه نگردد. (سالنمای ۷۲، انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰)

با توجه به متون تاریخی در زمان زرتشت اگرچه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می کرد، و یا همپای مردان به کار می پرداخته ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. (علی محمدی آشنائی، حجاب در ادیان، ص ۱۱۵).

ویل دورانت مورخ مشهور نیز می نویسد: در زمان زرتشت پیغمبر، زنان همانگونه که عادت پیشینیان بود، منزلت عالی داشتند و با کمال آزادی و روی گشاده در میان مردم آمد و شد می کردند و صاحب ملک و زمین می شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان سرپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا یا مردان آمد و رفت کنند زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر و برادرشان باشد، بینند در نقش هایی که از ایران باستان برجای مانده است، هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱ ص ۵۵۲؛ علی محمدی آشنائی، حجاب در ادیان الهی ص ۱۲۰-۱۲۱، حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۸-۳۹)



پوشاک عمومی یک بانوی زردشتی مربوط به گذشته‌ی نزدیک





جشن تکلیف دختران زرتشتی (معاصر)

لباس مذهبی زرتشتیان

زرتشتیان دارای جامه ویژه مذهبی هستند که فرد پسر یا دختر، پس از رسیدن به سن پانزده سالگی، باید آن را به تن کنند. بگونه ای که پوشیدن آن جامه مذهبی باعث ایجاد دیو «دروج ناسو» شمرده شده است (دروج ناسو، نام دیو ناپاکی است که تماس وی برای انسان بسیار خطرناک است و عواقب وخیم دارد و هنگام جدا شدن روح از بدن به انسان حمله می کند (وندی داد، ص ۱۲۳، ۲۵۳).

این لباس «سدره و کشتی» نام دارد و کیفیت آن، که می تواند پوشش کاملی برای زنان به حساب آید بدین شرح است: «سدره» که جامه دینی ویژه زرتشتیان است باید از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن چسبیده به بدن پوشیده شود ... سدره در اوستا «ستره» نامیده شده. ستره یعنی جامه نیک اندیشی. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده اند. «کشتی» کمر بند پارکی که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر ببندند. کمر بستن «کشتی» نشانه پیمان و کمر بستن به بندگی خداوند یکتا و آماده بودن برای پیروی از دستوره‌های اوستا (مؤید رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۵۷).

آیین سدره پوشی

برابر با یک روش کهن و پذیرفته شده باستانی، همه جوانان دختر و پسر باید آیین سدره پوشی را انجام دهند تا زرتشتی شناخته شوند. در باره سنی که باید آیین انجام شود، دیدگاه‌های چندی وجود دارد. برخی انجام آن را هنگامی که جوان به سن بلوغ رسید و توانایی شناخت خوب از بد را دارد، سفارش می کنند و برخی دیگر انجام آنرا پیش از رسیدن به سن بلوغ لازم می دانند. امروز در ایران کودکان را بین سن هفت و یازده سالگی سدره پوش می کنند (دیدنی تو از دینی کهن، دکتر فرهنگ، ص ۱۶۳؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۹). نقاشی‌های موجود و تصاویر بدست آمده از دوران قدیم بیانگر این موضوع است که زرتشتیان در طول تاریخ پوشش کاملی داشته اند که معمولاً این پوشش برای آقایان کلاه و لباس بلند و شلوار بوده است و برای خانمها نیز چارقد بوده است که سر آنها را می پوشانیده است و گاهی به جای چارقد از کلاهی بنام لچک استفاده می کردند که تا سالیان قبل نیز در میان زنان روستایی شهرهای جنوبی استان کرمان (شهرهای کنونی جیرفت، کهنوج، منوجان، عنبرآباد و رودبار و قلعه گنج را در بر می گیرد) مرسوم بوده است (حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۳۸). پوشاکی که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند شباهت بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر ما دارد، چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری و طرز استفاده آنان است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و برش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری می باشد با این تذکر، پوشاکی که بانوان زرتشتی با اندکی ساده کردن و با گرایش تدریجی به سوی مد روز از آن استفاده می کنند عبارت است از: کلاهک، پیراهن روی، روسری، شلوار و کفش که به تقلید از کفشیهای شهری تهیه می شود. (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان تهران، پوشاک باستانی ایرانیان، فصل پوشاک اقلیتهای میهن ما، ص ۲۶۵). روسری پارچه ای است رنگین و با نقش و نگار و به طول در حدود سه متر و نیم و عرض یک متر، که به طرز بانوان بختیاری روی کلاهک می گذارند و برای استوار ماندن بر سر، با دستمالی کلاهی، روی آن را می بندند. (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان تهران، پوشاک باستانی ایرانیان، فصل پوشاک اقلیتهای میهن ما، ص ۲۶۵). شلوار بانوان از لحاظ برش با شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی یکسان است، جز اینکه ساقه های شلوار به جای یک تکه بودن از تکه های پارک و الوان و نقش و نگاردار هستند. دمپای شلوار را نیز به وسیله بند به دور ساق و مچ پا جمع می کنند و کمر آن نیز لافی است. (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان تهران، پوشاک باستانی ایرانیان، فصل پوشاک اقلیتهای میهن ما، ص ۲۶۵).

روش عملی زنان زرتشتی، جامعه ویژه زرتشتیان، لزوم پوشاندن موی سر در مراسم عبادی و حرمت نگاه بر زنان و پند و اندرزهای دینی نشانگر تشریح حجاب در آیین زرتشت و بیانگر حدود کیفیت حجاب از دیدگاه آنان است (علی محمد آشنائی، حجاب در ادیان، ص ۱۱۵).





زن زرتشتی سفرنامه از خراسان تا بختیاری
 اثر: هاتری رنه دالماتی (دوره قاجار)



زنان و مردان زرتشتی سفرنامه از خراسان تا بختیاری
 اثر: هاتری رنه دالماتی (دوره قاجار)



روجوب پوشاندن سر در مراسم مذهبی

از نظر دین زرتشت بر هر یک از مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشانند. بنا به گفته مؤید «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به گونه ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا به طور صریح چنین آمده است:

نامی زت واجیبه، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادر هورمزد. (خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان)
یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می پوشیم آنگاه به درگاه دادار اهورا مزدا نماز می کنیم.

حرمت نگاه ناپاک به زنان

دین زرتشت بر سه اصل اساسی یعنی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بنیان گذاشته شده است. مؤیدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می گویند:

یک زرتشتی مؤمن می بایست از نگاه ناپاک به زنان دیگر دوری جوید.

در اندرز «آذریاد ماراسپند» مؤید موبدان آمده است:

مرد بد چشم را به معاونت خود قبول مکن. (سالنامه ۱۳۲۲ چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰)
در نصیحت فوق علاوه بر تأکید بر لزوم پرهیز از بد چشم بودن از قبول نمودن آنان (که در نگاه ناپاک هستند) حتی به عنوان معاون و کمک یار نهی شده است.

توصیه زرتشت به دختران و پسران

زرتشت در «گات ها یسنا پنجاه و سه بند پنج» به پسران و دخترانی که می خواهند با هم یمان ازدواج ببندند پند و اندرز می دهد که:

ای دختران شوی کننده و ای دامادان اینک بیاموزم و آگاهتان کنم با غیرت از برای زندگانی پاک منشی بجوید. (اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، عبدالعظیم رضایی، ص ۱۴۱؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۲۸)



پوشش در آیین یهود

در مواضع متعددی از کتاب مقدس «تورات» و کتاب فقهی «تلمود» که یکی از کتابهای مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است به طور صریح و روشن وجوب پوشش سر از نامحرمان در بیرون از خانه، حتی برای عبور از راه مخصوص بین دو خانه، نهی از تشبیه زن به مرد و بالعکس در لباس پوشیدن، منع لمس و تماس و اختلاط با زن بیگانه، پرهیز از آرایش و ناز و غمزه و به صدا در آوردن خلخال‌های پا که موجب نزول قهر و عذاب الهی می‌گردد بیان شده است. (حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنائی، ص ۱۰۲)

پوشش کامل در مقابل نامحرم

در سفر پیدایش چنین می‌خوانیم:
ورفقه چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا که از خادم پرسید این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفت: آقای من است، پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.

در تلخیص و گزیده ای از متن کتاب تلمود با نام «گنجینه ای از تلمود» می‌خوانیم:
"واگر رفتار زن فحشیت آمیز باشد شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ "کتوبا" (مهریه) طلاق دهد و زنائی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود از دواجشان باطل است و مبلغ کتوبا به ایشان تعلق نمی‌گیرد: زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبکسری به گفتگو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود با والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره‌ی امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید." (راب اماکهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۱۸۶، میشتاکتوبوت ۶: ۷. حجاب در ادیان الهی ص ۱۵۲ و ۱۵۳)

آنچه از این نوشته برمی‌آید آن است که:

در تلمود مجازات سنگین «طلاق بدون پرداخت مهریه» برای متخلفین از قانون حجاب پیش‌بینی گردیده است. ویل دورانت مورخ مشهور نیز می‌نویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت مثلاً بی‌آنکه سر را پوشانده باشد به میان مردم می‌رفت یا با هر سخنی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌کرد همسایگانش می‌شنیدند سخنان او را در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهر زن را طلاق دهد. (تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۲/ ص ۳۰)

تصویر ملکه استر

(همسر یهودی شاه ایران، خشایار شاه، قرن ششم ق م)

که با نفوذ خود برای نجات هم کیشانش اقدام کرد.
(نقاشی مربوط به قرن ۱۶)



تصویر یک عروس یهودی (پوشش سر در آن مشهود است)

قرن ۱۶ میلادی، نقاشی منتخب از موزه لوور



یک مدرسه دخترانه یهودی



پرستاران یهودی سال ۱۹۱۸



حد و کیفیت پوشش زنان یهود

در تورات از چادر، برقع و روبنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشانده اند به طور صریح نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان یهود در آن عصر است. برای نمونه، در کتاب روت می خوانیم:

بُوغز به آن زن گفت: چادری که بر تو است بیاور و بگیر. پس آن برگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت.

(تورات، کتاب روت، باب سوم، فقره ۱۵)

در مورد عروسی یهودا می خوانیم:

پس رخت بیوکی را از خویشتن بیرون کرده، برقی به رو کشیده و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمه است بنشست. (تورات سفر پیدایش باب ۲۸، فقره ۱۴-۱۵)

در مقام مقایسه یکی از نویسندگان چنین می نگارد:

گرچه پوشش در بین عرب مرسوم نبوده و اسلام آن را بوجود آورد ولی در ملل غیر عرب به شدیدترین شکل رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست، بوجود داشت. در بین این ملتها وجه و کفین (صورت و دستها) هم پوشیده می شد. حتی در بعضی از ملتها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سفت و سخت در آورده بودند. (ابوالقاسم اشتهازی، حجاب در اسلام، ص ۵۰، حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنائی (قم، باقوت ۱۳۷۸) ص ۱۵۵؛ حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۵)

در قرن شانزدهم زنان برای پوشاندن موهای سرشان از "شتیل" (نوعی روسری) استفاده می کردند. عروس هنگام ازدواج و بعد از آن تا زمانی که متاهل بود در مقابل نامحرمان موهای خود را با شتیل می پوشاند. زنان یهودی مشرق زمین مانند دوران کهن از چادر استفاده می کردند اگر چه هنوز هم زنان پارسا در بعضی فرقه ها نظیر فرقه حسیدیم از "شتیل" برای پوشاندن موها استفاده می کنند. معلمان مذهبی یهود هنجارها و آداب بسیار دشواری را در جامعه برای حفظ عفت زنان بنا نهاده بودند اما فرهنگ غالب در جامعه ای که یهودیان زندگی می کردند همیشه آداب یهودیان را تحت تاثیر خود قرار داده است برای مثال زنان شرقی یهود در دوران کهن، سر خود را با چادر می پوشانند و آن عده که با وقارتر و صاحب جاه و مقام بودند چادر خود را تا روی صورتشان پایین می آوردند. سنت یهودیان فلسطین مبنی بر پوشاندن چهره در قرون وسطی نیز رایج بود اما این سنت در میان یهودیان بایلی زیاد رواج پیدا نکرد. (زن در ادیان بزرگ، جیم هولم و جان بوکر، ص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۱۷)

معلمان مذهبی یهود بر عفت و پاکدامنی زن تاکید خاصی دارند. دین یهود به ارزش گذاری بر حفظ وقار و حجاب تاکید خاصی دارد. (کتاب پیدایش ۲۴) (زن در ادیان بزرگ جهان، جین هولم و جان بوکر، ص ۲۰۹؛ حمزه، عباس، حجاب در ادیان الهی، (نشر باقوت ۱۳۸۵) ص ۱۱۶)



▲ زن یهودی بخارا، اوایل قرن بیستم



▲ تصویر بانوی یهودی در قرن ۱۶ که به نقاشی در آمده است. نوع پوشش خاص یهود در آن زمان با رعایت حجاب مشهود است.





دختران یهودی، دیلاوا، سفرنامه، (دوره قاجار)



دختران یهودی اثر: دیلاوا، سفرنامه (دوره قاجار)

نهی از آرایش در برابر نامحرم

ویل دورانت در مورد لزوم سکوت زن و پرهیز از آرایش نزد مردان می‌گوید:
 به تفضیل تمام از پرگویی زن اظهار تاسف می‌کردند (ده پیمانه سخن از آسمان بر زمین نازل گردیده پیمانه را زنان برداشتند و یکی را مردان) اعتیاد زنان را به استعمال سرخاب و سرمه نکوهدیه می‌شمردند. موافق بودند که مرد باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند لکن غرض آن بود که زن خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها.
 (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱ ص ۳۱؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۵۰؛ حجاب آزادی یا اسارت، ص ۴۲ و ۴۳)
 در تورات می‌خوانیم:

و خداوند می‌گوید از این جهت که دختران صهیون یا گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پایهای خویش خلخالها را به صدا می‌آورند * بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و به عوض عطریات عقوبت خواهد شود و به عوض کمر بند ریسمان و به عوض مویهای بافته کلی و به عوض سینه بند زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد افتاد * و دروازه‌های وی ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست. (تورات، کتاب اشعیا، باب سوم، فقره ۱۶-۲۶)

اهمیت نگاه نکردن به نامحرم

در کتاب یسوع بن سیرا در مورد عدم نگاه به نامحرم چنین آمده است:
 به دختر جوان خیره مشو، نگاه خویش از زن زیبا بگردان و به زیبا روی بیگانه خیره مشو، چه بسیار کسان که زیبایی زن به گمراهی شان کشانده است و عشق چون آتش از آن برافروخته گشته است. (کتابهایی از عهد عتیق (کتابهای قانون نانی - ترجمه پیروز سیار - ص ۴۵ - کتاب یسوع بن سیرا؛ حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۱۹)
 ویل دورانت در جایی دیگر در مورد اجتناب از نگاه به نامحرم در شریعت یهود می‌نویسد: پارهای از علمای یهود با این احکام عیسی موافق بودند که شخص ممکن است از راه چشم مرتکب زنا گردد بعضی پای مبالغه را از این فراتر نهاده مدعی بودند که هر کس حتی به انگشت کوچک زنی نظر دوزخ در قلبش مرتکب گناه گردیده است. (حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنائی، ص ۱۰۲)

فرمان یهود به زن شوهر دار چنین بود: چشمت باید به شوهرت باشد و او بر تو حکومت خواهد کرد. (حجاب در ادیان الهی، ص ۱۵۰)

لزوم پرهیز از هر امر تحریک آمیز

ویل دورانت می‌نویسد:
 " ... شخص باید از هر وضعی که منجر به تهیج هواجس نفسانی شود احتراز جوید نباید بیش از اندازه تکلم نماید و هرگز نباید به هنگام راه رفتن در عقب زنی، - حتی زن خویش - قدم بردارد... حتی اگر در عقب شیر زنان گام بردارد بهتر است تا از قفای زنی حرکت کند. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲ ص ۲۸؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۵۱)
 ماجرای حضرت موسی و دختران حضرت شعیب نمونه‌ای کامل از کنترل نگاه و نهی از نگاه کردن به پشت زنان است:

هنگامی که حضرت موسی از مصر به مدین آمد دخترانی را در کنار چاه دید که می‌خواستند برای گوسفندان خود از چاه آب بکشند و بی آنکه به آنها نگاه کند به آنها کمک کرد. پس از اطلاع حضرت شعیب از ماجرا ایشان یکی از دخترانش را نزد موسی فرستاد تا او را به خانه اش دعوت نماید در مسیر راه برای اینکه دختر شعیب راه را نشان دهد جلوتر از موسی به راه افتاد و باد لباس او را جابه‌جا می‌کرد موسی این کار را خلاف عفت و غیرت دید به دختر شعیب فرمودتو پشت سر من راه بیا هر جا که من در راه رفتن خطا کردم (تو با انداختن سنگ مسیر راه را به من نشان بده) او نیز از روی حیا و عفتی که داشت، چنین کرد. (حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۲۵)





زنان با روپنده سیاه یهودی
وزنان پاروینده سفید
مسلمان هستند
(عکس از مطب
دکتر دانیال قرن ۱۳ ه)

پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه

در کتاب امثال سلیمان نبی چنین آمده است:

ای پسر من اوامر پدر خود را نگاه دار * زیرا که احکام (ایشان) چراغ و تعلیم (ایشان) نور است * و توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است * تا تو را از زن خبیثه نگاه دارد * و از چابپلوسی زبان زن بیگانه * در دلت مشتاق جمال وی مباحث * و از پلکهایش فریفته مشو! تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۲۰-۲۶)

به حکمت بگو که تو خواهر من هستی * و فهم را دوست خویش بخون * تا ترا از زن اجنبی نگاه دارد * و از زن غریبی که سخنان تعلق آمیز می گوید * (تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب هفتم، فقره ۱-۱۰)

عدم تشبیه مرد و زن به یکدیگر

در تورات آمده است:

متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد زیرا هر که این را کند مکروه یهود خدای تو است (تورات، سفر تثنیه، باب ۲۲، فقره ۵، سونیز سفر پیدایش، باب ۲۴، فقره ۶۴ و ۶۵)

بدحجابی عامل شکست سپاه حضرت موسی

حضرت موسی در ادامه تلاشهای خود در مقابل خودکامگی ستمگران، برای نجات ملت انطاکیه سپاهی به فرماندهی یوشع و کالب تشکیل داد و رهسپار انطاکیه کرد. عده ای از مردم غفلت زده انطاکیه فریب "بلمع باعور" دانشمند که اسم اعظم را می دانست، بخوردند و از او خواستند تا موسی (ع) و سپاهش را نفرین کند و او نیز از روی هواپرستی سوار بر الاغ خود شد تا به سر کوهی که مشرف به سپاه بود رفته آنها را نفرین کند. در راه الاغش از حرکت ایستاد و هر چه کرد الاغ پیش نرفت. آنقدر با ضربات تازیانه اش آنرا زد که کشته شد و رهایش کرد و پیاده به بالای کوه رفت ولی اسم اعظم را فراموش کرد و شایستگی استجابت دعا از او گرفته شد و چون تیرش به هدف نخورده بود و سرخورده شده بود سخت مغلوب هوای نفس خود شد و برای سرکوبی سپاه به مردم انطاکیه پیشنهاد کرد که: مردم انطاکیه از راه اشاعه فحشا و انحراف جنسی و برداشتن پوشش و حجاب از زنان و دختران وارد عمل کردند، دختران و زنان زیبا چهره و خوش اندام را با وسایل آرایش بیاریند و آنها را همراه اجناس مورد نیاز به عنوان خرید و فروش وارد سپاه موسی کنند و سفارش کرد که هر گاه کسی از سربازان موسی خواست قصدسوء با آن دختران و زنها کند مانع او نشوند طولی نکشید که سپاه با نگاه های هوس آلود خود بر پیکر نیمه عریان زنان آرایش کرده کم کم در پرتگاه انحراف جنسی قرار گرفتند. کار رسوایی به اینجا کشید که: رئیس یک قسمت از سپاه موسی زنی را به حضور حضرت موسی آورد و گفت: خیال می کنم نظر شما این است که همبستر شدن با این زن حرام است بخدا سوگند هرگز دستور ترا اجرا نخواهم کرد. آن زن را به خیمه برد و با او آمیزش نمود.

کم کم بر اثر شهوت پرستی اراده ها سست شد بیماری های مقاربتی و طاعون زیاد گردید و سرانجام لشکر موسی از هم پاشید.

(بحار الانوار ج ۱۳ ص ۲۳۴، حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲؛ حجاب آزادی یا اسارت، ص ۱۸۱)



زنان یهودی در حال عبادت بر دیوار ندبه



باتوان یهودی در کنیسه، معاصر



پوشش در آیین مسیح

مسیحیت نه تنها احکام سخت شریعت یهود در مورد حجاب زنان را استمرار بخشید، بلکه در برخی موارد، آن را تشدید نمود. انجیل نه تنها در مواضع متعدد و جوب حجاب و پوشش را تذکر داده است بلکه در برخی از آیات خود کوشیده است درون را از تمایل به اعمال شهوانی منزّه سازد و بدین وسیله عفاف درون را پشتوانه مستحکم حجاب برون قرار دهد.

جرجی زیدان دانشمند مسیحی می گوید: اگر مقصود از حجاب پوشانیدن تن و بدن است این وضع قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح معمول بوده است و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است.

در کتاب مقدس مسیحیان به طور صریح آیاتی درباره لزوم عفت و خائهنشینی، آراستگی زن به وسیله حیا، پرهیز از آرایش با زیورآلات و بافتن موی، همچنین وجوب پوشاندن موی سر بویژه در مراسم عبادی، سکوت در کلیسا و داشتن وقار آمده است. (حجاب و ادیان الهی، محمد علی آشنائی، ص ۱۱۲ و ۱۱۳)



نقاشی یک خاتمه مسن مربوط به حدود سال ۱۴۷۰-۱۴۷۵ م
نقاشی منتخب از موزه لوور



یکی از بانوان مقدس در نزد مسیحیان به نام ماریلدا همان طور که ملاحظه می شود بانوان مقدس در نزد مسیحیان دارای حجاب و پوشش کامل می باشند

لزوم عفت و خانه نشینی

در جای دیگری از کتاب مقدس آمده:

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو * که مردان پیر هوشیار و با وقار و خرداندیش و در ایمان و محبت و صبر صحیح باشند * همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند * تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند * و خرد اندیش و عقیقه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که میباید کلام خدا متهم شود *

(انجیل، رساله پولیس بتیطس، باب دوم، فقره ۱-۶)

لزوم آراستگی به حیا، و پرهیز از آرایش ظاهری بدن

در کتاب مقدس چنین آمده است:

و همچنین زنان، خویشتن را بیاریند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گران بها * زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد * و زن را اجازت نمی دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند *

(انجیل رساله پولیس به تیموتاؤس، باب دوم، فقره ۹-۱۵)

در انجیل آمده است:

ای زنان، شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس * بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبه است * زیرا بدین گونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل به خدا بودند خویشتن را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند مانند ساره که ابراهیم را مطیع می بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید * (انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۱-۶)



زن ارمنی از خراسان تا بختیاری اثر: هانری رنه دالماتی



راهبه های قرن ۱۹



لزوم پوشاندن موی سر بویژه در مراسم عبادی

در کتاب مقدس چنین می خوانیم:

اما هر زنی که سر برهنه دعا و نیوت کند، سر خود را رسوا می سازد. زن می باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان * در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند * آیا خود طبیعت، شما را نمی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد او را عار می باشد * و اگر زن موی دراز دارد او را فخر است زیرا که موی به جهت پرده بدو داده شد * و اگر کسی ستیزه گر باشد ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.

(انجیل، رساله اول پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱-۱۷)

رسم پوشاندن موی سر در کلیساها، که در همین اواخر کلیسای کاتولیک رم آن را منسوخ اعلام کرد! در نامه ی پولس رسول تایید می شود. مسیحیان غیر کلیمی، نیاز به آموزشی داشتند که برای کلیمیان مسیحی شده، لازم بود اینکه: برای زنان شرم آور است که باسر برهنه در جاهای عمومی ظاهر شوند. در فرهنگ غیر روحانی مغرب زمین، پوشاندن مو، نشانه ای از فروتنی و پاکدامنی شمرده می شد تاج گیسوان یک زن، هنگامی که پنهان بود، سبب برانگیختن خواهش مردان نمی شد. پوشش گیسوی زنان، این معنای آشکار را می رساند که او زیبایی اش را تنها برای چشمهای همسرش نگه می دارد. هنگامی که زنی "حجاب برمی گرد" و راهبه می شد، کلاه راهبگی و موهای کوتاه شده ی زیر آن، نشانه ی چشم پوشی او از جهان و فنا کردن زیبایی اش بود. (اعمال رسولان، باب هجدهم، پایه ۱۸؛ میرچا ایلاده، فرهنگ و دین، ص ۴۹۰؛ حجاب در ادیان الهی ص ۱۷۴ و ۱۷۵)

در انجیل می خوانیم:

و به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبت گو بلکه هوشیار و در هر امری امین * (انجیل، رساله پولس رسول به تیمونائوس، باب سوم، فقره ۱۱)

دستورات دینی پاپ ها و کاردینال های مسیحی

دکتر حکیم الهی استاد دانشگاه لندن در کتاب "زن و آزادی" پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپائیان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت می گوید:

"شبه ای از عقاید کلمنت (clement) ترویلیان (tertullian) دو مرجع مسیحیت و اسقف بزرگ را فقط نقل می کنیم:

زن باید کاملا در حجاب و پوشیده باشد الا آن که در خانه ی خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشمها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید.

برای زن مومن عیسوی در نظر خداوند پسندیده نیست که به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی او باید با اختفا و فراموشی آن باز بین برده شود زیرا برای بینندگان خطرناک است.

ترتین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آینه فقط از خصوصیات زنانه است که شرم و حیا را از دست داده اند. ای زن لقیافه و صورت خود را آرایش و تغییر مده و سرت را زینت میند و ساده باش.

روحانیون مسیحی، زنان را برای خدمت کردن در کلیسا و اختیار نمودن تجرد و رهبانیت تشویق می کردند و آنان را به عروس مسیح شدن بشارت می دادند!

لانگون دویس در این باره می نویسد:

"به این عروسان مسیح چنین تعلیم داده می شد که چشم به چیزی تحریک کننده ندوزید و چشم را در ریچه ی گناه

به حساب آورید چه گناهان که از ریچه به آدمی رو می آورند.

ای عروس مسیح! خداوند می فرماید بچاه را بیوشانید و اگر حیوانی درون چاه فرو افتاد وای به حال کسی که چاه را در راه او گشوده است. صورت زن نیز حکم همان چاه را دارد همان گونه گردن و بازوان و سینه ی او باگر به مرد نشان داده شود، مردی که در این چاه بیافتد در روز قیامت محکوم است و زن محکوم ... " (دکتر حکیم الهی، زن و آزادی، ص ۶۴ و ۶۵؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۷۷)



راهبه های آگوستین



راهبه های دوستیکن



راهبه های ارسلین



راهبه های بندیکتین



نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان

کتاب مقدس چنین می فرماید:

شنیده اید که به اولین گفته شده است زنا مکن * لیکن من به شما می گویم هر کسی به زنی نظر شهوت اندازد همان دم، در دل خود با او زنا کرده است * پس اگر چشم راست تو را بلغزند قطعش کن و از خود دور انداز، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تیره گردد از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود * (انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸-۳۰)

در انجیل برنابا نگاه به زنان، گناهی شمرده شده است که یاد آن موجب شرم است:

پس حالا آن کسی که به زنان نظر می کند و فراموش می کند خدایی را که زن را برای خیر انسان آفریده او را دوست داشته و خواستار او شده * و این شهوت او به جایی رسیده که دوست می دارد با او هر چیزی را که شبیه است به آن چیز محبوب، پس ناشی می شود از آن گناهی که از یاد نمودن آن شرم می آید * پس چون انسان به چشمهای خود لجامی نهد آقای حس می شود * که نمی خواهد آنچه را اقدام بر آن ندارد، و این چنین جسد زیر فرمان روح می آید پس چنانچه کشتی بدون یاد حرکت نمی کند جسم هم نمی تواند بدون حس گناه کند (انجیل برنابا، فصل ۱۱۹، فقره ۵-۹)

در روایاتی که از لعل بیت عصمت نقل شده است می خوانیم که حضرت عیسی فرموده اند:

از نگاه کردن به زنان بپرهیزید زیرا شهوت را در قلب می رویند و همین برای ایجاد فتنه برای نگاه کننده کافی است. (سقیفه البحار، ج ۱، ص ۵۹۶، ماده نظر)

دکتر صادقی در کتاب «فتیانتا» در ذیل عنوان «حضرت مسیح و حجاب» پس از نقل آیات «انجیل متی» مبنی بر وجوب پرهیز از نگاه شهوت انگیز، می گوید:

و این چنین حضرت مسیح را می بینم که همانند انبیای دیگر چگونه (با چه شدتی) از نگاه های لغزش آور نهی می کند. آیا امکان دارد چنین حکمی (حرمیت نظر) با تسامح در پوشش زنان، بلکه با بی بند و باری آنان همانند امروز تطبیق داده شود؟ (دکتر شیخ محمد صادقی، فتیانتا (دار المهاجر)، ص ۴)

سیره عملی زنان مسیحی

طبق متون تاریخی، دربر کردن چادر و پوشاندن چهره از طرف زنان مسیحی یکی از ارکان اخلاقی مذهب محسوب می شد و زنان مسیحی نه تنها از رعایت آن سرباز نمی زدند بلکه وضع به گونه ای بوده است که حتی تصور نمی کردند می توان آن را کنار گذاشت... تنها کاری که برخی از زنان مسیحی انجام می دادند، آن بود که روپندهای خود را تزیین می نمودند که آن هم از طرف بزرگان دین به شدت تقیح و مورد شماتت قرار می گرفت. (حجاب آزادی یا اسارت، ص ۳۹)

زنان فقط در صورتی خوبشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن های مذهبی و تماشای خانه حضور یابند که کاملاً در حجاب و تحت مراقبت باشند. در مواقع دیگر باید در خانه بمانند و نگذارند که کسی از درون پنجره به آنان نظر اندازد. بیشتر عمر آنان در حرمسرای که در عقب خانه است می گذرد، هیچ مردی حق ورود به آنجا را ندارد. زنان باید وقتی که شوهرانشان مهمان دارند از ظاهر شدن خودداری کنند. (علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی (قم: یاقوت ۱۳۷۸)، ص ۱۸۳-۱۸۵: حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۹)

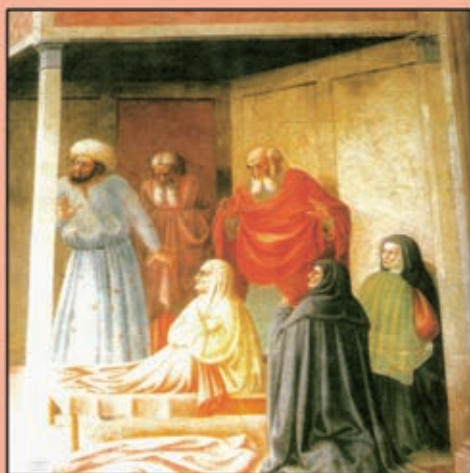
ویل دورانت در مورد عرف و عادت و دوری از هر گونه اختلاط زن و مرد در میان مسیحیان می نویسد: "در کلیسای یونانی و گاهی هم در کلیسای لاتین مرسوم بود که حین اجرای این آداب (مذهبی) افراد ذکور و اناث هر کدام در جایی مجزا سکون کنند." (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۳۲۸: حجاب آزادی یا اسارت، ص ۵۰)

لاروس در ذیل کلمه ی "خمار" می گوید:

زن یونانی وقتی از خانه بیرون می رفت خمار داشت. با آن مانند بانوان امروزی شرق صورت خود را می پوشاند. دین مسیحی برای زن، خمار را باقی نهاد ثوقتی وارد اروپا شد آن را نیکو شمرد. زنها در کوچه و وقت نماز خمار داشتند. در قرون وسطی خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار شانه ی زن را پوشیده و اندازه آن تقریباً به زمین می رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود (احمد مهذب، زن و آزادی، ص ۱۶۵: حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنایی (قم: یاقوت ۱۳۷۸)، ص ۱۸۱: حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۹)

ویل دورانت می گوید: "به حکم سنای ونیس، آخرین روز قبل از ایام صوم عیسویان، تعطیلی عمومی محسوب می گردید، در این قبیل اعیاد افراد اعم از ذکور و اناث خود را با فاخر ترین جامه ها و گرانبها ترین ملبوسات می آراستند. خانوان های اعیان نیم تاج هایی مزین به جواهرات یا دستارهایی از پارچه زربفت بر سر می نهادند، چشمان آنها از وریا روپنده هایی از طلا یا پیچچه هایی از تارهای نقره برق می زد. زنان همیشه آزادانه در ملاء عام رفت و آمد می کردند و با فریبندگی توأم با حجب در مجالس انس و گردش های دور از اغیار شرکت می جستند."

(ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۲۵۱: حجاب آزادی یا اسارت، ص ۴۶)



تمدن مغرب زمین - ج ۱ تألیف اشینگل فولکل
ترجمه: محمد حسین آریا
انتشارات امیر کبیر چاپ اول ۱۳۸۰، فصل ۱۲



تصاویر حضرت مریم قبل از رنسانس



تصویر حضرت مریم در ملاقات با جبرئیل (روح القدس) قرن ۱۲



حضرت مریم و عیسی و دو فرشته در بالای آنها مربوط به قرن ۱۳م

تصویر زمینه: مجسمه حضرت مریم (س) قرن ۱۰م



عده ای از بانوان ارمنی پیرامون شهر اصفهان

زن ارمنی در بصره
سفرنامه (دوره قاجار) اثر دیولافوا



زنان ارمنی در لباس مهمانی هاتری رنه دالماتی سفرنامه از خراسان تا بختیاری

زنان ارمنی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری
"دوره قاجار" اثر هاتری رنه دالماتی



زن ارمنی
سفرنامه (دوره قاجار) اثر دیولافوا



تصاویر حضرت مریم بعد از رنسانس



حضرت مریم (س) و سایر زنان پیرو عیسی (ع) در کنار صلیب او (به زعم مسیحیان) مربوط به قرن ۱۵



تصویر حضرت مریم و فرزندش عیسی (ع) و فرشتگان پیرامون آنها قرن ۱۶م





عفاف در اسلام

◆ پوشش و عفاف در قرآن

■ **مروری گذرا بر مسأله «لباس و پوشش» در قرآن**
ابتدا سیری بر مسأله پوشش و فلسفه آن خواهیم داشت، سپس مسأله عفاف را که یکی از ابعاد آن پوشش است، مورد توجه قرار می دهیم.

■ **قرآن کریم برای لباس و پوشش، اهداف ذیل را بیان می نماید:**
۱. پوشاننده عورت و زشتیها و فضیحات: «**یواری سواتکم**» (اعراف / ۲۶)
سواء جمع سوهه عبارت است از چیزی که ظهورش ناپسند است (قاموس قرآن به نقل از (المنار، ج ۳ / ص ۲۸۴) و آنچه انسان از ظهورش کراهت دارد (المیزان / ج ۵ / ص ۳۱۲) و کنایه از فروغ (مفردات / ۲۵۳) و زشتیها (اقترب الموارد / ج ۱ / ۵۹۳)
۲. زینت و زیبایی و وسیله حسن حال و پیشرفت: «**ریش**»: (اعراف / ۲۶) اصل ریش مجموع پر پرندگان است که پوشش و لباس بدن آنهاست (مونات / ۲۱۴) پری که به انتهای تیر می بندند که به سرعت سیر آن کمک می کند، ریش نام دارد. (لسان العرب / ج ۵ / ۳۸۸) آقای مصطفوی معتقد است ریش وسیله ای است که به وسیله آن بلندی و پیشرفت حاصل می شود مثل پر پرواز پرندگان. این علو و ترقی می تواند مادی یا معنوی و روحانی باشد (التحقیق / ج ۴ / ۲۵۴)
حفظ و نگهداری از گرما و سرما: «**تقیکم الحر**» نحل / ۸۱
با پوشیدن لباس بدن و پوست از گرما و به تبع آن از سرما محافظت می شود و لباس چون سبزی بدن را از سوزش سرما و گرما حفظ می کند.

۳. محافظ بدن از صدمه های جنگ و بلاها و سختی ها و خطرات: «**تقیکم باسکم**» (نحل / ۸۱) «**و علمناه صنع لبوس لکم لتحصنکم من باسکم**» (انبیاء / ۸۰)
این پوشش شامل زره و لباسهای محافظ امروزی در برابر خطرات شیمیایی و هسته ای نیز می شود.

از همان ابتدای خلقت و در داستان حضرت آدم (علیه السلام) پوشش و تمایل بشر به پوشانیدن عورت خود، از سوی قرآن کریم، مورد اشاره قرار گرفته است، از آنجا که این بیان در قرآن کریم، تکرار شده است، ذهن متوجه اهمیت خاص آن می شود.

سیر طرح مسأله در قرآن کریم به این شکل است:
الف) در ۴ موضع به مسأله آشکار شدن سواه، بر اثر خوردن ممنوعه اشاره شده است یعنی آدم و حوا یا خوردن میوه ممنوع متوجه عیوب و عورات خود شدند: (طه / ۱۲۱، اعراف / ۲۰، اعراف / ۲۲، اعراف / ۲۷)

در آیه ۲۷ اعراف ضمن اینکه بر کنده شدن و جدا شدن لباس آدم و حوا، دلیل آشکار شدن فضیحات آنان خواننده شده، این عمل به شیطان نسبت داده شده است.

ب) در دو موضع به مسأله اقدام آدم و حوا برای پوشانیدن خود بوسیله برگهای بهشتی اشاره شده است: (اعراف / ۲۲ و طه / ۱۲۱)

«**و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنة**»: الصاق و اطلاق یعنی بر هم نهادن و چسباندن، یعنی برگها را یک به یک بر بدن خود چسباندند و روی هم گذاردند تا عورتشان دیده نشود: (اقترب الموارد / ج ۱ / ۳۲۱)

درسی را که خداوند خود از این ماجرا برای ما بیان می کند، طی دو آیه بیان شده است: «**یا بنی آدم قد اتزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعالم یدکرون**»

«**یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیربهما سواتهما انه بریکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون**» (اعراف / ۲۶ و ۲۷)

ای فرزندان آدم، در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورتهای شما را می پوشاند و برای شما زینتی است. و بهترین جامه (لباس) تقواست. این از نشانه های (قدرت) خداست. باشد که متذکر شوند.

ای فرزندان آدم، زنهار که شیطان شما را به فتنه اندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برگرداند تا عورتهایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، شیطان و قبیله اش، شما را از آنجا که آنها را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

در این آیات قرآن از لباس تقوی نام می برد، مسلماً بهترین زینت معنوی انسان تقواست که سبب پیشرفت معنوی انسان می شود انسان را از گناه و سختی عذاب، محافظت می کند و عیوب و نقایص انسان در پوشش و حسن تقوا، پوشانیده می شود.

■ طرح عفاف و حجاب در قرآن کریم

عفاف و حجاب، در سوره نور و احزاب در قرآن کریم مطرح شده است. اجمالاً می توان گفت: که در سوره نور احکام حجاب و عفاف به طور کامل در ابعاد فردی و اجتماعی مطرح شده است و در سوره احزاب یکی از مصادیق آن، یعنی مصداق اجتماعی آن و جایگاه اجتماعی و سیاسی زن، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.
در سوره نور از ابتدا تا انتها در رابطه با مسأله عفاف چنین سیری را مشاهده می کنیم:

۱. ابتدا احکام مرد و زن زناکار بیان می شود. (آیه ۲ و ۳)

- تأثیرات برای زناکاران

- عدم جواز از زواج با افراد زناکار



۱۴. جواز رفع حجاب برای زنان بازتنسته (پائسه) در صورت خودنمایی و زینت کردن: (آیه ۶۰)

■ همانطور که مشاهده می شود، اسلام نظام عفاف و پاکدامنی را در قوانین فوق پایه ریزی می کند و توجه به یک حکم و نادیده گرفتن سایر دستورات، سبب عقیم ماندن اهداف مقدس دین، در پی ریزی سازمان عفاف در جامعه می شود.

کما اینکه وقتی نوبت به سوره احزاب می رسد، دستورها عفاف و حیا و معاشرت صحیح اسلامی با جزئیات بیشتر و دقیق تر و سخت گیرانه تر همراه است، چرا که حساسیت نقش زنان پیامبر در جامعه از آن رو که وابسته به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندان وحی هستند، بیشتر است. در سوره احزاب از سویی زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به رعایت عفاف، توصیه می شوند و از سویی مردان ملزم به مراقبت بیشتر در معاشرتهایشان با زنان می شوند.

(نکته شایان ذکر دیگر اینکه در قرآن دستور استعفاف داده می شود، باید به تفاوت دو واژه استعفاف (نور / ۶۰ و ۳۳) و استحیاء (قصص / ۲۵) فِجَاهُتَهُ إِحْدِلْتُمَْا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرًا مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس یکی از آن دو زن -حالی که به آژرم گام بر می داشت- نزد وی آمد [و] گفت: «پدرم تو را می طلبد تا تو را به پادشاه [گوسفندان] برای ما، مزد دهد» و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد، [وی] گفت: «مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی» (قصص / ۲۵) (به دو واژه عفت و حیا توجه شود).

درجه عفت و حیا، در افراد، بدلیل عوامل ارثی و ژنتیک و تربیتی، متفاوت است ولی استعفاف و استحیاء یعنی رفتار عقیفانه از خود نشان دادن، از عهده افراد مختلف برمی آید و قابل امر کردن است.

برنامه و توصیه قرآن به استعفاف و استحیاء، در قرآن کریم، در ابعاد زیر مطرح شده است: این ابعاد اگر همه در کنار هم رعایت شود، عفاف در جامعه حاکم می گردد ولی عدم توجه به برخی ابعاد و بزرگنمایی برخی ابعاد دیگر که در برخی جوامع و خانواده ها مشاهده می شود، سبب دوری از هدف اصلی می گردد.

۱. استعفاف در نگاه: - رو به مردان: (۳۰ نور)

- رو به زنان: (۳۱ نور)

۲. استعفاف در دامن (پاکدامنی):

- رو به مردان: (۳۱ نور، ۲۵ احزاب، ۲۹ معارج، ۵ مؤمنون، فرقان ۶۸، اسراء ۳۲)

مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه خندان، و مردان و زنان روزدار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است. (احزاب ۳۵)

و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است. (۳۲ اسراء)

زن به دلیل زیبایی ها و جاذبه هایی که دارد، همواره بیشتر از مرد مورد توجه دیگران قرار می گیرد و اگر در جامعه طوری ظاهر شود که این زیبایی ها به شکل ارزان و راحت در اختیار دیگران قرار بگیرد و به شدت این جاذبه ها افزوده شود آنچه مورد توجه دیگران قرار می گیرد، زیبایی این جذابیتها خواهد بود ولی اگر با پوشش در جامعه ظاهر شود، افراد به بعد انسانی و جاذبه های درونی او توجه خواهند کرد و در واقع انسان بودن زن شناخته می شود و زن مورد آزار قرار نمی گیرد.

- رو به زنان: (۳۱ نور، ۲۵ احزاب، ۱۲ ممتحنه)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِيَابَعِكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُسْرِكُنَّ بِاللَّهِ سِيْرًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلِهِمْ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ قِيَابَعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۲. حکم قذف (تهمت زدن به زن پاکدامن) بیان می شود. (آیه ۴ و ۵ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵)

۳. حکم لعان (لعنت متقابل بین شوهری که بدون داشتن شاهد به زن خود نسبت زنا می دهد و زنی که این نسبت را انکار می کند). (آیات ۶ تا ۹)

۴. ماجرای افک (تهمت و تسلیم مؤمنین در ایجاد شایعه و دامن زدن به آن) و تقبیح این عمل و آموزش نحوه رفتار صحیح به مؤمنان و هشدار، نسبت به عدم تکرار آن (آیات ۱۱ تا ۱۸)

۵. تحذیر از اشاعه فحشاء و استقبال از آن (آیه ۱۹)

۶. دستور عدم پیروی از گامهای شیطان چرا که شیطان است که فرمان به فحشاء و منکر می دهد (آیه ۲۱)

۷. دستور عدم ورود به خانه های مسکونی دیگران جز در صورت:

۱- استنباس (طلب الفت): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که ایمان آوردهاید به خانههایی که خانههای شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است، باشد که پند بگیرید (نور/ ۲۷)

۲- سلام بر اهل خانه: (آیه ۲۷)

۳- صدور اجازه ورود به خانه: (آیه ۲۸)

خانه های عمومی و غیر مسکونی مثل بازارها و هتلها استثنا هستند:

۸. دستور رفتار عقیفانه برای مرد شامل غض بصر (پایین انداختن چشم) و حفظ فرج (پاکدامنی): (آیه ۳۰)

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ غِيْضًا مِّنْ أَبْصَرِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

۹. دستور عقیفانه برای زن، شامل: غض بصر و حفظ فرج و آشکار نکردن زینت و انداختن روسری به گردن و سینه: (آیه ۳۱ نور)

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ غِيْضًا مِّنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُرُوجِهِنَّ عَلَىٰ خُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّيْبَعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْعِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده اند آشکار نکنند؛ و باهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

۱۰. دستور فراهم کردن امکان ازدواج برای مجردها و ضمانت الهی برای اغناء کسانی که فقیر هستند: (۳۲ نور)

۱۱. دستور استعفاف و حفظ خود برای مجردها تا زمان فراهم شدن امکان ازدواج: (آیه ۳۳)

۱۲. تحریم وادار کردن کنیزان به خود فروشی: (آیه ۳۳)

۱۳. دستور استیذان بردگان و اطفال برای ورود به حریم خصوصی زن و شوهر: (آیه ۵۹)



الفصل الاحكام

۳. استعفاف در رفتار و معاشرت و رفت و آمد :

- عمومی : عدم دخول به خانه غیر: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ .
ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید (نور) ۲۷

- فسألوهن من وراء حجاب : رو به مردان : (۵۳ احزاب)

- عدم استیناس در گفتگو : رو به مردان (۵۳ احزاب ، ۲۳۵ بقره)

- وقار و متانت و حفظ سنگر خانه : رو به زنان: (۳۳ احزاب)

عدم تبرج: وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَ أَقِنْنَ الصَّلَاةَ وَ مَا تَرِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا .

و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد اودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب) ۳۳

فلسفه پوشش سراسری زنان : (۵۹ احزاب ، ۳۳ احزاب ، ۶۰ نور)

■ حال به بررسی مختصر هر یک از این ابعاد می‌پردازیم :

۱. عفت در نگاه : قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ ابْصَارِهِمْ ... (۳۰ نور)

و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ ... (۳۱ نور)

غض بصر عبارتست از کف و تگه داشتن و کنترل چشم (لسان العرب / ج ۱۰ / ۸۲)

ولی در این آیه به معنای ستر و حفظ از نگاه و پوشانیدن در برابر نگاه نامحرم است . (المیزان / ج ۱۵ / ص ۱۱۶ / کشف تک جلدی / ۷۲۶ / ترجمه مجمع البیان / ج ۱۷ / ص ۱۲۷) . حدیثی از امام صادق (علیه السلام) این نظر را تأیید می‌کند : کلینی ، کافی ، ج ۵ ، ص ۵۳۰

ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند چیزی را یا خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده‌ای را که پس‌انداخته‌اند با بهتان [و حيله] به شوهر نبینند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آموزش بخواه زیرا خداوند آموزنده مهربان است (ممتحنه/ ۱۲)

۳. استعفاف در گفتار :

- رو به مردان : (۲۳۵ بقره)

و لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خَطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتُمْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذَكَّرُونَ فِي لَكِن لَّا تَعْلَمُونَ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَ لَا تَعْرَفُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ .

و درباره آنچه شما به طور سر بسته، از زنان [در عده وفات] خواستگاری کرده، یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید بر شما گناهی نیست، خدا می‌داندست که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی مکنارید مگر آنکه سخنی پسندیده بگوئید، و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید، تا زمان مقرر به سر آید و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند، پس، از [مخالفت] او بترسید و بدانید که خداوند آموزنده و بردبار است. (بقره/ ۲۳۵)

- رو به زنان : - محتوایی : (۲۲ احزاب)

- ظاهری : (۲۲ احزاب)

۴. استعفاف در بدن : - رو به مردان : (۳۰ نور)

- رو به زنان : (۳۱ نور)

- ۵۹ احزاب : عدم آشکار کردن زینت : (۳۱ نور ، خمر ، ۳۱ نور ، جلیاب : ۵۹ احزاب) .

۵. استعفاف در راه رفتن :

- رو به زنان : (۳۱ نور)

- رو به زنان : تمشی علی استحياء : (۲۵ قصص)



باید توجه داشت همانطور که قبلاً نشان دادیم، این آیات، بعد از آیات مربوط به ورود به خانه غیر، قرار دارد.

پوشش برای مردان فقط شامل عورت می شود. ولی برای زنان علاوه بر عورت، پوشش در ادامه آیات نور، چنین بیان شده است:

و لا یبدین زینتهن الا ما ẓہر منها

و زینت خود را (مواضع زینت) ظاهر نکنند مگر آن زینتها که ظاهر می شود.

و لیضربن بخمرهن علی جوبهن

و باید قسمتی از روسری هایشان را بر گریبانشان بیندازند.

با توجه به حرف «ب» در بخمرهن، قسمتی از روسری قابل برداشت است.

و لا یبدین زینتهن الا لبعولتهن، او ابائهن او اباء بعولتهن:
و زینتهای خود را جز در برابر شوهرانتان، پدران، پدران همسر، پسران، پسران همسر،

او اخوانهن او ابناء اخوانهن او ابناء عوانتهن او نسائهن او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربه: (من الرجال الوا المفضل الذین لم یظہروا علی عورت النساء)

برادران، برادرزادگان، خواهرزادگان، زنان مسلمان، بردگان، مردان بی نیاز به همسر و لا یضربن بارجلهن لعلن ما یخفین من زینتهن ...

اطفالی که بر مسائل جنسی زنان آگاهی ندارند، آشکار نکنند و پاهایشان را به زمین نزنند تا زینتهای مخفی آنان دانسته شود.

نکاتی در شرح و تفسیر آیه لازم ذکر است:

خمر: جمع خمار و خمار روسری و مقعنه است: (لسان العرب / ج ۴ / صفحه ۲۱۱ و اقرب الموارد، ج ۱ / ۳۴۰)

جوب: جمع جیب یعنی گریبان و سینه وبقه است. (لسان / ج ۲ / صفحه ۲۳۳ و اقرب الموارد، ج ۱ / ۲۱۰)

اربه: نیاز و شدت حاجت را گویند. (مفردات صفحه ۱۱ و العین تک جلدی / ص ۲۲) یعنی مردانی که به زنان نیاز ندارند که شامل مردان خنثی و مردانی که نیاز جنسی و مردانگی ندارند و یا عقل ندارند و ابله هستند، و یا پیر و از کار افتاده هستند می شود (تبیان شیخ طوسی / صفحه ۴۳۰). البته ارب به معنای عقل ذکر شده که در اینصورت یعنی بی عقلا و دیوانگان (العین / ۲۲)

درباره زینت چند نظریه از سوی مفسرین و فقها ایراز شده است:

۱) مقصود از زینت در آیه، مواضع زینت است، یعنی محل بستن زینت یعنی گردن و پا و دست و مانند آن (المیزان / ج ۱۵ / صفحه ۱۱۲)

۲) زینت بر دو قسم است: زینت ظاهری و زینت باطنی. زینت ظاهره وجه و کفین است و زینت باطنه، غیر آن. (تبیان / ج ۷ / ۴۲۹)

۳) زینت از (زان یزین) بر وزن فعله، مصدری است که به معنای نوع خاص و شکل و هیئت عمل است. یعنی زینت عبارتست از نوع و شکل خاصی از زیبایی و آرایش، اعم از زیبایی ذاتی و غرضی که به کمک وسایل آرایش و زینت آمده باشد، که با توجه به استثنای «الا ما ẓہر منها» یعنی زیباییهایی که خود به خود ظاهر است و در اختیار مکلف نیست و اساساً قابل پوشاندن هم نیست، مثل قامت زیبا و مانند آن، زیباییهای ذاتی یا غرضی قابل پوشاندن و قابل اظهار کردن، مورد نظر شارع است (با اقتباس و تلخیص از آیات الاحکام / دکتر گرجی / صص ۱۳۴ و ۱۳۵)

- سوره اسراء آیه ۳۲ - سوره ممتحنه آیه ۱۲

۲. عفت ورزی در گفتار

در سوره بقره آیه ۲۳۵ خداوند به مردان دستور می دهد که در خواستگاری از زنان یا آنان قرار پنهانی نگذارند و در صورت ملاقات با آنان گفتار معروف داشته باشند.

در سوره احزاب به زنان توصیه می شود که صدای خود را نرم نکنند تا افرادی را که در قلبهایشان مرض است به طمع نیندازند این مسأله اشاره ای به فلسفه حجاب است که در آینده به آن خواهیم پرداخت و سپس توصیه می کند قول معروف و مناسب داشته باشند.

۳. استعفاف در راه رفتن:

- ۳۱ نور. و لا یضربن بارجلهن: پاهایشان را نکوبند تا زینتهای مخفی آنان آشکار شود.

- ۲۵ قصص، تمشی علی استحیاء: دختر (شعیب) با حیامورزی در برابر موسی (علیه السلام)، راه می رفت.

۴. عفت در رفتار و معاشرت: یکی از ابعاد بسیار مهم برقراری نظام عفت در جامعه اسلامی است که خود دارای ابعاد زیر است:

عدم تبزج زن: درباره تبرج التحقیق چنین آورده است: (ج ۱ / صفحه ۲۴۲) ریشه این ماده واحد است و عبارتست از ظهور و جلب توجه کردن هر چیزی که ظهور دارد و در جلب توجه بر چیزهای دیگر، پیش می گیرد، برج نام دارد. به همین اعتبار به قصر بلند و مرتفع برج گفته می شود و زنی که زینت و آرایش کرده و محاسن و زیباییهایش را برای بیگانگان آشکار کرده و آنها را جلب خود نموده تبرج کرده است. و نیز ستاره ای که در آسمان آشکار شود و نورش جلوه گری کند، برج نام دارد.

در قرآن کریم به فلسفه دستورهای عفاف و حجاب اشاره شده است که قبلاً بدان اشاره داشتیم اینک مفصلاً به آن می پردازیم: **ذلک اتی ان یعرفن فلا یؤذین - فیقطع الذی فی قلبه مرض.**

قرآن در سوره احزاب می فرماید: زنان با رعایت پوشش، به خوبی و نیکی شناخته می شوند و مورد آزار و اذیت قرار نمی گیرند اینک با ذکر چند مثال، در صد روشن کردن مطلب برمی آیم: همانطور که بشر برای راحتی و زیبایی و محافظت و مصون ماندن از مزاحمت و خطر، از پرده پهره می گیرد، اگرچه استفاده از پرده محدودیت دید و منظر را، به همراه دارد ولی با این وجود چون محدودیتی است برای مصونیت و اسارتی است با هدف آزادی بزرگتر و مهم تر، عملی عاقلانه و پسندیده است یا مثلاً پوشیده لباسهای گرم و کلفت در فصل زمستان اگرچه ابتداءً مطلوب نیست ولی همه عاقلان جهان خرید لباس گرم و استفاده از آن در فصل سرما را، علیرغم زحمتی که برای انسان به وجود می آورد، تأیید می کنند چراکه انتخاب و ترجیح یک مزاحمت کوچک برای بدست آوردن یک فایده و سود بزرگ که همان حفظ از سرما و بیماری است، کاری عاقلانه و صحیح است.

توصیه قرآن به زنان نیز به همین صورت است که عقل حکم می کند که زنان برای اینکه مورد آزار و اذیت قرار نگیرند و برای حفظ خود از خطر تعرض نامحرمان، محدودیت و زحمت حجاب را به جان بخرند و برای یک فایده بزرگتر (آزادی از سوء استفاده جنسی) یک فایده کوچکتر (راحتی و بی حجاب بودن) را کنار بگذارند.

مسأله مهم دیگر این است که احکام تابع مصالح است. ممکن است همه کسانی که با ما برخورد می کنند مرض قلبی نداشته باشند یا به یک اندازه مرض نداشته باشند ولی وجود حتی یک مریض، احتمال تعرض را ایجاد می کند همان یک احتمال رعایت احتیاط را عقلانی می کند. مثلاً در مسأله رانندگی اگر ما در حالی که چراغ در چهارراه وجود ندارد یا قرمز است، از چهارراه عبور کنیم احتمال بروز تصادف صد درصد نیست، حتی گاه در مواقع خلوت ۱٪ است. ولی همان ۱٪ مسأله رعایت احتیاط و نوبت را عقلانی می کند.

درباره ضرورت حجاب و پوشش هم، همین مصلحت وجود دارد. چون در جامعه، مشخص نشده است که چه کسی مریض قلبی است و چه کسی سالم است و چه کسی قصد تعرض دارد به بانوان و یا سوءاستفاده از معاشرت با آنان را دارد و چه کسی بی غرض



و با حسن نیت با آنان برخورد می کند، و چه کسی بدون پوشش کامل، دچار وسوسه و رفتار خطرناک و نادرست، برای خود و جامعه می شود و چه کسی نمی شود، مصلحت حکم می کند که در سطح عمومی این احتیاط رعایت شود. همانطور که اگر ما احتمال دزد بودن تنها یک نفر، از صد نفری را که از کنار ماشین ما عبور می کنند، می دهیم، عقل حکم می کند که درب ماشین را قفل کنیم و مصلحت نیست که بی احتیاطی کنیم. در پایان امیدوارم این گفتار در تبیین مرزهای حجاب اسلامی و تشریح فلسفه آن، توفیق یافته باشد.

■ فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم با ترجمه فولادوند
۲. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۳. آلوسی، تفسیر روح المعانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۴. زمخشری، تفسیر کشاف، دار المعرفه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۵. طبرسی، ترجمه مجمع البیان، ترجمه دکتر احمد بهشتی، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۵۴ ش.
۶. طبرسی، جوامع الجامع، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش. تهران
۷. راغب اصفهانی، مفردات، دارالکتب العربی، ۱۳۹۲، انست مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران
۸. خلیل بن احمد فراهیدی، العین تک جلدی، دار احیاء العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۹. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.

پوشش در قرآن کریم و فلسفه آن (محقق خانم دکتر مریم عبدالباقی)



◆ پوشش و عفاف در احادیث و روایات معصومین (ع)

■ بشارت‌های خدا

- امام جعفر صادق (علیه السلام): اگر زن عفت داشته باشد به دنیا می‌آرزد و گر نه به خاک هم نمی‌آرزد.
- پیامبر اکرم (ص): - زنی که برای حفظ غیرت، استقامت ورزید و برای خدا و نلیقه خود را به خوبی انجام داد، خداوند پاداش شهید را به او خواهد داد. (نوار راوندی، ص ۳۷، بحار الانوار، جلد ۱۰۳، ص ۲۵۰)
- پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله): پروردگارا زنتی که خود را پوشیده نگه می‌دارند، مشمول رحمت و غفران خود بگردان. (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۴)
- پیامبر می‌فرمایند: «شرف مقنعه ای که زن بر سر دارد از دنیا و آنچه در آن است ارزنده تر می‌باشد.»
- (محمد مهدی اشتهاردی، پوشش زن در اسلام، ص ۱۰۴)
- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): نصیف المراه علی رأسها خیر من الدنيا و ما فیها؛ آن هنگام که پوشش سر زنی باشد ارزش آن از دنیا و آنچه در آن است بیشتر است. (نور الشافی فی الفقه الشافعی)
- امام علی (ع) می‌فرمایند: همانا حجاب متین برای آنان (زنان) متضمن سعادت است. (محمد دشتی، نهج البلاغه)
- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: نکات زیبایی پاکدامنی است.
- حضرت علی (ع): پوشیدگی زن به خالش بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می‌سازد.
- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که نظر به نامحرم را از خوف خداوند ترک کند، خداوند به او ایمانی عطا می‌کند که شیرینی آن را در قلبش می‌یابد. (الحکم الزاهره، ج ۱، ص ۳۰۱)
- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): زنان خود را، با پوشش اندام و چشم، از دیدار نامحرمان بازدارند، که زنان هرچه پوشیده تر باشند سعادت مندتر هستند. (سفینه البحار ۲/ ۲۹۸)
- حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: صیانه المراه اعم لحالها و ادوم لجمالها: حفظ، حراست، پنهان کردن و دور داشتن زن از نامحرم بهترین نعمت و خوشبختی برای اوست و زیبایی، دلربایی و جذابیت او را گسترش می‌دهد.

■ سفارشات

- رسول خدا (ص) فرمودند: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش لباسش را جمع و فشرده کند. (محمد محمدی اشتهاردی، پوشش زن در اسلام، ص ۱۹)
- حضرت علی (علیه السلام): زن باید بخیل باشد چه در خرج کردن پول شوهر و چه نسبت به عفت خود.
- رسول خدا فرمود: اگر مردی زنی را دید و ترسید رؤیت آن زن در او محبتی ایجاد کند فوراً نظر خود را برگرداند و چشم به آسمان بدوزد و با خدا مناجات نماید. (محاسن برقی)
- حضرت علی (علیه السلام) فرمود: اگر جوانی زنی را دید و دلپخته او گردید و حس کرد در این راه ناتوان شده است دو رکعت نماز بخواند و از فضل خدا درخواست نماید تا خدای آرزویش را در آینده بر آورد.
- (بحار الانوار)
- «سئل امیرالمؤمنین بما یستعان علی غمض البصر؟ فقال بالخمود تحت سلطان المطلع علی سترک» از امیرالمؤمنین پرسیدند: به چه چیز می‌شود چشم را از مناظر شهوت انگیز پوشاند؟ فرمود: با تسلیم شدن و تحت نفوذ و محبت در آوردن برای خدائی که پنهان و آشکار را می‌داند.
- قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): حمایات النساء غمض الابصار حفر الاعراض قصر الوهازه: بارزترین درجه زنان سه چیز است پوشیدن چشم، پوشیدن تمام اندام از بیگانگان، کم و یا حیا از منزل بیرون شدن. (سفینه البحار ۲ - ۲۹۸ - به نقل از ص ۱۸۲ «زدواج مکتب انسان سازی»)





■ حد حجاب

- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از اسماء در حالی که جامه های نازک و بدن نما پوشیده بود رو برگرداندند و گفتند: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر این و آن که حضرت اشاره به میج دست به پایین و صورتشان نمود. (سنن ابن داوود، ج ۴، ص ۶۲)
- امام صادق (علیه السلام): برای زن مسلمان جایز نیست که روسری و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند. (وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۵۲۸۱)
- از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: آیا آرنج زن تا میج از قسمتهایی است که باید از نامحرم پوشاند؟ فرمودند: بلی آنچه زیر روسری قرار گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشانده شود. (مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۵۵۸)
- امام صادق (علیه السلام) در مورد زینتهایی که جایز است زن در مقابل نامحرم ظاهر کند فرمود: صورت، و کف دو دست. (بخاری، ج ۱۰۴، ص ۳۳ / قرب الانسداد، ص ۴۰)
- از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد برای مرد نامحرم نگاه کردن به چه قسمت از بدن زن جایز است؟ فرمودند: چهره، دو کف دست. (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲۱)
- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: بر شما لازم است لباس ضخیم (بیرون از منزل، در برابر نامحرم) بپوشید هر کسی که لباسش نازک است دین او مثل لباس ضعیف و نازک است. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷)

■ سخن گفتن با نامحرم

- زنان نباید با صدای نرم و لطیف سخن گویند، مردی که دارای قلب بیمار است، طمع می کند، زنان سخن پسندیده گویند. (سوره احزاب، آیه ۳۲)
- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امام علی (علیه السلام) به زنها سلام می کرد ولی کراهت داشت از سلام کردن به زنهایی جوان می فرمود: از این می ترسم که از صدایش خوشم بیاید و ضرر عمل من بیشتر از اجری که طلب می کنم، بشود. (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۸ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۷۶: بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۴۳۵)
- از گفتگو و اختلاط با زنان بپرهیز، به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی گوید مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می کند. (پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مرات النساء، ص ۱۴۱ / بهشت خوبان، ص ۹۸)



پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): از گفت و گو و اختلاط با زنان بپرهیز، به راستی هیچ مردی با زن نامحرمی در خلوت سخن نمی گوید مگر اینکه در دل او نسبت به وی رغبت پیدا می کند.

(مرآت النساء، ص ۱۴۱/ بهشت خوبان، ص ۹۸)

امام باقر (علیه السلام) سخن گفتن با زن نامحرم از دامهای شیطان است.

(مستدرک الوسائل، ۱۴/ ۲۷۳)

(مستدرک الوسائل، ۱۴/ ۱۲۳)

از جمله بیعتهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.
پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد، شب را در جایی که زن نامحرم نفس او را می شنود به سر نمی برد هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر اینکه سومین آنها شیطان باشد.

(میزان الصلحه، ص ۵۵۰۵)

■ نظر به نامحرم

پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی چنین می فرماید: «هر کس به جنس مخالف نگاه آمیخته با شهوت بنماید روز رستاخیز چشمان او را پر از آتش نموده تا اینکه حساب مردم محشر به پایان رسد، آنگاه به حساب او رسیدگی خواهند کرد.»

حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «غضوا ابصارکم ترون العجائب» یعنی: «هر کس چشم از مناظر شهوت انگیز بپوشاند مناظر ملکوتی در برابر دیدگان او مجسم خواهد شد.»

حضرت داوود (ع) به فرزند خود فرمود: «ای فرزند من، در دنبال شیر حرکت کن ولی در پشت زن راه مرو که شیطان لعین گفته است، نگاه کردن کمان قوی منست و تیر یست که هرگز راه خطا نمی پوید.»

حضرت امام جعفر صادق (ع) می فرماید: «المنظره بعد النظره تزرع فی القلب الشهوه و کفی بها صاحبها فتنه؛ نگاه دوم - نگاهی که بعد از نگاه اول صورت گیرد در قلب تخم شهوت را می باشد و کافی است که صاحب نگاه را به فتنه بزرگی دچار نماید.»

(وسائل الشیعه؛ ۲۲)

حضرت صادق (ع) می فرماید: «اول نظره لک و الثانیه علیک و لا لک و الثالثه فیها الهلاک؛ نظر اول به نامحرم گناهی بر تو نیست، نگاه دوم بر ضرر تو نخواهد بود و کوچکترین بهره ای برای تو ندارد و نظر سوم باعث هلاکت تو خواهد شد.»

(مقدمت النکاح و آدابہ)

یحیی بن زکریا از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤال کردند: اولین مرحله زنا از کجا آغاز می شود و منشأ آن چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: نگاه کردن. قرآن کریم در این باره می گوید: «لا تقربوا الزنا؛ به زنا نزدیک نگردید.» - نظر به نامحرم تیری مسموم از تیرهای شیطان است.)

(الحکم الزاهره، ج ۱/ ص ۳۰۱)

امام صادق (علیه السلام): چه بسیار نظر به نامحرمی که حسرت و پشیمانی طولانی به دنبال دارد.

(الحکم الزاهره، ج ۱/ ص ۳۰۱)

حضرت رسول اکرم فرمود: کسی که نظر به نامحرم را از خوف خداوند ترک کند، خداوند به او ایمانی عطا می کند که شیرینی آن را در قلبش می یابد.

(الحکم الزاهره، ج ۱/ ص ۳۰۱)

حضرت رسول اکرم فرمود: دور باشید از نگاه ناروا زیرا چنین نگاهی موجب بذر هوی و هوس می شود و غفلت آور است.

(بحار الاتوار، ج ۷۳/ ص ۱۱۹)

یکی از سفارشات امام صادق به عبدالله بن جنبد این است: ای پسر جنبد برآستی که حضرت عیسی بن مریم به اصحاب خود فرمود: از نگاه ناروا بر حذر باشید زیرا در قلب شهوت می کارد و همین برای صاحبش فتنه انگیز خواهد بود.

(بحار الاتوار، ج ۷۸/ ص ۲۸۴)

پیامبر فرمود: هر کس چشم خود را از حرام بر کند (نگاه به زنان نامحرم نماید) خداوند متعال چشم او را روز قیامت از آتش پر می کند مگر آنکه توبه نماید و برگردد.

(همان، ص ۳۶۶)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: شدت می یابد غضب و خشم خدا بر زن شوهرداری که چشم خود را بر کند از نگاه به مرد اجنبی و یا نامحرمی آن زن را نگاه نماید.

(بحار الاتوار، ج ۱۰۴/ ص ۳۸)

عمر در سفر حج بود مردی آمد در حالیکه چشمش لطمه دیده بود. عمر گفت: کی سبلی بصورتت زد؟ گفت: علی بن ابیطالب.

گفت: خدا بر تو نظر کرد ولی دیگر از جریان نپرسید و نگفت چرا سبلی زد. در این حال علی (ع) تشریف آورد. در حالی که مرد نزد عمر بود. حضرت فرمود: این مرد طواف می کرد ولی در طواف نگاه به زنان کرد. و بنا به روایتی حضرت فرمود دیدم در نگاهش به زنان مردم خیره می شد.

(میزان الحکمه، ج ۱۰/ ص ۷۰)

(میزان الحکمه، ج ۱۰/ ص ۷۱)

حضرت علی فرمود: چشم پیشوا و سرچشمه تمام فتنه هاست.

حضرت علی فرمود: هر کس چشم خود را رها کند (کنترل نکند) تأسف و ناراحتی او زیاد می شود.

(میزان الحکمه، ج ۱۰/ ص ۷۰)

(میزان الحکمه، ج ۱۰/ ص ۷۰)

حضرت علی فرمود: کسی که چشم خود را کنترل نکند، به استقبال مرگ می رود.

(الحکم الزاهره، ۱/ ۳۰۱)

(الحکم الزاهره، ۱/ ۳۰۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) : نظر به نامحرم تیری مسموم از تیرهای شیطان است.

امام صادق (علیه السلام) : چه بسیار نظر به نامحرمی که حسرت و پشیمانی طولانی به دنبال دارد.



رسول خدا فرمود: برای هر عضوی بهره ای از زنا است و زناهی چشم، نگاه بد (چشم چرائی) است. (میزان الحکمه ج ۱۰، ص ۷۵)

- دیدگان انسان از دامهای شیطان است.

- حضرت مسیح (علیه السلام): هر زنی که خود را خوشبو کند و بیرون رود تا بویش به مشام دیگران رسد زناکار است و هر چشمی که او را نگردد زناکار است.

- حضرت مسیح (علیه السلام): نباید به آنچه (زنی) که تعلق به تو ندارد خیره شوی و تا زمانی که چشم خود را نگاه داری هرگز مرتکب زنا نشوی اگر توانی که حتی به جامه زنان نامحرم نگاه نکنی چنین کن.

- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم): هر عضوی از اعضای انسان را بهره ای از زنا نوشته شده که لاجرم به آن می رسد. مثلاً زناهی چشم نگاه کردن، زناهی پا راه رفتن، زناهی گوش شنیدن. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۰)

- پیامبر اکرم فرمود: «روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که از آنچه خداوند حرام کرده بسته شود و چشمی که شب را در راه خدا به بیداری بگذراند.

(بحار الانوار، ج ۱۰۱)

■ بوی خوش

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: وقتی زنی برای غیر شوهرش (مرد نامحرم) خود را خوشبو کند، مایه آتش جهنم و باعث ننگ است.

(نهج الفصاحه، ص ۳۶/کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸۱)

- اگر زنی به خود عطر بزند و از خانه اش خارج بشود تا زمانی که به خانه مراجعت کند لعنت می شود.

(اصول کافی، جلد ۵، ص ۵۱۸/وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۱/بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷)

■ تبرج

- تبرج عبارتست از آشکار نمودن زینت زن برای نامحرم، که این عمل سرزنش شده است.

(النهایه، ص ۱۱۳)

- حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به حواء همسر عطاره می فرمایند: ای حواء هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نکرده و نیز موی سر و منج خود را نمایان نمی سازد.

(مستدرک حاکمی، ج ۲، ص ۵۴۹)

■ لباس شهرت

لباس شهرت، لباسی است که در بین مردم پوشیدن آن مرسوم نیست و انسان وقتی آن لباس را می پوشد، انگشت نما می شود و حرام است.

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): کسی که در دنیا لباس شهرت به تن کند، خداوند قادر روز قیامت لباس خواری و ذلت را به او خواهد پوشاند.

(مکارم الاخلاق، ص ۱۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۵)

- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: کسی که خود را شبیه غیر مسلمانان فرآورد، از ما نیست.

(نهج الفصاحه، ص ۵۰۶)

- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: مسلمان واقعی نیست کسی که به دستور و (آداب و رسوم) بیگانه عمل نماید.

(کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۹، حدیث ۱۰۹۷)

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): کسی که لباس شهرت بپوشد خداوند در روز قیامت از وی روی بگرداند.

(مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۳۵)

■ شبیه جنس مخالف

- امام باقر (ع): «جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نماید زیرا پیامبر مردانی که مشابه زنان می شوند و همچنین زنهایی که خود را شبیه مردها قرار می دهند، لعنت کرده است.»

(بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۰۸)

- امام صادق (ع) فرموده است: پیامبر خدا همواره از شبیه شدن مرد به زن و زن به مرد (شبیه جنس مخالف) در پوشیدن لباس نهی فرمود.

(وسائل الشیعه ج ۳ ص ۳۵۵)

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله): سه گروه هرگز داخل بهشت نمی شوند: ۱. کسی که نسبت به عفت و ناموس خود بی تفاوت است. ۲. زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شبیه مرد سازد. ۳. شراب خوار.

(میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۲)



- رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خدا لعنت کند زنتی که خود را شبیه مردان در آورند و خدا لعنت کند مردانی که خود را شبیه زنان می کنند.

(مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۸)

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله): در دوره آخرالزمان مردان خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان می کنند و زنان بر زین سوار می شوند (به خودنمایی می پردازند) بر آنها لعنت خدا باد.

(تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۵۶)

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردی را دید که خود را شبیه زنان ساخته بود و او را از این کار بر حذر داشت. آن حضرت فرمودند: مردان نباید در لباس، شبیه زنان باشند.

(وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۵)

■ و اما مردان...

- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از زندهای مردم برهیز داشته باشید (نسبت به آنها عفت داشته باشید) تا زندهای شما هم پاک بمانند (دیگران هم از زندهای شما برهیز داشته باشند)

(بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۸ / وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۵۶)

■ غیرت در مردان

- امام علی (علیه السلام) خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

(بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۱۵ / الخاس، ص ۱۱۵)

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله): به درستی که خداوند بندگان با غیرت خویش را دوست دارد.

(کنز العمال، ج ۷۰۷۰)

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هنگامی که زنی آرایش کرده و معطر از خانه خارج شود و شوهرش نیز به این کار راضی باشد به ازای هر قدمی که زن بر می دارد خانه ای در آتش برای شوهرش بنا می شود.

(بحار الانوار، ج ۱۵۳، ص ۲۴۹ / جامع الاخبار، ص ۱۰۸)

- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: حضرت علی (علیه السلام) در نامه ای برای امام حسن (علیه السلام) چنین نوشت: «تو را از غیرت بی جا بر حذر می دارم. زیرا غیرت بی جا زنان سالم را به بیماری سوق می دهد».

(بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۱۶ و ۲۲۵ / اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳۷ / وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۷)

- راوی می گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (ع) وارد شدم، دیدم خضاب فرموده است. گفتم رنگ مشکي به کار برده اید؟ فرمود: بلی، خضاب و آرایش در مرد موجب افزایش پاکدامنی در همسر است. برخی از زنان به این جهت که شوهرانشان خود را نمی آرایند، عفاف را از دست می دهند.

(اصول کافی، ج ۵، ص ۵۶۷)

- امیر المومنین (ع) به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: شده الحجاب خیر لک و لهن من الارتياب: سختی حجاب برای زن و مرد بهتر است از تلخی بدگمانی.

- پیامبر (ص) فرمود: نسبت به زنان مردم عقیف باشید تا زنان شما عقیف بمانند.

(وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸ و ۱۴۱)

- امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسانی که به ائمه زنان (نامحرم) نگاه می کنند ایمن نباشند از اینکه دیگران به ناموس آنها نگاه نکنند.

(وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱)

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سه گروه هرگز داخل بهشت نمی شوند: ۱. کسی که نسبت به عفت و ناموس خود بی تفاوت است. ۲. زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شبیه مرد سازد. ۳. شراب خوار

(میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۲)

- امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل فرمودند: اگر زنی بخواهد با وضع نامناسب به عروسی، بازار، گردشگاهها برود و شوهرش جلوگیری نکند و یا از شوهرش بخواهد لباسهای نامناسب و نازک برای او تهیه کند و شوهرش چنان نمایند، خداوند او را با صورت به زمین می افکند.

(المحججه البيضاء، جلد ۳، ص ۱۰۱)

- ابویصیر از امام صادق (ع) پرسید: زنی از کنار مردی عبور می کرد و آن مرد به پشت آن زن نگاه می کرد این عمل چگونه است؟ حضرت فرمودند: آیا شما خوشحال می شوید کسی به پشت سر خانواده و فامیل شما نگاه کند؟ عرض کردم: نه، فرمود: آنچه را برای خودت نمی پسندی برای دیگران هم میسند.

(وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۵ / اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۳)



■ درباره حیا

- رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر که چهار خصلت داشته باشد و سر تا پا غرق گناهان باشد خدا آنها را به حسنات تبدیل کند و یکی از آنها حیا است. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۶
- امام علی (علیه السلام) فرمودند: خردمندترین مردم با حیاترین آنها است.
- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.
- پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «حیا زیباست ولی از جانب زنان زیباتر است.»
- پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «هنگامی که خداوند بخواهد بنده ای را هلاک بگرداند حیا را از او دور می سازد.»
- محمد طلعت حرب، قریه المره و الحجاب، ص ۶۸

■ فلسفه حجاب از دیدگاه معصومین

- امام رضا(علیه السلام) در مورد اینکه چرا نگاه مردان نامحرم به موی زنان متاهل و مجرد حرام است؟ فرمود: این نگاه زمینه ساز هیجانی است که در فرد نسبت به فساد کنش ایجاد میکند و زمینه ارتکاب عمل ناپسند را که حرام است فراهم می نماید. و همانند نگاه به موی زن نامحرم نظر به سایر قسمتهای بدن زن که نگاه به آن حرام است نیز حرام می باشد. ولی مواردی را خداوند استثنا فرموده است، چنانچه در قرآن می فرماید: «هر پیرزنانی که مردان میل به ازدواج با آنها نمی یابند ایرادی نیست اگر حجابی نداشته باشند، مشروط بر آنکه خود را نیارایند.» مطابق این آیه قرآن، نگاه مردان به سوی چنین زنانی اشکال ندارد.
- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۶/عیون الاخبار، ج ۲، ص ۹۷

■ حجاب فاطمی

- هنگامیکه ابوبکر و عمر اتفاق کردند بر منع حضرت فاطمه(سلام الله علیها) از فدک و این خبر به آن حضرت رسید مقنعه شان را به سر پیچیدند و خود را در میان عبا قرار دادند و اطراف خود از سر و صورت و سایر بدنشان را تا پاهایشان به آن پوشانیدند به قدری لباسهایشان بلند بود که هنگام راه رفتن (اطرافیان) پاهایشان را به دامن او می نهادند و ایشان مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) راه می رفتند تا وارد مسجد شدند بعد پرده ای در مقابل آن حضرت کشیده شد.
- اقل السادات سیده فاطمه علامه- حجاب فاطمی، ج ۱، ص ۵۶
- حضرت زهرا(سلام الله علیها) سخت زشت و قبیح می شمردند که حتی بعد از مرگ هم نامحرم به حجم بدن زنان ولو از روی پوشش و حجاب نگاه کند. اولین کسی که در اسلام تابوت برای جنازه اش قرار داده شد فاطمه زهرا(سلام الله علیها) بود.
- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۷۶

■ حجاب عاشورایی

- بخشی از خطبه حضرت زینب(سلام الله علیها) در مجلس در انتقاد از یزید در رابطه با رفع حجاب از دختران پیامبر چنین است: "ای پسر آژادشگان آیا عدالت آن است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی ولی دختران رسول خدا را اسیر نموده و پرده آبرو و حرمت آنها را ببری؟ و صورت آنها را بگشایی؟"
- (ترجمه لهوف، سید بن طاووس، سوگنامه سالار شهیدان، علیرضا رجالی تهرانی)
- دختر ۶ ساله حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در مجلس یزید با استین خود روی خود را گرفته بود و اشک می ریخت. یزید پرسید چرا گریه می کنی؟ فرمود: چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت خود را از تو و حضار مجلست بپوشاند.
- (ترجمه نفس الهموم، ص ۲۲۱)
- فاطمه دختر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در روز عاشورا پس از غارت و تاراج اهل بیت (علیهم السلام) خدمت عمه خود حضرت زینب (سلام الله علیها) رسید و گفت: آیا پارچه ای هست که سرم را بپوشانم؟ حضرت زینب (سلام الله علیها) که خود نیز مثل او گرفتار بود در جواب فرمودند: عمه ات نیز مثل شما احتیاج به پوشش دارد.
- (حجاب در ادیان الهی، ص ۱۰۷)

■ هشدارهای خدا

- پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) کسی که چشمش را از حرام پر کند خداوند روز قیامت چشمش را از آتش برمی نماید، مگر اینکه توبه نماید.
- (وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۴۲)
- پیامبر می فرماید: "بیشتر اهل دوزخ مردانی هستند که ازدواج نمی کنند و پست ترین مردگان شما مردگانی هستند که بی همسرند."
- (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷)





- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: روزی من و فاطمه به خدمت رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) رفتیم و آن حضرت را بسیار گریان یافتیم، عرض کردم: پدر و مادر فدای تو باد یا رسول الله، چه چیز سبب گریه شما شده است؟ فرمود: یا علی، شبی که مرا به آسمان بردند، زنانی چند از امت خود را در عذاب شدید دیدم، پس از حالت آنها تعجب کردم و از شدت عذاب آنها گریستم.

زنی را دیدم که به موهایش آویخته شده بود و مغز سرش می جوشید و آن زنی بود که، موی خود را از مردان نامحرم نمی پوشانده است! و زنی را دیدم که به سینه هایش آویخته شده بود و آن زنی بود که از انجام وظائف زناشویی خودداری می ورزیده است و زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد و آتش از زیرش شعله می کشید و آن زنی بود که برای مرد نامحرم زینت می کرده است و زنی را دیدیم که گوشت بدن او از جلو و عقب با قیچی های آتشین پاره پاره می شد و آن زنی بود که خود را به مردان (نامحرم) عرضه می داده که به او رغبت کنند! و زنی را دیدم که صورت و دستهایش می سوخت و روده های خود را می خورد و آن زنی بوده که مرد و زن نامحرم را به یکدیگر می رسانده است و زنی را دیدم که به صورت سگ، آتش در پشتش داخل می شد و از دهانش بیرون می آمد و ملائکه سر و بدنش را با گرزهای آتشین می کوبیدند. و آن زنی بوده که خواننده و آوازه خوان و حسود بوده است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲، ص ۱۰.
۲. بحار الانوار، ج ۳۰۹/۸ و جلد ۲۴۵/۱۰۳.
۳. حیات القلوب ج ۲، ص ۲۹۲.

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): دو گروه اهل جهنم هستند؛ حتی بوی بهشت به مشام آنها نخواهد رسید:

۱. ستمگران تازیانه به دست. ۲. زنان بی حجاب و برهنه ای که با زرق و برق خود را به مردم نشان داده و هوس های آنها را به سوی خود جذب می کنند. موهای سرشان همچون کوهانهایی شتر سبکسر عربی است...

(فروع کافی، ج ۵، ص ۱۵۱۹)

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): زنانی پوشیده و برهنه و مایل به کارهای یلید جهل دهنده و اغواکننده به منکرات و زشتیها که سرشان مانند کوهان شتر (آرایش جو) است، که این گونه از زنان نه در بهشت داخل می شوند و نه بوی بهشت به مشام ایشان می رسد.

(تفسیر قرطبی، ج ۱۴، ص ۲۲۴)

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: دو گروهند که اهل آتشند، نمی خواهم آنها را یتگرم: ۱. گروهی که تازیانه به دست گرفته و به مردم اذیت می رسانند. ۲. زنانی که پوشیده اند ولی برهنه اند. (کاسیات عاریات) به شهوات متمایلند و مردم را به سوی خود جذب می کنند.

(اعل الشرایع، ص ۶۰۲)

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): هرگاه زنی برای غیر شوهرش، خود را معطر نماید سپس از خانه اش بیرون شود تا زمانی که به منزلش برمی گردد لعنت می شود.

(وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۹۵)

- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): دو گروه از دوزخیان را (هنوز) من ندیده ام: گروهی که تازیانه هایی مانند دم گاو در دست دارند و مردم را با آن می زنند و گروه دیگر زنانی که پوشش دارند اما برهنه اند، کجراهه می روند (زنانی که کرشمه راه می روند و دل مردان را می ربایند یا روسری و مقنعه خود را کج و تا نیمه بر سر می کنند یا با آرایش و زیور بیرون می آیند به تعبیر دیگر زنانی که به دیگر زنان یاد می دهند مانند آنها رفتار کنند (بد حجاب باشند)) و دیگران را به کج روی تشویق می کنند، سرهایشان همچون کوهان شتر خاستنی فروشته است. اینان به بهشت نمی روند و بوی بهشت را که از فاصله چندان و چندان به مشام می رسد، استشمام نمی کنند.

- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: دو گروه اهل جهنم هستند؛ از جمله زن بدحجابی (که در ضمن این که پوشیده اند برهنه و عریانند) آنان برای فتنه و فریب مردان خود را آرایش و زینت می کنند و مانند کوهان شتر سبکسر، موهای خود را بیرون می گذارند. این زنان نه داخل بهشت خواهند شد و نه بوی بهشت به مشامشان خواهد رسید.

(کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸۳، شماره ۳۵۰۱۳ و مانند آن ج ۱۶، ص ۴۰۱)



احکام پوشش و عفاف

• آنها که زنها را می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانان فاسد قرار بدهند جنایتکارند. زنها نباید گول بخورند. زن گمان نکند این مقام زن است که بزک کرده بیرون برود، با سر بپوشد و لخت، این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم ساز است، زن مریب انسان است.

(حضرت امام خمینی (قدس سره)، صحیفه ی نور، ج ۱۱، ص ۲۵۴)

• آیا جنایتی از این بزرگتر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه گری زیور آلات سرگرم کنند و از او به عنوان یک ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیور آلات پر کردن و آرایش و مد لباس را بت قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ننگ است. چادر بهترین نوع حجاب و نشانه ملی ماست.

(حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی)

• حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند، مورد حمله ی آنها قرار گرفت، زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقا استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه ی مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خودشناختند.

(پیام حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به کنگره سراسری حجاب)

احکام بانوان: حد حجاب

• دراینکه پوشاندن غیر وجه و کفین بر زن واجب است از لحاظ فقه اسلام هیچ گونه تردیدی وجود ندارد این قسمت جزء ضروریات و مسلمات است، نه از نظر قرآن و حدیث و نه از نظر فتاوی در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد آنچه مورد بحث است پوشش چهره و دستها تا مچ است.

• بر زنان واجب است تمام بدن خود به استثنای وجه و کفین از نامحرم بپوشانند، مشروط بر آنکه: ۱. وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد. ۲. کسی به قصد ربه به وجه و کفین آنها نگاه نکند امام خمینی (رحمه الله علیه): استفتاء از کتاب احکام بانوان، سؤال ۶ ص ۱۱. آیت الله اراکی: توضیح المسائل، مسئله ۲۴۴۹.

آیت الله مکارم: عروه ستر و ساتر، با استفاده از مسائل ۴ و ۵.

• زن باید بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند، اگر چه کمک به حرام و قصد لذتی در بین نباشد.

آیت الله بهجت: توضیح المسائل، مسئله ۱۹۲۷.

• زن باید تمام بدن به استثنای وجه و کفین خود را از نامحرم بپوشاند در صورتی که زینت در وجه و کفین از قبیل انگشتر و اصلاح صورت (بند انداختن) و سرمه ای باشد که حتی در زنها پیر متعارف است، پوشیدن آن بر زن واجب نیست و در غیر اینصورت باید زینت خود را از نامحرم بپوشاند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که وجه و کفین خود را از نامحرم بپوشاند حتی اگر زینت نداشته باشد.

آیت الله تبریزی: صراط النجاه، با استفاده از سؤالیهای ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶ و استفتاء.

• زن باید تمام بدن خود را به استثناء وجه و کفین از نامحرم بپوشاند مشروط بر آنکه وجه و کفین آنها زینت نداشته باشد و در صورتی که قصد زن این نباشد که مردان نامحرم آنها را نگاه کنند اگر چه نامحرم به وجه و کفین او به قصد لذت نگاه کند، پوشیدن وجه و کفین لازم نیست.

آیت افاضل لنگرانی: جامع المسائل، ج ۲، سؤالیهای ۱۰۶۶ و ۱۰۷۰ و توضیح المسائل، مسئله ۲۵۰۳.

• زن باید موی سر و بدن خود را از مرد نامحرم بپوشاند به استثناء وجه و کفین و اگر بترسد با تپوشیدن وجه و کفین به حرام می افتد و یا به قصد مبتلا کردن مرد به نگاه حرام بپوشاند، نپوشاندن در این دو صورت جایز نیست.

آیت اسیستانی: توضیح المسائل، مسئله ۲۴۴۴.

• بنا بر احتیاط واجب باید وجه و کفین را هم بپوشاند.

آیت اگلپایگانی: ارشاد المسائل، سؤال ۴۵۴، ۴۵۶ و توضیح المسائل.

• زن باید بنا بر احتیاط واجب بیش از مقدار وجه و کفین خود را به عنوان مقدمه علمیه بپوشاند (وجه عبارت است از: آن مقدار از صورت که در وضو واجب است شسته شود و کفین نیز عبارت است از مچ دست تا سرانگشتان).

آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل، و مکارم: عروه ستر و ساتر، ص ۵۵۱، استفتاء.

• بنا بر احتیاط مستحب بهتر است زن صورت خود را نیز از نامحرم بپوشاند.

آیت اگلپایگانی: صراط النجاه، با استفاده از سؤال ۱۲۸۵.

• بنا بر احتیاط واجب باید تمام وجه و کفین از نامحرم پوشیده شود.

آیت اگلپایگانی: عروه ستر و ساتر، ص ۵۵۰.

• نمایان بودن زیر چانه، گردن، گوش، سینه و دستها از مچ به بالا برای خانمها جایز نیست و باید این مواضع را هم از نامحرم بپوشانند.

امام، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: با استفاده از مدارک مسئله قبل.



؟ سوال: آیا نمایان بودن کف پا، روی پا، قوزک پا و یا پاشنه پا از مردان نامحرم شرعاً جایز است؟

● جواب: جایز نیست.

امام: استفتاء از کتاب احکام ازدواج، ص ۱۸۵.

آیات اراکی، تبریزی، خامنه ای و گلپایگانی: استفتاء.

آیت لاهیجی: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ۱۹۳۷.

آیت لیسیتانی: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ۲۴۴۴ و منهاج الصالحین، نکاح، مسئله ۱۸.

آیت لافاضل: با استفاده از توضیح المسائل، مسئله ۲۵۰۳.

؟ حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ آیا برای این منظور پوشیدن لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت می کند؟ و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد باید رعایت شود؟

● واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دستها تا مچ از نامحرم پوشیده شود. لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانع ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب می کند باید اجتناب شود.

آیات عظام: امام، اراکی، فاضل و مکارم: عروه، ستر و ساتر، با استفاده از مسئله ۱ و ۳.

آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، و سیستانی: استفتاء.

آیت لافاضل: جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۷۰۶.

● آیت... گلپایگانی: واجب است تمام بدن از نامحرم پوشیده شود و بنا بر احتیاط واجب وجه و کفین نیز باید پوشیده شود. لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانع ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب کرد. استفتاء.

؟ آیا پوشیدن مانتو و شلوازی که حجم یا برجستگیهای آن در مقابل نامحرم پیداست جایز است؟

● از لحاظ ستر کافی است ولی چنانچه پیدا بودن حجم یا برجستگیهای بدن باعث ریبه و مفسده باشد باید بپوشانند.

آیات عظام: امام، اراکی و مکارم: عروه، ستر و ساتر، با استفاده از مسئله ۴.

آیت لاهیجی: استفتاء.

آیت لیسیتانی: منهاج الصالحین، نکاح، با استفاده از مسئله ۱۸.

آیت لسخانه ای: پوشاندن برجستگیهای بدن لازم است. استفتاء.

● آیت لافاضل: اگر مهیج نباشد و مفسده هم نداشته باشد، در صورتی که زینت محسوب نشود، مانعی ندارد. جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۳۰۸ و استفتاء.

● آیت... گلپایگانی: در صورتی که موجب جلب توجه اجنبی شود جایز نیست. استفتاء.

؟ آیا شرعاً زنی که مشخص است ابروانش را برداشته برای رعایت حجاب حتماً باید آن را بپوشاند یا می تواند آن را نمایان کند؟

● باید بپوشاند.

امام خمینی، استفتاء از کتاب احکام ازدواج، ص ۱۹۵.

آیات عظام: اراکی، گلپایگانی: استفتاء.

● آیت لاهیجی: اگر مهیج و محرک باشد باید بپوشاند و در غیر این صورت احتیاط است. استفتاء.

● آیت استبریزی: اگر اصلاح صورت (بند انداختن یا ابرو برداشتن) به گونه ای است که حتی در پیرزنها متعارف است، پوشاندن آن لازم نیست.

صراط النجاة، با استفاده از سؤالیهای ۸۸۲ و ۸۸۳.

● آیت لافاضل: در صورتی که عرفاً زینت محسوب شود پوشش آن لازم است. جامع المسائل، ج ۱، سؤال ۱۷۰۷.

● آیت اسمکارم: پوشانیدن آن از نامحرم لازم نیست مگر آنکه منشأ مفسده خاصی گردد. استفتاء.

ارشاد السائل، سؤالیهای ۴۵۴ و ۴۵۶: توضیح المسائل، با استفاده از مسئله ۲۴۴۴. استفتاء.

● آیت... گلپایگانی: به طور کلی وجه و کفین بنا بر احتیاط واجب باید از نامحرم پوشیده شود چه زینت داشته باشد یا نه.

؟ آیا دختران می توانند با لباس آستین حلقه ای، در برابر پدر و یا برادرشان ظاهر شوند؟

● همه مراجع عظام تقلید: اگر باعث مفسده نشود، اشکال ندارد.

(تبصره: پدر یا برادر در حکم خصوصیتی ندارند، بلکه به طور کلی زن می تواند در برابر تمامی محارم خود، با لباس آستین حلقه ای ظاهر شود، مشروط بر آنکه مفسده ای در بین نباشد.)

؟ آیا حفظ حجاب در سفر به کشورهای غیر مسلمان واجب است؟

● همه مراجع عظام تقلید: آری، حفظ حجاب کامل شرعی بر زن در برابر مرد نامحرم واجب است، خواه مسلمان باشد، یا کافر و یا در کشور اسلامی باشد یا غیر اسلامی

(العروه الوثقی ج ۱) (الستر)

■ سخن گفتن

● معیار در جواز صحبت کردن با نامحرم مفسده و عدم مفسده است. آیت... خامنه ای، استفتاء

● ۱. صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست. ۲. از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می شود باید پرهیز نمود.

؟ آیا صحبت کردن زن با مرد نامحرم که به نیت خیر و یا برای درس باشد، اشکال دارد؟

● همه مراجع عظام تقلید: اگر بدون قصد لذت و ترس از افتادن به گناه باشد اشکال ندارد.

آیات عظام امام، مکارم، نوری و تبریزی: استفتائات: آیت... بهجت: توضیح المسائل: آیت لصفی: جامع الاحکام: آیت...

فاضل: جامع المسائل: آیت... خامنه ای: اجوبه الاستفتائات: آیت لیسیتانی: العروه الوثقی: آیت... وحید خراسانی: دفتر.



■ نگاه کردن

- حضرت رسول (صلی الله و علیه و آله) در حدیثی می فرماید: فرزند آدم اگر چشمت بخواهد تو را به گناه و حرام بکشاند من دو پلک در اختیار تو قرار داده ام، پس آنها را فرو بند.
- نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون قصد آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان ترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد.

رساله توضیح المسائل، ص ۹۱۷، مسأله ۳۴۳

- اگر نظر همراه با ریه و لذت باشد و یا صورت و دستها دارای آرایش و زینت باشد جایز نیست آیت ل. خامنه ای، استفتاء.
- زنی که می داند به جهت چهره زیبایش مردان نامحرم به او نگاه می کنند، چه وظیفه ای دارد؟ آیا پوشاندن آن واجب است؟
- آیات عظام امام، خامنه ای، سیستانی، فاضل، مکارم و نوری؛ اگر باعث مفسده نشود، پوشاندن چهره بر آنان واجب نیست، ولی مردان وظیفه دارند به او نگاه نکنند. تعلیقات علی العروه و استفتائات، استفتاء، منهاج الصالحین، تعلیقات علی العروه، استفتاء، تعلیقات علی العروه
- آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید خراسانی: اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم شود بنا بر احتیاط واجب باید چهره خود را بپوشاند. تبریزی: صراط النجاه؛ وحید خراسانی: توضیح المسائل؛ بهجت: دفتر
- آیت الله صافی: باید چهره خود را بپوشاند. (دفتر)
- آیا درباره نگاه به نامحرم آیه ای در قرآن هست؟
- آری: آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور.
- نگاه بیوسه دختران به چهره استاد نامحرم مرد، در کلاس درس چه حکمی دارد؟
- همه مراجع عظام تقلید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد اشکال ندارد.

آیات عظام بهجت، سیستانی و مکارم: توضیح المسائل؛ تبریزی: استفتائات؛ وحید خراسانی: توضیح المسائل؛ صافی: هدایه العباد ج ۲؛ نوری: توضیح المسائل؛ امام: تحریر الوسیله ج ۲. آیت ل. خامنه ای: دفتر

- آیا دیدن از نزدیک ورزش فوتبال، کشتی و مانند آن که مردان با شورت و زیرپوش بازی می کنند از نزدیک برای زنان جایز است؟
- همه مراجع به جز بهجت، تبریزی و سیستانی: خیر، نگاه به بدن مرد نامحرم جایز نیست، هر چند بدون قصد لذت باشد.
- آیه الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.
- آیه الله تبریزی: اگر قصد لذت یا ترس افتادن به گناه باشد نگاه به بدن آنان جایز نیست.
- آیت الله سیستانی: در ورزش فوتبال اگر نگاه با قصد لذت یا ترس افتادن به گناه باشد حرام است و در ورزش کشتی بنا بر احتیاط واجب، بدون قصد لذت نیز جایز نیست.

■ زینت

- مراد از زینت چیست؟
- هر چیزی که عرفاً زینت محسوب گردد و مردم به آن زینت بگویند.
- توجه: داشتن انگو، دستبند، انگشتر، بلند کردن ناخن، لاک زدن، بعضی ساعت‌های مجی که برای زینت استفاده می شود، پوشیدن برخی دستکشهای توری برای زینت همگی از زینتهای دست هستند و باید آنها را از نامحرم بپوشانند. همچنین سرمه کشیدن، برداشتن ابرو، گذاشتن مژه مصنوعی، استفاده از هر نوع لوازم آرایش، گذاشتن حلقه برای بینی یا گوشواره و یا هر چیز دیگری که عرفاً بدان زینت بگویند همگی از زینتهای صورت محسوب می گردد و باید از نامحرم پوشیده شود. (در این مسأله به اختلاف نظر مراجع عظام در انواع زینتهای حرام توجه شود.)
- نیازها و روابط زن و مرد (محسن ماجراجو)، ص ۸۱
- آیا عطر زدن و یا خوش بو کردن به وسیله مواد و مایعات دیگر برای آقایان و بانوان در صورتی که بوی آن به مشام نامحرم برسد اشکال دارد؟
- عطر زدن اشکال ندارد ولی اگر عطر زدن بانوان موجب مفسده و تحریک باشد جایز نیست.
- آیا عطر زدن یا خوش بو کردن به وسیله مواد و مایعات دیگر برای آقایان و بانوان در صورتیکه بوی آن به مشام نامحرم برسد اشکال دارد؟ یا اگر زنی خود را برای نامحرم خوش بو کرده باشد آیا بر او غسل واجب است؟
- آیه ل. فاضل: هر فرض سوال مستحب است غسل کند. مجمع البیان ج ۲، ص ۱۶۹
- آیه ل. گلپایگانی: در صورتی که عطر زدن به قصد جلب توجه نامحرم باشد اشکال دارد. استفتاء
- آرایش نمودن زن برای غیر همسر در بعضی مجالس زنانه مثل عروسی یا میهمانی زنانه چه حکمی دارد؟
- در صورتی که نامحرم او را نبیند اشکال ندارد.

امام باصفی از کتاب احکام ازدواج ص ۸۸

- آیا برای بانوان، پوشیدن کفشهایی که صدا دار است به طوری که موقع راه رفتن صدای آنها را نامحرم می شنود اشکال دارد؟
- در صورتی که مفسده ای بر آن مترتب شود اجتناب لازم است.

امام باصفی از کتاب احکام ازدواج ص ۱۹۴

- رفتن به مکانی که زن می داند نامحرمهایی با قصد لذت به او نگاه می کنند جایز نیست. امام، آراکی، گلپایگانی: استفتاء
- آیه ل. سیستانی: اصل رفتن معنی ندارد؛ ولی پوشش مناسبی که دیگران به گناه نیفتند مراعات شود. استفتاء



■ آرایش و زیور آلات:

- آیا برای زن جایز است عطر بزند و از منزل بیرون رود؟
- همه مراجع عظام تقلید: اگر باعث جلب توجه نامحرم شود، جایز نیست.
- آیات عظام خامنه ای: استفتاء مکارم، استفتائات ج ۱؛ تبریزی: استفتائات نوری؛ استفتائات ج ۱؛ وحید خراسانی، صافی، بهجت، امام، فاضل؛ دفتر استفاده از کرم های چرب کننده و ضد آفتاب بر روی دست و صورت چه حکمی دارد؟
- اگر آرایش و زینت محسوب نشود و بوی خوش آن باعث تحریک نامحرم نگردد اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط واجب باید صورت را از نامحرم بپوشاند
- فاضل: جامع المسائل ج ۱؛ آیت الله خامنه ای: استفتاء: تبریزی؛ صراط النجاه ج ۱۵؛ امام و وحید خراسانی؛ دفتر آیات عظام بهجت و صافی؛ دفتر مکارم استفتائات ج ۲؛ نوری؛ استفتائات ج ۱؛ و سیستانی؛ زینت
- آیا زن باید چهره آرایش کرده خود را از نامحرم بپوشاند؟
- همه مراجع آیت الله به جزء مکارم: آری باید بپوشاند.
- آیت الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید بپوشاند.

آیات عظام نوری: استفتائات ج ۱؛ فاضل جامع المسائل ج ۲، صافی: جامع الاحکام ج ۲؛ خامنه ای: اجوبه الاستفتائات؛ تبریزی: استفتائات؛ سیستانی: زینت؛ امام استفتائات ج ۲؛ بهجت؛ دفتر مکارم؛ استفتائات ج ۱

- آیا برای زنان پوشیدن لباسهای تنگی که برجستگیهای بدن آنان را نشان می دهد و یا پوشیدن لباسهای بدن نما و عریان در عروسیها و مانند آن جایز است؟
- اگر از نگاه مردان اجنبی و ترقی مفسده در امان و محفوظ باشند اشکال ندارد در غیر اینصورت جایز نیست.
- توجه: در نتیجه خاتمها نمی توانند با پای بدون جوراب در مقابل نامحرم رفت و آمد کنند و یا با این وضع برای خرید چیزی به مغازه ی نزدیک منزل بروند و یا اگر نامحرم در خانه است بدون جوراب در مقابل او ظاهر شوند اگر چه نامحرم برادر شوهر، شوهر خواهر و یا هر نامحرم دیگری باشد.
- توجه: خاتمها باید توجه داشته باشند که:
- در منزل یا امکانی که نامحرمی حضور دارد اگر لباس آستین کوتاه به تن دارند (اگر چه با چادر پوشیده شده باشد) و یا اگر لباس آستین بلند به تن دارند در هنگام برداشتن چیزی از بالای بلندی یا گرفتن چیزی از دست نامحرم و یا تعارف کردن میوه و غیره به نامحرم و یا هنگام خرید اجناس از مغازه ها و یا هنگام حمل باری بزرگ و سنگین ، همه و همه مواردی هستند که احتمال عقب رفتن آستین و یا پوشش دست و نمایان شدن بدن می باشد و باید خاتمهای محترم در این گونه موارد مراقبت کامل داشته باشند.

- خاتمها نمی توانند آستین خود را برای آمپول زدن و یا گرفتن فشار خون و یا نبض و غیره در مقابل نامحرم بالا بزنند مگر در مقام اضطرار.
- آیات عظام: امام خمینی، مکارم شیرازی، گلپایگانی، اراکی و فاضل، عرومستر و ساتر، با استفاده از مسئله قبل آیت الله بهجت، توضیح المسائل با استفاده از مسئله ۱۹۲۷

- آیا خاتمها می توانند بدون تحقیق کردن از وجود دکتر زن نزد دکتر نامحرم برونند؟ البته در صورتی که مستلزم نگاه یا لمس بدن زن نباشد
- جایز نیست
- آیات عظام امام خمینی گلپایگانی (استفتائات) اراکی.
- آیت الله بهجت: در صورتی که اضطرار باشد اشکالی ندارد. استفتاء.
- در شهر ما هم دکتر زن هست و هم مرد ولی دکتر مرد حائض تر است آیا خاتمها می توانند نزد دکتر مرد برونند؟
- در صورتیکه دکتر زن نتواند مداوا کند اشکال ندارد.
- امام اراکی، بهجت و تبریزی، گلپایگانی و مکارم: استفتاء، سیستانی: بر صورتی که دکتر مرد برای مداوا بهتر باشد اشکالی ندارد.

■ جوراب

- جورابهایی نازک که پوست پا در آنها نمایان باشد حکم پوشش را ندارد و خاتمها باید از پوشیدن اینگونه جورابها در مقابل نامحرم اجتناب کنند بلکه باید از جورابهایی استفاده کنند که پوست بدن نمایان نباشد.
- امام اراکی، فاضل، گلپایگانی و مکارم: عروم(ستر و ساتر)) با استفاده از مسئله ۴ ص ۵۵

■ چادرها

- پوشیدن چادرهایی که موها و یا هر جای بدن از پشت آن نمایان باشد جایز نیست و خاتمها خصوصاً در منزل اگر نامحرمی هست باید از پوشیدن اینگونه چادرها خودداری کنند.

- توجه: خاتمهایی که از چادر به عنوان حجاب استفاده می کنند در موارد زیر باید بیش از هر موقع مراقب حجاب خویش باشند. در هنگام خرید و فروش با نامحرم، مرتب کردن چادر در مقابل نامحرم، گرفتن و یا دادن چیزی به نامحرم، کار کردن در مقابل نامحرم چه در منزل و یا خارج از منزل، شستن لباس، ظرف و یا هر چیز دیگر در مقابل نامحرم، انداختن و یا برچیدن سفره و ... در تمام موارد فوق و موارد مشابه پیشنهاد می شود خاتمها از پوشش کافی در زیر چادر برخوردار باشند و استفاده کردن از روسری یا مقنعه و همچنین آستین در صورتی که لباس آستین کوتاه پوشیده اند در زیر چادر می تواند خاتمها را در حفظ کامل حجاب خود کمک نماید و موجب رضای خداوند متعال گردد.
- پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب توجه کننده در محیطهایی که نامحرم هست مانند دانشگاه، بازار، مجالس عزاء و یا میهمانی و ... چه حکمی دارد؟
- با فرض مہیج بودن حرام است. (امام اراکی، سیستانی، استفتاء)



- آیه... بهجت: اگر چه معنی ندارد ولی مسلمان وقار در لباس هم داشته باشد. (استفتاء)
- آیه... تبریزی: اگر لباس زن زینت باشد واجب است آن را از نامحرم بیوشاند همانگونه که واجب است بدن خود را بیوشاند.
- آیه... گلپایگانی: با فرض مهیج بودن و معرضیت داشتن بر فساد و حرام است. استفتاء

صراط النجاة با استفاده از سوال - ۱۴۸۴

پوشش زن از زن

- مسئله: اگر خاتمی بپندد که خاتم دیگری به قصد لذت به بدن یا به دست و صورت او نگاه می کند، بر او واجب است بدن یا دست و صورت خود را از او بیوشاند.
- امام، اراکی، گلپایگانی و مکارم، معروه (ستر و ساتر)) قبل از مسئله ۱.

احکام آقایان:

پوشش مردان

- بر شما باد به پوشیدن لباس ضخیم و سخته بدرستی که هر که لباسش نازک و سست باشد دینش سست است.
- پوشیدن لباس آستین کوتاه، تنگ و چسبان، یا بدن نما توسط مردان در محیطهایی که زنان و مردان به صورت مشترک مشغول کار هستند، از نظر اخلاق و عفت عمومی چه صورت دارد؟
- لنگرانی: مناسب اخلاق اسلامی نیست.
- آیت الله تبریزی: پوشیدن لباسی که موجب تحریک شهوت بر حرام نسبت به خود شخص یا دیگری باشد اشکال دارد، بلکه جایز نیست.
- آیت الله گلپایگانی: بسیار مذموم و قبیح است.
- آیت الله مکارم شیرازی: اشکال دارد.
- آیت الله سیستانی: اگر قصد والدشتن زنان به نگاه نامشروع باشد حرام است و سزاوار مؤمن نمی باشد.
- آیت الله بهجت: هر چه سبب فتنه و فساد باشد اشکال دارد و اختلاط زن و مرد جایز نیست.

ریش تراشی

- سبیل هایتان را کوتاه نمایید و ریش های خود را بلند نگه دارید و خود را شبیه یهودیان نگرندارید.
- وسایل الشیعه ۱/۴۴۳.
- مجوسیان ریش های خود را می تراشند سبیل ها را بلند نگه می دارند ولی ما مسلمین سبیل ها را کوتاه کرده و محاسن را بلند نگه می داریم. (همان).
- خداوند مردان را به وسیله محاسن زینت داده و فضیلتی برای مردان است و به وسیله ریش مردان از زنان شناخته می شوند. امام رضا (علیه السلام).
- بشیر البیجار، ۲/۵۰۸.
- آیت الله خامنه ای: تراشیدن ریش حرام است علی الاحوط و از پوشیدن کروات اجتناب شود.
- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید - سید محسن محمودی ص ۷۳-ج ۱
- آیت الله بهجت: تراشیدن ریش جائز نیست چه تمام ریش یا قسمتی از آن. همان ص ۷۴
- آیت الله لنگرانی: احتیاط و جویب در عدم تراشیدن ریش و بهتر آن است، که مسلمان از مثل کروات اجتناب کند همان ص ۷۴ ج ۱

پوشیدن کروات و لباس بیگانگان

- خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگو، در لباس، خوراک و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهید، که اگر چنین کنید شما هم مانند آنان دشمنان خدا محسوب می گردید.
- امام صادق (علیه السلام)، وسائل الشیعه، ۲۷۹۲.
- کسی که خود را به غیر ما و غیر مسلمانی شبیه سازد از ما نیست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
- امت مسلمان همیشه عاقبت به خیر و سعادت مند است اگر لباس بیگانگان و کفار را نبوشند، و غذای آنها را نخورند، اگر انجام دادند و پیروی از کفار کردند، خداوند آنها را ذلیل خواهد کرد.
- امام علی (علیه السلام)، بحار النوار، ۲۰۳/۷۶.

- آیت الله گلپایگانی: کروات شعار مسیحیان است و بر مسلمین لازم است از آن اجتناب کنند. مجمع المسائل
- آیت الله بهجت: خلاف احتیاط است.

- آیت الله خامنه ای: بستن کروات و پاپیون چون تقلید از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است جائز نیست. مجلد نصیحت، شماره ۱۵۴.
- آیت الله فاضل لنگرانی: ظاهراً کروات و پاپیون شعار کفار است و مسلمین نباید از آن استفاده کنند.
- آیت الله مکارم شیرازی: با توجه به این که کروات و پاپیون در محیط ما ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می شود استفاده از آن اشکال دارد.
- آیت الله تبریزی: برای مومن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زنی مومنین خارج کنند.

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید - ص ۱۰۴ سید محسن محمودی ج ۱



■ پوشیدن لباس هایی که تبلیغ فرهنگ بیگانه است

- رسول خدا(صلی الله علیه و آله) تفرین و لعنت کردند مردانی را که در آرایش لباس و قیافه، خود را به زنان شبیه سازند و نیز لعنت فرمود زنانی که خود را به مردان شبیه سازند. بحار الانوار، ۳۴۶/۷۶.
- ؟ نظر جناب عالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن نقش بسته است چیست؟
- آیت الله خامنه ای: استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمان مهاجم بر مسلمین است اشکال دارد.
- آیت الله لنکرانی: بهتر است از اینگونه لباس ها استفاده نکنند.
- آیت الله گلپایگانی: مسلمین از این گونه لباسها استفاده نکنند.
- آیت الله تبریزی: بر مؤمن سزوار نیست لباسی بپوشد که او را از زی مؤمنین خارج کند.
- آیت الله مکارم شیرازی: هرگاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد اشکال دارد.

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید: تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی

- ؟ آیا پوشیدن لباسهایی که بر روی آن حروف و تصاویر خارجی چاپ شده، جایز است و آیا این لباسها ترویج فرهنگ غربی محسوب می شوند؟
 - اگر مفاسد اجتماعی نداشته باشند پوشیدن آنها فی نفسه اشکال ندارد و اما اینکه ترویج فرهنگ غربی معارض با فرهنگ اسلامی محسوب می شود یا خیر، موکول به نظر عرف است.
- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید: تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی، ج ۱، ص ۱۰۸

■ پوشیدن طلای سفید و پلاتین جهت مردان

- طلا زینت اهل بهشت است و خداوند طلا را در دنیا زینت زنان قرار داده و بر مردان پوشیدن طلا و نماز خواندن با آن را حرام کرده است. امام صادق (علیه السلام) وسائل الشیعه، ۱۰۰/۲.
 - ؟ پوشیدن طلای سفید و پلاتین جهت مردان چگونه است؟
 - آیت الله خامنه ای: اگر طلاست که بر اثر مخلوط کردن ماده ای رنگ آن سفید شده است حرام است. ولی اگر پلاتین است یا عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی گویند مانع ندارد.
 - آیت الله لنکرانی: ظاهراً پلاتین غیر از طلای سفید است. لذا پلاتین برای مردان حلال است اگر چه طلای سفید حرام است. المسائل، ۲۵۷/۱.
 - آیت الله بهجت: اگر از جنس طلا نباشد مانع ندارد.
 - آیت الله مکارم شیرازی: زینت به طلای سفید برای مردان جایز نیست، ولی پلاتین که فلز دیگری است مانعی ندارد.
- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید: تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی، ج ۱، ص ۱۰۸

■ پوشیدن برخی لباسهای ورزشی

- مناسب با ادب و شرف و حیا و وقار مسلمانی در لباس ورزشی این است که به طوری که معمول شده کوتاه نباشد و علاوه بر قسمتهای بالای بدن پایین ناف و زانو را هم بپوشاند. آیت الله صافی، جامع الاحکام، ۱۴۶/۲.
- ؟ برخی لباسهای ورزشی با حیا و عفت اسلامی سازگار نیست و به نوعی ترویج برهنگی محسوب می شود مانند ورزش کشتی، وزنه برداری، زیبایی اندام و ... با توجه به این که می توان این لباس ها را پوشیده تر لحاظ کرد متأسفانه در برخی میادین ورزشی جهانی لباس های برخی ورزشکاران خارجی پوشیده تر از ورزشکاران ایرانی است، آیا به نظر حضرت تعالی ترویج اینگونه پوشش و استفاده از آنها با توجه به تبلیغات منفی آنها چه صورت دارد؟
- آیت الله خامنه ای: اگر باعث ترویج گناه و بی بندوباری باشد جایز نیست.
- آیت الله گلپایگانی: استفاده لباس های مذکور در انظار اشکال دارد و نگاه کردن زن ها بر اندام ورزشکاران در مورد سؤال جایز نیست.
- آیت الله بهجت: پوشش در مقابل همجنس اگر قصد لذت نداشته باشند، می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند ولی در مقابل زن نامحرم احتیاط واجب آن است که علاوه بر عورت آن مقدار که عرفاً پوشیده می شود را بپوشانند.
- آیت الله مکارم شیرازی: بعضی لباس های ورزشی تبعات منفی اخلاقی دارد و باید از آن اجتناب شود.
- آیت الله فاضل لنکرانی: باید رعایت شود.
- آیت الله تبریزی: لباس هایی که تهییج شهوت می شود پوشیدن آن شرعاً اشکال دارد و مسئولین موظفند از اموری که جامعه را در معرض فساد قرار می دهند جلوگیری کرده و به اصلاح بپردازند.
- آیت الله سیستانی: سزوار نیست.

■ نگاه کردن و دست دادن

- ؟ آیا نگاه کردن به برجستگی های بدن زن نامحرم (مانند سینه و پشت) از روی لباس و مانتو جایز است؟
 - اگر با قصد لذت باشد و یا بترسد که به گناه بیفتد نگاه به این مواضع جایز نیست (العروه الوثقی ج ۱)، امام استفتات ج ۳ (احکام حجاب) ص ۲۷ / آیت الله سیستانی (حجاب) ص ۵.
 - ؟ حکم نگاه پیوسته به صورت استاد زن در هنگام درس چیست؟
 - همه مراجع عظام تقلید (به جزء آیت الله صافی) اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد اشکال ندارد
- توضیح المسائل مراجع م ۲۳۳۳ جامع الاحکام ج ۲ ص ۱۷- و هدایه العباد، ج ۲، (النکاح)



● آیت الله صافی: بدون قصد لذت نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، ولی اگر نگاه اتفاقی باشد اشکال ندارد.

(توضیح المسائل مراجع، العروه الوثقی ج ۲، نوری و وحید خراسانی: توضیح المسائل؛ آیت الله خامنه ای: استفتاء، دفتر: صافی؛ جامع الاحکام ج ۲ و هدایه العباد ج ۲).

● حکم دقیق مصافحه و دست دادن با زن نامحرم به ویژه فامیل مثل دختر خاله و دخترعمو و ... چیست؟

● همه مراجع: دست دادن با زن نامحرم حرام است خواه فامیل باشد و یا غیر فامیل و خواه با قصد لذت باشد یا بدون آن.

(آیات عظام: خامنه ای: استفتاء؛ تبریزی: استفتانات؛ صافی: جامع الاحکام؛ مکارم امام، نوری و فاضل؛ تعلیقات علی العروه (النکاح)؛ بهجت: توضیح المسائل؛ سیستانی: منهاج الصالحین؛ وحید خراسانی: دفتر).

● آیا نگاه کردن به پای زن نامحرم از مج به پائین جایز است؟

● همه مراجع به جز مکارم: خیر نگاه به پای زن از مج به پائین نیز هر چند بدون قصد لذت حرام است.

● آیت الله مکارم: آری ولی بهتر آن است که نگاه نکند.

(توضیح المسائل مراجع: آیت الله نوری، آیت الله وحید خراسانی: توضیح المسائل؛ آیت الله خامنه ای: اجوبه الاستفتانات؛ آیت الله مکارم: دفتر).

● دست دادن با زنان غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

● همه مراجع عظام تقلید: دست دادن با زنان غیر مسلمان هم جایز نیست؛ خواه کافر حربی باشد یا کتابی (مانند یهود و نصارا).

(آیت الله خامنه ای: استفتاء؛ آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم: استفتانات؛ آیت الله سیستانی و آیت الله صافی: جامع الاحکام؛ آیت الله بهجت: توضیح المسائل؛ آیت الله فاضل: جامع المسائل؛ امام خمینی و آیت الله نوری: تعلیقات علی العروه (النکاح)؛ آیت الله وحید خراسانی: دفتر).

● شخصی قصد ازدواج دارد آیا می تواند بدون قصد لذت به چهره و موهای خاتم ها (مثلاً در خیابان) نگاه کند تا کسی را ببیند و بعد از او خواستگاری کند؟

● همه مراجع: این نوع نگاهها جایز نیست.

(آیت الله مکارم: تعلیقات علی العروه و استفتانات؛ آیت الله فاضل: تعلیقات علی العروه؛ آیت الله صافی: هدایه العباد؛ امام خمینی،

تحریر الوسيله؛ آیت الله سیستانی: منهاج الصالحین؛ آیت الله تبریزی: صراط النجاه؛ آیت الله وحید خراسانی و آیت الله خامنه ای: دفتر).

- تبصره: نگاه به دختر به منظور ازدواج یا او، شرایطی دارد که با رعایت آن جایز می شود.

● آیا عدم پوشش دختر دایی، دختر عمه، دختر خاله و دخترعمو که تأثیری در من ندارد، گناه است؟

● همه مراجع: آری گناه است و باید خود را بپوشاند و با سایر نامحرمان تفاوتی ندارند و نگاه شما بر مو و بدن آنان جایز نیست.

العروه الوثقی ج (الستر) و ج (النکاح) م ۳۱

■ فروش لباس زنانه

● فروش لباسهای زیر زنانه توسط مردان چه حکمی دارد؟

● همه مراجع عظام تقلید: اگر ترس افتادن به گناه و یا مفسده اجتماعی به دنبال داشته باشد جایز نیست

(. آیت الله خامنه ای؛ اجوبه الاستفتانات؛ ۱۳۶۹: دفتر: همه)

■ احکام مشترک بین زن و مرد

● حکم نگاه کردن به صورت زن و مرد چیست؟ اگر نگاه به طور خیره و نه از روی قصد و غرضی باشد باز هم اشکالی دارد؟

● همه مراجع عظام تقلید به جزء آیت الله صافی: نگاه به نامحرم اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد اشکال ندارد، ولی اگر با یکی از این دو مشخصه همراه باشد جایز نیست.

● آیت الله صافی: نگاه به قصد لذت حرام است و بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

(توضیح المسائل مراجع: نوری: توضیح المسائل؛ تبریزی: استفتانات؛ وحید خراسانی: توضیح المسائل؛ خامنه ای: استفتاء؛ صافی: هدایه الصاد ج ۲).

- تبصره: فرض مسأله در رساله های عملیه در مورد نگاه عمدی و بیوسته است، و گرنه نگاه اتفاقی به فتوای همه مراجع تقلید اشکالی ندارد.

● آیا همان گونه که نگاه مرد به زن حرام است نگاه زن به مرد نیز حرام است؟

● همه مراجع عظام تقلید به جزء آیت الله سیستانی و آیت الله بهجت: آری نگاه زن به بدن مرد نامحرم به جز سر و گردن و دست ها و جاهایی که معمولاً آن را نمی پوشاند حرام است، هر چند بدون قصد لذت باشد.

● آیات عظام بهجت و سیستانی: نگاه زن به مرد نامحرم با قصد لذت حرام است و بنا بر احتیاط واجب بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام هم نیز (به جز قسمتی از بدن که معمولاً آن را نمی پوشاند مانند سر و دست ها) جایز نیست.

(وحید خراسانی: توضیح المسائل؛ نوری: توضیح المسائل؛ خامنه ای: استفتاء؛ توضیح المسائل مراجع م ۲۴۳۳).

■ پوشیدن لباس جنس مخالف

● پوشیدن لباس مخصوص زنان برای مرد و همچنین پوشیدن لباس مخصوص مردان برای زن حرام است.

توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۸۹.

● در دوره آخرالزمان مردان خود را شبیه زنان و زنان خود را شبیه مردان می کنند، بر زین سوار می شوند (به خود نمایی می پردازند) بر آنها لعنت خدا باد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، تفسیر نمونه، ۲۱/۴۵۶.



• کسی که خود را به غیر ما (غیر مسلمان) شبیه سازد از ما نیست.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، نهج الفصاحه، ج ۵۰۰۹.

- آیا پوشیدن چیزی که مخصوص زنان است توسط مردان و برعکس، در خانه بدون قصد تشبه به جنس مخالف، جایز است؟
- تا زمانی که آن را به عنوان لباس برای خود انتخاب نکرده باشند، اشکال ندارد.
- آیا بافندگی و خرید و فروش جوراب نازک شرعاً جایز است؟
- اگر تولید و خرید و فروش آن به قصد پوشیدن زنان در برابر مردان اجنبی نباشد، اشکال ندارد؟

■ پوشیدن لباس زنانه جهت فیلم سازی

• پوشیدن زن و آرایش و حرکات زنانه توسط مرد جهت فیلم سازی چگونه است؟

- آیت الله لنکرانی: جایز نیست.
- آیت الله تبریزی: اشکال دارد.
- آیت الله بهجت: جایز نیست.
- آیت الله گلپایگانی: اشکال دارد.
- آیت الله مکارم شیرازی: جایز نیست.

■ پوشیدن لباس شهرت

• کسی که در دنیا لباس شهرت پوشد، خداوند روز قیامت بر او لباس دلت خواهد پوشاند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، میزان الحکمه ۲۰۶/۵.

• منظور از لباس شهرت لباسی است که جنبه ریاکاری دارد و می خواهد بوسیله آن مثلاً به زهد و ترک دنیا مشهور شود، خواه از جهت پارچه یا رنگ آن باشد یا دوخت آن. اما اگر واقعا قصدش ساده پوشیدن است و جنبه ریاکاری ندارد نه تنها جایز است بلکه عملی است شایسته.

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید (ج ۳) تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی

• پوشش لباس شهرت چه صورت دارد و معیار لباس شهرت چیست؟

• آیت الله خامنه ای: لباس شهرت لباسی است که پوشیدن آن برای شخص بخاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و علل دیگر مناسب نیست به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما شود.

استفتائات ۹۹۲. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، تهیه و تنظیم: سید محسن محمودی ص ۱۶۹-ج ۳

• آیت الله بهجت: حرام است و عبارت از لباسی است که از جهت جنس یا رنگ یا نحوه برش و دوخت و مانند آن خلاف شأن و زوی پوشنده لباس باشد.

• آیت الله تبریزی: لباسی که در زی شخص نیست آن را بپوشد جایز نیست.

• آیت الله لنکرانی: حرام است و منظور از لباس شهرت لباسی است که از جهت جنس، رنگ، نوع دوخت و امثال آن به گونه ای باشد که پوشیدن آن عرفاً موجب انگشت نما شدن او شود.

• آیت الله گلپایگانی: پوشیدن لباس شهرت جایز نیست و لباس شهرت آنست که پوشیدن آن در نظر عرف برای پوشنده قبیح و موجب وهن باشد.

• آیت الله سیستانی: لباس شهرت لباسی که موجب تحقیر و استهزاء دیگران باشد و بنا بر احتیاط واجب نباید بپوشد.

• آیت الله مکارم شیرازی: بنا بر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت خودداری کند

همان ج ۳، ص ۱۷۰-۱۷۱



◆ فقط همسر م

- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز می باشد: مدارا و خوشرفتاری با زن، تا محبت و علاقه زن را جلب نماید، خوش اخلاقی با زن و به دست آوردن قلب او با پیراستن ظاهرش در مقابل دیدگان او و گشاده دستی با او.

و زن نیز در روابط خود با همسرش بی نیاز از سه ویژگی نیست: خود را از هر پلیدی دور نگه دارد تا آنجایی که شوهرش در هر حالتی خوش یا ناخوش به وی اطمینان کند و متعهد بودن زن تا به هنگام خطا، شوهر به او توجه نماید، اظهار عشق و علاقه به همسر، ظاهری جذاب در برابر دیدگان او.

(بخارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۷ - تحف العقول، ص ۳۲۲)

■ لزوم آرایش زن برای شوهر

- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به یکی از زنانش فرمود: «چرا تو ژولیده مو هستی و در اثر نکشیدن سورمه، چشمت سفید شده چرا خضاب نمی کنی؟» (موهای خود را رنگ نمی کنی؟) (بخارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۲۲، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۳۶)

■ استفاده از عطر و بوی خوش

- حضرت علی (ع) فرمود: «زن مسلمان باید خودش را برای شوهرش خوشبو سازد.»

(بخارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰، تحف العقول، ص ۱۱۱)

- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هنگام ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام) به عمار یاسر ما موریت داد برای حضرت زهرا (علیها السلام) عطرها و خوشبو تهیه نماید عمار یاسر گویند عطر خوبی کردم و به منزل فاطمه (علیها السلام) بردم. آن حضرت فرمود: ای عمار یاسر این عطر چیست؟ گفتیم: پدرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرا امر کرد تا آن را فراهم نمایم.

(دلائل الامامه، ص ۲۲)

- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ام سلمه گویند: از حضرت زهرا (علیها السلام) پرسیدم: آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده ای؟ فرمود: آری؛ رفت و شیشه عطری آورد و مقداری در کف دست من ریخت. بوی خوشی داشت که هرگز نوییده بودم.

(بخارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۵ و ۱۱۴ / امالی شیخ صدوق، ص ۴۱)

- حضرت زهرا به اسماء بنت عمیس فرمود: «ای اسماء عطر مرا بیاور، همان عطری که همیشه (در خانه) می زنی.»

(بخارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۵، کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۲ / عوالم، ج ۱۱، ص ۵۰۷ و ۷۱۰)

- امام صادق (علیه السلام) فرمود: زنی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده پرسید: ای رسول خدا حق شوهر بر زن چیست؟ آن حضرت فرمود: آنکه خود را به بهترین عطری که در اختیار دارد خوشبو سازد، زیباترین لباس خود را بپوشد، به بهترین وجه خود را بیاراید و هر صبح و شام خود را بر شوهر خود عرضه نماید.

(اصول کافی، ج ۵، ص ۵۰۸، وسایل، ج ۲۰، ص ۱۵۸)



■ استفاده از زیور آلات

- از امام باقر(علیه السلام) یا امام صادق(علیه السلام) در مورد طلا برای زنان سوال شد. ایشان فرمودند: استفاده از آن هیچ اشکال ندارد. سزاولر نیست که زن خودش را معطل کند(یعنی از زیور آلات استفاده نکند) ولو آویختن گردنبندی به گردنش باشد.

(بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۰ و ۲۸۸، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۷، مکارم الاخلاق، ص ۹۴)

- امام صادق(علیه السلام) فرمود: حضرت علی(علیه السلام) همسر و دختران را با طلا و نقره آراسته می کرد.

(بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۷۱، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۰۳۹)

- راوی گوید: از امام صادق(علیه السلام) درباره استفاده از طلا برای زینت دادن بچه پرسیدم. حضرت فرمود: امام سجاد(علیه السلام) فرزندان و همسر خود را با طلا و نقره آراسته می کرد. (بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۵۳۹، کافی، ج ۶، ص ۳۷۵)

- راوی گوید: از امام صادق(علیه السلام) درباره استفاده از طلا برای زینت دادن بچه پرسیدم. حضرت فرمود: امام باقر(علیه السلام) فرزندان و همسر خود را با طلا و نقره آراسته می کرد. (پس این مسئله اشکالی ندارد)

(بحار، ج ۶۶، ص ۵۳۹ / کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۰۳ / مکارم الاخلاق، ص ۸۶)

■ آراستن ناخن

- پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به مردان فرمود: «ناخنهایتان را کوتاه کنید و به زنها فرمود: ناخن خود را کوتاه نکنید، چون کوتاه نکردن ناخن برای شما، سبب زینت بیشتر می شود.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۴ / مکارم الاخلاق، ص ۶۵ و ۶۶، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۹۱ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸)

- امام باقر(علیه السلام) فرمود: «سزاولر نیست ... حتی زن سالخورده دستهایش را خضاب (رنگ) نکند، ولو دستهایش را به حنا بمالد.»

(بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۰، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۰۹، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۳)

- پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «به همسرت توصیه کن که بدون زینت نماز نخواند و اگر زیورنی نیافت لاقبل چرمی به گردن بیاویزد(استفاده از زینت بدل) و نیز به او امر کن که رنگ دستش را با حنا تغییر دهد و این کار را ترک نکند تا شبیه مردان نشود.»

(بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۸۸، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۸، مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۰)

■ رنگ مو

- امام صادق(علیه السلام) رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به زنان اجازه داد تا موی سر خود را به رنگ سیاه خضاب نمایند. آن حضرت فرمود: پیامبر(صلی الله علیه و آله) زنان مجرد و متأهل را سفارش نمود موی سر خود را خضاب نمایند و اما زنان متأهل برای شوهرانشان خود را زینت نمایند.

(بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲، مکارم الاخلاق، ص ۸۲، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۷)

■ آرایش و عذاری

- امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هیچ زنی نباید بیش از سه روز ترک زینت نماید و لباس مشکی بپوشد. مگر زنی که شوهرش از دنیا رفته است که چنین زنی باید تا پایان عده وقت (چهار ماه و ده روز) زینت را ترک نماید.»

(بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۷۲، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۳، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۱)

■ لزوم آراستگی شوهر برای زن

- راوی می گوید: امام سجاد(علیه السلام) را در اتاقی که فرش آن زرد رنگ و دیوارهایش سفید بود دیدم، در حالیکه لباس رنگین به تن داشت. مدت کوتاهی نزد ایشان نشستیم. هنگام برخاستن، امام(علیه السلام) فرمود: فردا انشاءالله نزد من بیا. پس از خروج از منزل به یحیی گفتم: مرا نزد مردی بردی که لباس رنگین پوشیده است. تصمیم داشتیم که دیگر نزد او برنگردم ... فردای آن روز نزد امام سجاد(علیه السلام) رفتم، او را در اتاقی گلی که بر حصیری نشسته بود و لباسی از کرباس به تن داشت و یحیی نزد او بود. آن حضرت به من فرمود: ای ابو خالد، من تازه ازدواج کرده ام و آن چیزهایی که دیروز دیدی نظر همسر من بود و من نمی خواهم با همسر من مخالفت کنم.

(بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۲، مستدرک، ج ۳، ص ۲۵۲، دلائل الامامه، ص ۹۱)

- راوی می گوید: «نزد امام باقر(علیه السلام) رفتم در حالیکه ایشان در اتاقی آراسته بودند. من به اتاق نگاه می کردم. حضرت فرمود: حکم، نظر تو در مورد آنچه می بینی چیست؟... سپس حضرت فرمود: ... این اتاقی که مشاهده می کنی اتاق همسر من باشد ... و اتاق من همان اتاق (ساده) است که می شناسی.»

(اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۶، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۱، مستدرک، ج ۳، ص ۴۶۵، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۹)



- عبدالله بن عطا گوید: روزی به منزل امام باقر(علیه السلام) رفتم و مشاهده کردم در منزل ایشان اثاثیه ای چیده شده و فرش و قالیچه دیدم، با تعجب پرسیدم: اینها چیست؟ آن حضرت فرمود: لوازم همسر می باشد.

(اصول کافی، ج ۶ ص ۴۷۶ و سایل الشیعه، ج ۵ ص ۳۳۶، مکارم الاخلاق، ص ۱۳۱)

- مالک بن اعین گوید: «روزی نزد امام باقر(علیه السلام) رفتم و ایشان را ملاقات نمودم در حالی که پوششی به رنگ قرمز تند داشت هنگام ورود خنده ام گرفت. آن حضرت فرمود: گمان می کنی نمی دایم چرا می خندی؟ تو از آن لباسی که بر تن دارم خنده ات گرفته است. همانا همسر از من تقاضا کرده آن را بپوشم و من بدلیل آنکه همسر را دوست دارم علیرغم عدم تمایل خود، آن را پوشیده ام.»

(بحار الانوار، ج ۴۶ ص ۲۹۲، اصول کافی، ج ۶ ص ۴۴۷، مکارم الاخلاق، ص ۱۰۵)

■ دلایل لزوم آراستگی شوهر برای زن

- ابی الحسن(علیه السلام) فرمود: «آراستگی شوهر برای زن، عفت زن را زیاد می کند.»

(بحار الانوار، ج ۷۶ ص ۳۰۷، مکارم الاخلاق، ص ۹۷)

- امام صادق(علیه السلام) فرمود: «... مرد به رنگ سیاه خضاب کند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: این کار باعث محبت و مهریابی در نزد زنان می گردد.»

(بحار الانوار، ج ۷۶ ص ۱۰۰، مکارم الاخلاق، ص ۷۹، وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۷۸)

- راوی می گوید: «به امام رضا(علیه السلام) گفتم: خضاب کرده اید؟ حضرت فرمود: بله، به حنا و کتم (گیاهی است برای خضاب و آن را وسمه نامند) آیا نمی دانی خضاب کردن اجر و ثواب دارد؟ بدوستی که زن دوست دارد تو را آراسته ببیند همانطور که تو دوست داری او را آراسته ببینی. به تحقیق زنها را کمی آراستگی و آمادگی شوهرانشان، از عفاف به فسق خارج می کند.»

(بحار الانوار، ج ۷۶ ص ۱۰۲، مکارم الاخلاق، ص ۸۰)

- امام رضا(علیه السلام) فرمود: «پدرم به نقل از پدران بزرگوارشان خبر داده است که به درستی که زنها ی بنی اسرائیل از عفاف خارج شدند و مرتکب گناه گردیدند و خارج نکرد آنها را مگر عدم آراستگی همسرانشان و فرمود: همانا زن، از تو همان چیزی را می خواهد که تو از او می خواهی.»

(بحار الانوار، ج ۷۶ ص ۱۰۲، مکارم الاخلاق، ص ۸۱)

- پیامبر اکرم(علیه السلام) فرمود: «پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «ها حنا خضاب کنیچرا که این کار دیده را جلا می دهد، باعث رویش مو می شود، خوشبو می کند و باعث آرامش زن (همسر) می شود.»

(بحار الانوار، ج ۷۶ ص ۹۹، من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۱۲۱، مکارم الاخلاق، ص ۷۸)

- امام باقر(علیه السلام) فرمود: «همان طور که شوهران دوست دارند زن خود را زینت شده ببینند، زنها نیز دوست دارند شوهر خود را آراسته ببینند.»



فقط همسر

■ نامه [به خانم خدیجه تقی (خانوادگی)].
زمان: فروردین ۱۳۱۲ / ذی القعدة ۱۳۵۱.
مکان: لبنان، بیروت.
موضوع: خانوادگی.
مخاطب: تقی، خدیجه (۱).

تصدقت شوم الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می‌گذرد ولی بحمدالله تا کنون هرچه پیش آمد خوش بوده و الآن در شهر زیبای بیروت هستم (۲) حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوشی دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبید

در هر حال امشب شب دوم است که منتظر کشتی هستیم، از قرار معلوم و معروف یک کشتی فردا حرکت می‌کند ولی ما ها که قدری دیر رسیدیم، باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجالتاً تکلیف معلوم نیست امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل، از این حیث قدری نگران هستیم ولی از حیث مزاج بحمدالله به سلامت، بلکه مزاجم بحمدالله مستقیم تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است جای شما خیلی خیلی خالیست. دلم برای پسر (۳) قدری تنگ شده است. امید است هر دو (۴) به سلامت و سعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت خدای تعالی باشند اگر به آقا (۵) و خانمها (۶) کاغذی نوشید سلام مرا برسانید. من از قبل همه نایب الزیاده هستم. به خانم شمس آفاق (۷) سلام برسانید و به توسط ایشان به آقای دکتر (۸) سلام برسانید. به خاور سلطان و ریابه سلطان سلام برسانید. صفحه مقابل را به آقای شیخ عبدالحسین بگویید برسانند.

ایام عمر و عزت مستدام، تصدقت، قربانت روح الله، عکس جوف در حال دلتنگی از حرکت نکردن. (۹).
صحیفه امام، ج ۱، ص: ۳

- (۱) - ملقب به قدس ایران، همسر امام خمینی.
- (۲) - برای عزیمت با کشتی به عربستان برای انجام اعمال حج.
- (۳) - آقای سید مصطفی خمینی که در آن زمان سه ساله بوده است.
- (۴) - اشاره به آقامصطفی و فرزند دیگرشان که در آن زمان هنوز به دنیا نیامده بود و چند روز پس از نگارش این نامه در زمانی که امام در سفر حج بودند، متولد گردید و او را «علی» نام گزارند. وی در کودکی بر اثر بیماری درگذشت.
- (۵) - آقای میرزا محمد تقی، پدر همسر امام خمینی.
- (۶) - مادر و مادر بزرگ همسر امام خمینی که در آن زمان در قید حیات بوده‌اند.
- (۷) - شمس آفاق تقی، خواهر همسر امام خمینی.
- (۸) - آقای دکتر علوی.
- (۹) - اشاره به نبودن کشتی جهت عزیمت به جده.

■ آیت الله خامنه ای

- اگر خودآرایی زن برای شوهر بود و او خود را برای شوهر پاکیزه و آرایش کند، هم عزیزه خود آرایی خود را الرضاء کرده و هم شوهر را از هوس به زنان بیگانه حفظ کرده است و شوهر نیز اگر در محبت به زن و توجه به او کوتاهی کند، نکوهش شده باید بی اعتنا به زن نباشد و با مراقبت های لازم او را از فکر انحراف جنسی حفظ کند.

محمد محمدی اشتیاردی، پوشش زن در اسلام، ص ۳۱

- در جوامع متدین و مذهبی، مشاهده می کنیم که دو نفر آدم مدت طولانی با هم زندگی می کنند و اصلاً از هم سیر نمی شوند، بلکه دلبستگی شان به هم بیشتر می شود، انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می شود، این همان خاصیت تدین و دینداری است.

مطلع عشق، ص ۳۱

- این غریبی ها که اینقدر سر مسئله زن، بازی در می آورند همین جا گرفتارند می گویند ما احترام زن را نگاه می داریم، بله احترام زن را در مجالس رسمی، در فروشگاهها و خیابانها نگه می دارند آن هم به معنای تلذذ از او اما آیا در خانواده هم، شوهر با زنش همین طور است؟ چقدر زن آزری، چقدر کتک زدن زنها به دست مردان؟ چقدر فاجعه آفرینی در داخل خانه؟

همان، صفحه ۵۴



- زن و شوهر هر چه بیشتر به هم محبت کنند، زیادی نیست آنجایی که محبت هر چه زیاد شود، ایرادی ندارد محبت زن و شوهر است. هر چه به هم محبت کنید خوب است. و خود اعتماد هم محبت می آورد. این محبت زن و شوهر جزو محبت‌های خدایی است، هر چه بیشتر شود بهتر است.

همان، ص ۶۸

- آیات قرآن که راجع به حجاب حرف می زند، راجع به حدود زن و مرد با یکدیگر دستور دارد این به خاطر خود مردم است. بخاطر همین خانواده هاست. همین دخترهای جوان که می خواهند شوهرشان را از دست ندهند، این پسرهای جوان که زن محبوبشان را می خواهند از دست ندهند این بدون حجاب نمی شود. آیات قرآن این طور حکمت آمیز و عمیق است. این محرم و نامحرم ها، این حجاب و حفظ زن، این « قل للمؤمنین یغضوا... » چشم‌هایشان را به هر منظره ای باز نکنید، به هر چیزی نگاه نکنید تا به هر طرفی کشانده نشوید. آن مردی که هر طور دلش بخواهد به هر طرف متمایل باشد، به طرف زنها عنانی ندارد و آن زنی که با حیا و عفاف و حجاب انسانی آراسته نیست حفاظتی ندارد، چنین مرد و زنی برای همسران خود اهمیت قائل نیستند.

همان، ص ۱۰۱-۱۰۲

- من همیشه به مرد های جوان توصیه می کنم، که شما در معاشرت با نامحرم و حتی محارم کاری نکنید و حرفی نزنید که زنان خود را وادار به حسادت کنید. به دختران جوان هم سفارش می کنم که در برخوردشان با مرد های بیگانه، کاری نکنند و حرفی نزنند که حس حسادت و غیرت شوهرانشان را تحریک نمایند.

همان، ص ۱۰۷

- این که اسلام آن قدر گفته است که چشمستان را ببندید به نامحرم نگاه نکنید، به زن یک جور، به مرد جور دیگر گفته است. برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت یخشی از سهم آن کسی که همسر شماست، آن طرف خواهد رفت. حالا شما چه مرد باشید و چه زن باشید فرقی نمی کند. وقتی اینجا کم گذاشتی، محبت ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، مبنای خانواده‌گی متزلزل می شود. آن وقت آنچه برای تو لازم است از دستت می رود و آنچه که برایت مضر است به خیال خودت به دست آوردی.

همان، ص ۱۱۰

■ علامه شهید مطهری

- اسلام التذاذ و کام جویی زن و شوهر از یکدیگر را نه تنها تقبیح نکرده است، ناپهالی هم برای آن قائل شده است. شاید برای یک نفر فرنگی شگفت انگیز باشد اگر بشنود اسلام مزاح و ملامت زن و شوهر، آرایش کردن زن برای شوهر، پاکیزگی شوهر برای زن، مستحب می داند. در قدیم که به پیروی از کلیسا همه گونه التذاذات شهوانی را تقبیح می کردند این حرفها را تخطئه کرده حتی مسخره می دانستند.

مسئله حجاب

اسلام التذاذات جنسی در غیر محدوده ازدواج قانونی را به شدت منع فرموده است. ولی لذت جنسی در حدود قانون را تحسین کرده است تا جای که فرمود: دوست داشتن زن از صفات پیغمبران است.

اسلام که دین فطرت است طبق سرشت زن مقرر داشته که از زینتها، لباس و جواهرات استفاده کند پوشیدن لباس حریر طبیعی و استفاده از طلا را که بر مردان حرام است برای زنان مجاز دانسته و نطافت و آرایش کردن برای همسر را از وظایف و حقوق همسری قرار داده و ترک آن را در صورتی که شوهر خواستار آن باشد، یکی از عوامل نشوز تلقی کرده است.

■ همسر شهید منوچهر مدق می گوید

- بعد از شهادت همسر او هر از گاهی می آید پیشمان، گاهی مثل یک نسیم از کنار صورتم رد میشود. بوی تنش می پیچد توی خانه. بچه ها هم حس می کنند سلام می کند و می شنویم. می دانه آنجا هم خوش نمی گذراند. او آنجا تنها است و من اینجا. تا منوچهر بود طرح غم را ندیده بودم. حالا شادی را نمی فهمم. این همه چیز توی این دنیا اختراع شده اما هیچ اکسیری برای دلتنگی نیست.

- من همه ی زندگی ام را در او می بینم در صدایش، در نگاهش، که غم ها را از دلم می شست. گاهی که به فکر بیماری اش می افتادم و در خود فرو می رفتم سربه سرم می گذاشت. یک « عزیز من » گفتش همه چیز را از یادم می برد. باز خانه پر از صدای شادی می شد.

- ایشان در خصوص علاقه شدید خود به همسرش ذکر می کند که هنگامی که شهید مدق برای تماشای آسمان به پشت بام می رفت به او می گفتم من از این پشت بام متنفرم. ما را از هم جدا می کند. بیا برویم پایین نمی توانستم ببینم آسمان و پرواز چند پرند منوچهر را می کشد بالای پشت بام و ساعت ها در آنجا نگهش می دارد. در این هنگام شهید مدق به من می گفت: « هر وقت دلت برابم تنگ شد بیا اینجا من آن بالا هستم ».

- دوست داشتم مثل او باشم، مثل او فکر کنم، مثل او ببینم، مثل او فقط خوبی ها را ببینم، من همه ی زیبایی ها را در منوچهر می دیدم با او می خندیدم، با او گریه می کردم، و با او تکرار می کردم.

- شهید منوچهر مدق هنگامی که زمان شهادتش نزدیک بود به همسر و فرزندان خود می گفت: «هیچ فرقی نیست بین رفتن و ماندن. من پیش شما هستم، فرقی این است که من شما را می بینم و شما من را نمی بینید. همین طور نوازستان می کنم، اگر روحمان به هم نزدیک باشد شما هم من را حس می کنید.

- همسر شهید منوچهر مدق به او می گفت: «من که لحظه های شاد زیاد داشته ام، از جبهه برگشتن هایت، زنده بودنت، نفس هایت، همه شادی زندگی من است. همین که می بینمت شاد هستم.»

هنگامی که شهید منوچهر مدق در جنگ شیمیایی شده بود همسرش مانند پروانه ای از او پرستاری می کرد، شهید منوچهر مدق به همسرش می گفت: «از توجه ات لذت می برم تا وقتی که ببینم توی نگاهت ترحم نیست.»



شهید منوچهر منق به همسرش می گفت: «فقط یک چیزی توی دنیا هست که می تواند تو را از من جدا کند، یک عشق دیگر؛ عشق به خدا، نه هیچ چیز دیگر» همین طور در رابطه با بچه دار شدنشان به همسرش می گفت: «یک صدم درصد هم تصور نکن کسی بتواند اندازه سر سوزنی جای تو را در قلبم بگیرد. تو قرشته دنیا و آخرت منی.»

■ همسر شهید مرتضی آوینی در خصوص همسر خود می گوید:

مرتضی مظهر همه ی کسانی بود که در زندگی جستجو می کردم، جای همه ی اعضای خانواده را برای من پر می کرد و همه چیز زندگی ام بود. هر چه به زمان شهادت نزدیک می شدیم بدون هیچ اغراقی احساس می کردم داریم به سالهای اول زندگی بر می گردیم. منتهی در این ابراز علاقه های آقا مرتضی مرتباً یک حالت ذکر و شکر و وجود داشت. بیان ایشان از لطفی که خدا دارد جدا نبود. هر چه بیشتر عشق به خدا در ایشان شدت می گرفت ابراز علاقه به خانواده هم در او شدیدتر می شد؛ حتی در لحظه های آخر شهادت هم ابراز علاقه می کردند.

■ همسر شهید مهدی باکری می گوید:

در دوازده سالگی که از شهادت آقا مهدی می گذرد، همیشه او را در خواب ها زنده می دیدم؛ با لباسی سراسر سفید که آمده تا سر سفره ای غنا بخوریم و یا خبر می دهد که آماده شوید، می خواهم شما را ببرم، یک بار هم ندیدم که شهید شده باشد.

◆ بررسی شبهات حجاب

۱- حجاب مانع پیشرفت زن است.

- اسلام با اصل حضور زن در تمامی عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و پیشرفت در این عرصه ها هیچ مخالفتی ندارد و اکثر مشاغل اجتماعی زمان پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) را زنان هم عهده دار بوده اند، از فروشنده تا پرستاری و معالجه و درمان بیماران و هیچ کدام مورد نهی پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) قرار نگرفته اند. بلکه حتی در بعضی اوقات حضور زن در این عرصه ها دینی نیز هست.

امام خمینی (ره) می فرمایند:

«اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است. این تبلیغات که اگر اسلام پیدا شود، مثلاً زنها دیگر بروند توی خانه ها بنشینند و قلبی هم درش بزنند که بیرون نیایند، چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند. صدر اسلام زنها توی لشکر هم بودند، توی میدانهای جنگ هم می رفتند.»

- اگر قرار بود در اسلام زن در اجتماع حضور نداشته باشد و فقط در خانه در کنار مجارم خود باشد، اصلاً حجاب معنا پیدا نمی کرد.

امروزه هیچ رشته شغلی و تحصیلی (در شأن زن) وجود ندارد که حداقل چند مورد از زنان معتقد و مقید به حجاب اسلامی در آن حضور نداشته باشند (به آمارهایی که پس از پیروزی انقلاب در مورد موفقیت و پیشرفت زنان محجبه مسلمان ایرانی انجام شده توجه کنید)

امام خمینی (ره) می فرمایند:

«زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنها به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی شود، از چیزی که جلوگیری می شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند برای هر دو حرام است. شما همانگونه که در نهضتها نقش اساسی داشته اید و سهیم بوده اید، هم اکنون هم باید باز در پیروزی سهیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضاء کند نهضت کنید و قیام کنید. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند.»

- بنای اسلام در روابط اجتماعی به حداقل رساندن استهلاک قواست یعنی انسان انرژی خود را صرف فعالیتی نکند که به قصد آن وارد اجتماع نشده و بتواند راحت ترین و سریع ترین راه را برای انجام اهدافش بیامد. زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رای دادن، حق رای گرفتن؛ در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لیکن هم در مرد مواردی هست که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل آنکه مفاسد می آفریند حرام است.

- وجود حجاب یک مرزبندی ایجاد می کند تا در ورای مرزها هر کدام از دو جنس بتوانند کار خود را انجام دهند علم ثابت کرده و تجربه نشان داده است که اگر این مرز وجود نداشته باشد عملاً به دلیل جاذبه ای که بین دو جنس برقرار است جلوی فعالیتهای مفید آنها گرفته می شود به همین دلیل است که الان در برخی کشورهای اروپایی طرح جدایی دانشجویان و دانش آموزان دختر و پسر در کلاس اجرا می شود و در ژاپن واکنشهایی جدی برای خاتمه و آقایان در قطارها به منظور افزایش راندمان کار، برنامه ریزی شده و نیز بیمارستانی مخصوص خاتمهها در ژاپن وجود دارد که تمام پرسنل آن نیز خاتم هستند و به قدری مورد استقبال قرار گرفته است که خاتمهها از یک ماه قبل برای استفاده از این بیمارستان نوبت می گیرند.

۲- پس علت پیشرفت کشورهای غربی چیست؟

سما همه پیشرفتهایی که در غرب مطرح است، را پیشرفت نمی دانیم مثلاً در غرب با استفاده از جذابیت های زن بازاریابی و فروش کالا و تولیدات بالا رفته و این مساوی است با ضایع ساختن ارزش زن.

- پیشرفت های کشورهای غربی معلول بی حجابی نبوده بلکه در خیلی از عرصه ها پیشرفت آنان معلول تلاشها، برنامه ریزیها و مدیریتهای آنان بوده و چه بسا اگر حجاب داشتند، پیشرفته تر از الان هم بودند.

- پیشرفت نکردن ما نیز معلول حجاب نیست، بلکه علت در عوامل دیگری مانند عدم برنامه ریزی و تلاش کافی خودمان و سیستم مدیریت جامعه است.



استهلاک قوا گاهی مادی و گاهی معنوی است. بی حجابی بخش عظیمی از قوای معنوی انسان را مستهلک می کند و مانع تعالی روحی انسان می شود این مسئله نه تنها مختص مسائل جنسی نیست، بلکه اگر کسی دائم مشغول خوردن باشد و هم و غمش شکمش باشد و یا که زیاد بخوابد، قوایش مستهلک می شود و نمی تواند به مرتبه رشد و تعالی مورد نظر برسد در جامعه ای که حجاب وجود دارد تحریکات جنسی به حداقل می رسند.

۳- حجاب سلب آزادی از زن

ما دو راه بیشتر نداریم:

راه اول این است که بگوییم هیچ گونه محدودیتی در روابط زن و مرد وجود نداشته باشد و آزادی مطلق باشد.

راه دوم این است که به یک سری محدودیتها قائل شویم، در دنیای امروز کسی نیست که به راه حل اول معتقد باشد؛ اگر از طرفدار (فرضی) آزادی مطلق بپرسیم: «آیا تجاوز به عنف آزاد است؟» می گوید: نه. حتی در کشورهای غربی و اروپایی حداقل برای تشکیل رابطه زناشویی و تولید نسل قانون وجود دارد و گرنه مسأله پدر و مادری و مسأله خونی از بین می رود. افرادی که اصلاً حجاب را قبول ندارند نیز حداقل پوششی را برای خود پذیرفته اند و خط قرمزهایی را در ذهن خود تعریف می کنند. اگر راه دوم را انتخاب کنیم این سؤال مطرح است که مرز این محدودیتها کجاست؟

تفاوت نظر اسلام با سایرین در این است که ملاک تعیین این محدوده، وحی و تعالیم قرآن و سنت است که مطابق عقل نیز هستند. اما در مکاتب اومانیسمی عقل محدود و لیبرال اندیش بشری و سالیق انسانها با توجه به اسالت دنیا و انکار معاد ملاک قرار می گیرد، غافل از اینکه آدمی حتی در یک برهه از زمان هم قدرت بررسی تمام ابعاد(وجود خود) و تعیین مصلحت خویش را ندارد.

امام خمینی(ره) در این باره می فرماید:

"غرب به اسم اینکه برای زن می خواهد مقام درست کند، زن را از مقام خودش پایین تر آورد، زن را مثل یک عروسک درست کرد، در صورتی که زن انسان است، زن مری جامعه است، از دامن زن انسانها پیدا می شوند."

ما برای اصل تشکیل خانواده ضابطه گذاشتیم اما از سوی دیگر، تحریکات جنسی را آزاد گذاشتیم تحریکات جنسی چیزی نیست که برای نفس سرکش آدمی اشباع شدنی باشد، جذابیتهای زنان آشکارا مرد را به سوی خود می کشند. هیچ کس نمی تواند بگوید مرد، زن را ببیند و تحریک نشود. شاهد اشباع نشدن این گزینه سرکش در کشورهای اروپایی میل به رابطه با همجنس، رابطه جنسی با حیوانات و حتی اشیاء است. در اینجا مثال مدارس و دانشگاه های جداگانه دختر و پسر در کشورهای غربی و واکنشهای جداگانه خاتمهها و آقایان و بیمارستان مخصوص خاتمهها در زاین که قبلاً هم بیان شده شاهدی بر این قضیه است.

یک سوال: می دانیم آزادی قلمروهایی دارد مثلاً آزادی بیان، عقیده، فعالیت سیاسی - اجتماعی و... حجاب کدام آزادی را سلب می کند؟

وقتی در اسلام حضور اجتماعی، اختلاط زن و مرد (آنجا که اختلاط دو انسان باشد نه جنس زن و مرد) و فعالیتهای سیاسی زن ممنوع نیست بلکه گاهی واجب نیز هست، دیگر کدام آزادی است که با حجاب سلب شده است؟ مگر اینکه مراد از آزادی، هرزگی جنسی و بی بند و باری غریزی باشد که البته حجاب این آزادی را محدود می کند و رسالت حجاب نیز همین است.

امام خمینی(ره) باز هم در این باره می فرماید:

"خواهر ها مثل برادرها در تمام فعالیتهایی که در رشد انسانی تأثیر دارد، آزادند آن آزادی که در اسلام ممنوع است آن است که موجب فساد و قحشا می شود و ملت را تباه می کند." نباید این نکته را نادیده بگیریم که حجاب که اصل آن مطلوب و مفید است مانند دانش آندوژی، راست گوئی، صداقت و کسب ثروت مشروع و... با برخی دشواریها همراه است و اصولاً همیشه موفقیتها با سختی ها همراهند. ما خردمان گاهی برای خردمان محدودیتهایی را قائل می شویم بعضی غذاها را نمی خوریم، از خوردن زیاد شیرینی خودداری می کنیم؛ اینها محدودیت هستند ولی محدودیتهای مطلوبی هستند که به سلامتی منجر می شوند. برای آزادی از بندهای نفسانی و کسب آزادی معنوی، حجاب محدودیت است ولی محدودیت مطلوب نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

مارگوت مارکوس می گویند: اگر مقصود از آزادی زنان این است که زنان حق دارند از طریق تحصیل و به کار بردن استعداد و کفایت خود، کسب معیشت کنند تا ضرورتهای حیات را به دست آورند؛ در این صورت این معنا حق مسلم آنان است. ولی بدبختانه قهرمانان آزادی زنان، اصرار دارند که زنان مسلمان در آمیزش با مردان در اجتماع آزاد باشند و لباس بی عفتی بپوشند (سخن جوان و کنترل غریزه ص ۵)

۴- چرا حجاب برای زن باشد ولی برای مرد نباشد؟

از نظر تصاحب قلبها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنانکه از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی.

(استاد مطهری مجموعه آثار، ج ۱۹ ص ۲۲۷ با کمی تلخیص)

- تفاوتهای فیزیکی و روانی زنان و مردان جای انکار ندارد. در هیچ کجای جهان نوع مردان از لوازم آرایش صورت برای زیبایی استفاده نمی کنند و ...

- تمایلات جنسی در هر دو جنس به ودیعه گذاشته شده ولی تظاهر و نمود آن در دو جنس به یک گونه نیست. در مورد تحریک پذیری، غریزه جنسی مردان زودتر از زنان برانگیخته می شود و آستانه تحریک پذیری آن بسیار پایین تر از زنان است. بسیاری از چیزهایی که برای مردان مهیج است زنان را به تهییج و نمی دارد. بر این پایه اگر قانون پوشش برای آن است که زمینه های تهییج جنسی در غیر محیط خانواده از میان رود، این واقعیتهای متفاوت در زن و مرد احکام ویژه ای را به دنبال خواهند داشت.

در واقع تفاوت حجاب زن و مرد از واقعیتهای وجودی این دو صنف برخاسته و این تمایزها به نحوی است که جای انکار ندارد و اصولاً همیشه جاذبه جسمی زن برای مرد بیش از حالت عکس است. در عین حال توصیه مشترک به زن و مرد این است که چشم خود را از نگاه به نامحرم فرو بندند.

لیندزی کان در مقاله "مردان می نگرند و زنان نگریسته می شوند" می گوید:

"این که در آئین حق، ستر و پوشش عامانیت و آرامش معرفی شده است به این خاطر است که زن در معاشرت با مردان با اندیشه و تفکر وارد شود، نه مرد زن را جنسی ببیند و نه زن با تن خود جلوه گری کند."



۵- چادر مشکی عامل دلمردگی زنان (مگر رنگ مشکی کراهت ندارد ؟)

در متون اسلامی رنگ یا مدل خاصی برای پوشش زنان توصیه نشده است. بلکه حدود پوشش از نامحرم مطرح شده و این فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف است که رنگ یا مدل این پوشش را تعیین می کند، در عین حال در مورد رنگ مشکی از نظر دین اسلام و از نظر روانشناسان نکات زیر را مطرح می کنیم.

- امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: پوشیدن لباس مشکی کراهت دارد مگر در ۳ چیز: کفش و عمامه و کساء (کساء به لباس بزرگ مثل عبا و چادر و امثال آن می گویند)

- امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به پیراهن و کلاه مشکی پوشیدن می فرمایند: تلذت را از گناه و آلودگی پاک نما و هر رنگی را که خواستی بپوش.

- ماکس لوتر روانشناس رنگها می گوید: "سیاه نمایانگر مرز مطلق است"

- رنگ سیاه برای تعیین رنگها و حریمها بین خود و نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می کند، در واقع سیاه نه، در مقابل سفید به.

- در حالیکه رنگهای روشن توجه را به خود جلب می کنند، رنگ سیاه این خاصیت را ندارد.

- سیاه نقطه پایانی است. چادر مشکی یعنی پایان نگاه نامحرم، یعنی فراسوی پوشش جایی برای نفوذ نگاه ها و نیت های ناپاک نیست و سیاه نشانگر ترک علاقه و انصراف نهایی و استعمال چادر سیاه فقط برای اوقات کوتاه است که زن در بیرون از خانه است و اصولاً افراد در بیرون از خانه برای اینکه بتوانند همیشه ظاهری آراسته داشته باشند بیشتر از رنگهای تیره استفاده می کنند تا به دلیل آلوده بودن فضای بیرون از خانه، شستشوی آن مشکل ساز نباشد مثلاً عموماً در لوینفرم های مکانهای اداری و آموزشی از رنگهای تیره استفاده می شود.

- فردی که لباس تیره ای را پوشیده خودش را نمی بیند که مثلاً دیدن این رنگ او را دلمرده کند بلکه زن با پوشیدن این لباس، خود احساس امنیت می کند زیرا توجه نامحرم را از خود سلب کرده است. در عمل می بینیم دلمردگی و افسردگی نه تنها در خانمهای چادری بیشتر نیست بلکه کمتر هم هست.

- اگر رنگ سیاه برای بشر اینقدر خطرناک بود چرا خداوند حکیم این رنگ را آفرید؟

۶- با حجابی: افزایش التهاب و جلب توجه / بی حجابی: عامل اشیاع شدن جامعه

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد. همان طور که بشر- اعم از مرد و زن - از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشیاع نمی گردد، در مورد نیروی جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود. (مسئله حجاب شهید مطهری، ص ۸۰)

- وقتی با رعایت حجاب جاذبه های جنسی زن پنهان می شود چه التهابی در مرد به وجود می آید؟

- بر فرض، اگر حجاب زن موجب جلب توجه و افزایش التهاب مرد شود (که مسلماً درصد آن بسیار کمتر از یک فرد بی حجاب و آراسته خواهد بود) این سوال مطرح می شود که جلب توجه به چه چیزی رخ داده جلب توجه به کدام جاذبه زن بوده در واقع این جلب توجه مفسده ای نخواهد داشت.

- کریستین سن می نویسد: "در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو پرویز در حرم داشت می بینیم. این شهریاران هیچ گاه از این میل سیر نمی شدند. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می دادند به حرم خود می آورد. هر زمانی که میل تجدید حرم می کرد نامه ای چند به فرمانروایان اطراف می فرستاد و در آن بوصف زن کامل عیار را درج می کرد. پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می دیدند به خدمت می بردند." (کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان)

"از این گونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. در تاریخ جدید این جریانها به شکل حرمسرا نیست. به شکل دیگر است. با این تفاوت که در جدید لزومی ندارد کسی به اندازه خسرو پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد. در جدید به برکت تجدید فرنگی برای مردی که یک صد هزارم پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد میسر است که به اندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند." (استاد مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۲۷ با کمی تلخیص)

- اگر در جوامع غربی مردان ظاهراً به نوع پوشش زنان بی توجه هستند در واقع غریزه (سیری ناپذیر) مردها اشیاع نشده بلکه آنچه رخ داده این است که آستانه رضایتمندی آنها بالا رفته است و در واقع رابطه جنسی بر قرار می شود بدون اینکه فرد کاملاً ارضا شود. انسان غربی هر چه در ارض این غریزه پیش رفت این میل متوقف نشد؛ به جایی رسیدند که دیگر زن برای مرد کافی نبود و به همجنس گرایی روی آورد تا آن جایی که این کار وجهه قانونی نیز پیدا کرد. پس از آن به ارتباط جنسی با حیوانات روی آوردند سپس به ارتباط جنسی با اشیاء و اکنون نمی دانند با این غریزه سرکش چه کنند، یعنی در واقع روز به روز آستانه تحریک پذیری انسان غربی بالا تر رفت ولی به ارامش نرسید.

- اگر بر فرض مرد با این آزادی ها سیر شود آن جامعه ای به یک جامعه بیمار تبدیل شده که در آن ازدواجی رخ نخواهد داد.

"وقتی مرد پذیرفت که بنگردد و زن پذیرفت که نگرسته شود، همان طور که جان برگ می گویند مردان به زنان می نگرند و زنان به خود نگاه می کنند که مورد تماشای قرار گرفته اند"

ایا دیگر چیزی برای دفاع باقی می ماند؟ چرا مرد به خانه و خانواده وفادار باشد؟ اصلاً چرا خانه و خانواده شکل بگیرد؟ استحکام خانواده مفهومی نخواهد داشت. "لیندزی کان"

در جوامع غربی به جای تن دادن به سختی ها و درد سرهای تشکیل خانواده، از بازار آزاد و حرمسرای عمومی جامعه بهره می برند و به تعبیر ویل دورانت: "مانند بالزاک کشف می کنند که خرج یک عیب و تنگ از خرج خانواده کمتر است" (ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۶۹، حجاب اسارت یا آزادی ص ۱۱۰)

- تمهیدات دین این است که سطح رضایتمندی را در یک نقطه نگه دارد و مرد از ارتباط جنسی با همسر خود در کانون خانواده احساس لذت و رضایت کند و حرص انسان کنترل شود و این با طبیعت انسان نیز سازگار است. (که ارتباط جنسی با حیوانات، اشیاء، همجنس گرایی و غیره هرگز با طبیعت انسان سازگار نیست). آتش غریزه با تحریک آن خاموش نمی شود؛ بلکه شعله ور می گردد. (نسخه جوان و کنترل غریزه ص ۸۲)

- جوامع غربی با بی حجابی و آزادی های بی حد و مرز جنسی و نمونه هایی آشکار از اوج التهاب در جامعه هستند که امروزه جامعه شناسان غربی از علاج آن وامانده اند.

استاد مطهری درباره ی بر ادعا ترین کشور مدعی ایجاد دموکراسی و تمدن می نویسد: "طلاق گرفتن در آمریکا به آسانی تا کسی گرفتن است... در نیمه دوم قرن بیستم این ضرب المثل در آمریکا معروف شده که "عشق دوم دلپذیرتر است". سراب طلاق نه تنها از نواز زوج های جوان بلکه حتی ملانر آنها و زن و شوهران قدیمی را نیز به سوی خود می کشد تا آنجا که از جنگ جهانی دوم به این طرف سطح طلاق در آمریکا از میانگین ۳۰۰ هزار طلاق در سال پایتخت نرفته. و سن متوسط زن طلاق گرفته آمریکایی ۲۵ سال است. از هر ۴ زن مطلقه آمریکایی یکی الکی می شود و اینها ۳ برابر بیشتر از زنان شوهر دار خودکشی می کنند." (نظام حقوق زن، شهید مطهری، حجاب آزادی یا اسارت، ص ۱۹۷)

- اگر منظور از التهاب، جاذبه شخصیتی زن باشد بله حجاب این جاذبه را ممکن است ایجاد کند زیرا همیشه مرد تصویری که از شخصیت زن در ذهن خود دارد باید این باشد که ورازی چیزی که الان مشاهده می کند ارزش بالاتری هست که در معرض دید مرد قرار نگرفته این زن را مقایسه کنید با زنی که حجاب ندارد و ظاهر و باطنش را مرد می تواند ببیند.



- در اینجا توجه شمارا به برخی از آمارهایی که در مورد مشکل بی حجابی در کشورهای غربی، جایی که مردم باید بر اثر بی حجابی اشباع شده باشند! به دست آمده جلب می کنیم: بانو قاتی دشتام نویسنده مجله معروف "آل" در مورد زنان دانمارکی تحقیقاتی کرده که خلاصه ای از گزارش او را در زیر می خوانید:
"یکی از کشورهای آسیب رسیده، دانمارک است. در دانمارک شاید آنچه بیش از همه باعث حیرت و نفرت شما می شود، تعداد روز افزون مادران جوان است. چهل و شش درصد از ازدواج های دختران دانمارکی "شباب آلوده" است زیرا که عروس پیش از ازدواج رسمی باردار شده است. یک دختر دانشجوی دانمارکی می گفت: در کشور ما خانواده و مدرسه اخلاق را دفن کرده و به جای آن آزادی بی بندوباری را زنده کرده اند... آزادی جنسی برای دختر، با وجود همه پیشگیری ها و احتیاط ها فقط یک نتیجه دارد (یک کودک بی پدر!) (مجله "آل" به نقل از کتاب برای چشم‌په‌ایت ص ۴۰ و ۴۱)

- طبق آمارگیری در انگلستان ۴۱٪ زنان ۱۶ تا ۳۰ ساله از اینکه احتمالاً مورد تجاوز قرار گیرند بطور دائم بسیار نگرانند. بیش از ۱۱٪ زنان انگلیسی معتقدند که به هر حال یک روز از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت. ۴۰٪ زنان از آذربایجان هشداردهنده تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷٪ زنان در کلاسهای آموزش دفاع شخصی آموزش دیده اند. (جمهوری اسلامی ۶۴/۹/۲۳)

- تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه یک فقره به هر ۱۴ دقیقه (یک فقره) رسیده، طبق نوشته مجله آمریکایی نیویوریک هر سال ده ها هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفاده های دیگر قرار می گیرند و این آمار مربوط به دو دهه گذشته است (اکنون این آمار به طور وحشتناک افزایش یافته است.) (فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳)
- در آمریکا از هر ۴ نوزاد یکی نامشروع است. تنها در سال ۱۹۷۹ بیش از ۵۹۷۰۰۰ کودک نامشروع در آمریکا متولد شده اند. در سوئد سالانه ۲۷۰۰۰ کودک نامشروع متولد می شود. (عوامل فساد ص ۵۵ داستانهایی در پوشش حجاب ص ۸۲)
آیا به نظر شما در این جوامع غریزه جنسی با وجود بی عفتی اشباع شده است؟!!

۷- بی حجاب بی دین نیست.

- بی حجاب بی دین نیست ولی فردی است که یکی از اساسی ترین اصول اسلامی و ظاهرترین و بارزترین اصول در خانم ها را رعایت نمی کند. او در واقع خود را از خدا بالاتر دانسته و احکام و دستورات خدا را طبق سلیقه خود انتخاب کرده به آنهایی که خوشش می آید عمل می کند (مثلاً نماز، روزه و...) و به آنهایی که خوشش نمی آید عمل نمی کند. و در واقع در برابر دین اسلام که همان تسلیم است خود را برتر می داند و مصداق این آیه از قرآن کریم است که (نومن بیعض و نکفر بیعض) به بعضی از آن ایمان دارد و منکر قسمت دیگری از آن است و این درحالی است که نماز و روزه ابعاد فردی دارند ولی حجاب ابعاد اجتماعی بسیار گسترده و عمیقی دارد و می تواند در تحکیم یا سست کردن خانواده ها مؤثر باشد.

۸- خدا بزرگتر و مهربانتر از آن است که ...

در توجیه بی حجابی می گویند خدا بزرگتر و مهربانتر از آن است که مثلاً به خاطر چند تار مو و آدم را مجازات کند.
- باید توجه داشت که این توجیه را می توان در باره همه ی دستورات دینی به کار برد مثلاً بگویم خدا بزرگتر از آن است که به خاطر نخواندن چند رکعت نماز، خوردن یک تکه نان در ماه رمضان (روزه خوری)، چند جمله غیبت کردن، تهمت زدن یا دروغ گفتن آدم را مجازات کند خدا از رحم الراحمین است. آن وقت چه چیزی از دین باقی خواهد ماند، و این در حالی است که حجاب از جمله دستورات دینی است که اثرات آن فقط فردی نیست و ابعاد اجتماعی مهمی دارد.

۹- قلبت پاک باشد.

یکی دیگر از توجیهات افراد بی حجاب این است نباید قلب پاک باشد و به ظاهر نباید توجه کرد.
- قلب پاک و سلیم چه قلبی است آیا قلبی که حاضر نیست در برابر فرمان الهی تسلیم باشد و در اطاعت از شیطان نفس خود خاضع است می تواند پاک باشد؟ این قلب از چه چیزی پاک است؟ آیا از گناه پاک است؟
- چگونه می توان با ظاهری فریبنده از نامحرم بخواهید که به ظاهر من توجه نکن و به درون پاک من توجه کن و چه بسیار افرادی با قلبهای پاک اباعت انحراف جامعه و جوانان و از هم پاشیدگی بنیان های خانواده ها شدند.

۱۰- چادری ها از همه بدتر اند.

- رعایت حجاب فقط با چادر میسر نیست بلکه چادر حجاب برتر است.
- در تمامی اقشار مختلف جامعه از جمله پزشکان، نظامیان، معلمان، کارمندان، روحانیون و... تعدادی آدم بد دیده می شوند آیا می توان گفت: پزشکان، نظامیان و... از همه بدترند و هیچ کس نباید دیگر پزشک شود؟

- در قشر افراد بی حجاب هم رفتارهایی (اعم از خوب و بد) دیده می شود. نکته اساسی و مهم اینجاست که "اسلام" ملاک است نه او که مدعی مسلمانی است.
- اگر فرد چادری به گناه های دیگری آلوده است حتماً به خاطر آن گناهان، خداوند او را مجازات خواهد کرد ولی به خاطر حجابش به او پاداش خواهد داد البته اگر به خاطر اطاعت از فرمان الهی چادر بر سر کرده باشد همان طور که اگر فرد بی حجابی دارای اعمال خوبی باشد به خاطر آن اعمال پاداش دریافت خواهد کرد به شرط آنکه تبتش خدایی باشد ولی به دلیل نداشتن حجاب مجازات در انتظار او خواهد بود، و در گناه کسانی که بر اثر بی عفتی او به انحراف کشیده شده اند هم شریک است.

۱۱- به آقایان بگویند نگاه نکنند ...

لیندزی کان در مقاله ی مردان می نگرند و زنان نگریسته می شوند، این اصل را بیان می کند که: "تصور مردان است که اهمیت دارد نه واقعیت وجودی زنان، و وقتی اصل نگاه مردانه که مبتنی بر برهنگی زنان است، حاکم بر روابط انسان ها و تبدیل به ارزش شد، شناخت زن به خاطر استعداد، آگاهی، ایمان، شرف و حجب و حیا معنا و مفهومی نخواهد داشت، دیگر ارزش زن در فکر و اندیشه او نیست."

- تدبیر دین در کنترل مفاسد، حذف زمینه های فساد است و ابتدا باید زمینه فساد را از بین برد، همیشه پیشگیری بهتر از درمان است.





- خداوند نفرموده، ای پیامبر به هر طریق ممکن جلوی مزاحمین خیابانی را بگیر و آنان را مواخذه و تعزیر کن؛ بلکه فرمودند به زنان بگو حجابشان را کامل کنند و با بی حجابی و بد حجابی و نشان دادن گیسو، صورت، گردن و... باعث تحریک مردان نشوند. یعنی مایه فتنه و فساد جامعه اول زنان هستند سپس مردان (نسخه جوان و کنترل غریزه ص ۳۴)

- امکان کنترل نگاه مرد در جامعه ای که بر از بی حجابی است تقریباً غیر ممکن است و اصلاً چنین انتظاری از مرد غیر معقول است چون نگاه خواه ناخواه به افراد بی حجاب می افتد و دائماً مرد باید با خودش مبارزه کند آن هم با قوی ترین غریزه خود.

وندی شلیت (فارغ التحصیل فلسفه از آمریکا) می گوید:

چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم مردان محترمانه رفتار کنند در حالی که تعداد زیادی از زنان با بی عفتی خود دائماً پیام می فرستند که لازم نیست اینگونه باشند؟! (فمنسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۳۳)

- چه طور می توان در خیابان راه رفت ولی به جلو خود نگاه نکرد. به نظر می رسد چنین حرفی جز یک توجیه غیر منطقی برای فرار از واقعیت چیز دیگری نیست.

۱۲- آیا حجاب با فطرت زن سازگار است؟

اگر حجاب با فطرت زن سازگار است چرا همیشه عده ای از احکام آن شانه خالی می کنند؟

- این سوال به حجاب اختصاص ندارد همیشه عده ای در برابر فطرت خود اینطور عمل کرده اند علاوه بر این بستر های اجتماعی نیز در روی آوردن و پشت کردن انسان ها به احکام الهی نقش دارند اگر برای یک مسأله فطری بستر سازی مثبت نشود و تفرق عمومی نسبت به آن ایجاد شود بسیاری افراد از فطرت اولیه خود دور می شود. امروزه مشاهده می شود که امور بدیهی، گاهی با تبلیغات و بستر های اجتماعی مورد تشکیک قرار می گیرند.

۱۳- چرا حجاب را برای غیر مسلمانان اجباری می کنید؟

- اگر بی حجابی برای غیر افراد مسلمان آزاد باشد این احتمال وجود دارد که بعضی مسلمانان برای شانه خالی کردن از حجاب بگویند ما می خواهیم مسلمان نباشیم و از این راه باب مفاسد جنسی جامعه باز می شود و این برخلاف مصلحت جامعه اسلامی است.

- حجاب برای کنترل هرج و مرج و کنترل روابط جنسی در جامعه است و برای حفظ سلامت جنسی جامعه لازم است. باید با بی حجابی افراد چه مسلمان و چه غیر مسلمان در جامعه مخالفت شود وگرنه منکر، دامن همه را می گیرد و همه از آن متضرر می شوند.

- این نکته نباید ناگفته بماند که طرفداران ادیان (غیر اسلام) تنها با حجاب بیگانه نیستند بلکه در دین آنها (مسیح- یهود - زرتشت) تاکیدات زیادی به حجاب شده و گاهی از آنچه در اسلام است خیلی بیشتر است.

۱۴- بگذارید زن حق انتخاب داشته باشد.

سؤال: اگر زن‌ها خودشان خواستند حجاب را رعایت کنند در غیر این صورت حق انتخاب را از آنها نگیرید هر کس خواست با حجاب باشد، باشد و هر کس خواست به خانه فساد برود، برود.

- برنامه دین برای اداره جامعه حذف زمینه های فساد است (پیشگیری بهتر از درمان است). در مرحله بعد اگر در جامعه ای فساد به وجود آمد باید زیر لایه های دیگر مخفی بماند. علتی شدن فساد بسیار مضر است. مدل هدایت دینی این است که جو جامعه طوری نباشد که احساس شود ابتلائی به فساد راحت انجام می شود. حالت ترس از فساد همیشه باید وجود داشته باشد و فساد حقیقی در زیر لایه های اصلاح خود را پنهان کرده باشد. همان طور که در یک جامعه سالم حالت ترس از دزدی، قتل و... باید زیاد باشد بی حجابی نیز عامل فشار جنسی در جامعه می باشد. نباید جو جامعه طوری باشد که به راحتی افراد بی حجابی را انتخاب کنند.

- برنامه ریزی دینی این است که زمینه فساد را در جامعه کم کنیم. فساد علتی را کم کنیم تا کسی که می خواهد به سراغ فساد برود احساس ترس داشته باشد.

- اگر در جامعه ای افراد بی حجاب و اهل خانه های فساد و... وجود داشته باشند به دلیل نفس اماره ای که در انسان وجود دارد به نوعی راه فساد به بقیه مردم نشان داده می شود و آنها وسوسه می شوند و میل به گناه در انسانهای پاک هم به وجود می آید.



خون نوشته‌ها

آنچه برای من به یادگار گذاشته ای ...

• به خدا قسم اگر می دانستم با هر بار که خونم ریخته می شود، بی حجابی آغوش حجاب را دربرمی گیرد، حاضر بودم هزاران هزار بار کشته شوم.
شهید یعقوب ابراهیم نژاد

• شما هم با اسلحه خود که حجاب است به جنگ دشمنان برخیزید.

شهید حشمت‌اله جمالی

• مادران و خواهران! حجابتان را حفظ کنید زیرا در روزی که خیمه های اهل بیت امام حسین (علیه السلام) را به آتش کشیدند و حجاب را از سر زنان برداشتند، سکینه دختر ابا عبدالله به عمماش گفت: «هل من حرقه سیرتها رأس آیا پارچه ای هست که به وسیله آن سرم را بپوشانم.»

شهید عباس بازماندگان قشمی

• حجاب شما سنگریست آغشته به خون من که اگر آن را حفظ نکنید به خون من خیانت کرده‌اید.

شهید احمد پناهی درچه

• حجاب خود را حفظ کنید و فاطمه (سلام الله علیها) را یار و یاور باشید تا فاطمه (سلام الله علیها) نیز شما را یاری کند.

شهید مرتضی عابدی

• خواهران و برادران، شیطان همه جا هست بر او غلبه کنید. خواهران در حجاب و برادران در نگاه می توانند شیطان را سرکوب کنند.

شهید تقی حسینی دهبینه

• امام فرمودند: آمریکا از این حجابها می ترسد و واقعاً هم همین طور است.

شهید علی رضا رشیدی

• همانا حجاب سپر امن الهی از عذاب خداوند است.

شهید حسین سجودی

• اما ای خواهران گرامی! در جامعه در حفظ حجاب خود بکوشید؛ سعی کنید با اعمال و رفتار تان در آن دنیا با حضرت فاطمه (سلام الله علیها) محشور شوید؛ این دنیا زود گذر است و بزودی همگی ما برای پاسخ درمیز محاکمه الهی حاضر می شویم و آن موقعی است که از شما سؤال می شود: ای زنان آیا پیرو حضرت فاطمه بودی [آید] یا نه؟ چه جوابی داری [آید] یا بدهی [آید]؟

شهید منصور رنجبر از لور بچه

• سفارش می کنم شما را به تقوا و حجاب که حجاب تو سنگری است آغشته به خون من.

شهید اسدالله ریوفی سهر و فیروزانی

• ای خواهران، جهاد شما حجاب شماست و اثری که حجاب شما می‌تواند بر روی مردم بگذارد، خون ما نمی‌تواند بگذارد.

شهید محمد رضا شیخی

• شما ای خواهران ... حجاب خود را حفظ کنید که حجاب تو کوبنده‌تر از خون من شهید است، حجاب تو وقار توست، وقار تو افتخار ما، وقار تو شرف تو و عفت توست.
شهید رمضان علی کاظمی جوجیلی

• ای زنان مسلمان! زیبایی شما حفظ حجاب است. بازچه دست استعمارگران قرار نگیرید، شما هدف تیرهای زهرآلود آنها هستید همیشه سعی می‌کنند از شما شروع کنند تا بتوانند ضربه نهایی بر پیکر جامعه وارد سازند.
شهید رسول هلالی و ای خواهر مسلمان، پیام من به تو این است که: آیا فکر کرده‌ای که چه مسئولیت بزرگی بر دوش داری و از دامان پاک شما مادران و خواهران است که چنین جوانانی بزرگ می‌شوند دامان خود را با بی‌حجابی آلوده نکنید.

شهید حبیب‌الله کریمیان خرزوقی

• درود بر تو خواهرم، که همچون زینب و ام‌کلثوم در پرده حجاب خویش، در سنگر بزرگی همچون چادرت، با یزیدیان زمان در ستیزی.

شهید قربان علی معینی

• ای خواهر عزیزم، حجاب تو کوبنده‌تر از سلاح من است، خوب حفظ کن تا دشمن یارای پایمال کردن خون مرا نداشته باشد.

شهید اکبر مزروعی سیدانی

• خواهرانم: همانگونه که خود با پوشش اسلامی هستید سعی کنید دوستان و آشنایان را به حجاب اسلامی دعوت کنید چون حجاب شما از خون ما که در جبهه‌ها می‌ریزد برای دشمن کوبنده‌تر است.

شهید محمد محمودی

• دیگر سختم با خواهران است، آخر تا کی، جقدر شهدا وصیت کنند که خواهران حجاب، حجاب، چرا از زینب و زهرا (سلام الله علیهما) درس نمی‌آموزید. دیگر بقیه با وجدان خودتان آخر کمی هم به آخرت فکر کنید.
شهید محمدرضا جمشیدیان ای خواهرم حجاب تو کوبنده‌تر از خون سرخ من است. من با خونم و تو با حجابت هر دو پاسدار اسلامیم.

شهید علی رضا جاموسی

• حجاب شما به خون ما رنگ می‌بخشد.

شهید ابراهیم هاشمی



عفاف در حبس

داستان کشف حجاب

تهاجم فرهنگی در کشور ما مشخصاً از دوره رضاخان شروع شد. (رهبر فرزانه انقلاب)

◆ نفوذ نامرئی

جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در پیامی که در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ میلادی (۳/۱۱/۱۳۵۸ شمسی) به کنگره داد، گفت: «سیاست ما در خلیج فارس باید مطلقاً برای همه روشن شود هر گونه تلاشی از جانب هر قدرت خارجی برای کنترل و تسلط بر منطقه خلیج فارس به منزله تهاجم به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا تلقی خواهد شد و چنین تهاجمی با تمام امکانات از جمله قوای نظامی دفع خواهد شد.» (۱) سرگور اوزلی یک فراماسون است که استاد اعظم لژ فراماسونی لندن و نیز سفیر کبیر پادشاه انگلستان در دربار ایران و نیز از صاحب منصبان نظامی انگلیس بوده در نامه ای که به تاریخ ۱۵ اکتبر سال ۱۸۴۴ میلادی (۲۳ مهر ۱۲۲۳ هـ. ش) از پترزبورگ به وزارت خارجه انگلستان نوشته است درباره ایرانیان چنین می نویسد: «عقیده صریح و صادقانه من این است که چون مقصود نهایی ما فقط صیانت هندوستان می باشد در این صورت بهترین سیاست این خواهد بود که کشور ایران را در همین حال ضعف و توحش و بربریت نگاهداریم و سیاست دیگری مخالف آن تعقیب نکنیم.» (۲)

کورزن سیاستمدار مکار انگلیسی که در آن زمان نایب السلطنه هندوستان بود و منطقه را تحت کنترل داشت، در کتاب خود می نویسد: «اینجانب نیک باور دارم که نجات ایران بدون پیش آمد طغیان تعصب آمیز امکان پذیر نیست و اگر در این کار زیاده شتاب شود ممکن است انجام منظور را دچار تعویق گرداند. آرد کورزن در قسمتهای دیگری از کتاب خود می نویسد: «دیگر ایران یک دوست آسیایی نیست بلکه مهره شطرنج در سیاست جهانی است.» (۳) ... ایرانیان که مردمی نیک ممتازند و در سرزمینی که از روزگاران بسیار دراز فرمانروا بوده زبان و دین و عادات و شخصیت مخصوص به خود داشته اند، دلیلی ندارد استقلال خویش را از دست بدهند و به فرمان دولتی بیگانه گردن نهند.» (۴) و می افزاید: افراد عادی آسیا حکومت بد آسیایی را آسان به فرمانروایی اروپایی ترجیح می دهند. ایرانیان مردمانی شکاک اند، اصلاح ایران هم در ظرف ده سال میسر نخواهد شد ولی اگر پزشک داشته باشد بیمار قابل علاج است مشروط بر اینکه طبیب رقیب حدود شمالی (روسیه) نسخه او را پاره نکند.» (۵)

نفرت از استعمار انگلیس در میان ملل مشرق زمین بالاخص ایران به قدری بود که سیاستمداران آن دیگر مداخله مستقیم را صلاح ندانسته اند. (۶) مستر چرچیل که در آن موقع وزیر مستعمرات بود، پیشنهاد کرد که دولت انگلستان در امور ملل شرق و مخصوصاً ایران مستقیماً دخالت نکنند ولی بوسیله عمال بومی با نقاب وطن پرستی و حکومت ملی مقاصد خود را انجام دهد و این سیاست را که به نام «سیاست نفوذ نامرئی» (Invisible Penetration) معروف است اجرا نماید. (۷) در ایران مظهر این سیاست نامرئی رضا شاه بود. بلوشر در سفرنامه خود چنین می گوید: «اینکه آیا فقط پوشش سر (و تن) تغییر کرده و یا در داخل مجموعه نیز به همان ترتیب دگرگونیهای حادث شده بومی بود که ذهن مرا بسیار به خود مشغول می داشت.» (۸) همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی می گوید: «باید بین فرزندان و پدران از نظر عقیده و فکر و سلیقه جدایی انداخت تا بدین ترتیب به دامن تربیت ما بیایند تا آنان را از افکار اسلامی و علمای اسلام جدا کنیم.» (۹) وقتی مردم فرهنگ غیر را پذیرفتند آماده تغییر کل به آن فرهنگ بیگانه می شوند و فرهنگ دیگر یعنی جهان بینی دیگر و جهان بینی دیگر، اعمال و رفتار و اخلاق دیگری را ایجاد می کنند. (۱۰) در نتیجه چنین افرادی با احزاب و سازمانهای اسلامی مخالفت ورزیده در صدد استقرار حاکمیت سازمانها و احزابی خواهند بود که وابسته به نظامات و مکاتب وارداتی بیگانه باشند. و همچنین به ابده سکولاریسم و تفکیک دین و سیاست معتقد بوده و با مشارکت روحانیون در کارهای مملکتی مخالفت ورزیده، در واقع به ستون پنجمی برای استعمار در قلب جامعه اسلامی بدل خواهند شد. (۱۱)

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۳۶

۲. همان، ص ۲۴

۳. همان، ص چهل و پنج

۴. همان، ص چهل، سخنان کورزن، ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کورزن، ج ۲، ص ۶۲۸ تا ۷۰۵

۵. همان، ص چهل و یک، سخنان کورزن، ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کورزن، ج ۲، ص ۶۲۸ تا ۷۰۵

۶. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۴۵

۷. همان، ص ۴۶

۸. همان، ص ۳۰

۹. همان، ص ۸۶

۱۰. همان، ص ۲۰

۱۱. همان، ص ۸۷



◆ خشت اول

اولین نشانه های کشف حجاب از دربار ناصرالدین شاه و در اثر سفرها و مشاهدات شاه از وضع پوشش زنان اروپایی آغاز شد و سپس در قالب تجددخواهی به محافل روشنفکری و اشعار شعرا و مطبوعات نفوذ کرد. البته به دلیل مقاومت خانواده ها این پدیده غیر از دربار و محافل نزدیک شاه رشد چندانی نیافت. (۱)

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۶ ش به روسیه سفر می کند و ضمن دیدار از نقاط تماشایی مسکو به تئاتر کارولین می رود. لباس بالرینهای این تئاتر توجه ناصرالدین شاه را جلب می کند. در برگشت به ایران دستور می دهد زنان حرم، این مدل لباس جدید را که برای او بسیار تازگی داشت بپوشند. زنان نیز به این دستور عمل کرده و دامنه های خود را کوتاه کردند ولی در پایان سلطنتش زنان به این مدلی توجهی نشان دادند ولی همین عمل موجب تغییراتی در لباس زنان جامعه شد. (۲)

با وجود این، تا زمان کشف حجاب و شروع تغییرات پرماتمه مدرنیسم رضاشاهی، یک نمونه نیز یافت نمی شود که تصویر زنان ایرانی و حتی بتوان درباری را سربرهنه و بی حجاب نشان دهد. (۳)

۱. واقعه کشف حجاب (اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان) به اهتمام مرتضی جعفری، صغری اسماعیل زاده و معصومه فرشچی فناشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و موسسه پژوهش و مطابع فرهنگی، ۱۳۷۲، چاپ دوم، قم، گفتار اول، ص نوزده

۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۳۲ و ۳۳

۳. واقعه کشف حجاب (اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان) به اهتمام مرتضی جعفری، صغری اسماعیل زاده و معصومه فرشچی فناشر سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و موسسه پژوهش و مطابع فرهنگی، ۱۳۷۲، چاپ دوم، قم، گفتار اول، ص نوزده

◆ خان قلدر

رضاخان که با طرح کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و با حمایت انگلیسی ها بر سر کار آمد، درصدد اجرای تز اسلام زدایی و جایگزینی ارزشهای لیبرالیستی در جامعه و از آن جمله کشف حجاب برآمد. رضاخان در ابتدا خود را مقید به اصول مذهب نشان داد و با دسته جات حرکت می کرد و در مجالس و تکیه ها حاضر می شد. او ابتدا به کمک جریان روشنفکری هم خود را در تغییر لباس ملی به کار گرفت و پس از یک سری اقدامات دیگر نظیر محدود کردن مجالس عزاداری و ممنوع کردن لباس روحانیت و... با سفری چهل روزه به ترکیه نزد کمال آتاترک در ۱۳۱۲/۳/۱۲ چندین سوغات برای مردم ایران به ارمغان آورد که از جمله آنها کشف حجاب بود. (۱)

(رضاخان بر اساس آموزشی که از طریق انگلیسیها به او داده شده بود که اگر بتواند لباس مردم به طور اعم و لباس روحانیت به طور اخص را تغییر داده و آنها را به این تغییر خو دهد، تحولات عمده ای در چگونگی روابط مردم با روحانیت و روحانیت با دین و سیاست و مردم ایجاد کرده است و به تدریج موفق خواهد شد، تمام تشکیلات منسجم روحانیت را به نابودی بکشاند. (۲)

۱. حکایت کشف حجاب ج ۱ ص ۸۷؛ و نیز برای مطالعه ماجرای سفر به ترکیه رک کتاب تاریخ حجاب در ایران فصل دوم ص ۱۸۸

۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۳۰



خانواده ناصرالدین شاه

زنان ناصرالدین شاه

انیس الدوله
همسر ناصرالدین شاه



کمال آتاترک سرگرم نشان دادن نقشه ترکیه به رضاشاه است.



◆ شیوه های تجدید

سیاست تجدید طلبی که اساس سیاست فرهنگی رضاشاه را تشکیل می داد را در چند مرحله می توان باز شناخت:

۱. وضع قوانین غیر شرعی و تجدید سازمان عدلیه (تضعیف قوانین شرعی و حمله به ساختار حقوق اسلامی و وضع قوانین عرفی از سال ۱۳۰۷ ش آغاز شد).

۲. متحدالشکل کردن لباس و رواج پوشاک اروپایی (تغییر لباس و رواج کلاه پهلوی و سپس کلاه شاپو، گام دیگری بود که رضاخان برای ترویج فرهنگ غرب برداشت و از جمله حوادثی که در مخالفت با آن روی داد، فاجعه مسجد گوهر شاد بود) (۱) نتایج مهم متحدالشکل کردن لباس عبارتند از:

الف) از بین رفتن ملاکهای مذهبی در زندگی اجتماعی، چرا که لباس و پوشش هر قوم نشانگر اعتقاد مذهبی آنها است و مسلمانان از تشبه به کفار منع شده اند ولی با این طرح نگرش مذهبی نسبت به کفار رنگ می باخت.

ب) این طرح مقدمه ای بود برای عادی سازی کشف حجاب؛ چرا که با تغییر شکل ظاهری مردان، غرور و غیرت آنان لطمه دیده و راه تغییر پوشش زنان آماده تر می گشت. صدر الاشراف می گوید: "طبع مردم نه فقط از تغییر صورت بلکه از عملیات شرعی که می گفتند مشتبه به اروپایی ها و نصاری است منتظر بود." (۲)

تغییر پوشش یک روند چند مرحله ای داشت. کلاه پهلوی شباهت زیادی به کلاه کبی فرانسه داشت و رابط میان کلاههای قدیمی و جدید (شاپو) بود. (در نظمی ها هم کاسکت انگلیسی رواج یافت.) مرحله اول طرح تغییر پوشش از سال ۱۳۰۸ شروع و تا ۱۳۰۹ نسبتاً عملی شد.

۳. کشف حجاب از بانوان در ابتدای سبطره رضاخان با زور سرنیزه و دیکتاتوری تا حدودی و بیشتر در سطح طبقه مرفه جامعه پیاده شد ولی به هر حال، «خو» دادن مردم به آن و پذیرفتن تدریجی آن از طرف مردم موجب ایجاد نوعی تفکر و بینش خاص در خصوص فرهنگ و عقیده گردید. (۳)

فراهم آوردن زمینه های آن از طریق تشکیل مجامع و کانونهای مختلف، پذیرش آموزگاران بی حجاب در مهر ماه ۱۳۱۳، تأسیس کانون بانوان تحت نظارت شمس پهلوی در خرداد ۱۳۱۴، (قبل از اینها، جمعیت نسون وطن خواه که توسط محترم اسکندری در سال ۱۳۰۲ و با کمک های محرمانه دولت تشکیل شده بود، این جمعیت به چاپ مجله و اجرای نمایش و برگزاری جلسات سخنرانی می پرداخت.) در ۱۷ تیر ۱۳۰۵ "جمعیت تمدن نسون" در صدد برآمد به بهانه ترویج معارف و بسط افکار و تهذیب اخلاق و ترقی زنان: تئاتری با عنوان "تمدن نسون" به معرض نمایش بگذارد که مورد اعتراض شدید علما قرار گرفت.

در ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۱۴ جمعیت دیگری نیز تشکیل شد که رسماً به وسیله وزارت معارف وقت اداره می شد و بعداً نام کانون بانوان بر آن نهادند. اهمیت فعالیت کانون بانوان هنگامی مشخص می شود که بدائیم فقط ۸ ماه پس از تاریخ تأسیس آن یعنی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ فرمان کشف حجاب صادر شد. پس از آن هم کانون بانوان ادامه فعالیت داد و از ۱۳۱۶ به انتشار روزنامه زبان زنان پرداخت. (۴) در سال ۱۳۰۹ علاوه بر جلسات کوچک در داخل ایران و کشورهای مسلمان، اولین کنگره زنان شرق با شرکت زنان شرقی با حضور زنانی از ایران، ترکیه، افغانستان، مصر، ژاپن، هند، چین، سوریه، لبنان، حجاز، نجد، جاوه و غیره در شهر دمشق پایتخت سوریه تشکیل گردید و قرار شد دو سال بعد این کنگره در ایران برگزار گردد. (۵)

– ایجاد سازمان آموزشی به شیوه نوین (از ویژگی های سازمان آموزشی جدید تشکیل فرهنگستان زبان فارسی، تأسیس سازمان پرورش افکار، تغییر تقویم هجری، تشویق روحیه ناسیونالیستی در کشور و تجلیل افراطی از تمدن باستانی ایران بود.) (۶)
– استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از دیگر عوامل زمینه ساز کشف حجاب بود. (۷)
– از دیگر روشهای استعمار برای زمینه سازی و اجرای کشف حجاب می توان به موارد زیر که توسط رضاخان انجام شود اشاره کرد، ترویج دکلت و منع چادر از سوی ملکه مادر. (۸)

– حضور خانواده سلطنتی با وضع زنده در قم در نوروز ۱۳۰۷ (۹) (البته این حضور بی سرو صدا نبود.)

– مسافرت امان اله خان امیر افغان به همراه همسرش ثریا و هیات همراهش که همگی کشف حجاب کرده بودند، به ایران در خرداد ۱۳۰۷ زنان افغان همراه امان اله هنگام حضور در مهمانی ها حجاب را رعایت نمی کردند و در مسیر بازگشت به افغانستان نیز با لباس و کلاه اروپایی از شهر های ایران عبور می کردند. (۱۰)

۱. رک: حکایات کشف حجاب ج ۲ ص ۹۸

۲. حکایات کشف حجاب، ج ۲ ص ۵۱ و نیز رک: خاطرات صدر الاشراف ص ۲۹۱ و ۲۹۲

۳. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۷

۴. برگرفته از حکایات کشف حجاب ج ۲ ص ۶۸ و ۱۰۱

۵. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، صص ۸۰ و ۸۱

۶. حکایات کشف حجاب ج ۲ ص ۹۷ ۷. حکایات کشف حجاب ج ۲ ص ۶۶ و نیز رک: خاطرات و خطرات ص ۵۱۶

۸. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد - مرکز بررسی اسناد تاریخی ص ۷۳

۹. حکایات کشف حجاب ج ۲ ص ۶۰ و نیز رک: خاطرات سردار اسعد بختیاری ص ۲۱۸ به بعد

۱۰. حکایات کشف حجاب ج ۲ ص ۶۰ و نیز رک: فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران سال اول شماره دوم تابستان ۷۴ ص ۷۴



افتتاح کنگره سالروز به اصطلاح اجتماعی زنان ایران ۱۳۵۳/۱۱/۱۴



روزنامه ها و مجله ها و جراید مختلف کشور که تقریباً همگی آنها تحت مراقبت شدید اداره سانسور شهرتانی قرار داشتند و مدیران آنها همه از عوامل وابسته به فراماسونری و حکومت رضاخان و یا لاقبل دوستداران فرهنگ غرب بودند، با ارائه مقالات و اخبار و عکسهای زنان بی حجاب و گاه عربان زمینه ها را با کمال جدیت آماده می کردند. (۱) در یکی از روزنامه ها می خوانیم: فروشگاه ها در تهران تصمیم گرفته اند، جنس به زنان با حجاب نفروشند (۲)

یک سلسله مقالات به نظم و نثر در جراید منتشر گردید و در آنها از نقاب و حجاب زنان انتقاد به عمل آمد (۳)

سرتوپ پارچه ها همراه با عکس های زنان اروپایی و کتانی بود کم کم با وارد کردن نعلبکی هایی که در دو طرف سر نعلبکی عکس زن لخت بود مردم را ماتوس می کردند (۴) در واقع وظیفه از بین بردن حیا و عفت عمومی به عهده مطبوعات گذارده شده بود، روزنامه ها اقدام به درج مطالبی با سر فصلهای زیر کردند:

۱. چاپ تصاویر زنان بدون حجاب و نیمه برهنه برای تبلیغ جوراب و لباسهای زیر زنانه.

۲. درج گزارشهایی از ورود زنان هنر پیشه کشور ترکیه به ایران با عکس و توضیحات.

۳. تبلیغ برای جلب سیاحان خارجی و اهمیت اقتصادی و فرهنگی آن.

۴. گزارش و عکس از رژه دختران بی حجاب در مقابل رضاشاه در کشور ترکیه.

۵. مقالات متعدد از نویسندگان داخلی و خارجی درباره عشق، جوانی و تحصیلات عالی دختران.

۶. تبلیغات وسیع در مورد ورود مستشرقین خارجی به مناسبت هزاره فردوسی و چاپ عکسهایی از خانمهای بی حجاب دعوت شده در کنار مسئولین حکومتی.

۷. گزارش و عکس از ورود سیاحان فرانسوی، آمریکایی و... به همراه همسرانشان به ایران.

۸. گزارش و عکس از جشنهای ورزشی در میدان بزرگ شهر با حضور دختران بی حجاب.

۹. گزارش و عکس از جشنهای مختلف در مدارس دخترانه و هنرناهایی دانش آموزان دختر در نواختن موسیقی و ورزش.

۱۰. مقالات مختلف در وصف ورزش دختران و ارج نهادن به آنها و تحقیر خانمهای خانه دار.

۱۱. شرح و تصویر زنان اروپایی و چگونگی رفتار آنان با همسرانشان و تمجید از آداب زناشویی آنها.

۱۲. چاپ عکس و گزارش از کارکنان دولت و معلمین کودکانها و مدارس به همراه زنان بی حجاب.

۱۳. عکس دانش آموزان دبیرستانی که رتبه اول را کسب کرده اند به صورت بی حجاب.

۱۴. تفصیل و بررسی مسابقات ورزشی خانمها در کشورهای اروپایی و غیر اروپایی با چاپ تصاویر.

۱۵. تبلیغ شنا در کنار دریا و درج عکس زنان خارجی با لباس شنا.

۱۶. جشن پیشاهنگان دختر در مدارس و غیر آن با گزارش و عکس.

۱۷. گزارشی از برگزاری سخنرانیها در کانون بانوان و چاپ عکسهای خانمهای بی حجاب شرکت کننده در آن.

۱۸. مقالات و بحث و فحص راجع به آزادی زنان کشورهای مصر و ترکیه.

۱۹. آخرین مدای آرای مو در اروپا و چاپ عکسهای آن (۵)

نمونه ای از تبلیغات روزنامه ها و مجلات برای کشف حجاب؛ مجله انگلیسی عالم زنان



تمسخر چادر و روبنده برای زمینه سازی کشف حجاب

نمونه ای از تبلیغات روزنامه ها و مجلات برای کشف حجاب؛ مجله انگلیسی عالم زنان



روزنامه ها و مجلات مرتباً از جشنها ومیهمانیهایی که البته به زور تشکیل می گردید و در آن زنان بی حجاب به همراه شوهرانشان شرکت می کردند، عکس و تفسیر می نوشتند. از مدارس مختلف و شاگردهای ممتاز در هر مدرسه، عکس برداری و در روزنامه ها چاپ می گردید. هدف اصلی نشان دادن تصویر زنان بی حجاب و در واقع تشویق و ترغیب دیگران به این کار بود و اسفبارتر از همه، معرفی زنان هنرپیشه خارجی به عنوان سمبل زنان آزاد و به صورتی احترام انگیز و قابل ملاحظه، با لباس هایی که از نظر بیشتر زنان ایران، عجیب و غریب می نمود. بود (۶) روزنامه تایمز بغداد فواید بی حجاب شدن زنان ایران را برای مردم ایران توضیح می دهد و در خصوص کشف حجاب می نویسد:

در ایران در شهرها هر کس محتاج به داشتن اندرونی و بیرونی است، و این مسئله داشتن اندرونی و بیرونی برای زنهای و مردها از نقطه نظر بنایی و مخارج خانوادگی باعث مخارج گزاف می باشد. برداشتن حجاب همه این موانع را مرتفع می سازد و بین مردها و زنهای بیشتر حس دوستی ایجاد گشته و این قسمت مشرق زمین بیشتر در جاده ترقی مغرب زمین خواهد افتاد. (۷)
تمام این اقدامات، شعار دست اندر کاران تبلیغ و ترویج اِلِهسه وطنی در استفاده از منسوجات و مصنوعات ساخت وطن است تا بدین وسیله دو هدف را دنبال کنند، اول اینکه فکر و ذهن ملت را آماده تغییرات بعدی که تبدیل لباس ملی به لباس غربی است بکنند، دوم اینکه دولت و مسئولین و وزرا را افرادی وطن پرست، استقلال طلب و مخالف مذاهب بیگانه نشان دهند و کسب و جاهت کرده، ملت را رام و مطیع خود گردانند. (۸)

روشنفکران و متجددین هنگام مواجهه با مشکلات اقتصادی سیاسی و اجتماعی ایران، تنها راه و یا سهل ترین راه را اقتباس از کشورهای اروپایی می دانستند. در این تبلیغات طوری وانمود می شد که تجددمآبی مانع و سدی در مقابل دین نیست. (مثلاً روزنامه جبل المتین در مقاله ای امام علی (علیه السلام) را رئیس المتجددین نامید) (۹) این رویه مناقضانه، ناشی از بیم و هراس گویندگان، از واکنش مردم بود، چرا که پایبندی مردم به اعتقادات دینی و شعایر اسلامی، شدید و غیر قابل کنترل بود. (۱۰)
در کنار تبلیغات نشریات در تهران و برخی از شهرهای بزرگ که گاه از حجاب به عنوان "کفن سیاه" یاد می کردند، با استفاده از ابزارهایی چون تئاتر و سینما اقدام هایی برای رفع حجاب به عمل آمد. (۱۱)

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد

۲. حکایت کشف حجاب ج ۱ ص ۲۷ و نیز رک: حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه استاد ملک

۳. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۶۷ و نیز رک: تاریخچه حجاب در ایران، ص ۱۹۴؛ حکمت، علی اصغر سی خاطره، ص ۹۱

۴. حکایت کشف حجاب ج ۱ ص ۹۸ و ۹۹

۵. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۱

۶. حکایت کشف حجاب ج ۱ ص ۲۶ و نیز رک: حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه استاد ملک؛ تاریخچه حجاب در ایران، ص ۱۹۸ و ۱۹۹

۷. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۲۵۲

۸. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۴

۹. جبل المتین سال ۲۵ شماره ۴۰ - ۴۱ - ۴۲/۹ - ۱۳۰۶/۹ - ص ۱۸

۱۰. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۵۸ و ۵۹

۱۱. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۸۱ و ۸۲

◆ بسترهای آلوده

مقدمت تهاجم در دوران سلطه قاجاریه بخصوص از زمان ناصر الدین شاه و احمد شاه در محورهای ذیل آماده شد:

۱. حضور ماموران قدرتهای استکباری بخصوص انگلستان و شوروی در کسوتهای بازرگانان و مشاوران و کارشناسان و ماموران سفارت و جهانگرد و...
۲. دعوت و تشویق شاهان و وزرا و درباریان برای سفر به کشورهای غربی بخصوص انگلستان و مرعوب و مجذوب نمودن آنان در این سفرها.
۳. بازگشت عناصر فرنگ رفته با کوله باری از فرهنگ مبتذل غرب و آداب و رسوم آنان (نظیر میرزا ملکم خان و تقی زاده که اعتقاد داشتند برای متمدن شدن و رسیدن به پیشرفت های غرب باید از فرق سر تا نوک پا غربی شد) (۱)

برای زمینه سازی کشف حجاب اقدامات زیر صورت گرفت:

۱. آزادی اقلیت های مذهبی در پوشیدن لباس (۲)

۲. ورود هیاتی از سوی جامعه ملل در سال ۱۳۱۰ برای جلوگیری از آنچه که تجاوز به حقوق زن در شرق، خوانده می شد در این سال به دستور رضخان گفته شد که: زنان باید در برداشتن حجاب خود آزاد باشند. (۳)

۳. برگزاری کنگره اتحاد زنان شرق در سال ۱۳۱۱ م.ش. با اجازه رضاشاه و به ریاست شمس پهلوی در تهران با حضور نمایندگان ۱۰ کشور. در این کنگره از زنان بی حجاب کشورهای دیگر نیز دعوت شده بود و در آن از بی حجابی به عنوان مظهری از تمدن یاد کردند. (۴)

۴. استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا (۵) و ...

به این ترتیب با پشت سر گذاشتن بحرانیهای سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ و استقرار دیکتاتوری و جو آختناق و نیز تحدید نفوذ و قدرت روحانیون پس از سرکوبی عده ای از بزرگان آنان، برنامه های اسلام ستیزانه شدت گرفت. مطبوعات هم به تمسخر حجاب زنان پرداختند و مقالات و شعرهای بسیاری چاپ کردند. (۶)

۱. حکایت کشف حجاب ج ۱ ص ۵

۲. همان، ج ۲، ص ۶۲

۳. همان، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۳

۴. همان، ج ۲، ص ۶۴

۵. کشف حجاب، زمینه ها، پیامدها و واکنش ها، مهدی صلاح، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ص ۱۱۷

۶. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۶۲



الزام کت و شلوار و کلاه لبه دار برای کارمندان دولت و شاگردان مدارس در ۱۵ مرداد ۱۳۰۶. (۱)
 اجبار و خشونت در بدو امر از کارمندان و مأمورین دولتی آغاز شد. مقامات عالی رتبه با خطر اخراج مواجه بودند مگر آنکه همسرانشان را در مجالس بی حجابی می بردند و مستخدمین دهن پایه دولت با خطر جرایم نقدی، مگر آنکه زنانشان را بدون حجاب در حال عبور از خیابانهای اصلی شهر ظاهر سازند. (۲)
 شاه به وزرا و نمایندگان مجلس اعلام کرد که حذف حجاب زنان را آغاز کنند و قدم اول کشف حجاب از زنان وزرا و معاونان، وکلا و مسئولان کشور آغاز شد. (۳)
 در یکی از اسناد و نامه های دولتی آن زمان آمده است:

«... مأمورین و مستخدمین دولت باید عموماً در پیشرفت این امر سرمشق برای سایرین بوده و حتی الامکان پیشقدم در این نهضت (کشف حجاب) باشند. بنابراین اعضا و اجزای دولت در کلیه نقاط کشور موظف هستند در تمام مجالس و محافل اعم از خصوصی و عمومی که دعوت می شوند حتماً با خاتمه های خود بدون چادر حاضر شوند... هر یک از مأمورین و مستخدمین که با خاتم در مهمانی ها و مجالس حاضر نشوند و معتذر به عذر موجهی گردد یا اینکه پس از رفتن به مجالس دعوت مجدداً خاتمش چادر استعمال نماید فوراً باید او را معلق از خدمت نمود و مراتب را به وزارت داخله اطلاع داد.» (۴)

برخی از رجال سرشناس هم نظیر مستوفی الممالک و مخبرالسلطنه و صدر الاشراف، با این طرح همراهی نمی کردند. به دنبال دستور شاه به وزرا مبنی بر برپایی جشن با حضور خانم های خود ابتدا در وزارت جنگ این امر انجام شد که خود رضاشاه نیز در این جشن شرکت کرد و زینهای افسران خواسته یا ناخواسته در این جشن حاضر شدند. سپس سایر وزرا نیز مجبور به این کار گردیدند و حتی فردی چون صدر الاشراف (محسن صدر، معاون وزارت دادگستری که فردی معمم بود) که بر حسب موقعیت و سابقه طلبگی دارای روحیه مذهبی بود و تا مدتی نیز این اقدام را با توافق شاه به تعویق انداخته بود، سرانجام تن به برگزاری چنین جشنی داد و به دنبال برگزاری جشن وزارت عدلیه در کلوب ایران و پذیرایی زن و دخترانش از مدعوین بود که همسرش مریم شد و یک سال بعد در گذشت. (۵)

در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ که از سوی ملکه، منع چادر نماز و ترویج دکلته می شد، همسر رئیس الوزرای وقت (مخبر السلطنه هدایت)، به سبب استفاده از چادر نماز مورد ایراد قرار گرفت و از رفتن به دربار خودداری نمود. (۶)

افسری جریان را برای مرحوم آیت اله سید محمدتقی خوانساری نقل می کرد و می گفت: همه ما ناچاریم در این مجالس شرکت کنیم. در این مجالس اگر کسی درجه پائین تر و زن زیبا داشته باشد هیچ اختیاری از زنش ندارد و زندگیش مختل و متلاشی می شود و زنش در اختیار افراد مافوق قرار می گیرد. آیا جایز است که ...؟ آقا فرمودند: استعفاء بده واستغفار کن. افسر گفت: در این شرایط استعفاء خطر جانی دارد. (۷)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۷۹ و ۸۰ و نیز رک: وسیله العفایف یا طومار عفت - رشت - فردوس - ۱۳۴۵ ق - ص ۱۹۲ تاریخ انتشار کتاب: در پایان آن ۲۵ ذی القعدة ۱۳۴۶ (اردیبهشت ۱۳۰۷) درج شده است.
۲. همان، ج ۲، ص ۷۵ و نیز رک: Abagamia.op.vit.p.۱۴۴
۳. همان، ج ۲، ص ۶۸
۴. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۱۳۱، به نقل از خشونت و فرهنگ، سازمان اسناد ملی ایران، صفحات ۱۵، ۱۶
۵. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۷۰ و نیز رک: خاطرات صدر الاشراف، ص ۳۰۶ و ۳۰۷
۶. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۵۹ و نیز رک: خاطرات و خطرات ص ۵۱۹
۷. حکایت کشف حجاب ج ۱ ص ۱۳۳



جمعی از مقامات دولتی خراسان در مراسم کشف حجاب

زنان محجبه خانواده دفتری قبل از واقعه کشف حجاب



◆ کلاه لگنی به جای غیرت



مهمترین زمینه برای کشف حجاب، تغییر لباس مردان در سال ۱۳۰۴ و ۱۳۰۷ و ۱۳۱۴ ش بود. (۱)
به گفته هدایت (رئیس الوزای وقت) «هر صابر شد از اول فروردین ۱۳۱۴ مردها کلاه فرنگی (لگنی) بر سر بگذارند و زنها چادر را ترک کنند» (۲)

به عقیده طراحان کشف حجاب، مخالفت مرد با بی حجابی همسر در معابر عمومی عامل اصلی عدم پیشرفت کشف حجاب است. (۳)

مردان نسبت به وضع پوشاک و نوع پوشش زنان خود بسیار اهمیت می دهند و حساسیت بر آن را قرین شرافت و غیرت خود می دانند و به یکباره حاضر نمی شوند، به کشف حجاب تن در داده، آن را اجرا نمایند و فشار و زورگویی نیز بدون تهیه مقدمات همان را باعث خواهد شد که در افغانستان بر سر امان الله خان (امیر القغان) آمد. (وی در شورش مردمی که علیه او به وقوع پیوست یا به فرار گذاشت). (۴)

پس برنامه های اولیه در جهت تغییر ذهنیت سرپرست خانواده تدوین شد و جنبه رسمی و قانونی یافت و از کارکنان دولت شروع شد. برای رسمیت یافتن آن قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه در ۴ ماده و ۸ تبصره در ۱۳۰۷/۱۰/۶ و در هفتمین دوره مجلس شورای ملی آن زمان به تصویب رسید که به موجب آن پوشیدن کت و شلوار و کراوات و کلاه فرنگی برای مردان الزامی شد. (۵)

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۱

۲. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۶۸

۳. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۶۸ و نیز رک: خاطرات و خطرات ص ۵۱۹

۴. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۱

۵. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۶۸ و نیز رک: خاطرات و خطرات ص ۵۱۹

◆ به بهانه تمدن

برنامه ای که علی اصغر حکمت وزیر معارف تهیه کرد عبارت از این بود که: مدارس ابتدایی تا سال چهارم (تا ۱۲-۱۳ سالگی) به صورت مختلط دختران و پسران باشد همراه با معلمین زن. در مدارس دختران در حضور مهمانان مرد جشن برپا کنند. هر یک از وزرا و ماموران عالی رتبه همراه با زنان خود در مجالس و بیرون از خانه حضور یابند. محلی با نام کانون بانوان تاسیس شود که خاتمه های تحصیل کرده در آنجا جمع شوند و سخنرانی هایی در مورد مقام زن در جامعه برگزار شود و ... بالاخره وقتی که این کارها انجام گرفت و افکار حاضر شد یک روزی در حضور شاه و خانواده اش جلسه ای تشکیل شود و اعلام آزادی نسوان (کشف حجاب) به اطلاع اهل عالم برسد. به تصریح حکمت "این برنامه را عینا تصویب فرمودند، ما هم عینا اجرا کردیم". (۱)

از آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۳ برای شاگردان دختر، به سرکردن چادر در مدرسه ممنوع شد و مقرر شد همه رپوش ارمنک بر تن کنند و برای دختران پیشاهنگ لباس مخصوصی توسط گیسون آمریکایی (متخصص تربیت بدنی) تهیه شد. (۲)

رضا شاه در روز ۱۱ آذر ۱۳۱۴ به دنبال استعفای فروغی، از سمت نخست وزیری به محمود جم که جایگزین فروغی شده بود گفت: "این چادر و چاقچورها را چطور می شود از بین برد؟ نزدیک دو سال است که این موضوع (کشف حجاب) سخت مرا به خود مشغول داشته است. خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم... دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است...". (۳)
وزیر معارف گفت: اگر شخص اعلیحضرت همایونی پیشقدم شوند مردم همه تأسی خواهند کرد که از قدیم گفته اند: "الناس علی دین ملوکهم". شاه پس از شنیدن سخنان وزیر معارف لحظه ای تأمل کرده، پس از چند دقیقه سکوت، در حالی که به نظر می رسید قبلاً در این زمینه هماهنگی شده است، پاسخ داد: "بسیار خوب، دیگران که اقدام نمی کنند من پیرمرد حاضریم که جلو بقیتم و سرمشق بشوم". (۴)



علی اصغر حکمت



محمود جم



محمود علی فروغی
(نکا، الملک)





جم پیشنهاد داد که رضاشاه و ملکه و دختران در روز افتتاح دانشسرای مقدماتی تهران حضور یابند و ضمناً به همه بانوان وزرا و رجال دیگر نیز دستور داده شد که بدون حجاب در این جشن حاضر شوند (۵)

تنها چند هفته پیش از رسمیت کشف حجاب به دلیل موانع موجود، دولت از ذکر عنوان کشف حجاب خودداری می کرد و عبارت تربیت نسوان را به کار می برد هر چند مخالفین کشف حجاب جلب و تنبیه می شدند و هنوز عده ای باز به چادر روی آوردند (۶)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۶۷ و ۸۴ و نیز رک: صفایی، رضاشاه کبیر در آینه خاطرات - تهران وزارت فرهنگ و هنر ۱۳۵۵، ص ۱۰۲
۲. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۶۷ و نیز رک: صدیق، یادگار عمر، ج ۲، ص ۲۰۶ و ۲۰۷
۳. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۷۲ و نیز رک: رضاشاه، خاطرات، سلیمان بهبودی، ص ۳۰۲؛ و نیز رک : کشف حجاب، زمینه ها، پیامدها و واکنش ها - مهدی صلاح - مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی ص ۱۱۸
۴. همان، ج ۱، ص ۲۱ و ج ۲، ص ۷۲ و نیز رک: واقعه کشف حجاب، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۵. همان، ج ۲، ص ۷۱ و ۷۲ و ج ۱، ص ۲۲؛ رک: مجله روشنفکر ۱۳۴۰/۱۰/۱۴
۶. همان، ص ۷۲ و ۷۴

◆ روز مرگ حیا

حدود ۶ ماه پس از فاجعه مسجد گوهرشاد در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رضاشاه با بی اعتنائی به علما و مردم به همراه همسر و دختران کشف حجاب کرده خود، در مراسم جشن فارغ التحصیلی دختران دانشسرای مقدماتی که به ابتکار علی اصغر حکمت وزیر معارف و فراماسونر معروف تشکیل گردید، حضور یافت (۱)

این اولین مراسم عمومی بود که رضاخان با زن و دخترانش بدون حجاب حاضر می شدند (۲)

همه مسئولان کشوری که در این جشن دعوت شده بودند طبق یک برنامه از پیش طراحی شده با همسران بدون حجاب خود شرکت کردند. رضاشاه طی سخنانش در این مجلس اظهار داشت: «من بی اندازه خوشحالم... شما زنها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده اید برای خدمت به کشور خود از آن استفاده کنید» (۳)

باید خیاط ها و کلاه دوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ به بازار بیاورند، ما میله های زندان را شکستیم، حالا خود زندانی آزاد شده وظیفه دارد که برای خودش به جای قفس، خانه قشنگی بسازد (۴)

در تمام طول سخنرانی شاه، بعضی از بانوان چنان از بی حجابی خود ناراحت بودند که روبه دیوار ایستاده و روی خود را برنمی گرداندند و از گریه خود نمی توانستند جلوگیری نمایند. از فردای آن روز بر سر کردن چادر در خیابانهای تهران ممنوع گردید (۵)

۱. فصلنامه مطالعات تاریخی - مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی - ج ۳، ص ۲۲۰، برگرفته از مقاله اینترنتی
۲. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۹
۳. همان، ج ۱، ص ۲۵ و نیز رک: رضاشاه کبیر یا ایران نو - آل پی ایول ساتن - (مستشرق انگلیسی) ترجمه عبدالعظیم سوری؛ تاریخچه حجاب در ایران، ص ۱۹۵
۴. برگرفته از یک مقاله اینترنتی و نیز رک: کشف حجاب، زمینه ها، پیامدها و واکنش ها، مهدی صلاح، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ص ۱۴۰
۵. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۲۶ و نیز رک: کشف حجاب در ایران، فاطمه استاد ملک



کورزن (سیاستمدار مکار انگلیسی، نایب السلطنه هندوستان) می گوید: به عقیده من در ایران نیز بعید نیست که در صورت آشوب همگانی دسته منحط از تجاعی وابسته به طبقه روحانی اظهار وجود کند. مالا جان و مال اروپاییان چندی در خطر بیفتند (۱)
 رضاخان، برای جلوگیری از موانعی که سد راه اجرای این سیاستها بود کوشید تا موقعیت و نفوذ روحانیت را در میان مردم تضعیف کند (۲)
 از اینرو، با وضع قوانین عرفی، عملاً روحانیون را در محدودیت قرار داد و این محدودیت به قول پیترو آوری شامل «حیاتی ترین اعمال بشری، یعنی ازواج، طلاق، شهادت، انتقال املاک» می گردید. این قلمرو، به تدریج از حیطه روحانیت خارج و به محاکم عرفی سپرده شد (۳)
 سیاست حکومت رضاشاه در این زمان، علاوه بر کشف حجاب، تقلیل و کاهش روحانیان غیر دولتی از طریق اجرای طرح متحدالشکل شدن لباس بود. اکثر آنها دستگیر، تبعید و یا زندانی می شدند (۴)

سید حسام الدین فال اسیری باز روحانیان سرشناس شیراز، در یک سخنرانی به اقدام شاه مبنی بر برگزاری مجلس جشن در مدرسه شاپور (شعاعیه) شیراز، اعتراض نمود که به دنبال آن دستگیر و تبعید شد. دو فتوای حاج آقا حسین بروجردی و حاج سید محمدتقی خوانساری که دال بر لزوم حجاب و تحریم بی حجابی زنان بود (۵)

پس از اطلاع از موافقت شاه با برنامه های بی حجابی، آیت اله قمی ضمن نطقی گریست و گفت: "اسلام فدایی می خواهد و بر مردم است که قیام کنند و من حاضرم فنا بشوم." (۶)

آیت الله سید حسن مدرس: در رژیم نویی که نقشه آن را برای ایران بینوا طرح کرده اند، نوعی از تجدد به ما داده می شود که تمدن مغربی را با رسواترین قیافه تمدن نسلهای آینده خواهد نمود. قریباً جوانهای قریه های قراغینی و کنگاور با فکل سفید و کراوات خودنمایی می کنند، اما در شهر های ایران هرگز آب لوله و آب تمیز برای نوشیدن مردم پیدا نخواهد شد. ممکن است شماره های کارخانه های نوشابه سازی روز افزون گردد اما کوره آهن گدازی و کارخانه ی کاغذ سازی پا نخواهد گرفت. درهای مساجد و تکایا به عنوان منع خرافات و اوها م بسته خواهد شد، اما سیل ها از رمان ها و افسانه های خارجی که در واقع حسین کرد فرنگی و رموز حمزه فرنگی چیزی نیستند، به وسیله مطبوعات و پرده های سینما به این کشور جاری خواهد گشت، به طوری که پایه افکار و عقاید و اندیشه های نسل جوان ما از دختر و پسر تدریجاً بر بنیاد همان افسانه های پوچ قرار خواهد گرفت و مدنیت مغرب و معیشت ملل مترقی را در رقص و آواز و دزدیهای عجیب آرسن لوین و بی عفتی ها و مفاسد اخلاقی دیگر خواهند شناخت، مثل اینکه این چیزها لازمه ی متمدن بودن است (۷)

متن نامه آیت الله کاشانی به نخست وزیر وقت (فروغی) در ۱۷ مهر ۱۳۲۰ است: بر حضرت عالی یوشیده نیست ضریب اخیر آن بود که مدارس قدیمه را تخلیه نموده و جایگاه محصلین جدید قرار داده و به کل قلم سرخ انقراض بر روی این رشته کشیده اند. مساجد را که احترامش ضروری دین اسلام است باکمال بی شرمی و جسارت کلاس جدید، ورزش و فوتبال قرار داده و فرش های آن را به ثمن بخش به یهود فروخته اند. مهمتر از همه فشار و ظلمی است که درباره زن های بیچاره می شود. چند روز است باز متعرض روسری های زن ها می شوند. فروغی در پاسخ نوشته است که: در باب رفتار مأمورین یا نسوان دستور داده شده است که متعرض نباشند (۸)

بعد از نامه دوم ایشان به فروغی، متن پاسخ فروغی به کاشانی، به تعداد زیاد تکثیر و در برخی شهرها توزیع گردید و در مواقعی که مأموران انتظامی متعرض زنان و یا افرادی که فاقد لباس متحدالشکل بودند، می شدند، با ارائه جوابیه مأموران را از این عمل باز می داشتند (۹)
 آیت الله کاشانی در سال ۱۳۲۲ ش نیز طی نامه ای به وزیر داخله نوشت: عجب است با این وضعیات ناهنجار مملکت که ملت از هر حیث دچار زحمت و شدت و محنت است، در گیلات مأمورین شهربانی و فرمانداری متعرض چادر زن های بیچاره که ستر عورت و زندگی لباس خود را به آن می نمایند، می شوند. معلوم نیست این تعدی و اجحاف مطابق کدام قانون و عقل و انصاف می باشد. پاسخ وزیر کشور، هنوز به همان روال سابق است که: زن جاهل و پرده نشین قادر به حفظ حیثیت و شرافت خود نیست (۱۰)

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۴۵

۲. کشف حجاب، مهدی صلاح، ص ۱۸۵

۳. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۹۲ و ۹۴

۴. همان، ص ۶۸ و ۸۵ با اندکی تصرف

۵. کشف حجاب، مهدی صلاح، ص ۱۸۹

۶. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۸۶ و نیز رک: چهره ای پر فروغ از مشعلداران اسلام و فقاهت و انقلاب، یادواره آیت اله العظمی شیرازی، تهران موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی امام امیر المومنین ۱۳۶۴-ص ۷۷

۷. همان، ج ۱، ص ۱۲۱ و ۱۲۲

۸. داستان حجاب، ص ۵۲

۹. حکایت کشف حجاب- ج ۲- گرد آوری و تدوین موسسه فرهنگی قدر ولایت- تهران- موسسه فرهنگی قدر ولایت- ۱۳۸۰- سند شماره ۴ ص ۱۱۸

۱۰. داستان حجاب، ص ۵۲



مرحوم آیت الله مدرس



آیت الله شیخ عبدالکریم حائری



مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی



مرحوم شیخ حسینعلی راشد



◆ تا آخرین نفس

علت رسمی نکردن کشف حجاب در سالهای ۱۳۰۷ به بعد از سوی رژیم، پابندی عمیق جامعه به حفظ سنت های دینی و نفوذ نسبی روحانیت بود. و نیز ترس از دچار شدن به سرنوشت امان اله خان (که در شورش مردمی ای که علیه او به وقوع پیوست پا به فرار گذاشت) (۱)

در افغانستان، رضاشاه را محتاط تر می کرد (۲)

سرتیپ بیگلری در این باره می گویند: «تردید نیست که اجرای این منظور با مشکلاتی مواجه می شد چه بسا که دستجات و طبقات و مردم دور از مرکز مایل نبودند که لباس و کلاه آباء و اجدادی خود را کنار بگذارند و چنانچه از راه تشویق و برقراری مجالس جشن و نطق و بیان، اجرای منظور نمی شد از راه فشار عمل می شد و مجبور می کردند که لباس متحدالشکل بپوشند و برای اینکه عمل مزبور صورت قانونی داشته باشد و مأمورین دولت بتوانند مردم را وادار به اجرای قانون کنند، لایحه ای در مجلس به تصویب رسید و لباس متحدالشکل رسمیت یافت. (۳)

در خصوص اصفهان هم که یک شهر مذهبی و سنتی بود، این نگرانی وجود داشت که چگونه ممکن است زنانشان به سادگی و بدون هیچ برنامه ای کشف حجاب نمایند؟ به همین جهت بعد از مدتی کانون بانوان در اصفهان به وسیله خانم صدیقیه دولت آبادی (یک زن بهایی) شعبه ای دایر می کند تا به تدریج با برگزاری مجالسی در مذمت حجاب و مدح بی حجابی و فواید آن، نسبت به عملی نمودن طرح اقدام گردد. (۴)

۱. الول ساتن، رضاشاه کبیر یا ایران نو ص ۳۷۶

۲. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۶۱

۳. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۱۲، به نقل از کتاب رضاشاه کبیر را بهتر

بشناسیم، سرتیپ بیگلری؛ صفحه ۲۴۴

۴. کشف حجاب، مهدی صلاح، ص ۱۵۹



شیخ محمد تقی بهلول

◆ گوهر شاد در خون

رضاشاه که می خواست برنامه های ضد اسلامی خود را از مشهد شروع کند، دستور بر سرگذاشتن کلاه شاپو (کلاه تمام لیه فرنگی) (۱) به درشکه چیها در مشهد و سیوران در تهران را صادر کرد. اجرای این برنامه از ابتدای خرداد ۱۳۱۴ علاوه بر شایعات مربوط به کشف حجاب، در مشهد تلاطمی ایجاد کرد. سرانجام، آیت اله قمی، پس از مشورت با تعدادی از رجال و روحانیان تصمیم گرفت که برای جلوگیری از کشف حجاب و استعمال کلاه شاپو، به تهران مسافرت کند. این سفر در ۹ تیر ۱۳۱۴ صورت گرفت. به دنبال آن محاصره منزل محل اقامت ایشان در شهر ری به وسیله حکومت، یکی از عوامل عمده خشم و خروج مردم مشهد گردید که همانطور که بیان می شود به کشتار بیرحمانه در مسجد گوهر شاد در ۲۱ تیر ماه منجر گردید. آیت اله قمی مدتی پس از این کشتار به عتبات عالیات تبعید گردید. (۲)

پس از محاصره منزل آیت اله قمی در تهران، مأمورین شهرستانی در صدد دستگیری دوستداران ایشان از جمله شیخ محمد تقی بهلول که برای پیگیری اوضاع و جوایا شدن از احوال شیخ قمی به مشهد و در نتیجه حرم امام رضا (علیه السلام) آمده بود، برآمدند؛ که با مداخله زائران و خادم در اطاقی در صحن کهنه زندانی شدند و به شهرستانی نرفتند. با گذشت زمان مردم در صحن جمع شده و به مأمورین حمله کرده و ایشان را آزاد کردند. ایشان به مسجد گوهر شاد رفته و در آنجا به مبارزه خود ادامه دادند، با اینکه چندین بار شهرستانی وارد عمل شد و حکم تفرق مردم را داد و با مردم به صورت تن به تن درگیر شد، ولی نتیجه ای نگرفت تا اینکه به درخواست استنادار، فرمانده لشکر مأموریت را به هنگ پیاده داد و آنها اطراف حرم و مسجد را محاصره کرده و تعداد زیادی از زوار (دو هزار نفر) را به قتل رساندند. (۳)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۸۶ و نیز رکه، صدیقی، یادگار عمر، ج ۲ ص ۲۰۵

۲. همان، ج ۲، ص ۸۷ و ۱۰۲ تا ۱۰۸

۳. برگرفته از حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۱۰





◆ به جرم عفاف

محمد رضا شاه می گوید: «پدرم دستور داد هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب را ندارد و اگر زنی با روپنده و چادر در کوچه پیدا می شد یاسپان از وی تقاضا می کرد که روپند خود را بردارد و اگر امتناع می کرد جبراً چادر او را بر می داشتند و تا زمانی که پدرم سلطنت می کرد در سراسر کشور این منع برقرار بود.» (۱)

و نتیجتاً بسیاری از بانوان که نمی خواستند به هیچ وجه بدون حجاب خارج شوند، تصمیم به ماندن در خانه گرفتند و عده ای رفت و آمدهای خود را فقط در شبها انجام می دادند و خانه هایی اجباراً اقدام به ساختن حمام نمودند. (۲)

کسانی که امکانات بیشتری داشتند فرار را بر قرار ترجیح دادند و ترک دیار کردند. متروکه های شهر لنگه و قشم شاهد گویایی است. (۳)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و نیز رک: محمد رضا پهلوی، ماموریت برای وطن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲. همان، ج ۱، ص ۲۸ و نیز رک: حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه استاد ملک، تاریخچه حجاب در ایران، ص ۱۹۷ و ۱۹۸
۳. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۱۵۲، به نقل از احکام حجاب در قرآن، استاد امین احسن اصلاحی، ص ۵

◆ قهقهه ابلیس

در راستای سیاست تجدد طلبی که اساس سیاست فرهنگی رضا شاه را تشکیل می داد، کانونهایی تأسیس شد؛ (در قسمت شیوه های تجدد همین نمایشگاه آمده است) یکی از کارهای اساسی که در این کانونها بعد از کشف حجاب انجام می گرفت. (۱)

برگزاری جشنها و مجالس بود که در آن از موزیک و رقص استفاده می شد برای متمون شدن و برای نهضت آزادی نسوان و به درآمدن آنها از چادر سیاه و معاشرت و همسان شدن با زنان غربی و غرب زدگان. حتی در مجالس رقص، پایکوبی، خوشگذرانی و به خصوص رفاقت دختران با پسران به عنوان شاخص پیشرفته بودن معروف شد. (۲)

حکومت به طور کلی در اجرای سیاستهای فرهنگی در ابتدا از طریق تبلیغات و جشن مردم را تشویق و بعد از مواجهه با عدم رضایت آنان، خشونت و زور به کار می گرفت. (۳)

در خرداد ۱۳۰۷ زنان افغان همراه امان اله هنگام حضور در میهمانی ها حجاب را رعایت نمی کردند و در مسیر بازگشت به افغانستان نیز با لباس و کلاه اروپایی از شهر های ایران عبور می کردند. (۴)

البته تا این زمان هنوز شرکت مختلط زنان و مردان در میهمانی ها باب نشده بود و در میهمانی هیأت افغان نیز خانمها در مجالس مردان حاضر نشده بودند، ولی از این زمان به بعد به تدریج در میان خانواده های دربار و اشراف چنین اختلاطی صورت گرفت، که این موضوع پس از رسمیت یافتن بی حجابی نیز از مهمترین شیوه های تشویق خانواده ها به شمار می رفت. این شیوه در میان نظامیان و کارمندان دولت زودتر از سایرین عملی گردید. کلوییهای چون کلوب ایران متعلق به تیمور تاش، وزیر دربار، از مراکز مهم این اختلاط بودند. (۵) روزنامه ها و مجلات مرتباً از جشنها و میهمانی هایی که البته به زور تشکیل می گردید و در آن زنان بی حجاب به همراه شوهرانشان شرکت می کردند، عکس و تفسیر می نوشتند از مدارس مختلف و شاگردهای ممتاز در هر مدرسه، عکس برداری و در روزنامه ها چاپ می گردید. هدف اصلی نشان دادن تصویر زنان بی حجاب و در واقع تشویق و ترغیب دیگران به این کار بود. (۶)

جشن تجدد در استان خراسان (بجنورد)



جشن تجدد بانوان در میدان بهلولی یزد



جشن تجدد بانوان به وسیله آموزگاران و دانش آموزان

میرزا حسینعلی نوری
بنیانگذار فرقه ضالیه بابیت



در فروردین ماه ۱۳۱۴ در شیراز مجلس جشنی در مدرسه شاپور (شعاعیه) برگزار شد. دختران دیستان مهرآیین (در حضور میهمانان مرد) به صف ایستاده و لایحه و سرود خوانده، به ورزش و ژیمناستیک مشغول شدند. به طوری که گفته شده دو تن از روحانیان شیراز، محمدعلی حکیم و میرزا صدرالدین محلاتی، در اعتراض به این اقدام، مجلس مذکور را ترک گفتند و پس از آن سید حسام الدین قبال اسیری، از روحانیان سرشناس شیراز، در یک سخنرانی به این اقدام اعتراض نمود که به دنبال آن دستگیر و تبعید شد.^(۷)

همزمان با جشن شیراز، در دبیرستان فردوسی مشهد نیز جشنی با حضور رضاشاه برگزار شد که در مراسم استقبال از شاه دختران بی حجاب شرکت داشتند. اما پس از اظهار نگرانی علما و مردم به ویژه اظهار انزجار آیت اله قمی، شاه خود را بی اطلاع از برنامه قلمداد کرد و شخصاً رئیس شهرداری مشهد را مورد ضرب و شتم قرار داد.^(۸)

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۷۲

۲. همان، ۱۸۵

۳. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۵۸

۴. همان، ص ۶۰ و نیز رک: فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران سال اول شماره دوم تابستان ۷۶، ص ۷۴

۵. همان، ص ۷۴

۶. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۲۶ و نیز رک: حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه استاد ملک: تاریخچه حجاب در ایران، ص ۱۹۸ و ۱۹۹

۷. همان، ج ۲، ص ۶۸ و ۸۵ با اندکی تصرف

۸. همان، ج ۲، ص ۸۶ و نیز رک: چهره ای پر فروغ از مشعلداران اسلام و فقاقت و انقلاب، یادواره آیت اله العظمی شیرازی، تهران، موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی امام امیر المومنین

۱۳۶۴ - ص ۷۲

◆ بهائیت بانی به جهنم

«بایان» جزء اولین کسانی بودند که با تربیت زنی که بعداً قره العین لقب گرفت، تبلیغ و اشاعه بی حجابی در ایران را شروع کردند^(۱) از جمله اعمال استعمار برای مسخ فرهنگی مسلمانان، بوجود آوردن تعالیم و فرقه های من در آوردی نظیر بهائیت، وهابیت و... بود. مثلاً هدف نهایی و اصلی ای که بایگیری مبشر آن بود، را می توان در این جمله خلاصه نمود تا امروز تبعیت از احکام دین اسلام بر شما واجب بود. از هنگام ظهور باب دیگر بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از دستورات دین اسلام پیروی نماید، با لذت کامل زندگی کنید و آزاد از همه چیز باشید.^(۲) قره العین یکی از پیروان معروف این فرقه اولین زنی است که در تاریخ معاصر ایران بر اساس دستور العمل یک مکتب استعماری (بابیت و بهائیت) پوشش از روی و تن برگرفت و در اجتماع مردان ظاهر گشت.^(۳)

قره العین نه تنها بی حجاب در مجامع ظاهر می شد و برای مردم تبلیغ مرام بهائیت می کرد بلکه بدون هیچ ترس و واگهی عقاید سخیف بایان در مورد مرام اشتراک جنسی را شرح و توصیف می کرد و به حضار بشارت می داد که نه تنها از این پس زنان می توانند آزاد و رها در اجتماع حضور یابند بلکه یک زن می تواند با چند مرد زندگی زناشویی داشته باشد.^(۴) صدیقه دولت آبادی، خواهر یحیی دولت آبادی، مشروطه خواه بانی ازلی معروف (نویسنده کتاب حیات یحیی) در سوربن درس خواند و زمانی که به سال ۱۳۰۶ ش به ایران بازگشت، رسماً بی حجاب در خیابان های تهران ظاهر شد. وی آنچنان در این باره اصرار داشت که حتی در وقت مرگ، در وصیت نامه اش نوشت: زانی را که با حجاب بر مزارم بیابند نخواهم بخشید.^(۵) صدیقه دولت آبادی در سال ۱۳۱۴ ش کانونی به نام کانون بانوان را تأسیس کرد.^(۶)

۱. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۷۱

۲. حکایت کشف حجاب ج ۱، ص ۲۲

۳. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۷۸

۴. داستان حجاب، ص ۲۹

۵. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد



◆ تمدن عریان

علی اصغر حکمت (وزیر معارف) می نویسد: «بلافاصله بعد از مراسم ۱۷ دی در تهران دو امر پیش آمد که یکی به افراط و دیگری به حد تقریب بود. از یک طرف بعضی از زنهای معلوم الحال به کافه ها و رقصخانه ها هجوم آورده ... و از طرف دیگر مأمورین شهرداری و پلیسها بر حسب دستور وزارت کشور به زنان بی خیر مزاحم شده و آنها را به اجبار وادار به کشف حجاب می کردند و حتی چادر و نقاب آنان را پاره می کردند» (۱)

وقتی بالطبع جامعه در برابر آنچه که به آن حساسیت فوق العاده دارد مقاومت نشان نداد، در برابر سایر متمیزات ارزشی اسلامی و ملی خود نیز واکنش نشان نخواهد داد و بدین ترتیب سیطره جهانی استعمار بر ممالک شرق اسلامی قطعیّت خواهد یافت. (۲) کشف حجاب شروع حرکت به سوی فساد جنسی و اخلاقی بود و به قول هدایت (رئیس الوزرای وقت) با کشف حجاب، «حجب از میان رفت». زنهای نامحرم بر مردان نامحرم حلال شدند، آنچه که بنا بود مایه ترقی و تمدن شود، مایه لهو و لعب و رقص و مشروب، قمار و بی غیرتی شد» (۳)

زنان نقش اصلی خویش را که پرورش کودکان و ساختن نسلهای آینده است، به فراموشی سپردند و کودکان خود را روانه پرورشگاهها و مهد کودکها کردند. بدین سان جای «مادر» در زندگی کودک خالی ماند» (۴) این نسل جدید و تجدد خواه اوقات فراغت خود را بیشتر در سینماها و سالنهای نمایش می گذراند تا خلاء ناشی از عدم پیوستگی با جامعه دیرینش، که وی را به نحوی آزار می داد، پر کند. این فیلمها طوری بود که این شکاف را عمیق تر می ساخت. اساس اکثر این فیلمها «بر مبنای جالب بودن زن از نظر تحریک غریزه جنسی» بود. به نقل از روزنامه تایم «شمار زنان شوهردار تقلیل یافت ولی بر شمار زنان منحرف ایرانی افزوده گشت» (۵)

با اجرای قانون متحدالشکل کردن لباس، زمینه استفاده از لباسها، لوازم آرایش و سایر فرآورده های ظاهر فریب سرمایه داری غربی فراهم گردید. زیرا تا وقتی که مرد و زن ایرانی لباس سنتی خود را می پوشیدند، طبعاً مناسب آن زیورآلات مصرف می کردند و اکثر قریب به اتفاق لباسها و زیورآلات نیز در داخل کشور تولید می شد. لذا با تغییر لباس مردان و زنان به سبک اروپایی، ایرانیان مجبور شدند تولیدات آنها را وارد و سپس مصرف کنند و بدین ترتیب کم کم صنایع داخلی از قبیل کارگاههای نساجی پارچه و شال و نمدالی و عباپافی و غیره چون نمی توانستند با مدهای رنگارنگ پاریس و لندن و نیویورک مقابله و رقابت کنند، از بین رفتند و سرمایه های داخلی به جای تولید مجبور به واردات شده و سرمایه های استعماری هم درآمدهای سرشاری را به جیب زدند» (۶)

شخصی به نام صنعتی زاده نامه ای را برای روزنامه اطلاعات و کلامی مجلس ارسال کرده، در قسمتهایی از این نامه می خوانید: «... بی اگ ملت، گونی وطنی و کرباس هم بیوشد افتخارش بهتر از آن است که وارداتش روز به روز بیشتر شود...» (۷) صنعتی زاده می افزاید: «قسمت عمده ای از ساکنین کاشان که از ممر بافندگی زندگانی می نمودند، بیچاره و گنا شدند. شهر یزد که مرکز شعرپافی ایران بود و متعاش از حیث ارزانی قیمت بر سایر نقاط برتری داشت الحال دچار بحران شدیدی شده و هر روز جوقه جوقه اهالی زحمتکش صنعتگرش مهاجرت می نمایند. شال بافهای کرمان عموماً بیکار مانده و به احوال اسفناکی گرفتارند و یک کارخانه وجود ندارد، زنهای نائینی نخ می رشتند، مردهایشان بافندگی داشتند حتی اشخاص افلیح و کور هم از امور نساجی در این شهر کوچک نان می خوردند، یکدفعه بیست هزار نائینی بدبخت شده اند صورت اخیر اداره گمرک را ملاحظه نمودید که در ظرف هفت ماه نه میلیون تومان واردات این مملکت بوده و سه میلیون صادرات ... خاطرتان بماند که برای چند ماه دیگر یک مال التجاره عمده دیگر بر واردات ما اضافه خواهد شد و آن لباسهای دوخت فرنگ است ...» (۸)

کار به جایی رسید که حتی مجبور به وارد کردن لباسهای ته مانده، کهنه و نیم دار غربی از آمریکا و اروپا که به اعتراف سفیر ایران در واشنگتن باعث امراض شده و از نقطه نظر حفظ الصحه بی خطر نیست شدند. این لباسها دسته دسته و فوج فوج به ایران وارد شده و مردم بیچاره ای که قدرت خرید لباسهای نو را ندارند به خرید چنین لباسهایی رو می آورند و چون سودآور و منفعت زاست، بعضی از تاجران خرما و صمغ نیز به صف واردکنندگان لباس آمریکایی و اروپایی می پیوندند! و تقاضای اجازه ورود آن را می نمایند» (۹)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶ و نیز رک: واقعه کشف حجاب - اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان - گردآورنده مرتضی جعفری و ... - تهران - سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و موسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۷۱
۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۲۲۲
۳. همان، ص ۲۸۲
۴. کشف حجاب، مهدی صلاحی، ص ۲۱۶
۵. همان
۶. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۵
۷. همان، ص ۳۰، به نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۷۱۰، مورخه ۲ / اسفند / ۱۳۰۷؛ صفحه ۳
۸. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۳۰، به نقل از روزنامه اطلاعات، شماره ۷۱۰، مورخه ۲ / اسفند / ۱۳۰۷؛ صفحه ۳

تاریخچه کشف حجاب



◆ زنان بد نام

در ۲۵ آذر ۱۳۱۴ از سوی وزارت معارف به شهرستانها تلگراف توجیهی ارسال شد که برای زمینه سازی رفع حجاب و نیز سعی رژیم در زدودن شائبه ضد اسلامی بودن کشف حجاب بود(۱)

طی بخشنامه ای به کلیه حکام ولایات و ایالات، در مورد لزوم انجام نهضت بانوان (کشف حجاب) آمده: از دخول بعضی عناصر بد و زنهای بدسابقه در این قبیل مجامع و جشنها باید ممانعت شود، حتی اگر فواحش به کشف حجاب احترام نمایند، (یعنی اگر فواحش کشف حجاب کردند) باید قویا جلوگیری شود که صدمه به این مقصود مقدس نزنند(۲)

زنان بد نام و فاسد در مجامع خانمهای شرافتمند راه نیابند و به لباس آنها ملبس نشوند بلکه آنان را از این طور مجالس دور سازند و در مهمانی ها و پذیرایی ها و غیره راه ندهند(۳)

یکی از اقدامات عجیب و غریب برای بی ارزش کردن و حقیر و پست نشان دادن حجاب و چادر، فشار و زور برای چادر سر کردن زنان بدکاره و فواحش بود تا بدینوسیله نشان دهند که حفظ عفت و پاکي مربوط به نوع و طرز پوشش نیست و زنهای آنچنانی برای پوشاندن بدکارگی و قبح عمل خود به آن پناه برده در نتیجه چادر به پوششی پست و شرم آور و ضد ملی بلکه ضد دینی تبدیل می شود این نقشه پلید ابتدا از فکر و ذهن استعمار پرورده و عامل سوگند خورده انگلیس یعنی محمود جم که در آن زمان نخست وزیر و با حفظ سمت وزیر داخله نیز بود، پیدا شده است و البته آموزشهای سرویس جاسوسی و برلران ماسونی را نیز در این خصوص نباید فراموش کرد(۴)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۷۲ و نیز رک: خشونت و فرهنگ، سندهای شماره ۲ و ۲

۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۲۲۲، به نقل از واقعه کشف حجاب، سازمان مدارک و... صفحات ۹۶ و ۹۷

۳. همان، به نقل از خشونت و فرهنگ، سازمان اسناد ملی ایران، صفحه ۴

۴. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۲۲۲، به نقل از واقعه کشف حجاب، سازمان مدارک و... صفحات ۹۶ و ۹۷

◆ از قول رئیس الوزرا

غیر از واکنش های عمومی، واکنش هایی از سوی دولتمردان مخالف طرح نظیر صدرالاشراف و مخبرالسلطنه هدایت (نخست وزیر وقت) به عمل می آمد(۱)

مخبر السلطنه هدایت که خود بیش از شش سال و سه ماه به عنوان رئیس الوزرا در خدمت رضاشاه بود، در قسمتی از خاطرات خود ضمن استهزاء (روز ۱۷ دی ۱۳۱۴) در مورد نقش زن ایرانی در اقتصاد کشور می نویسد: "۱۷ دی روز ورود به صحنه تمئن است. مملکت را آوازه ی تمئن و ترقی فرا گرفته است. سرورم که می بینم خانم ها در نتیجه ی معرفت به وضعیت خود آشنایی یافته اند. نصف قوای مملکت بیکار بود و به حساب نمی آمد، اینک داخل جماعت شده است. آنان که مشغول خانه داری بودند به عرصه ی ولنگاری قدم نهادند. در هیچ جای دنیا زن به قدر ایران کار نمی کرد و نمی کند در شهرها و قراء، زن علاوه بر کار خانه داری بزرگترین کمک را به اقتصاد مملکت می کند. قالی، گلیم، جاجیم، اغلب از زیر دست زن بیرون می آید یا دخترها(۲)"

وی در جای دیگری می گوید: «... تکلف در لباس به جایی کشیده که عایدات مشروع و حلال هشتاد درصد، وفا به ایفای مد نمی کند. لباس صبح، لباس ظهر، لباس عصر، لباس شب، کفش و جوراب و کلاه هم رنگ، دامن ... سابق و سمه می کشیدند، سر انگشتان را حنا می بستند و چون پول به خارج نمی رفت وحشی گری بود! حال که به مبلغی گزاف به بهای ماتیک می رود نشانه ترقی و تمدن است! بگویم مد هم وسیله انتشار ثروت است، در صورتی خواهد بود که از متاع داخل باشد، نه از جنس خارجه و منحصر به ثروتمندان ...» (۳)

هدایت در جای دیگر می گوید: «ظاهراً قصد از تغییر لباس از بین بردن لباس اهل علم است که بسیاری مردم عادی در بردارند ... به هر حال و قصد، پیشنهادی به مجلس شد و لباس متحدالشکل به تصویب رسید و بر سر عمامه زد و خوردها شد. کلاه پهلوی از یک طرف لیه داشت. در نظمی کاسکت بر سر گذاشتند. در این اوقات روزی به شاه عرض کردم تمدنی که آوازه اش عالمگیر است دو تمدن است یکی تظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتورها، تمدنی که مفید است و قابل تقلید تمدن ناشی از لابراتورها و کتابخانه هاست. گمان کردم به این عرض من توجهی فرموده اند. آثاری که بیشتر ظاهر شد تمدن بولوارها بود که به کار لاله زار می خورد و مردم بی بند و بار خواسته بودند» (۴)

هدایت می افزاید: «فایده ای که از توسعه مدارس بردیم این است که جمعی را از رشته خود کرده ایم، چند کلمه ناقص آموخته اند و بار بودجه مملکت شده اند ... عمده توجه به ورزش است، خصوصاً دخترها در لباسهای مخصوص که محو قیاحت می کند و حس حیا را می کاهد باز لعنت به تقلید. نمی دانم مسابقه دخترها در دویدن کجای تربیت است ... یکی از کسان من که لیسانس گرفته است می پرسد که حضرت فاطمه (علیها السلام) چه نسبت با حضرت حسین (علیه السلام) داشت، تلف بر این معارف» (۵)





مخبر السلطنه هدایت وضعیت مجالس را در سال ۱۳۱۸ش که عروسی محمد رضا پهلوی، ولیعهد با فوزه برقرار گردید چنین توصیف می کند: «میهمانیهای مجلل در دربار و باشگاهها داده شد. خوانین همه بهره ور از حقوق اجتماعی به مد آخر پاریس در مجالس جلوه گر شدند. در باشگاه وزارت خارجه خانمی را یا بانویی را دیدیم که تا زیر ناف برهنه بود. یالبعجب کجاییم و چه می کنیم؟ و این بود معرفت بانوان به وضعیت خود که شاه در نطق ۱۷دی/۱۳۱۴ مراسم رسمیت یافتن کشف حجاب / فرمودند... با رفع حجاب، حجب هم از بین رفت، کار به استخر رامسر کشید هر غلطی در گوشه ای از دنیا کردند ما هم باید بکنیم و به اقتضای فکر تجدد، دولت چشم بر هم می گذاشت. قر... در کنار خیابان شاه استخری ساخت موسوم به رامسر ولوندهایی پیدا شدند که به شیوه ملل مترقی، ناموس خود را در معرض استفاده ... بگذارند، از آزادی همین را در نظر گرفته ایم، مترقیات شهر در رامسر تخم تمین را از اذانه کاشتند تا چه برداشت کنند...» (۶)

مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه) می گوید: «آنچه در تعدیل صادر و وارد رسته بودیم، به حمله کفش و کلاه چله شد. پولمان را می خواستیم طلا کنیم، هیا شد، بالجمله نطق ها کردند و قصاید سرودند و ریشة عصمت و عفت را درینند» و هدایت در جای دیگر می گوید: «قیح ترین زندگی پاریس، مراکز فواحش، امروز مصدر زندگی طهران شده است.» (۷)

در آخر به قول محمد امین زین الدین «افرادی که لکه ننگ بی عفتی را بر افکار جامعه تحمیل می نمایند و آنچه بنام حریت و آزادی برای زن به عنوان دفاع از حریم عدالت و آرزوی خوشبختی که همواره در سر زبانهای آنان به نام دفاع از حقوق زن جریان دارد، همه و همه برای نیل به بوالهوسای خود، و هدفی جز تأمین خواسته های شیطنی خود ندارد. به نام زن فریاد می زنند تا به او نزدیک شوند... و از حریم وی دفاع می کنند تا رضایت او را به سود خود جلب کنند.» (۸)

توطئه کشف حجاب چیزی برتر و بالاتر از اسم آن بوده و عنوان کوچک بوده برای جنایتی عظیم که ما اکنون پس از بررسی دهه بتازگی به زوایای مختلف آن آگاه گشته و ارتباط آن را با از میان برداشتن اسلام و ... در می یابیم. (۹)

۱. حکایت کشف حجاب ج ۲ ص ۲۷۶. همان، ج ۱ ص ۲۱ و نیز رک: واقعه کشف حجاب سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۲. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۸۵ و ۸۶
۳. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۱۲. به نقل از خاطرات و خطرات، مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) صفحه ۲۸۲. همان
۴. همان، ص ۲۸۲. به نقل از خاطرات و خطرات، مهدی قلی هدایت، صفحات ۴۰۵ الی ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۴ و ۴۳۶
۵. داستان حجاب، ص ۸۵۱ حجاب و جامعه محمد امین زین الدین، ترجمه زهرا حسینی، صفحات ۱۳ و ۹۱۴. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۲۸۴

◆ فرزند خلف



محمدرضا شاه می گوید: این (جشن فارغ التحصیلی در دانشگاه در روز ۱۷ دی) اولین باری بود که در تاریخ جدید ایران، بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت می جستند و موفقیت در این آزمایش بزرگ مروهون نیروی ابتکار پدرم و تا درجه ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود! (۱)

محمدرضا شاه از دو سیاست سرکوب و تبعید و شکنجه و نیز تبلیغاتی و فرهنگی بهره گرفت. کشف حجاب در زمان رضاشاه با قلدری و در زمان محمدرضا با خدعه و تبلیغ انجام گرفت. (۲)

محمدرضا نه تنها کشف حجاب را پیگیری می کرد بلکه کشف لباس را ترویج می نمود و عربیاتی را تبلیغ می کرد. همانند پدر با استفاده از رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه و مجلات، جشنهای فرهنگ و هنر، جشن های دوهزار و پانصد ساله و... مبارزه با زنان محجبه در مدارس، دانشگاهها، ادارات و ... عملاً همان محدودیت ها و تضيیقات را بوجود آورد، فقط مأمورین، زنان با حجاب را ضرب و شتم ظاهری نمی نمودند تشویق حکومت او باعث رشد فزاینده کاباره ها، کافه ها، قمارخانه ها و مراکز فساد شد و جوانان پاک این مملکت را آنچنان آلوده کرده بود که تمام ذکر و فکر آنها پیگیری همین موضوعات بوده و از سر نوشت خود و کشور غافل و دور مانده بودند و همان هدف استعماری دوران رضاشاه در دوران محمدرضا پیگیری و دنبال شد (۳)

۱. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و نیز رک: محمد رضا پهلوی، مأموریت برای وطن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲. حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳
۳. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۴۲۰، به نقل از ظهور و سقوط پهلوی، فردوست، جلد اول، صفحات ۲۷ و ۲۸ و حجاب و کشف حجاب در ایران، فاطمه اسناد ملک، صفحات ۶۱ و مأموریت برای وطن، محمدرضا پهلوی، صفحات ۴۶۴ تا ۴۶۸ و تاریخ سیاسی معاصر ایران، دکتر مدنی، صفحات ۱۲۱ و ۱۲۲



◆ حضرت امام خمینی (ره):

- اگر خدا به داد این ملت نرسیده بود خوابهایی بسیار وقیحانه برای ملت دیده بودند
- خدا می داند که در کشف حجاب چه جنایتهایی اینها کردند حتی به علمای بزرگ هم پیشنهاد می کردند که شما مجلس بگیرید با خاتم هایتان، با زنهایتان بیایید در مجلس. خدا می داند که به این ملت ایران چه گذشت. در این کشف حجاب انسانیت را پاره کردند. آزادی زن در منطق شاه یعنی به انحطاط کشیدن زن از مقام انسانی او و در حد یک وسیله با اورفتار کردن. یعنی پر کردن زندانها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستی های شاهانه تن بدهند. (حکایت کشف حجاب ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۳۸)
- نقشه این بود که این قشر موثر که از دامن آنها زنان و مردان موثر تربیت می شوند طوری کنند که اطفال خودشان را از دامنه های خودشان برانند و در جاهای دیگر که اطفال در آنجا جمع می شوند اثباته کنند و شما را از مهر مادری و آنها را از سرپرستی مادرانشان جدا کنند که این افرادی که باید در دامنه های شما تربیت بشوند از شما جدا بشوند و نتوانند برای کشور خودشان و برای اسلام عزیز عمل کنند. نقشه این بود که با توطئه کشف حجاب مفتضح در زمان قلدر ناپهیم، رضاخان، این قشر عزیز را که جامعه را باید بسازند تبدیل کنند به یک قشری که فاسد کنند جامعه را و این نقشه نه اختصاص به شما باتوان داشت بلکه جوانان مرد را هم همین طور بکشاند به مراکز فساد و انطور که می خواهند آنها را تربیت کنند که اگر چنانچه کشورشان بدست هر کس بیفتد بی تفاوت باشند. (حکایت کشف حجاب، ج ۱، ص ۱۳۹)
- آنهايي که اینقدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپاست ترقی کشور می دانند با آنها حرفی نداریم، و توقع آن را هم نداریم که آنها بپذیرند عقل و هوش و حس آنها را اجانب دزدیده اند کسانی که اینقدر حس و شعور خود را در مقابل اجانب از دست داده اند که در وقت هم تقلید از آنها می کنند ما با آنها چه بگوییم، همه می دانند که ظهر تهران به تقلید اروپا بیست دقیقه قبل از نصف النهار خودش به رسمیت شناخته شده (برای اطلاع از کم و کیف تغییر ساعت به تاریخ بیست ساله، حسین مکی مراجعه کنید) و یکی تاکنون نگفته این چه کلبوسی است که اهل این مملکت به آن دچار شدند، آن روز که کلاه پهلوی سر آنها گذاشتند همه می گفتند مملکت باید شعار ملی داشته باشد؛ استقلال در پوشش، دلیل استقلال مملکت و حافظ آن است. چند روز بعد کلاه لگنی گذاشتند سر آنها؛ یک دفعه حرفها عوض شد، گفتند ما با اجانب مراوده داریم باید همه هم شکل باشیم تا در جهان با عظمت باشیم، مملکتی که با کلاه عظمت برای خود درست می کند یا برایش درست می کنند هر روزی کلاهش را ربوندند، عظمتش را هم می برند. در همه این مراحل اجانب که نقشه های خود را می خواستند عملی کنند و با کلاه گذاشتن سر شما می خواستند کلاه را از سر شما بردارند، از دور با چشم استهزاء به شما نگاه می کردند و به کارهای کودکانه شما می خندیدند، شما با یک کلاه لگنی دور خیابانها قدم می زدید و با دخترهای برهنه سر گرم بودید و به این وضع افتخار می کردید غافل از آنکه در سرتاسر کشور افتخارات تاریخی شما را بردند و در سرتاسر کشور منابع ثروت شما رفت و از دریا تا دریای شمال را زیر پا درآوردند و با یک خط سرتاسری (اشاره به خط راه آهن جنوب و شمال کشور) شما را به این روز نشانند. (کشف الاسرار، امام خمینی (رحمة الله علیه) صفحات ۲۲۲ و ۲۲۴)
- قبل از بیست ساله دیکتاتوری، نقشه های خود را نسبتا با نزاکت و آرامش می خواستند عملی کنند؛ با روزنامه ها و تبلیغات که از قفقاز و کلکته و مصر می آمد. (کشف الاسرار ص ۳۲۰ و ۳۲۱)
- این نقشه ها، نقشه های ساده ای نبود که با مغز تهی رضاخان طرح شده باشد بلکه یک حرکت جهانی استعماری در کشورهای اسلامی بود، چنانکه نمونه هایی کاملاً یکسان در کشورهای نظیر مصر، ترکیه، افغانستان و الجزایر مشاهده می شود.





◆ مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)

تهاجم فرهنگی علیه ملت ما مشخصاً از دوران رضاخان شروع شد. البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود. قبل از او کارهای فراوانی کرده بودند و روشنفکرهای وابسته را در داخل کشور کاشته بودند... ملت ایران باید تاریخچه این ۱۵۰-۲۰۰ سال اخیر، از دوران اواسط قاجار و جنگهای ایران و روس به بعد را بخوانند و ببینند چه حوادثی در این کشور روی داده است. یکی از این حوادث، ایجاد جریان روشنفکری وابسته است. ما نمی توانیم بگوئیم که در طول تاریخ ایران روشنفکر نداشته ایم. همیشه در همه عصرها و دورانیها روشنفکرهایی بوده اند که جلوتر از زمان می اندیشیدند و حرکت می کردند، اما زمانیکه غرب مسلط به تکنولوژی و علم، خواست در ایران پایگاه تسلط خود را مستحکم بکند از راه روشنفکری وارد شد. از طریق عناصر خود فروخته ای مثل میرزا ملکم خان ها و تقی زاده ها اقدام کرد. جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته متولد شد. متأسفانه چند نفری هم که آدمهای سالم و خالصی بودند، بین آنها گم شدند. این جریان از ابتدا وابسته بود. بعضی از آنها وابسته به روسیه بودند مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده و بعضی دیگر وابسته به اروپا و غرب مثل میرزا ملکم خان و امثال او. این کارها قبلاً در داخل ایران شده بود ولی اثر چندانی نداشت. کسی که در آن روز بزرگترین قدم را به نفع فرهنگ غرب و در حقیقت به نفع سلطه غرب و استعمار انگلیس بر ایران برداشت، رضاخان بود. شما ببینید در وضع امروز، این چقدر رسوا است که یک پادشاهی یکبارگی لباس ملی یک کشور را عوض کند. شما به اقصی نقاط دنیا مثل هند که تشریف ببرید می بینید ملتها لباس ملی خود را دارند و به آن افتخار هم می کنند و از آن احساس سرشکستگی هم نمی کنند ولی آنها آمدند یکبارگی لباس ملی این ملت را ممنوع کردند. چرا؟ گفتند چون با این لباس نمی شود عالم شد عجب! بزرگترین دانشمندان ایرانی که آثار آنها هنوز در اروپا تدریس می شود با همین فرهنگ و در همین محیط پرورش یافتند. مگر لباس چه تأثیری دارد؟ این چه حرف و منطق مسخره ای است که مطرح کردند؟ آنها لباس یک ملت را عوض کردند، چادر زنهارا از سرشان برداشتند و گفتند با چادر نمی شود زنی عالم و دانشمند بشود و در فعالیت اجتماعی شرکت بکنند. من سوال می کنم با برداشتن چادر در کشور ما زنهارا چقدر در فعالیت اجتماعی شرکت کردند؟ مگر در دوران رضاخان و پسرش فرصتی داده شد تا زنهای ما در فعالیت های اجتماعی شرکت کنند؟ در دوران آنها نه به مردها فرصت فعالیت اجتماعی داده می شد و نه به زنهارا بزنها ایرانی زمانی وارد فعالیت اجتماعی شدند و کشور را با دستهای توانای خود متحول کردند و مردهای این کشور را به دنبال خود به میدان مبارزه کشیدند که چادر سرشان کردند و به میدان آمدند. چادر و لباس چه تأثیری در عدم فعالیت زن یا مرد دارد؟ عمده این است که دل این مرد یا زن چگونه است. چگونه فکر می کند ایمان او چقدر است. روحیه اش چگونه است و چه انگیزه ای برای فعالیت اجتماعی یا علمی دارد.

این مرد قلدر نادان بی سواد یعنی رضاخان آمد و خود را در اختیار دشمن قرار داد. یکبارگی لباس این کشور را عوض کرد، بسیاری از سنتهای مردم را تغییر داد، دین را ممنوع کرد و کارهایی را باقلداری انجام داد که همه شما می دانید و چهره محبوب غرب شد. آنها هم نه آحاد مردم و افکار عمومی غرب بلکه محبوب سلطه گران و سیاستمداران غربی. تهاجم فرهنگی علیه اسلام و ملت ایران از آنجا شروع شد و شکلهای گوناگونی هم پیدا کرد. این تهاجم در دوران جدید خاندان منحوس پهلوی یعنی در ۲۰۳۰ سال آخر حکومت آنها شکل خطرناکتری پیدا کرد حالا مجال توضیح آن نیست. (حدیث ولایت، ج ۸، ص ۲۱۴ تا ۲۱۹)



هجوم خاموش

هجوم خاموش

اگر دکارت پیش از چهارصد سال گفته بود: «من می اندیشم پس هستم» زنان در جامعه امروز غرب و همه جامعه های امروزی غریزده ناچار باید بگویند: «مرا نگاه می کنند، پس هستم!» زن فقط جسم است و مرد در برابر زن همه چشم است!
(غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۳۳)

◆ برنامه ها و سیاست ها

■ شاید بتوان منشور اصلی از بین بردن عفت و حیا و زیر پا گذاشتن ارزشهای انسانی زنان در صحنه جهانی را پروتکل های دانشوران صهیون دانست. در این پروتکلها که در واقع اساسنامه سیاست ها و فعالیت های صهیونیسم جهانی است، راجع به بسیاری از مسائل صحبت به میان آمده که در واقع شالوده انسانیّت را در جهان از بین خواهد برد. در ذیل به گزیده ای از آن با موضوع عفاف و حجاب اشاره شده است.

ما باید کاری بکنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید. فروید از ماست و به زودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکار انجام می شود که در نظر جوان دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد و پیوسته همت او اشباع غرایز شهوتش گردد و در آن صورت است که اخلاق فرو می ریزد.

دایره المعارف بریتانیا، ج ۲ ص ۸۴

برای نابود کردن «گوییم» (گوییم یعنی همه غیر یهودیها) عشق به عیاشی و تجمل پرستی را در بین گوییم رواج می دهیم و آنها را به این وضعیت تشویق می کنیم و لذات و خوشیهای اینگونه زندگی را در نظر آنها جلوه گر می سازیم؛ زیرا سوری ناپذیری این گرایش، اگر ریشه هایش استوار شود، به هیچ چیز رحم نمی کند و همه را می بلعد.
پروتکل ۶/ ص ۲۸۲

ما نسل جوان «گوییم» را فریفته و گیج کردیم و با تربیت آنها براساس اصول و نظریاتی که می دانیم غلط و دروغ است و در عین حال ما به آنها تلقین کرده ایم، به فسادشان نشانیم.

پروتکل ۹/ ص ۲۹۲

برای آنکه توده ها همواره در گمراهی بمانند و ندانند در اطرافشان چه می گذرد و با آنها چه می شود، با ایجاد وسایل تفریح و سرگرمی و ... و لذت بردن و شهوترانی... آنها را به خود مشغول خواهیم کرد.

پروتکل ۱۲/ ص ۳۱۸ و ۳۱۹



ما جوانان مسیحی (به طور کلی غیریهودی) را در دریایی از افکار شاعرانه غرق می‌کنیم و آنها را بر اساس تئوریه‌ها و اصولی که غلط می‌پنداریم تربیت می‌کنیم تا بتوانیم آنان را به فساد بکشانیم.

پروتکل ۹

اهمیت خانواده و نقش تربیتی آن را در بین غیریهودیان از بین می‌بریم.

پروتکل ۱۰

در کشورهای پیشرفته و مرفقی، ادبیاتی نامفهوم و مستهجن رواج می‌دهیم تا بتوانیم در برابر سخنرانی‌ها و برنامه‌های خودمان نوعی آرامش در مردم ایجاد کنیم.

پروتکل ۱۴

از مدتها قبل کوشیده ایم تا اعتبار کشیشان را در میان مسیحیان از بین ببریم.

پروتکل ۱۷

اینها که گفته شد از نظر دانشوران صهیون فقط شایسته غیر یهودیان است و گر نه ایشان نیز به ارزش و منزلت عقل و پستی رواج شهواتی واقفند. به جمله زیر توجه کنید:

پادشاه یهود نباید تسلیم خواسته‌های خود، به ویژه خواسته‌های جسمانی باشد، او نباید اجازه دهد گزینه سرکش بر عقل چیره شود. زیرا شهوات مهلک هستند و قوای عقلی را از کار می‌اندازند و نور بصیرت و بینش را خاموش می‌کنند و افکار را به آخرین درجه پستی می‌کشانند.

پروتکل ۲۴/ص ۳۷۷

■ **مستر همفر جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی در بخشی از خاطرات خود آنجا که نقاط قوت مسلمانها را برمی‌شمارد به مورد حجاب اشاره می‌کند و می‌گوید: "زنان آنان دارای حجاب محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست." و در جای دیگر به اقداماتی که جهت از بین بردن نقاط قوت مسلمین توسط دولت انگلستان برنامه ریزی شده اشاره کرده می‌نویسد: "به هر وسیله‌ای شده باید زن مسلمان را از حجاب اسلام خارج کرد و بی‌حجابی را در بین زنان مسلمان رایج نمود و ابتدا برای گول زدن آنها که حجاب را کنار بگذارند باید به آنها تفهیم کرد که حجاب به صورت چادر و یا عبا مربوط به اسلام نیست. چادر لباس قدیمی ایرانیان قبل از اسلام بوده و عبا لباسی است که خلفای عباسی برای زنان مسلمان رسم کرده‌اند و این یک لباس اسلامی نیست. مردم صدر اسلام زنان پیغمبر را می‌دیدند که در همه شئون و مشاغل مردان مداخله می‌کردند (خلط حق و باطل و تحریف حقیقت را ملاحظه می‌فرمایید) خواه ناخواه وقتی زنها از حجاب خارج شوند مردها و جوانان فریفته می‌شوند و در نتیجه فساد در کانون خانواده‌ها رخنه می‌کند. برای اجرا باید اول سعی کرد زنان غیر مسلمان در کشورهای اسلامی را از حجاب خارج کرد تا زنان مسلمان نیز پیروی آنان کنند."**

■ **به گوشه‌هایی از اعترافات غربیها از وضعیت زنان در اروپا که در گزارشات، مصاحبه‌ها و مقالات مختلفی آمده و در کتاب ذیل جمع‌آوری شده، توجه کنید. آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان؛ این است بلایی که صهیونیسم جهانی بر سر زن اروپایی آورده است:**

هلن بیکر از سیاتل واشنگتن، در مقاله‌ای به سردبیر یکی از هفته‌نامه‌های آمریکایی می‌گوید: "من خودم اگر می‌توانستم دشواری‌ها و هزینه‌های لوازم آرایش را کنار بگذارم بسیار آسوده خاطر می‌شدم، اما سرمایه‌داری نمی‌گذارد. من شیفته‌ی آگهی‌های زیبایی نیستم، اما فشار اقتصادی (من باید زندگی خود را بگذرانم) به زور مرا وامی‌دارد که این مواد لعنتی را خریداری و آن را به کار ببرم. آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان، جوزف هنسن - ایولین رید - ماری آلیس واترز، ص ۷۱

کاربرد فراوان لوازم آرایش در دنیای امروز «نشانه بربریت» است چون ضروری و اجباری است. چون ما همیشه لوازم آرایش را برای اینکه خود خواسته‌ایم به کار نمی‌بریم. این پدیده، بربریت است، نه خود آرایش. آرایش نشانه بربریت است چون از این واقعیت پرده بر می‌دارد که چهره فیزیکی زن را می‌سازند تا چنان اهمیت بزرگ و سرنوشت‌سازی را دارا شود که سایر جنبه‌های شخصیت او در رده‌ی زیرین و نزدیک به ناپودی قرار گیرد.

همان، ص ۹۲

استاندارد زیبایی زنانه در سرمایه‌داری را نخستین بار مردانی که از سوی جامعه‌ی بهره‌کش گمراه شده بودند، پدید آوردند. این مردان، زنان را جز یک بازیچه نمی‌توانستند ببینند. هیچگاه در ذهن نظریه‌پردازان آشکار سرمایه‌داری نمی‌گذرد که زنی ممکن است انسان رشدیافته باشد و توانایی‌های دستیابی به بسیاری از چیزهای بیرون از رختخواب را هم داشته باشد.

همان، ص ۷۵



استانداردهای زیبایی اندام از طریق ستاره های هالیوود و مسابقه های گوناگون زیبایی، نگه داری و درباره ی آن جار و جنجال برپا می شود. آنها همچون نمونه ی زیبایی در برابر چشمان افسون شده ی توده ی زنان از طریق رسانه های در دسترس رژه می روند؛ روی پرده ی سینما و تلویزیون و مجله های خوش نما و بازاری.

همان، ص ۱۱۲

کارفرمایان مردی که، کارگران کارآمد و کارآموده را به جای کسانی که درخشش هالیوودوار دارند به کارگمارند، به راستی بسیار اندک اند.

همان، ص ۷۱ و ۷۲

اگر زنی برای کار در اداره، رستوران و یا کارخانگی درخواست بدهد و ظاهر و قیافه ی خود را فراموش کند و آن را نادیده بگیرد، به طور یقین در آزمون استخدام آخرین نفر است.

همان، ص ۸۹

این رقابت بزرگ پر آب و تاب، که به شکل های بی شماری رخ می دهد، به شکل باز یا زیرکانه و پنهان، بخش بزرگی از فکر و وقت زنان را می گیرد و بزرگترین ابزار این رقابت بیشتر نمایانندن سسکس از راه آرایش است.

همان، ص ۹۰

کریستین دیور، طراح نامدار مد ثروتمندان، که سبک لباس های او برای فقیران کپی می شود، این توان را دارد که دامن پنجاه میلیون زن آمریکایی را یک شبیه بالا ببرد و یا پایین بیاورد یا هر دو کار را انجام دهد.

تفاوت سه یا چهار اینچی در بلندی دامن می تواند دنیای زنان را که از نظر اجتماعی می بایستی به تازه ترین مدها وفادار بمانند، زیر و رو کند. شاید برای ثروتمندان دور انداختن لباس هایشان و خرید لباس نو گونه ای سرگرمی باشد، اما برای بینوایان مصیبت بار است. با این همه، درست از طریق چنین دستورهایی مد است که سوئجویان پروارتر می گردند.

همان، ص ۱۱۲ و ۱۱۳

■ سلیقه سازی، سیاست استعمار فراتو

بر روی ذوق و سلیقه ی ما از هر طرف فشار وارد می آید، فشاری که حتی ناخشنودترین ما به سختی می تواند آن را نادیده بگیرد. ذوق و سلیقه سازی در آمریکا به راستی صنعتی بزرگ است. آیا جایی دیگر سراغ دارید که در آن شماری این چنین از کارشناسان به چنین شماری از آدم های ندانم کار بگویند که سلیقه ی آنها چگونه باید باشد؟ آیا هیچ کشوری در جهان پیدا می شود که به اندازه ی ما مجله داشته باشد و کار مجله این باشد که به مردم بگوید که چگونه باید خانه های خود را بپارایند؟ چگونه لباس بپوشند، با آشنایان و دوستان خود چگونه رفتار کنند؟ و تا این اندازه ستون روزنامه ها پر از نکته هایی در این باره باشد که سلیقه ی خوش چيست و سلیقه ی بد کدام است؟ در سده ی گذشته و یک ربع قرن پس از آن، آماده سازی سلیقه در آمریکا تجارت بزرگی شده است. صدها هزار تن در بخش های سردبیری و آکھی پردازی، دستگاه های چاپ، نگارخانه ها، موزه ها، فروشگاه ها و بخش های مشاوره به کار پرداخته اند. اگر صنعت سلیقه سازی از قلمرو تجارت بیرون می رفت ما با یک رکود اقتصادی بزرگ روبرو می شدیم، و تا چشم کار می کرد صف درازی از سلیقه سازان مستمند دیده می شد.

... با اینهمه، پلای ویرانگری نیست که ما با آن رویارو می شویم، چون صنعت سلیقه سازی روز به روز برای چرخش کار سرمایه داری به سبک آمریکا ضروری می گردد. سرشت سیستم اقتصادی ما این گونه است که نه تنها تقاضا را برآورده می سازد بلکه آن را می آفریند. یکی از روش های آفرینش تقاضا، دگرگون ساختن سلیقه ی مردم است. یا دست کم آنها را به تغییر سلیقه فراخواندن است، و فشار وارد آوردن به آنها تا آنچه دیروز خوب می نمود را به سود آنچه که امروز این چنین و سوسه انگیز و در برابر آن ایستادگی به سختی امکان پذیر است، رها کنند.

برای بسیاری از تولیدکنندگان و سازندگان، مشکل این نیست که چگونه سلیقه ها را بهتر کنند بلکه چگونه آن را روان و تغییرپذیر نگه دارند تا آنچه که پارسال نو و گیرا می نمود امسال کهنه بنماید و ده سال دیگر باستانی پنداشته شود.

همان طور که مشاور روابط همگانی درباره ی جنگ روانی شرکت ها نگرانی دارد. طراح صنعتی نیز درباره ی آمادگی سازی و پشتیبانی از سلیقه ها دلوایسی دارد، به دیگر سخن کار او این است که در جنگ تجارترگان در جبهه ی سلیقه بجنگد.

همان، ص ۱۴۷ تا ص ۱۵۰

■ حضرت علی علیه السلام فرمودند:

(لاتزال هذه الامه بخير ما لم يلبسوا ملابس العجم و يطعموا اطعمه العجم فان فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل)
پیوسته امت مسلمان به راه خیر قدم می نهند، تا زمانی که از فرهنگ و آداب و رسوم (مانند پوشیدن لباس و غذا خوردن و...) کافران تقلید نکنند. و اگر در آداب از بیگنان پیروی کردند خداوند قادر آنان را ذلیل می گرداند.

■ امام صادق علیه السلام فرمود:

(انه لوحي الله الي نبي من ائبائه للمؤمنين: لاتلبسوا لباس اعدائي و لاتطعموا مطاعم اعدائي و لاتسلکوا مسالک اعدائي، فتکونوا اعدائي کما هم اعدائي)

خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مؤمنان بگو که در لباس، خوراک و آداب و رسوم، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهید که اگر چنین کنید شما دشمنان خدا محسوب می گردید.

■ رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمودند:
(لیس منا تشبه بغيرنا)
کسی که خود را شبیه غیر مسلمانان کند، از ما نیست.



در صفحات گذشته، داستان غم انگیز و تاسف بار کشف حجاب در ایران را ملاحظه کردید و اینک قصهٔ پر غصهٔ دیگری و اینبار در کشور اسلامی الجزایر.

فرانتس فانون جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی در کتاب خود در مورد استعمار در الجزایر می‌گوید:

روش پوشاک، سنن و لباس پوشیدن و زینت‌ها، اساسی‌ترین و مشخص‌ترین شکل یک جامعه است که بلافاصله به چشم می‌خورد ... غالباً از روی سنن لباس پوشیدن افراد یک جامعه تعلق آنها به مرحله خاصی از فرهنگ مشخص می‌شود.

استعمارگر حداکثر کوشش خود را بر مسئله چادر تمرکز داده و آن را به منزله علامت اصالت ملی و وضع خاص زن الجزایری تلقی کردند موضع گیری آن چنانی نتیجه الهامی تصادفی نیست بلکه بعد از تجزیه و تحلیل‌های جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان بود که متخصصین به اصطلاح مسائل بومی و مسئولین ادارات عمومی کار خود را هماهنگ ساختند. در ابتدای امر این روش، تمسکی است ساده و روشن به ضرب المثل‌ی قدیمی، ضرب المثل‌ی که می‌گوید: «زن‌ها را دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن خواهد آمد...».

اینک خواهیم دید مسئله چادر که یکی از سنن و لباس ملت الجزایر است موضوع مبارزهٔ عظیمی قرار خواهد گرفت. در طی این مبارزه نیروهای اشغالگر، متنوع‌ترین و قوی‌ترین تدارکات خود را تجهیز خواهند کرد. مسئولین اداری فرانسوی در الجزایر که مأموریت داشتند اصالت ملت را نابود سازند و از طرف مراجع موظف بودند تمام شکلهای زندگی را که ممکن است از نزدیک یا دور، واقعیت و اصالت را خاطر نشان مردم سازد، تجزیه کرده از هم بدرند.

تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۱۲ و ص ۱۰۰ تا ص ۱۰۲

مسلمان نیروی اشغالگر که حد اعلای فعالیت روانی خود را در مساله چادر زنان الجزایری متمرکز کرده است باید آشکارا نتایجی هم بدست آورد. در گوشه و کنار، اتفاق می‌افتد که موفق میشوند یک زن را به اصطلاح «رهايي بخشند» که آن زن، از جنبه‌ی نمودی (سمبلیک) بی حجاب است. از آن پس این زنان، «نمونه‌ای و آزمایشی» با چهره‌ی مکتشوف و بدن آزاد مانند سکه رایج در محیط اروپایی الجزایر سیر می‌کنند. در اطراف این زن حلقه‌ای از تعلیمات نوین به وجود می‌آید و اروپائیان که از این پیروزی کاملاً به هیجان آمده‌اند، از نگرانی اینکه به وضع اولیه برنگردد، این زن را مانند کسی که به مذهب جدیدی گرویده باشد، احاطه می‌کنند. و اعمال آنان از نظر روانشناسی، یادآور تغییر مذهب از طرف یک تازه‌وارد است. هنرمندانی که توفیق این تغییر مذهب را برای این زن تحصیل کرده‌اند، در جامعه‌ی اروپایی عملاً موقعیتی یافته و مورد حسرت قرار میگیرند. اینان به مراحم خاص مقامات حکومتی مفتخر و مشخص می‌گردند. مسئولین حکومتی بعد از هر موفقیت ثبت شده بیشتر معتقد می‌شوند که زن الجزایری تکیه گاهی است برای نفوذ غربیان در جامعه بومی. هر چادری که دور انداخته می‌شود افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است تماماً به او نشان میدهد. پس از دیدن هر چهره بی حجابی امیدهای حمله و رشدن اشغالگر ده برابر می‌گردد. هر بار که یک زن الجزایر کشف حجاب کند با این عمل خویش، در واقع وجود جامعه الجزایری را با سیستم دفاعی سست بنیاد و باز و متلاشی به اشغالگر اعلام می‌دارد. هر چادری که می‌افتد، هر بدنی که از فشار سنتی چادر رها می‌شود، هر چهره که به نگاه جسور و ناآرام اشغالگر عرضه می‌گردد، برگردان این معناست که الجزایر به انکار وجود خویشستن آغاز کرده و تنگ ناموس را از جانب اشغالگر پذیرفته است. با هر چادری که رها می‌شود گویی جامعه الجزایر خویشستن را به مکتب ارباب تسلیم کرده و تصمیم می‌گیرد تحت رهبری و انقیاد اشغالگر عادات و رسوم خویش را تغییر دهد ...

رویای رام کردن جامعه‌ی الجزایری به کمک «زنان بی حجاب که شریک جرم اشغالگرند» از مغز رجال سیاسی استعمارگر بیرون نرفته است. مردان الجزایری نیز به نوبه خود هدف انتقادهای دوستان اروپایی و یا به طور رسمی تر، کارفرمایان اروپایی خویش، قرار می‌گیرند. یک کارگر اروپایی نیست که در منطقه کار یا کارگاه و یا اداره در روابط فردی خود از کارگر رفیق الجزایری خود بارها نپرسیده باشد: «آیا زن تو چادری است؟ چرا تصمیم نمی‌گیری مثل اروپایی‌ها زندگی کنی؟ چرا زنت را به سینما، مسابقات و کافه نمی‌بری؟ کار فرماهای اروپایی صرفاً به پرسش و یا دعوت هایی به مناسبت خاص راضی نمی‌شوند. بلکه مانورهای خاص په کار می‌برند تا الجزایری را در گوشه‌ی بی بن بستگی به گیراندازند و از او اتخاذ تصمیم درنماکی را متوقع باشند. به مناسبت یک عید مثلاً نونل، یا ژانویه و یا صرفاً به مناسبت یک جشن اختصاصی مربوط به موسسه کارفرما «کارمند الجزایری را به اتفاق زنش» دعوت می‌کنند ... به او گفته می‌شود که موسسه مانند یک خانواده‌ی بزرگ است و بنابراین خوش نما نخواهد بود که تو تنها و بدون همسر، حضور یابی. آیا اینطور نیست؟ در برابر چنین اخطاری، الجزایری گاهی با لحظه‌های سختی مواجه می‌شود. به اتفاق زن حضور یافتن یعنی اقرار به مغلوب شدن، یعنی «فاحشه کردن همسرش» و به نمایش گذاشتن او، یعنی رها کردن یک روش مقاومت...

کشف حجاب زن یعنی آشکار کردن زیبایی‌ها، یعنی عریان کردن نهفته‌ها و اسرار، یعنی شکستن مقاومت او، یعنی او را برای آتیه در اختیار خویش گرفتن. و بالعکس، پوشیدن چهره یعنی مخفی کردن یک راز و ایجاد یک دنیا اسرار و نهفته‌ها... این زن که بیرون و دیگران را می‌بیند ولی خود دیده نمی‌شود به استعمارگر محرومیتی را تحمیل می‌نماید زیرا این دیدن یکطرفه است و تقابل وجود ندارد. زنی که دیده نمی‌شود، تسلیم نمی‌گردد، خود را عرضه نمی‌کند.

سال پنجم انقلاب الجزایر، فرانتس فانون، ترجمه دکتر تابنده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

فریاد علیه اخلاقها، همه ارزشهای انسانی و همه جلوه متعالی روح بشری بسج شد و اسمش را گذاشت، واقعیت گرایی (رنالیسم) و این است که جای همه مذهب‌ها و همه مکتب‌ها و همه فرهنگ‌ها و همه ارزشهای انسانی، یک مذهب ساخت، که معبد ذبح شده ارزشهای انسانی زن بود.
دکتر علی شریعتی، زن، مجموعه آثار ۲۱

غرب مدیون شرق است و باید در ازای الماس، نفت، کتانوچو و امثال اینها که از شرق می‌برد، چیزی به شرق بدهد که مدیونش نباشد و طلبکار نباشد، چرا که غرب حسابان است و کالای آزادی جنسی را برای اینکه تقاضای آزادیهای انسانی از شرق ببرد به او صادر می‌کند.
دکتر علی شریعتی، مجموعه سخنرانی‌ها

در فرهنگی که در آن انسان پوک و پوچ است و از معنویت خالی است و همان تن و جسم است و دست و چشم، لباس چه شکلی می‌تواند داشته باشد پیداست که لباس وسیله‌ای برای پوشش تن نیست، بلکه برای آرایش آن است. در چنین حال و هوایی که شخصیت زن به نمایش جسم اوست، لباس او باید تنگ باشد تا همچون لعاب نازکی روی جسم او کشیده شود و خصوصیات جسمانی او را محو سازد و باید کوتاه باشد تا هر چه بیشتر او را نپوشاند لباس نه‌خانه تن، بلکه «پوست دوم» اوست و لباس به تن می‌کنند تا با کمک آن برخی از اندام خود را «قالب» و برخی دیگر را «قالب» بگیرند!

غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۳۳



مجموع خاموش در نگاه رهبر حکیم انقلاب

بینش مادی و دنیوی غربی که از افق نزدیک خور و خواب و خشم و شهوت دورتر نمیرود یک نظام اقتصادی متناسب با خود نیز ایجاد کرده است. نتیجتاً زن در نظام غربی، نه تنها وسیله ای برای مصرف شدن و مصرف کردن خود می شود که وسیله ای برای مصرف هر چه بیشتر هر چیز دیگر می شود. در چنین جامعه و فرهنگ که زن فقط «جسم» است و یک شیء است که مرد او را دائماً در دو کفه ترازوی «چشمان» خود ارزیابی می کند، مفهوم پوشش و حجاب چه معنایی دارد.

طیبه پارسا، پوشش زن در گستره تاریخ (قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۷ش) ص ۵۱ تا ص ۵۲

برای انهدام یک فرهنگ و به زانو در آوردن یک ملت همیشه حمله مستقیم یا تهاجم نظامی لازم نیست بلکه استعمار نو و جهلخوازان مدرن با روش های پیشرفته و سلاحهای نامرئی بدون ریختن یک قطره خون یا شلیک یک موشک، با همبرگر و کواکولا، شوروی را تکه تکه می کنند و با شعار آزادی و با پرچم حقوق بشر، کشورهای اسلامی را به خاک منذت می کشانند و از انجام احکام اسلامی باز می دارند! زیرا شعار آزادی آن هم از نوع غربی اش یک هدف و آرمان لسانی نیست بلکه وسیله ای برای به تسلیم کشیدن کشورهای اسلامی است.

(حجاب آزادی یا اسارت، ص ۱۷۸)

• در بعضی از کشورها بخصوص اروپای شمالی و کشورهای اسکاندیناوی، غوغایی است از کثرت نقشبها و آهنگهای جدید در گسترش فساد جنسی یک زن و مرد، چیزهایی که یقیناً گفتن و شنیدنش برای مردان و زنان شرم آور است. یعنی واقعاً اگر کسی بگوید، ماها خجالت می کشیم، حتی گوش کنیم، اگر یکجا نوشته شده باشد، خجالت می کشیم، بخوانیم، دنیا، اینچور دارد بسمت انحطاط و فساد پیش می رود. بد خوابی دیده اند برای بشریت. دارند پول صرفش می کنند. متخصصین روانشناس، طراحان گوناگون، سیاستمدارها، دستگاههای اطلاعاتی در پشت قضیه، نه فقط برای اینها، برای همه دنیا دارند طراحی می کنند، تا این آتش شهوت زن و مرد را، هی تیزتر و تندتر کنند این، برای استکبار جهانی و قدرتمندان عالم، امروز یک ضرورت است، به آن احتیاج دارند برای سرمایه داران بزرگ این ضرورت است. به آن احتیاج دارند.

• بدون شک آنچه که به عنوان آزادی زن مطرح می شود، ریشه های شهوانی و اخلاقی داشته است. زن را آزاد می کنند و آزاد می گذارند، تا بیشتر خودنمایی کند، تا بیشتر صحنه را برای بهره برداری های نامشروع مرد آماده کند. این چه آزادی است؟ به زن میدان میدهند نه برای اینکه استعدادهای نهفته بشر را که او را به کمال می رساند آشکار کند این برایشان مطرح نیست. بلکه به زن میدان می دهند برای اینکه آن جنبه خاص خلقت زنانه که یکی از رازهای مهم طبیعت است، و جاذبه زن برای مرد که به شکل قانونی و در چارچوب مقررات باید استفاده شود و اگر نمی بود بقای نوع بشر امکان نداشت، به شکل غیرقانونی و نامشروع و به طور غلط مورد بهره برداری مردان قرار بگیرد این همان ظلمی است که در طول تاریخ وجود داشته و امروز هم با گذشت زمان بیشتر می شود.

• الگوی غربی امروز اروپایی برخاسته و زائیده از الگوی باستانی رومی یونانی آنهاست، امروز هم اینچور بود که زن وسیله ای برای تکلیف و اتناذ مرد بود، همه چیز تحت الشعاع این، امروز هم این را می خواهند. غربی ها حرف اصلی شان این است. آنها با چه چیز زن مسلمان بیشتر دشمنند؟ با حجاب او، آنها با حجاب دشمنند، با این چادر شما، با این حجاب صحیح و متقن شما از همه چیز بیشتر دشمنند. چرا؟ چون فرهنگ آنها این را قبول ندارد. اروپاییها اینچورند. آنها می گویند هرچی ما فهمیده ایم دنیا باید از ما تقلید کند. جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم مایلند که غلبه بدهند. آنها می خواهند زن به سبک اروپایی که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انتظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس و این چیزها را می خواهند در جامعه به وسیله زنان رواج بدهند. هر جا با این هدف گیری غربیها مخالفت بشود فریادشان بلند می شود. کم طاقتم هم هستند، کم ترین مخالفتی با مبانی پذیرفته ی خودشان را همین مدعیان غربی تحمل نمی کنند. همه جای دنیا را هم توانسته اند تحت تاثیر قرار بدهند، مگر محیط های واقعی اسلامی را.

• زن باید پرورش اسلامی پیدا بکند. در علم، در فرهنگ، در سیاست، در همه چیز، در میدانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همه جا برود، پشتاز باشد، اما در مسائل شهوانی و جنسی ملعبه ی دست این و آن نشود.

• آنها برای اینکه از زن آنچنان موجودی که موردنظر خودشان هست به وجود بیاورند محتاج اینند که دائماً مد درست کنند. چشمها و دلها و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه نظرنه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد به ارزشهای واقعی کی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی کند برسد. حدیث ولایت، جلد ۵، ص ۲۱۴ تا ص ۲۱۹

• در اسلام حجابی بین زن و مرد وجود دارد، این را نمی شود منکر شد. این حجاب هست؛ این هم طبق حکمتی است که واقعاً صحیح این حجاب باشد این که بگویند چنانچه زن و مرد در اتاقی هستند که پرده کشیده و در بسته است، این حرام است؛ یک معنای عمیق و حکیمانه دارد. این درست است.



جدول زیر حضور زن را در فیلم های قبل از انقلاب نمایش می دهد در ۶۱۰ فیلم سالهای ۴۸ تا ۵۷ یعنی دوران آزادی او بی حجابی زن، نقش های انسانی زن یعنی دانشجو و محصل، مالک، مدیر و معلم ۲۶ عدد و حضور زن در نقش های رقاصی و خواننده، فاحشه، شافل در کاباره، ۷۶ عدد است.

تعدادفیلمها	شغل زنان در فیلم های قبل از انقلاب در ایران
۵۵	خانه دار
۴	دانشجو و محصل
۵۲	رقاصه و خواننده
۲۲	فاحشه
۸	هنرمند و نویسنده
۱۰	شافل در کاباره
۱۶	کارگر و مشاغل همدریف
۱۵	بیکاره
۷	مالک و مدیر
۴	کارمند
۵	پرستار
۶	معلم
۱۹	غیره

رای و نمایندگی مجلس هم که مذهب است مفتضح شده است. و حتی مردها را در آن حقی نیست. و اسلام را بی نیست - پس در حقیقت چه کرده ایم؟ به زن تنها اجازه تظاهر در اجتماع را داده ایم، فقط تظاهر. یعنی خوننمایی. یعنی زن را که حافظ سنت و خانواده و نسل و خون است به ولنگاری کشیده ایم. به کوچه آورده ایم. به خوننمایی و بی بندوباری واداشته ایم. که سر و رو را صفا بدهد و هر روز ریخت یک مد تازه را به خود ببندد و ول بگردد. آخر کاری، وظیفه ای، مسوولیتی در اجتماع شخصیتی؟! ایها - جلال آل احمد، غریبزدگی، ص ۱۰۱ تا ۱۰۲

همه به عنوان یک مرد و یک زن، به خودشان که مراجعه کنند، تصدیق می کنند که این حکم، حکم درستی است. کسی نمی تواند انکار بکند و بگوید این حکم، حکم درستی نیست. این که می گویند زن آرایش کرده و با زینت، جلوی مردها و در مجامع مردها ظاهر نشود، حکم درستی است. فرهنگ غربی درست ضد این است. می گویند زن خودش را به بهترین وجهی که می تواند، زیبا کند. حتی زیبایی هایی که ندارد، به خودش بچسباند! این گونه است دیگر. خیلی از وسایل آرایش، برای دادن زیبایی های مفقود، به یک زن فاقد آن زیبایی هاست، برای این که در مقابل مرد، مرد او را زیبا ببیند و به او گرایش پیدا کند! با این که این گرایش لحظه ای است، یعنی اگر آن مرد نزدیک این زن بیاید، خواهد دید که واقعی نیست، اما همین که نگاه کند، زیبایی او را ستایش بکند! این، در فرهنگ غربی یک چیز مطلوب است.

دیدار با زنان نماینده مجلس شورای اسلامی، ۷۶/۴/۳۰

• چه ستم هایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستم هایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است، مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف گرایی و آرایش های بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله ی مصرف. این ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست، زیرا که او را به کلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منحرف می کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می شد البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود، لیکن بعدها باز غفلتهایی شده است، که باید نسبت به آن، حساسی برنامه ریزی کرد.

حکایت کشف حجاب، ج ۲، ص ۱۴۰

• در گذشته تاریخ هم به زن ظلم شده، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه گیر مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است که زن را وسیله التذاذ مرد معرفی کرده اند و اسمش را گذاشته اند آزادی زن، در حالیکه این در واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن است.

فرهنگ و تهاجم فرهنگی؛ برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری ص ۲۳۹

• زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند در همان حال تمام وسایل را برای لغزش او در متن جامعه فراهم کردند. زن را رها کردند و بی پناه گذاشتند... فکر کردند اگر زن را به ابتئال بکشاندند بهتر می توانند استفاده کنند.

همان، ص ۲۴۲

• در جامعه خودباخته ی نظام پلید پادشاهی ایران حقیقتاً از همه جوانب مظلوم بود اگر زن می خواست وارد مقوله علم بشود باید قید دین و تقوا و عفاف را می زد، مگر ممکن بود در دانشگاه ها و محیط های آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی، یک خانم مسلمان به آسانی حجاب و متانت و وقار خود را حفظ کند؟ مگر ممکن بود؟ مگر امکان داشت یک زن مسلمان در خیابانهای تهران و بعضی شهرهای دیگر با متانت و وقار اسلامی و یا حتی با حجاب نیمه کاره راحت راه برود و از گزند زبان و حرکت و هرزگان و دلباختگان به فساد و فحشای سوغات غرب مصون بماند؟! کاری کرده بودند که در این مملکت بطور غالب تحصیل علم برای زنها غیرممکن بود، الا موارد استثنائی یا با برداشتن حجاب خود و منحصر شدن از تقوا و وقار اسلامی. در میدان سیاست و در زمینه فعالیت های اجتماعی هم همین طور بود یعنی اگر زنی می خواست منصبی از مناصب سیاسی و اجتماعی را در ایران دوران پادشاهی داشته باشد باید قید عفاف و وقار و متانت زن اسلامی را می زد البته به این بستگی داشت که خود این زن جوهر و استعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست عنصر بود تا آن اعماق می لغزید. اگر خوشتن دار بود تا حدودی می توانست خود را حفظ کند.

همان، ص ۲۴۳ و ۲۴۴

• جمهوری اسلامی از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد غربی نخواهد رفت و این نکته را من عرض کنیم که سلطه واقعی قدرتها با سلطه فرهنگی است. یعنی اگر یک ملتی بتواند فرهنگ و باورهای خود و اعتقادات و رسوم و عادات و آداب و در مرحله بالاتر زبان و خط خود را در یک ملت دیگری نفوذ بدهد بر آن ملت مسلط است و سلطه او یک سلطه حقیقی است. کاری که در یک دوره ای در این دوپست سال گذشته فرانسویها با کشورهای دیگر کردند در یک دوره انگلیسی ها و در این اواخر هم امریکایی ها کردند، زبان و خط و فرهنگ خودشان و روشهای زندگی را که آنها قبول کردند به تمام کشورهایی که توانستند صادر کردند. فرهنگ مثل آب و هوا است، فرهنگ یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است، فرهنگ یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی اجتماعی، داخل خانه و داخل محیط کسب مردم یک جامعه با آنها روبروست. جمهوری اسلامی فرهنگ غربی را رد کرد. گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم. اسلام تکلیف مسلمانها را در معاشرت آنان معلوم کرده است. همچنین است در کیفیت زندگی فردی، خورد و خوراکه لباس پوشیدن، درس خواندن، روابط آنان با حکومت و معاملات که اسلام معین کرده است. ما اینها را نمی خواهیم از غربی ها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی از اول این را نشان داد.

حدیث ولایت، ج ۸، ص ۲۱۴ تا ۲۱۹

علم هم تجربه کرده است ...

■ امام رضا (علیه السلام) درباره ی فلسفه حجاب می فرماید:
«حرم النظرة الى شعور النساء ... لما فيه من تهيج الرجال و ما يدعو الى التهيج الى النساء و الدخول فيما لايجل»

حرام شد نگاه به موهای زنان برای آنکه اگر موهای آنها در برابر مردان نامحرم آشکار شود باعث تحریک و جلب توجه خواهد شد و این جلب شدن مردان به زنان، فساد و بی بندوباری را به دنبال دارد و سبب می شود که مردم در کارهای حرام وارد بشوند. (محمد علی کریمی نیا - حجاب دختران ص ۱۷)

◆ ضرورت حجاب و پوشیدگی از دیدگاه روان شناسان

هنگامی که ضرورت حجاب یا از روی نادانی، و یا به سبب اغراض سیاسی به عنوان نشانه ای از اسارت زن تبلیغ می شود، حداقل باید روشن کرد که: حقیقت علمی و تجربی غیر از این می گوید (آیا حجاب ضرورت دارد؟ دکتر شهریار روحانی، ص ۴۸)

تحقیقات روانشناسی نشان داده است که پوشیدگی زنان ریشه ی روانی دارد، و برای رشد و بلوغ روانی آنان ضروری است. کسانی که علت تفاوت در پوشش مردان و زنان را نشانی از برتری جویی یا دلیل نابرابری حقوق زن و مرد و یا نشانه ای از اسارت زنان می دانند از این حقیقت غفلت کرده اند که ضروریات بلوغ روانی مردان و زنان در مرحله ای از یکدیگر جدا شده و بر خلاف تبلیغات عوامانه، «پوشش» مناسب برای زنان به تفاوت مراحل رشد روانی آنان باز می گردد و ریشه در فطرت انسانی دارد. (همان منبع، ص ۸۹)

■ ■ مراحل رشد انسان:

مراحل رشد آدمی به ۵ مرحله تقسیم بندی می شوند و کودک در هر مرحله از رشد، نیازها و خواسته های مخصوصی دارد که چنان چه در هر مرحله، نیازهای روانی کودک به اندازه و از مجرای صحیحی برآورده نشود، کودک دچار عارضه ی «توقف شخصیت» شده یعنی تا پایان مدت عمر در جست و جوی نیازهای همان مرحله بوده و حالات آن دوران را بروز می دهد (همان - ص ۱۳)

این مراحل عبارتند از:

- ۱) مرحله گیرندگی غیر فعال
- ۲) مرحله گیرندگی فعال یا رشد احساس های بچگانه
- ۳) مرحله رشد عضلانی
- ۴) مرحله تحرک و آغاز تشخیص هویت یا دوران نهان تناسلی
- ۵) کمال هویت زنان یا مردان

با اندک تفاوتی در نام گذاری، این ادوار مورد قبول و توافق اکثر روانشناسان رشد می باشد. مثلاً فرویدبست های جدید این پنج مرحله را با اصطلاحات مانوس و درخور مکتب خود به صورت: مرحله دهانی اول و دوم، مرحله مقعدی، مرحله تناسلی پنهان و بالاخره مرحله تناسلی نام گذاری کرده اند (همان، ص ۱۱)



■ ■ توقف شخصیت

در مرحله چهارم که «مرحله ی تحریک یا دوران نهان تناسلی» نام گذاری شده، تفاوت رفتار پسران با دختران در نحوه سلوک اجتماعی یا برخورد با اشیاء بیرونی و محیط پیرامون خوش آشکار می شود و «مهم ترین مرحله در بازشناسی اثر حجاب همین مرحله است». پسران در این مرحله حالت تهجمی و به ظاهر ستیزه جویانه می گیرند و تمایل آشکاری برای تسلط و تفوق بر دیگران از خود بروز می دهند اما دختران درست در جهت مخالف پسران حالت «جذب» و «پذیرش» دارند و قدرت جلب توجه دیگران را از خود بروز می دهند. علاقه به پوشیدن لباسهای زیبا، و آرایش کردن و... از ویژگی این دوره است دختران بر اثر «توقف شخصیت» در این مرحله به موجوداتی کاملاً گیرنده تبدیل شده و همیشه اسیر جلب توجه دیگرانند.

ولی در صورتی که فرد در این مرحله نمانده و به مرحله پنجم که «مرحله تکامل بلوغ و تعیین هویت انسانی» نام گذاری شده است صعود کند، به جای تمایل برای جذب همگان و صرف تمام وقت و نیروی حیاتی در این راه، تنها به یک مرد - همسرش - توجه کرده و بقیه توانایی های جسمی و روحی خود را صرف سازندگی می کند.

زنان در این مرحله علاوه بر قدرت گیرندگی، توانایی پروراندن یافته، در همین حال تمایل به جذب و جلب توجه دیگران در آنها کم می شود. ولی توقف شخصیت در مرحله ی چهارم موجب می شود تا زنان از قدرت تمرکز برای مادری و عشق ورزیدن (به همسر و فرزندان) عاجز مانده و صرفاً به موجودی مبدل می شوند که دائماً در بند جلب توجه دیگران است. (همان / ص ۲۳ و ۲۴)

توقف در شخصیت زنان در حقیقت نوعی بیماری است که تمام قدرت و توانایی زنان را می بلعد و موجب صرف همه ی استعدادهای آنان در آراستگی ظاهری و زیبایی صوری برای جلب دیگران می شود، به زودی انزوا و استیصال ناشی از این عطش بی پایان بدون استثناء حرامن و سرخوردگی و فقدان مهرورزی و عدم توجه به حقایق دیگر زندگی را در بردارد. (برگرفته از همان / ص ۵۵)

■ ■ نزول شخصیت

در هر یک از مراحل رشد، چنانچه کودک و نوجوان و یا حتی فرد بالغ تحت فشار شدید روانی قرار گیرد، گاهی دفعاتاً به مراحل ابتدائی تر رشد نزول می کند. این عکس العمل را نزول شخصیت می گویند.

■ ■ نزول شخصیت در زنان بالغ

زنان نیز همانند بسیاری از انسان های دیگر به علت اختلال معمول در روانشان در صورت برخورد با مشکلات روحی به مرحله ابتدائی تری از رشد روانی نزول می کنند. بی تفاوتی، سردی، و کم توجهی شوهران یکی از علل این نزول شخصیت است. در چنین حالی زن از نظر روانی سقوط کرده و غالباً به یکی از مراحل خصوصاً مرحله چهارم رجوع می کند. زن برای مقابله با عدم اعتماد و امنیت نسبت به همسر خویش به عرضه خود پرداخته و سعی می کند از طریق جسمانی توجه همسر را جلب کند و در صورت عدم موفقیت، برای اثبات مقبولیت و زن بودن خود به آرایش و نمایش جسمانی در انتظار می پردازد تا تأثیری را که از همسر دریافت نکرده است از اجتماع کسب کند، به عبارت دیگر بی توجهی و بی حمیتی شوهران در بسیاری از موارد منتهی به بی بندوباری و نزول شخصیت زنان خواهد شد. (همان منبع / ص ۳۷ و ۳۸)

تمایل به تسلط بر همگان و تصاحب همه زنان و کله شقی و نفوذناپذیری در مردان، و خود آرایی برای همگان و اسارت برای جذب دیگران در زنان، اطوار زنانه از مردان و اداهای مردانه از زنان، همگی نشانی از عدم بلوغ روانی هستند. (همان منبع / ص ۳۳ و ۳۲)

■ ■ قوانین طبیعت

برخی از جامعه شناسان حجاب و پوشش زن را مقتضای طبیعی جامعه بشری معرفی کرده اند. مونتسکو می نویسد: «قوانین طبیعت حکم می کند زن خوددار باشد» زیرا مرد با تهور آفریده شده است و زن نیروی خودداری بیشتری دارد بنابراین تضاد بین آنها را می توان با حجاب از میان برد و بر اساس همین اصل، تمام ملل جهان معتقدند که زنان باید حیا و حجاب داشته باشند. (به نقل از روح القوانین، مونتسکو، ترجمه علی اکبر مهدوی، ص ۱۰۱)



■ ■ جاذبه زن و مرد

دانشمندان آلمانی به وسیله آزمایشاتی ثابت کرده اند که امواج نامرئی الکتریکی مثبت از مردان و الکتریسته منفی از زنان ساطع می شود و بر طبق آن یکدیگر را جذب می کنند. (از کتاب برای چشمهایت ص ۳۱)

در میان کلیه موجودات عالم اعم از انسان و حیوان و غیره اینها رابطه ی مغناطیسی و الکتریک «قوه جاذبه» وجود دارد و به وسیله آن یکدیگر را جذب می کنند. (آیت الله مصطفی نورانی، سعادت خانواده در ازدواج، ص ۱۳۶)

الکتریسته و جاذبه مثبت که در مرد و جنس نر بطور کلی موجود می باشد، جنس مقابلش را که دارای الکتریسته منفی است به طرف خود می کشاند و آنرا بسوی خود جذب می نماید و این نیروی موجود چیزی است که هیچ عاملی نمی تواند از آن جلوگیری به عمل آورد زیرا آن یکی از بزرگترین نوایس طبیعی به شمار می رود و یگانه وسیله برای دوام و بقای نسل می باشد، اما باید به این موضوع توجه داشت که الکتریسته و قوه مغناطیسی یا جاذبه در شرایط خاصی بوجود می آید و هرچه این شروط مهیاتر باشد نتیجه یا راندمان آن بیشتر خواهد بود. (از کتاب برای چشمهایت ص ۳۲ و نیز سعادت خانواده در ازدواج، ص ۱۳۶)

■ ■ انحراف روانی

کلیه روانشناسان چشم چرانی را یک نوع انحراف روانی قلمداد می کنند (vojeurism و Inspectionhism) این انحراف هرگاه در کسی بوجود آید قابل توقف نخواهد بود و هر لحظه بر میزان آن افزوده خواهد شد.

یک فرد چشم چران هرگز با چند ساعت چشم چرانی نمودن در روز قانع نمی شود و این حالت کم کم در او یک حالت وحشیانه و حیوانی خاصی به وجود می آورد و رفته رفته او را به یک بیماری و انحراف روانی دیگر به نام (vojeurisme) مبتلا می سازد.

در این حال بیمار از تماشای بدن عریان و... لذت می برد و این مرحله مقدمه ایجاد سادیسم است. (از کتاب برای چشمهایت ص ۳۴)

اصولا اکثر بیماری جوانان از این ره گذر آغاز می شود زیرا چشم می بیند و دل می خواهد و قلب برای بدست آوردن خواسته خود فعالیت می کند و روح تسخیر می شود و چون کار به جایی نمی رسد و جو طبیعی این رشته را پاره می کند و پاره شدن رشته ی این لذت عاما ایجاد یک عقده ی روانی می شود و روحش متزلزل می شود. (داستهای از چشم و نگاه، علی میر خلف زاده، ص ۱۷۸-۱۷۹)

■ ■ خودنمایی

یکی از بیماریهایی که در اثر عدم تعادل در استفاده از انگیزه جنسی بوجود می آید، بیماری خودنمایی است (exhibitionism) که حالتی است که شخص با نشان دادن قسمتی از بدن میل جنسی خود را ارضاء می کند نشان دادن بدن از طریق ماهواره، مجلات، فیلمها و... از این مواردند اینها سه دسته هستند.

الف) خفیفه افرادی هستند که با پوشیدن لباسهای عجیب و غریب و یا انتخاب رنگهای تند و زنده توجه دیگران را جلب می کنند.

ب) متوسطه، بیرون گذاشتن قسمتی از بدن

ج) حاد، منحرفین (برهنگان)

بیماری خودنمایی در زنان مشهورتر است. (کتاب روانشناسی و فرهنگ پوشش، ص ۴۳، انتشارات دانشگاه تهران)



علم هم تجربه کرده است ...

■ غریزه جنسی

غریزه جنسی در مواقعی که مناظر شهوت انگیز از قبیل تصاویر ننگین یا فیلم های سکسی با بدن های نیمه عریان در معرض دید انسان قرار گیرد به صورت انقلاب جنسی درمی آید که اگر مرتباً ارضاء شود از نظر تکرار و اگر ارضاء نشود از لحاظ وارد شدن شکهای مکرر به مغز و قلب بیماری هایی غیر قابل علاج را به وجود می آورد. پس غریزه ای که به حال قلبیان و انقلاب درآید و به موقع ارضاء نشود آثار بدی در ارگانیسم بدن به جای می نهد که غالباً درمان ناپذیر است. (از کتاب حجاب در ادیان الهی، ص ۴۴-۴۵ و از کتاب برای چشمانت، ص ۳۶)

■ ناراحتیهای عصبی

روانپزشکان در کسانی که مدتی گرفتار تحریکات جنسی بدون ارضاء شده اند بیشتر ناراحتیهای عصبی و (روان تنی) زیر یا پاره ای از آنها را ملاحظه کرده اند:

- ۱- دشواری در تنفس
 - ۲- درد در اطراف قلب
 - ۳- بالا رفتن طیش قلب
 - ۴- ضعف و خستگی و کوفتگی عمومی
 - ۵- درد و مالش معده
 - ۶- سر درد
 - ۷- هراس و دلهره از خطرات غیر قابل توصیف
 - ۸- بی قراری و نا آرامی
 - ۹- بی خوابی
 - ۱۰- کم اشتها
 - ۱۱- خستگی فکری و دماغی
- (جوانی پر رنج ص ۳۳۵؛ به نقل از کتاب برای چشمانت ص ۳۶ و ۳۷)

■ عوارض پوشش نامناسب

بعضی با دیدن فرم لباس که بدن را نمایان می سازد، تحریک می شوند، برجستگی های بدن اگر در لباس ظاهر شوند، مرد آنها تعمیم داده و لذت می برد. اینجاست که نشان دادن برجستگی های بدن یا لباس هماتند عریان بودن است.

بعضی با دیدن افراد چاقی و بعضی با دیدن افراد لاغر تحریک می شوند، و بعضی با نوع راه رفتن و ... همه از این موارد اند. (روانشناسی رنگه، ص ۶۵، دکتر مارکس لوتر) بسیاری از تجار بزرگ جهان، از زن برای فروش کالا استفاده می کنند، عکس بدن آنها را روی جوراب و... می اندازند یا او را در کنار اشیا قرار می دهند، مردها در حقیقت عکس زن را می خرند نه کالا را! (از نظر فروید مرد با دیدن تصاویر و عکس ها که نمایانگر چیزی از زن باشد لذت برده و ارضاء می شود). (ص ۶۵ روانشناسی در خدمت سیاست، زیگموند فروید)



از زبان آمار

■ پرو فسور سیمور هالک مدیر قسمت روانی دانشگاه ویسکانس؛ فقط در این دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰ دانشجوی به کلینیک بیماریهای روانی مراجعه می کنند. نه تنها من و همکارانم بلکه اکثر روان شناسان دانشگاه های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده اند.

مجله SCIENCE DIYEST، ص ۲۷

■ دختران همین که به سن بلوغ می رسند گویی ذاتاً در مقابل پسران پاکدامنی پیشه می کنند اما فرهنگ ما به آنان می آموزد که این یک مشکل است. در جوامع ساده تر که پاکدامنی هرگز تضعیف نشده، زنان جوان حیای بیشتری دارند.

فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، وندی شلیت

■ تجاوز به عنف (به زور) از هر ۳۴ دقیقه یک فقره به هر ۱۴ دقیقه (یک فقره) رسیده، طبق نوشته مجله آمریکای نیوزویک هر ساله دهها هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفاده های دیگر قرار می گیرند این آمار مربوط به دو دهه ی گذشته است اکنون این آمار به طور وحشتناکی افزایش یافته است.

فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، وندی شلیت

■ طبق آمارگیری در انگلستان ۴۱٪ زنان ۱۶ تا ۳۰ ساله از اینکه احتمالاً مورد تجاوز قرار گیرند همیشه و به طور دائم بسیار نگران هستند بیش از ۱۱٪ از زنان انگلیسی معتقدند که به هر حال یک روزی از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت، ۴٪ زنان از آزرهای هشدار دهنده تجاوز جنسی استفاده می کنند و ۷٪ از زنان کلاس های دفاع از خود دیده اند.

روزنامه جمهوری اسلامی ۶۴/۹/۲۳

■ طبق آمار ۹۰٪ بزهکاران جوان ۱۴ تا ۲۵ سال از میان خانوادگی از هم پاشیده بر خواسته اند. در جهان حدود ۹۰ میلیون جوان زیر ۲۰ سال از خانوادگی طرد شده اند، بدون خانه و کاشانه حیران در خیابانها زندگی می کنند. در آمریکا از هر ۴ نوزاد یکی نا مشروع است. تنها در سال ۱۹۷۹ بیش از ۵۹۷۰۰۰ کودک نامشروع در آمریکا متولد شده اند. در سوئد ۷ میلیون، سالانه ۲۷۰۰۰ کودک نامشروع متولد می شوند.

عوامل فساد ص ۸۵، داستانهایی از پوشش و حجاب ص ۸۲

■ من در سال ۱۹۷۵ به دنیا آمدم و همه گونه مشکلاتی را که زنان با آن روبرو هستند درک کرده ام، از بی اشتیاهی عصبی تا تجاوز توسط دوست پسر، از عدم امنیت محض در خیابانها تا داستان هایی در باره مزاحمان و مزاحمت های خیابانی، از دختران نوجوانی که به گونه ای اسفبار خود را باردار می یابند تا زنان سی، چهل ساله ای که تومیدانه با مشکل عدم باروری مواجه هستند. تنها می توانم بگویم که این فرهنگ با زنان مهربان نبوده و حتی در همان لحظه ای که انرژی اجتماعی و سیاسی بسیار فراوانی را برای درمان مشکلات آنان صرف نموده نیز با آنان مهربان نبوده است.

فمنیسیم در امریکا سال ۲۰۰۳، وندی شلیت

■ بدیهی است وقتی اجازه داریم هر کاری آزاد باشد، آزار جنسی، مزاحمت ها، و تجاوز به عنف هم افزایش پیدا می کند، جامعه ای که علیه شرم و حیا اعلام جنگ کرده، دشمن زنان است.

کتاب فمنیسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۶



■ در سال ۱۹۹۳، بیش از ۴۲۰۰ دانش آموز دختر به مجله سون تین گزارش دادند که پسرها آنها را مورد حرکات تحریک آمیز قرار داده اند. پژوهشگران دانشکده ولسی پس از انتشار این مطلب دریافته اند که در حدود ۴۰ درصد دختران هر روز و ۳۹ درصد به طور هفتگی مورد آزار جنسی قرار می گیرند. بیش از دو سوم این مزاحمت ها در انظار عمومی صورت می گیرد و حدود ۹۰ درصد آنان مورد رفتار و گفتار تحریک آمیز جنسی قرار می گیرند.

همان، ص ۲۰

■ به گفته شلیت، برنامه زندگی خانوادگی در ایالت نیوجرسی، با آموزش مسائلی مانند کنترل زایمان، سقط جنین... و بلوغ از مهد کودک آغاز می گردد

الکساندر سنجر (مسئول سازمان والدین شهر نیویورک که در سال ۱۹۹۸) در روزنامه دپلی نیوز می نویسد: ۷۵ درصد نوجوانان آمریکائی قبل از پایان تحصیلات متوسطه رابطه جنسی دارند. در نیویورک بیش از ۵۴ هزار نوجوان بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی باردار می شوند.

همان، ص ۲۲

■ قبلاً ۱۳ درصد زنان جوان می گفتند فشار دوستان آنان را وادار کرده برای نخستین بار رابطه جنسی برقرار کنند در حالیکه اکنون این رقم به بیش از یک سوم رسیده است.

مرکز پژوهش افکار دانشگاه شیکاگو سال ۱۹۹۵

■ بر اساس پژوهشی که دکتر آنت لاسون در سال ۱۹۹۸ پیرامون خیانت به همسر انجام داده است، ۱۸ درصد شوهران بریتانیائی مرتکب خیانت شده اند. رقم مشابهی نیز در مورد ایالت متحده وجود دارد.

فمنیسیم در امریکا سال ۲۰۰۳، وندی شلیت، ص ۳۶

■ فرانسیس ویلارد که یک مسیحی ثابت قدم بود و در تبلیغ دینش ید طولانی داشت، اولین کسی بود که جنبش زنان را پایه ریزی کرد (در سال ۱۸۸۰)، او سخت کوشید تا امتیازات بیشتری را برای زنانی که حقوق آنان به طرز خشونت باری نقض شد، کسب نماید. زنان به خاطر تحریف ارزش های اخلاقی توسط مردان، برای مدتهای طولانی قربانی جریان قراردادی ناجوانمردی ها بودند. و می نویسد: وقتی در ماساچوست و ورمونت جرم دزدیدن یک گاو از جرم تجاوز به یک دختر سنگین تر است و یا در ایلینویز تجاوز اصولاً جرم محسوب نمی شود به این نتیجه می رسیم که (ما زنان) مدتهای طولانی است که قربانی فرومایگی هستیم.

فمنیسیم در امریکا سال ۲۰۰۳، وندی شلیت، ص ۳۶

■ ۷۲ درصد از جنایتکاران نوجوان بدون پدر بزرگ شده اند و آمارها نشان می دهد که ترک تحصیل، خودکشی و سایر رفتارهای ناپهنجار بیشتر در میان نوجوانانی رخ می دهد که فاقد پدر بوده اند.

همان، مقاله فمنیسیم و مذهب، ص ۹۰

■ در سال ۱۹۹۰ کارول گیلیگان، مسئول علمی دانشگاهی، اعلام کرد: دختران آمریکائی از نظر روانی «تهی» از نظر اجتماعی «ساکت» و از نظر تحصیلی «عقب افتاده» هستند.

همان، ص ۱۰۶

■ مری پایفر، روانشناس بالینی، به نقل از مرکز کنترل بیماریها در آتلانتا می نویسد: میزان خودکشی در میان کودکان ده تا چهارده ساله در فاصله سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۸، ۷۵ درصد افزایش یافته پایفر اعلام می کند: در میان دختران در سال ۱۹۷۹، ۴۸ مورد و در سال ۱۹۹۸، ۶۱ مورد خودکشی وجود داشته است. در مورد پسران این رقم از ۱۰۳ مورد به ۱۷۶ مورد افزایش پیدا کرده است.

همان، ص ۱۰۸

■ هیلاری کارلیپ آمریکائی در کتاب دختران می نویسد: از بیشتر نوشته های دختران چنین بر می آید که آنان پیوسته احساس می کنند با رفتارهای خشونت آمیز به آنان بی احترامی می شود. این رفتارها به صورت های گوناگون مانند مزاحمت های جنسی، اذیت و آزار روانی، آزار جسمی و کلامی و تجاوز به عنف دیده می شود. مزاحمت های جنسی، نگرانی روزانه آنها محسوب می شود و بیشتر دختران حتی برای تنها قدم زدن در خیابان احساس امنیت نمی کنند.

کتاب فمنیسیم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۱۸



حجاب در قرن ۲۱

حجاب در قرن ۲۱

وقتی حجاب جهانی می شود



نورا گاباله اولین رئیس جمهور
زن مسلمان در اروپا



نورا گاباله: هدف ما متمرکز ساختن
نقش زنان مسلمان در خانواده و
کارشان در جامعه است.

♦ زنان مسلمان در مالزی



◆ زنان مسلمان در فرانسه



تصویر دو دختر مسلمان فرانسوی در کنار پدرشان



◆ زنان مسلمان در ژاپن



◆ زنان مسلمان در استرالیا



وقتی حجاب جهانی می شود

◆ زنان مسلمان در اندونزی



◆ زنان مسلمان در آفریقا



به خاطر حجاب

دستگیری زن ترکیه ای
معارض به قانون منع حجاب،
و انتقال وی به زندان

خانم روالد (نویسنده):

یک راهبه مسیحی که حجاب دارد، در نظر غربیان،
نماد آرامش، پاکی و خلوص مذهبی است؛ ولی یک
زن مسلمان با حجاب، نمادی از ستم بر زنان و یا
سیاست های تعصب آمیز تلقی می شود.

■ تظاهرات اعتراض آمیز زنان علیه قانون منع حجاب



دختران مسلمان فرانسه



دختران مسلمان لندن



دختران مسلمان لبنان



خانم روالد (نویسنده):

زن با حجاب به طور دائم، مخالفت عملی خود با معیارهای اجتماعی حاکم در غرب را نشان می دهد.



هاله افشار یک خانم فمینیسم:

زنان با حجاب معتقدند حجاب، آنها را ناظر بر دیگران می کند و نه دیگران را ناظر بر آنها، و ایشان را از تحمیل های صنعت مد و فشارهای افسانه زینا بودن آزاد می کند. به قول خانم روالد، دلیل اصلی مسلمانان فراتر از همه اینها است و آن وظیفه شرعی آنان است.



تظاهرات اعتراض آمیز زنان علیه قانون منع حجاب
در کشورهای مختلف اروپایی



پس چرا لباس راهبه پوشیدن، یا کلاه و لباس یهودی داشتن، یا عمامه داشتن سبک‌ها در اروپا به راحتی پذیرفته می‌شود؟!؟



واما امروز...

واما امروز...

- رعایت حجاب یکی از محورهای انسجام اسلامی است .
- حجاب و عفاف یکی از محورهای زندگی قرآنی است .
- همه ما شاهد مبارزه زنان محجبه مسلمان در کشورهای مختلف غربی و مقاومت و ایستادگی ایشان در برابر انواع محرومیتها و ممنوعیتها هستیم و این یعنی بازگشایی جبهه جدیدی علیه استکبار جهانی با محوریت پیام و دستور قرآن کریم مبنی بر لزوم عفاف و حجاب.





- در این کتاب از تمامی زوایای ممکن، به موضوع پوشش و عفاف نگاه شده است.
- این کتاب، پوشش و عفاف را نه تنها از منظر اسلام عزیز بلکه از ۱۸ منظر مختلف درون دینی و برون دینی مورد بررسی قرار داده است.
- چگونگی ورود به بحث و انتخاب گفتمانی جدید در این حوزه از مزیت های منحصر بفرق این کتاب بشمار می رود.
- خواندن این کتاب را به اساتید، معلمان، دانشجویان، طلاب، دانش آموزان و همه علاقمندان به استدلال و منطق توصیه می کنیم.